



حقوق سازمانهای بین المللی

دکتر سید داود آقایی



از سری انتشارات آزمایشی متون درسی

حقوق سازمانهای بین المللی

دکتر سید داود آقایی

دانشگاه پیام نور

آقای، داود، ۱۳۳۳ - حقوق سازمانهای بین المللی / تألیف داود آقای. - تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۰. یازده، ۲۲۷ ص. - (دانشگاه پیام نور؛ ۸۵۶. گروه حقوق؛ آ/۷) (... سری انتشارات آزمایشی متون درسی) فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا. ۱. سازمانهای بین المللی - آموزش برنامه ای. ۲. روابط بین المللی - آموزش برنامه ای. الف. دانشگاه پیام نور. ب. عنوان. LC۵۸۰۸/الف ۹۷۸ کتابخانه ملی ایران	
۳۷۸/۱۷۵۰۹۵۵	۸۰-۵۱۵۰ م



دانشگاه پیام نور

- عنوان: حقوق سازمانهای بین المللی (گروه حقوق)
- مؤلف: دکتر سید داود آقای
- ویراستار علمی: حسن مرادی
- ویراستار ادبی: آذرمیدخت جلیل نیا
- طراح آموزشی: هاشم نعمتی
- حروفچینی، صفحه آرایی و طراحی جلد: مدیریت تدوین
- لیوگرافی: انتشارات دانشگاه پیام نور
- چاپ و صحافی: چاپخانه نگارش قم
- شمارگان: ۴۰۰ نسخه
- نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول اسفند ۱۳۸۰، چاپ سوم اسفند ۱۳۸۳
- شابک X - ۸۲۶ - ۴۵۵ - ۹۶۴
- ISBN 964 - 455 - 826 - X
- کلیه حقوق برای دانشگاه پیام نور محفوظ است.
- ناشر: دانشگاه پیام نور (با همکاری انتشارات دلیل)
- قیمت: ۱۳۶۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار ناشر

دانشگاه پیام نور بر اساس نظام آموزش از راه دور و کلاسهای نیمه حضوری پی ریزی شده است و سطح فراگیر دانشجویی آن، تقریباً، سراسر کشور را در بر می گیرد. این دانشگاه بر آن است که تا حد امکان با بهره گیری از فن آوری پیشرفته ارتباطات و اطلاع رسانی، گذراندن دوره های درسی و دسترسی به منابع درسی را در منزل، اداره یا مکانهای مناسب دیگر میسر سازد. در نظام آموزش از راه دور کتاب درسی خودآموز از جمله مهمترین لوازم آموزشی است. هم اکنون دانشگاه پیام نور، ضمن تلاش برای دستیابی به فن آوری پیشرفته اطلاع رسانی و ارتقای کیفی آموزش به سطح معیار موجود در دنیا، هم خود را صرف تدوین کتاب درسی خودآموز به شرح زیر کرده است.

۱. طرح درسنامه

طرح درسنامه منبعی درسی است که، پس از داوری علمی، با طراحی ساختار کتاب و بدون طراحی آموزشی و ویرایش منتشر می شود. ضرورت تهیه به موقع کتاب در هر نیمسال و طولانی بودن فرایند ارزیابی کار صاحب اثر، در عمل، باعث می شود که دانشگاه به انتشار چنین منابعی اقدام کند. درسنامه، در واقع، نخستین ثمره تحقیقات صاحب اثر بر اساس نیازهای درسی دانشجویان و سرفصلهای شورای عالی برنامه ریزی وزارت فرهنگ و آموزش عالی است که با ظاهری آراسته، تمیز و منظم، و با طراحی کتاب، چاپ می شود و در اختیار دانشجو قرار می گیرد. دانشگاه به منظور تقدیر از زحمات صاحب اثر برای طرح درسنامه به تناسب مقررات خود حق الزحمه ای پرداخت می کند. صاحب اثر بعد از چهار نیمسال تحصیلی بر اساس بازخوردهای اصلاحی مدرسان، دانشجویان، دیگر صاحب نظران در این منابع تجدیدنظر می کند.

۲. طرح آزمایشی

پس از تجدیدنظر صاحب اثر، که با دریافت بازخوردها و اصلاح نارساییهای درسنامه صورت می‌گیرد، کتاب با کمک متخصصان، ویرایش، طراحی آموزشی، و طراحی فنی - هنری می‌شود. طرح درسنامه به پیشنهاد دانشکدهٔ مربوط و از طریق مدیریت هماهنگی، تدوین و آماده‌سازی منابع درسی به صورت آزمایشی چاپ می‌شود. در هر حال، صاحب اثر در سلسله انتشارات آزمایشی نیز، همانند طرح درسنامه، پس از ۴ نیمسال تحصیلی با دریافت بازخوردهای مدرسان و دانشجویان در این منابع تجدیدنظر می‌کند.

۳. طرح قطعی

کتابهای آزمایشی پس از ۴ نیمسال، که صاحب اثر با دریافت نظرهای اصلاحی در کتاب تجدیدنظر می‌کند، در شورای انتشارات بررسی و در صورت تصویب به صورت قطعی چاپ می‌شوند. انتظار می‌رود که این کتابها، پس از ارزیابیهای مکرر حین تدریس و پس از ویرایش و طراحی آموزشی، از هر لحاظ خودآموز باشند و نیاز دانشجو را از لحاظ درک مطلب برآورده کنند. با وجود این، با توجه به تحولات سریع علم در دنیای امروز، بازخوردها، برخی اشکالات احتمالی، مؤلف باید در این کتابها نیز در حدود هر ۴ سال یک بار تجدیدنظر کند.

۴. متون آزمایشگاهی

این نوع کتابها دستورالعملهایی هستند که دانشجویان با استفاده از آنها و با راهنمایی مربیان می‌توانند کارهای عملی را در آزمایشگاه انجام دهند.

۵. کتابهای کمک درسی و فرادرسی

دانشگاه پیام نور، به منظور مشارکت در غنی‌تر کردن منابع درسی دانشگاهی در سراسر کشور، یادگیری بیشتر و مؤثرتر دانشجویان، و نیز به منظور فراهم آوردن منابعی برای پیشبرد سطح علمی پژوهندگان، محققان و مربیان، کتابهای کمک درسی و فرادرسی، منتشر می‌کند.

فهرست

مقدمه

راهنمای مطالعه کتاب

هدف کلی کتاب

نه
یازده

بخش اول کلیات سازمانهای بین المللی

هدفهای کلی بخش اول

هدفهای آموزشی

تعریف و ویژگیهای سازمانهای بین المللی

دسته بندی سازمانهای بین المللی

شخصیت حقوقی سازمانهای بین المللی

صلاحیت سازمانهای بین المللی

وظایف سازمانهای بین المللی

عضویت در سازمانهای بین المللی

مزایا و معصونیتهای سازمانهای بین المللی

انواع معصونیتهای سازمانهای بین المللی

انواع مزایای سازمانهای بین المللی

کارمندان سازمانهای بین المللی

منابع مالی سازمانهای بین المللی

خلاصه مطالب

خودآزمایی

یادداشتها

۱

۱

۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۴

۱۶

۱۷

۱۷

۱۸

۱۹

بخش دوم سازمانهای بین المللی با صلاحیت جهانی

هدفهای کلی بخش دوم

۲۱

۲۱

۲۳	فصل اول جامعه ملل
۲۳	هدف کلی
۲۳	هدفهای آموزشی
۲۴	پیشینه
۲۵	هدفهای جامعه ملل
۲۶	دستگاه و ساختار تشکیلاتی جامعه ملل
۲۷	مجمع عمومی
۲۹	شورا
۳۲	دبیرخانه
۳۴	دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی
۳۶	شورای دائمی سرپرستی (قیمومیت)
۳۷	سازمان بین‌المللی کار (ایلو I.L.O)
۳۸	نقش جامعه ملل در حفظ صلح (۱۹۴۵-۱۹۱۹)
۴۲	علل شکست جامعه ملل
۴۷	ارزیابی دستاوردهای جامعه ملل
۴۸	خلاصه مطالب
۴۹	خودآزمایی
۵۰	یادداشتها

۵۳	فصل دوم سازمان ملل متحد
۵۳	هدف کلی
۵۳	هدفهای آموزشی
۵۴	تاریخچه تأسیس سازمان ملل متحد
۵۶	شکل اساسنامه
۵۷	هدفهای اصلی سازمان ملل متحد
۵۸	ترکیب اعضای سازمان ملل
۶۲	ارکان اصلی سازمان ملل
۶۲	مجمع عمومی
۶۸	شورای امنیت
۸۴	دیوان بین‌المللی دادگستری
۹۲	شورای اقتصادی و اجتماعی
۹۳	شورای قیمومیت
۹۴	دبیرخانه
۹۶	ارکان فرعی سازمان ملل متحد
۹۷	ارکان فرعی مجمع عمومی
۹۹	ارکان فرعی شورای امنیت
۱۰۰	ارکان فرعی شورای اقتصادی اجتماعی

۱۰۰	سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد
۱۰۱	۱. سازمان بین‌المللی کار (ILO)
۱۰۱	۲. سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO)
۱۰۲	۳. سازمان بهداشت جهانی (WHO)
۱۰۳	۴. سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (FAO)
۱۰۴	۵. صندوق بین‌المللی پول (IMF)
۱۰۵	۶. گروه بانک جهانی
۱۰۷	۷. سازمان تجارت جهانی (WTO) و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT)
۱۰۸	۸. اتحادیه پستی جهانی (UPU)
۱۰۹	۹. اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور (ITU)
۱۱۰	۱۰. سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ICAO)
۱۱۲	۱۱. سازمان هواشناسی جهانی (WMO)
۱۱۲	۱۲. سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)
۱۱۳	۱۳. سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)
۱۱۳	۱۴. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)
۱۱۴	۱۵. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)
۱۱۵	۱۶. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)
۱۱۷	ارزیابی سازمان ملل متحد
۱۱۸	موقعیت سازمان ملل متحد در نظم نوین جهانی
۱۲۱	خلاصه مطالب
۱۲۱	خودآزمایی
۱۲۲	یادداشتها
۱۲۵	بخش سوم سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای
۱۲۵	هدفهای کلی بخش سوم
۱۲۷	فصل اول سازمانهای اروپایی و آمریکایی
۱۲۷	هدف کلی
۱۲۷	هدفهای آموزشی
۱۲۸	جوامع اروپایی
۱۳۶	سازمانهای دولتهای آمریکایی
۱۳۹	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
۱۴۲	خلاصه مطالب
۱۴۳	خودآزمایی
۱۴۳	یادداشتها

فصل دوم سازمانهای آسیایی و آفریقایی و فرامنطقه‌ای

۱۴۵	هدف کلی
۱۴۵	هدفهای آموزشی
۱۴۶	سازمان کنفرانس اسلامی
۱۵۴	اتحادیه دولتهای عربی (اتحادیه عرب)
۱۵۷	سازمان وحدت آفریقا
۱۶۰	انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آ - سه - آن)
۱۶۳	سازمان همکاری اقتصادی (اگو)
۱۶۸	سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)
۱۷۰	شورای همکاری خلیج فارس
۱۷۶	جنبش عدم تعهد
۱۷۹	همکاری اقتصادی آسیا - پسیفیک (آپک)
۱۸۳	خلاصه مطالب
۱۸۴	خودآزمایی
۱۸۵	یادداشتها

پیوستها

۱۸۶	پاسخ خودآزماییها
۲۲۱	کتابنامه
۲۲۳	واژه نامه
۲۲۵	

راهنمای مطالعه کتاب

کتاب حقوق سازمانهای بین‌المللی برای آشنایی دانشجویان با محافل و سازمانهای بین‌المللی در سطح جهان تألیف و طراحی شده است و از سه بخش اساسی با عنوانهای زیر تشکیل شده است:

بخش اول: کلیات سازمانهای بین‌المللی،

بخش دوم: سازمانهای بین‌المللی با صلاحیت جهانی،

بخش سوم: سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای.

انتظار می‌رود دانشجویان با توجه به مراحل زیر این سه بخش اساسی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهند.

مرحله اول: برای آشنایی مقدماتی با حقوق سازمانهای بین‌المللی بهتر است دانشجویان با کلیاتی درباره سازمانهای بین‌المللی، که در ارتباط با تعاریف و ویژگیها و تقسیم‌بندی و شخصیتها و صلاحیتها و شرایط عضویت وظایف این سازمانهاست، در دو جلسه درسی آشنا شوند. بدین طریق کلیاتی را درباره حقوق سازمانهای بین‌المللی فرامی‌گیرند.

مرحله دوم: در این مرحله دانشجویان با سازمانهای بین‌المللی، مانند جامعه ملل، و سازمان ملل، به‌طور اختصاصی آشنا می‌شوند. حداقل دو جلسه درسی را باید به ویژگیهای جامعه ملل از نظر اهداف، ساختار تشکیلاتی (مجمع عمومی، شورا، دبیرخانه) و سایر ویژگیهای این نهاد جهانی اختصاص داد. در همین مرحله پس از آشنایی با جامعه ملل سازمان از نظر تاریخچه تأسیس و شکل اساسنامه، اهداف، ساختار تشکیلاتی مورد بررسی و ملاحظه قرار می‌گیرد که این قسمت هم دو جلسه درسی را شامل می‌شود.

مرحله سوم: مقایسه و تحلیل جامعه ملل با سازمان ملل متحد از نظر ابعاد مختلف برای دانشجویان می‌تواند یادگیری را کاربردی کند و حداقل یک جلسه درسی به این مرحله اختصاص

دارد.

مرحله چهارم: در این مرحله دانشجویان با سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای مانند سازمانهای اروپایی و آمریکایی و آسیایی و آفریقایی با توجه به اهداف و ویژگیهای هر یک از آنها آشنا می‌شوند. برای سهولت کار ابتدا حداقل دو جلسه درسی به سازمانهای اروپایی و آمریکایی (فصل اول بخش سوم) اختصاص دارد و سپس به بررسی سازمانهای آسیایی و آفریقایی، مانند سازمان کنفرانس اسلامی، سازمان وحدت آفریقا، اتحادیه عرب و ... پرداخته می‌شود. این قسمت هم می‌تواند دو جلسه درسی را به خود اختصاص دهد.

مرحله پنجم: در این مرحله به مقایسه، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری بین سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای (اروپایی و آمریکایی و آسیایی و آفریقایی) از نظر اهداف و ویژگیها و تفاوت و محاسن و معایب هر یک پرداخته می‌شود که حداقل یک جلسه درسی را می‌توان برای این مرحله در نظر گرفت.

مرحله ششم: در این مرحله انتظار می‌رود که دانشجویان با توجه به ساختار کتاب، که از کل شروع شده و بجز رسیده است، بتوانند مقایسه‌هایی از نظر اهداف و ساختار تشکیلاتی و وظایف سازمانها دست یابند و به استنتاج کلی درباره حقوق سازمانهای بین‌المللی برسند. برای این مرحله هم حداقل می‌توان یک جلسه درسی را در نظر گرفت.

در تمام مراحل به دانشجویان توصیه می‌شود که بعد از هر بخش و فصل به سوالات و تمرین خودآزمایی مربوط به آن بخش و فصل پاسخ گویند و سپس جوابهای خود را با پاسخ داده شده در انتهای هر فصل کتاب مقایسه کنند.

هدف کلی کتاب

با مطالعه این کتاب شما با کلیات سازمانهای بین‌المللی مانند جامعه ملل، سازمان ملل و سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای (سازمان اروپایی و آمریکایی، آسیایی و آفریقایی) از نظر حقوقی و از ابعاد مختلف مانند اهداف، ساختار سازمانی و ویژگیهای خواست هر یک از آن سازمانها آشنا می‌شوید.

غلطنامه کتاب «حقوق سازمانهای بین‌المللی»

تألیف: دکتر سید داود آقایی

صفحه	سطر	غلط	درست
۷۳	۲۰	انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری	حذف شود
۸۵	۳	تا سال ۱۹۸۳، مجموعاً ۶۷ اختلاف در آن دیوان بررسی شد که از میان این تعداد اختلاف ۴۲ رأی و ۱۸ نظر مشورتی صادر شد.	تا سال ۲۰۰۳، حدود ۷۰ رأی توافقی و ۲۲ رأی مشورتی صادر نموده است.
۸۵	۶	۲۰ قاضی	۱۵ قاضی
۱۰۷	۱۵	... اهداف زیر را دنبال می‌کند:	... اهداف زیر را دنبال می‌کرد:
۱۰۷	۲۳	... پیروی خواهد کرد:	... پیروی می‌نمود:

بخش اول

کلیات سازمانهای بین المللی

هدفهای کلی بخش اول

در این بخش دانشجو با کلیات سازمانهای بین المللی از نظر تعاریف و ویژگیها، شخصیتها، دسته بندیها، صلاحیتها، وظایف و شرایط عضویت و مصونیتهای سازمانهای بین المللی آشنا می شود.

هدفهای آموزشی

از خواننده انتظار می رود پس از مطالعه این بخش بتواند:

۱. ویژگیهای سازمانهای بین المللی (بین الدولی، غیردولتی) را با مشخصات خاص آنها نام ببرد.
۲. با انواع تعاریف سازمانهای بین المللی آشنا شود و بتواند تعریفی دقیق از آنها ارائه دهد.
۳. سازمانهای بین المللی را، از نظر اهداف و نحوه کار، تقسیم بندی و مقایسه کند.
۴. با شخصیت بین المللی سازمانها، یعنی حقوق بین المللی، صلاحیتها، اساسنامه و وظایف از نظر منشور ملل متحد آشنا شود.
۵. وظایف سازمانهای بین المللی را، از نظر اهداف، ساختار و کارکرد مقایسه کند و توضیح دهد.
۶. با شرایط عضویت در سازمانهای بین المللی آشنا شود و آنها را از نظر اساسنامه، حق عضویت، شرایط پذیرش، محدودیتها و سایر مبانی حقوقی مقایسه کند.
۷. با کلیات مزایا و مصونیتهای سازمانهای بین المللی آشنا شود و مقررات مربوط به آنها را بداند.
۸. انواع مصونیتهای سازمانهای بین المللی را تقسیم بندی و ویژگیهای هر یک از آنها را بیان کند.

۹. انواع مزایای سازمانهای بین‌المللی را از نظر معافیت تقسیم‌بندی کند و هر یک را توضیح دهد.

۱۰. با ویژگیها و مقررات مربوط به کارمندان سازمانهای بین‌المللی آشنا شود و بتواند آنها را از نظر تعداد ساختار سازمانی و وظایف مقایسه کند.

۱۱. تأمین مالی سازمانهای بین‌المللی را با توجه به منابع و وظایف و ارائه خدمات بیان کند.

تعریف و ویژگیهای سازمانهای بین‌المللی

تکوین سازمانهای بین‌المللی جدید مربوط به قرن نوزدهم است، اما کوشش برای توسعه و شکوفایی آنها در قرن بیستم صورت گرفت. در واقع، آنچه در قرن گذشته انجام شده بود صرفاً گرایشی بود که در قرن بیستم به برنامه‌ای عملی و منسجم تبدیل شد.

سازمان ملل متحد در قیاس با سلف خود، جامعه ملل، ساختاری پیچیده‌تر دارد. از سوی دیگر، تعداد سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی و منطقه‌ای از سال ۱۹۴۵ افزایش یافته و در حال حاضر تعداد آنها بالغ بر ۵۰۰۰ است. به همین نسبت نیز بر قدرت تأثیرگذاری آنها افزوده شده است، شواهد حاکی از آن است که این روند تداوم دارد و بر نقش مؤثر آنها در مجموعه روابط بین‌الملل افزوده می‌شود.

سازمانهای بین‌المللی جدید را می‌توان به سازمانهای بین‌الدولی و سازمانهای غیر دولتی تقسیم کرد. تأکید ما در این نوشتار بر سازمانهای گروه نخست است. ویژگیهای مشترک سازمانهای بین‌المللی غیردولتی غیرانتفاعی و بین‌الدولی عبارت است از:

۱. وجود تشکیلات دائمی برای انجام دادن وظایفی پیگیر و مستمر.
۲. عضویت داوطلبانه اشخاص یا کشورهای واجد شرایط.
۳. وجود سند (اساسنامه‌ای) که در آن هدفها، وظایف، ساختار و روش کار سازمان مشخص می‌شود.
۴. داشتن رکنی مشارکتی (مجمع عمومی) که در آن نمایندگان به صورت گسترده مشارکت دارند.

۵. دارا بودن دبیرخانه دائمی برای انجام دادن وظایف اداری، تحقیقاتی و اطلاعاتی مستمر.

سازمانهای بین‌الدولی قاعده‌تاً براساس عهدنامه‌ای معتبر تأسیس می‌شوند، و برای حفظ حاکمیت دولتهای عضو، عمدتاً در قالب همکاری و از طریق توصیه و نه اجبار و دستور عمل می‌کنند. سازمانهای بین‌المللی می‌توانند نقشهای مهمی را عهده‌دار شوند؛ با این حال وظیفه اصلی آنها فراهم آوردن وسایل همکاری میان دولتها در زمینه‌هایی است که این همکاری منافی برای همه یا اکثر دولتها به همراه داشته باشد. کارکرد دیگر سازمانهای بین‌المللی ایجاد ارتباط

بین دولتها به منظور شناسایی زمینه همکاری بین آنهاست.

یک سازمان بین‌المللی، نهادی بین‌المللی است که در نتیجه پیدایش و توسعه روابط بین‌المللی ایجاد شده است. «نهاد» به مجموعه تشکیلات، مقررات و سنتهایی گفته می‌شود که یک اجتماع یا گروه متشکل را مشخص می‌کند. هرگاه این اجتماع متشکل به جامعه بین‌المللی تعلق داشته باشد، یک «نهاد بین‌المللی» خوانده می‌شود. تأسیس هر نهاد بین‌المللی به منظور تنظیم و به قاعده در آوردن نوعی از روابط بین‌المللی است و این همان کاری است که سازمانهای بین‌المللی هم انجام می‌دهند. با این حال نباید نهادهای بین‌المللی را با سازمانهای بین‌المللی اشتباه کرد.

هر سازمان بین‌المللی یک نهاد بین‌المللی است، اما هر نهاد بین‌المللی الزاماً یک سازمان بین‌المللی نیست. در حقیقت سازمانهای بین‌المللی مرحله‌ای عالی از تکنیک تنظیم روابط بین‌المللی هستند که به گرفتن تصمیمات مؤثر به وسیله دوایری که به عنوان وظیفه اصلی عهده‌دار خدمات تخصصی هستند، منتهی می‌شوند. مثلاً سازمان ملل متحد هم یک نهاد بین‌المللی است و هم یک سازمان بین‌المللی.

خانم باستید تعریفی از سازمانهای بین‌المللی ارائه می‌کند که آن را ذکر می‌کنیم: «سازمانهای بین‌المللی دولتی تشکیلاتی هستند که به منظور برآوردن هدفهای مشترک از راه انجام دادن سلسله اقداماتی هماهنگ و مداوم بین دولتهای حاکم به وجود می‌آیند. این سازمانها دارای ارکان و اختیارات مخصوص به خود هستند و از حق تصمیم‌گیری مستقل نیز بهره‌مندند.» در تعریفی دیگر از سازمانهای بین‌المللی آمده است:

«سازمانهای بین‌المللی به تجمعی از کشورها اطلاق می‌شود که براساس یک سند تأسیس (معاهده) ایجاد می‌شوند و اعضای آن اهداف مشترکی را در نهادهای کارگزاریهای ویژه با فعالیت خاص و مداوم دنبال می‌کنند.»^۱

با ذکر این تعاریف از سازمانهای بین‌المللی اکنون می‌توانیم حقوق سازمانهای بین‌المللی را به «مجموع قواعد حقوقی که بر سازمانهای بین‌المللی قابل اعمال است»^۲ تعریف کنیم. این/حقوق، تا حدی از عهدنامه‌های تأسیس این سازمانها نشأت می‌گیرد و بخشی از آنها نیز از قواعد کلی حقوق بین‌الملل درباره سازمانها استخراج می‌شود.

دسته‌بندی سازمانهای بین‌المللی

در عصر حاضر، بیش از ۵۰۰۰ سازمان بین‌المللی در سطح جهان وجود دارد و به همین نسبت نیز بر قدرت تأثیرگذاری آنها افزوده شده است. با توجه به این تنوع، برای آسانتر شدن مطالعه آنها، سازمانهای بین‌المللی را باید دسته‌بندی کنیم. نویسندگان سازمانهای بین‌المللی را براساس معیارهای متنوعی دسته‌بندی می‌کنند. از نظر اهدافی که این سازمانها در پی دستیابی به آنها

هستند، به سه دسته تقسیم می‌شوند:

اول) سازمانهای در پی اهداف نظامی، همانند سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) سازمان مشهور به پیمان ورشو، و سازمان پیمان جنوب شرقی آسیا (سیتو).

دوم) سازمانهای دارای اهداف «سیاسی»، «سیاسی - حقوقی» یا «سیاسی - اقتصادی» همانند سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، و سازمان دولتهای آمریکایی.

سوم) سازمانهای دارای هدف اقتصادی، همانند سازمان تجارت جهانی، آسه آن (انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا)، و اِکو (سازمان همکاری اقتصادی).

سازمانهای بین‌المللی از نظر نحوه کار نیز تقسیم‌بندی می‌شوند:

اول) سازمانهای تصمیم‌گیرنده، یعنی آنهایی که «قواعد و مقرراتی وضع می‌کنند و در مسائل مختلف، نظر خود را به صورت تصمیم‌نامه بیان می‌کنند»^۳ همچون سازمان ملل متحد.

دوم) سازمانهای عمل‌کننده، کار این سازمانها تنظیم مقررات نیست، بلکه صرفاً جنبه عملی یا فعالیت اقتصادی دارند. همانند سازمان مرکز اروپایی تحقیقات هسته‌ای و سازمان فضایی اروپا.

سازمانها از نظر وسعت اقتدار به این بخشها تقسیم می‌شوند:

اول) سازمانهای بین‌المللی که جنبه همکاری بین چند دولت را دارند و دولتها با حفظ حاکمیت وارد آن می‌شوند، مانند اتحادیه تلگراف بین‌المللی و سازمان ملل متحد.

دوم) سازمانهای فوق ملل که مافوق دولتهای عضو و دارای اقتدارات وسیع هستند، مانند جامعه اقتصادی اروپا و جامعه اروپایی انرژی اتمی.

از نظر جغرافیایی نیز سازمانها به محلی، منطقه‌ای، قاره‌ای و جهانی تقسیم می‌شوند.

شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی

از زمان افزایش شمار سازمانهای بین‌المللی این پرسش مطرح شده است که آیا این سازمانها دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی هستند یا خیر. «اساسنامه‌های اکثر سازمانهای بین‌المللی مقرر می‌دارند که یا آنها از صلاحیت قانونی لازم برای اعمال وظایفشان برخوردار بوده، یا دارای شخصیت حقوقی، صلاحیت انعقاد قرارداد، تحصیل و انتقال اموال منقول و غیرمنقول و اقامه دعوی می‌باشند»^۴ برای نمونه، در ماده ۱۰۴ منشور ملل متحد اهلیت و شخصیت حقوقی سازمان ملل مورد تأکید قرار گرفته است:

«سازمان در خاک هر یک از اعضا از اهلیت حقوقی که برای انجام دادن وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار می‌شود.»

در ماده ۱۰۵ نیز مفادی درباره مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل آمده، که مفهوم مشابهی از آن استنباط می‌شود. بند یک این ماده می‌گوید:

«سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار خواهد بود.»

با توجه به این اشارات، مشخص می‌شود که سازمانهای بین‌المللی دارای شخصیت متمایز از دولتها هستند، یعنی اینکه با داشتن شخصیت حقوقی متمایز «این سازمانها با وجودی که از طرف دولتها ایجاد شده‌اند تابع نظر آنها نیستند. و در مقابل ایشان استقلال دارند. این استقلال همان چیزی است که در حقوق داخلی شخصیت حقوقی خوانده می‌شود.»^۵

بعد از اینکه سازمانهای بین‌المللی دارای شخصیت حقوقی بین‌المللی شدند برخی آثار حقوقی پدید آمده است. نخست اینکه با کسب این شخصیت، سازمان مورد نظر به صورت یکی از اشخاص حقوق بین‌الملل درمی‌آید. دوم، مسأله استقلال در تصمیم‌گیری نسبت به دولتهاست. سوم، همانند دیگر اشخاص حقوقی، این سازمانها دارای استقلال و منابع مالی هستند. چهارم، مسأله استقلال حقوقی است؛ یعنی اینکه سازمانها در برابر اعمال خود دارای مسئولیت حقوقی‌اند. پنجم، این سازمانها دارای اموال و دارایی مستقل از کشورهای عضو خود هستند. ششم، سازمانهای بین‌المللی حق برقراری روابط دیپلماتیک و نیز صلاحیت انعقاد معاهده را پیدا می‌کنند.

صلاحیت سازمانهای بین‌المللی

صلاحیت «عبارت از اختیاراتی است که به موجب یک سند تأسیس (معاهده) به سازمان بین‌المللی اعطا می‌شود تا در چارچوب آن به اهداف خود نایل آید.»^۶ صلاحیت و وظایف سازمانهای بین‌المللی را اساساً اساسنامه، قرارداد تأسیس، یا هرگونه سند دیگری که به آنها موجودیت بخشیده، تعیین می‌کند، اما صلاحیت آنها محدود به آن سند نمی‌شود و اصول عام حقوق بین‌الملل بر آنها حاکم است.

درباره حدود صلاحیت سازمانهای بین‌المللی، دو نظریه متفاوت وجود دارد. نخست «نظریه صلاحیت تصریح شده» که در آن گفته می‌شود، سازمانهای بین‌المللی جز در حدود اختیارات و وظایفی که صراحتاً توسط کشورهای تأسیس‌کننده در اساسنامه آن جهت صلاحیتهای ضروری در روابط بین‌الملل بدانها داده شده، اختیار دیگری ندارند. دوم نظریه «صلاحیت ضمنی»، که طرفداران این نظریه معتقدند که صلاحیت این سازمانها به موارد مقرر در اساسنامه یا سند تأسیس محدود نمی‌شود، بلکه سازمانها تا آنجا که برای اعمال وظایفشان ضرورت دارد، حتی بیرون از موارد مقرر در سند تأسیس صاحب صلاحیت هستند. برطبق رأی دیوان بین‌المللی دادگستری «طبق حقوق بین‌الملل، سازمان ملل می‌باید واجد صلاحیتهای لازم برای انجام مقاصد خود باشد، هر چند صریحاً در منشور پیش‌بینی نشده باشد.»

از آنجا که سازمان ملل متحد نمونه و سرمشق دیگر سازمانهای بین‌المللی است، می‌توان

چنین تصور کرد که رأی دیوان بین‌المللی دادگستری بر دیگر سازمانها نیز قابل بسط و تعمیم است. با توجه به مطالب بالا می‌توان اظهار داشت که نمی‌توان صلاحیت و اختیارات سازمانهای بین‌المللی را به مفاد اساسنامه آنها محدود کرد، بلکه این سازمانها از امتیازات مصونیت‌های دیگری که براساس رویه و عملکرد و نیز براساس هدفها، چارچوب و رویه فعالیت سازمان تعیین می‌شود بهره‌مند هستند.

وظایف سازمانهای بین‌المللی

به‌طور کلی وظایف سازمانهای بین‌المللی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. فراهم آوردن تضمینی برای توافقهای احتمالی میان دولتها. راههای مسالمت‌آمیز حل و فصل اختلافات، به دلیل اطمینان نداشتن به اینکه آیا به تعهدات احترام گذاشته خواهد شد یا خیر، مسدود خواهد شد؛ نظام بین‌المللی به علت نبود ضامن معتبر و مقتدر و قابل اعتماد که حامی و نگهبان موافقت‌نامه‌ها باشد، به شدت فلج شده است؛ و رسالت بسیاری از سازمانهای بین‌المللی رفع این نقیصه است.
۲. هدف دیگری که به هدف نخست نزدیک است، ایجاد نظم بین‌المللی است تا دولتهای متمرّد و قانون شکن مهار و دولتهای سر به راه و مطیع قانون حمایت شوند. نیاز مبرم به این است که سازمانهای بین‌المللی به صورت پاسدار صلحی کارآمد عمل کنند.
۳. سازمانهای بین‌المللی می‌توانند یک روند قانونگذاری بین‌المللی کامل ارائه دهند تا بدان وسیله نظام بین‌المللی بتواند به‌طور مستمر خود را با شرایط متغیری که درگیر آن هستند، وفق دهد.
۴. سازمانهای بین‌المللی می‌توانند با فراهم آوردن داور، یعنی مقام رسمی بی‌طرف و بی‌غرض که در درگیریهای بین دولتها به قضاوت بنشینند، به نظام بین‌المللی خدمت کنند.
۵. انتظار می‌رود این سازمانها در مخاصمات به صورت میانجی عمل کنند: یعنی نقش مقام سومی که ترجیحاً سیاسی است تا حقوقی و ممکن است در اختلافات بین‌المللی وارد شود تا به کشف یا ایجاد توافقهایی جهت منافع ملی طرفین بپردازد.
۶. کارگزاریهای بین‌المللی هماهنگ‌کننده سیاستها و فعالیتهای دولتها تلقی شده‌اند، آنها با گردهم آوردن دولتها برای مشاوره و مذاکره و از طریق تشویق به هماهنگی و همکاری می‌توانند به دولتها کمک کنند تا پیامدهای نامطلوب ناشی از پراکندگی حاکمیتها را کاهش دهند.
۷. یکی از کارویژه‌های بالقوه سازمانهای بین‌المللی ارائه خدمات مشترک اقتصادی - اجتماعی و فنی به تمام دولتها یا گروه منتخبی از آنهاست.
۸. انتظار می‌رود برخی سازمانها به صورت نماینده کل نظام جهانی در حکم ناظر بر

فعالیت‌های دولتها درباره برخی حوزه‌های سیاسی مهم بین‌المللی همچون اعمال سیاست‌های استعماری، رفتار با خارجی‌ان و اقلیت‌های ملی - مذهبی و سیاست حقوق بشر، عمل کنند.

۹. سازمان‌های بین‌المللی به‌عنوان نیروی تکمیلی اضطراری یا ویژه در مقام حکومت‌های قیم محدود یا نامحدود تلقی شده‌اند.

۱۰. سرانجام، از این سازمان‌ها انتظار می‌رود رهبران بین‌المللی اصلی برای اداره نظام جهانی معرفی کنند؛ سخنگویانی که نه نماینده ملت‌ها بلکه نماینده بشریت باشند.

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی

اعضای همه سازمان‌های بین‌الدولی را دولتها تشکیل می‌دهند و دیگر واحدها ممکن است به صورت استثنایی و ناکامل از حق عضویت بهره‌مند شوند. دولتها هیأت‌هایی را به ارگان‌های مهم سازمان‌ها می‌فرستند و در تصمیم‌گیری آن مشارکت می‌کنند. در بیشتر موارد، دولتهای عضو با پرداخت حق عضویت خود هزینه‌های سازمان را تأمین می‌کنند. در مورد دولتهای فدرال، تنها خود فدراسیون می‌تواند عضو یک سازمان بین‌المللی بشود. «معمولاً اساسنامه سازمان شرایط لازم برای پذیرش دولتهای جدید را پیش‌بینی می‌کند. صرف‌نظر از شرط استقلال و دولت بودن، ممکن است شرایط دیگری وجود داشته باشد که به چارچوب فعالیت سازمان مربوط شوند. برای مثال یک دولت برای عضویت در سازمان ملل متحد باید صلح دوست بوده و شایستگی و تمایل انجام تعهدات مندرج در منشور ملل متحد را داشته باشد.»^۷

درباره اینکه آیا شرایط مقرر در اساسنامه، در یک دولت خواهان عضویت وجود دارد یا خیر، مجمع عمومی آن سازمان، هنگام تصمیم‌گیری درباره پذیرش یا عدم پذیرش آن دولت، تصمیم خواهد گرفت.

بیشتر سازمان‌های بین‌المللی این امر را مجاز می‌دانند که برخی کشورها یا حتی «جنبشهای آزادیبخش» از حق عضویت محدودی برخوردار شوند و به صورت اعضای ناظر در جلسات شرکت کنند. برای نمونه، کشور سوئیس ناظرانی را به بسیاری از اجلاسهای مجمع عمومی می‌فرستد. برخی سازمانهای تخصصی نیز معمولاً ناظرانی را به ارگانهای ملل متحد می‌فرستند.

اعضای ناظر در سازمان تنها حق مشارکت در مذاکرات را دارند و نیز می‌توانند اسناد سازمان را دریافت دارند. آنها حق شرکت در رأی‌گیری ندارند و نمی‌توانند در مقام یک حق در اجلاس سازمان سخن بگویند.

گاهی دولتها بدون داشتن عضویت در برخی از جلسات سازمان‌های بین‌المللی شرکت می‌کنند. به این اعضا، اعضای جزئی گفته می‌شود. برای نمونه «سوئیس در برنامه توسعه و چند برنامه دیگر ملل متحد شرکت می‌کند. همچنین کشور مزبور طرف اساسنامه دیوان بین‌المللی

دادگستری است که یکی از ارکان اصلی ملل متحد می‌باشد. ولی در خود سازمان ملل متحد عضو نیست»^۸

این اعضا حتی در زمانی که درباره ارکانی که در آن عضویت دارند، تصمیم‌گیری می‌شود، از حق رأی برخوردار نیستند.

همچنین برخی از سازمانهای بین‌المللی به سازمانهای غیردولتی وضعیت مشورتی اعطا می‌کنند. «حقوق ناشی از این وضعیت معمولاً تا حدودی از حقوق متعلق به ناظران کمتر است. سازمانهای دارای وضعیت مشورتی معمولاً فقط بخشی از اسناد سازمان را دریافت می‌کنند و نمایندگان آنها می‌توانند صرفاً به برخی از ارگانهای سازمان پیشنهاد بدهند.»^۹ شورای اقتصادی و اجتماعی (ECOSOC) ملل متحد دارای مقرراتی مفصل درباره اعطای وضعیت مشورتی به سازمانهای بین‌المللی خصوصی است.

دولتهایی که از تاریخ لازم‌الاجرا شدن اساسنامه سازمان، آن را به امضا رسانده باشند، اعضای اصلی آن می‌شوند. اگر دولتی بعداً اساسنامه را تصویب کند، از تاریخ تصویب عضویتش مؤثر می‌شود. دولتهایی که اعضای اصلی سازمان نبوده‌اند هنگامی به عضویت درمی‌آیند که هم سازمان و هم دولت موردنظر، این عضویت را بپذیرند. رسمی شدن این گونه عضویت نیز تابع تصویب اساسنامه و تودیع سند تصویب آن به دبیرخانه سازمان است.

عضویت در یک سازمان بین‌المللی، به چهار روش قابل پایان دادن است. نخست اینکه، دولت عضو داوطلبانه از آن سازمان بیرون برود. دوم، سازمان دولت عضو را اخراج کند، که در این مورد، لازم است اساسنامه قواعدی را در این باره مقرر داشته باشد، در غیر این صورت اخراج دولتهای عضو ناممکن می‌شود. سوم، منحل شدن خود سازمان، روشن است که با انحلال یک سازمان، دیگر اعضای باقی نمی‌ماند. چهارم، نابود شدن دولت عضو، بدین ترتیب که با محو شدن یک دولت از صحنه نظام بین‌المللی به عضویت آن در سازمانهای بین‌المللی نیز پایان داده می‌شود.

مزایا و مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی

مصونیت «عبارت از حقی است که به موجب قانون، دارندگان آن نسبت به کلیه اعمالی که در اجرای وظایف خود انجام می‌دهند از تعقیب جزایی و مدنی و اداری درامان باشند. منظور از مزایا نیز، اعطای امتیازاتی است که سایر مردم حق استفاده از آن را ندارند.»^{۱۰} مصونیت سازمانها برای این است که از حضور در دادگاههای کشور میزبان معاف باشند. مزایا نیز برای معاف شدن از قوانین مالیاتی و پرداخت مالیات به کشور میزبان است.

هدف از برقراری مصونیت، حفظ حقوق کشور میزبان، درعین توجه به اصل برابری دولتهاست. همچنین استقلال کشورهای عضو سازمان از مداخله دولتها، به ویژه کشور میزبان در

سازمانهای بین‌المللی باید محفوظ بماند.

معمولاً اساسنامه یا دیگر اسناد تأسیس سازمانهای بین‌المللی «برای خود سازمان و هم برای نمایندگان دولتها و هم برای کارمندان امتیازات و مصونیت‌های لازم را جهت تحقق اهدافشان در سرزمین کشوری که در آن واقع شده، مقرر می‌نمایند.»^{۱۱}

مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ منشور سازمان ملل متحد به مزایا و مصونیت‌های این سازمان اشاره می‌کند. بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰۵ مقرر می‌دارد:

۱. سازمان در سرزمین هر یک از اعضای خود از مزایا و مصونیت‌هایی که برای رسیدن به مقاصد آن سازمان ضروری است، برخوردار خواهد بود.

۲. نمایندگان اعضای ملل متحد و کارمندان سازمان نیز از امتیازات و مصونیت‌هایی که برای انجام وظایف آنان به‌طور مستقل لازم است، تا آنجا که این وظایف مربوط به سازمان می‌باشد، برخوردار خواهند بود.»

منابع و پایه‌های حقوقی مزایا و مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی را در سه دسته قرارداد می‌توان یافت:

۱. در اصول مقرر در اساسنامه‌ها و دیگر اسناد تأسیس سازمانها، که اصول اساسی حاکم بر فعالیت آنها را مشخص می‌سازند. در این باره می‌توان به بندهای ۴ و ۵ ماده ۷ میثاق جامعه ملل و بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۰۵ منشور ملل متحد، که پیشتر یاد شد، اشاره کرد.

۲. اسناد و قراردادهای چندجانبه، که برای رفع پاره‌ای ابهامات درباره حقوق و وظایف سازمانهای بین‌المللی همزمان با انعقاد اسناد تأسیس یا پس از آن ایجاد می‌شوند، مانند قرارداد ۱۳ فوریه ۱۹۴۶ درباره سازمان ملل متحد و نیز کنوانسیون ۱۹۷۵ وین درباره «نمایدگی دولتها در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی جهانی».

۳. اسناد و قراردادهای دوجانبه، که مهمترین آنها قراردادهای مقر با کشور میزبان این سازمانهاست، همانند قرارداد مقر اروپایی سازمان ملل با سوئیس.

علاوه بر سه منبع یاد شده برخی دیگر از نویسندگان به عرف در حال تکامل بین‌المللی، رویه قضایی بین‌المللی، و دکتترین حقوقی، به‌عنوان منابع دیگر حاکم بر مزایا و مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی اشاره می‌کنند. البته این امر نیز مطرح است که به این منابع فرعی، تنها در صورت نبود مقررات قراردادی می‌توان استناد و توسل جست.

انواع مصونیت‌های سازمانهای بین‌المللی

مصونیت سازمانهای بین‌المللی به انواع زیر تقسیم می‌شود:

- مصونیت قضایی
- مصونیت اموال و اماکن سازمانهای بین‌المللی و هیأت دیپلماتیک

- مصونیت بایگانی و اسناد و آزادی ارتباطات

- مصونیت از تعرض

- پناهندگی

۱. مصونیت قضایی

مصونیت قضایی بدین معناست که «اعضای هیأت‌های نمایندگی برخلاف سایر مردم و اتباع دیگر، از حیطة قدرت اجرایی کشور پذیرنده خارج باشند».^{۱۲} وظایفی که قانون داخلی مقرر می‌دارد بر شخص دارنده حق مصونیت نیز الزام‌آور است، لیکن بر وی قابل اجرا نیست. نمایندگان دولتها در نزد سازمانهای بین‌المللی را نمی‌توان به خاطر اظهاراتشان در اجلاس و نشستهای این سازمانها بازداشت کرد.

ماده ۳۰ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین درباره «نمایندگی دولتها در روابط خود با سازمانهای بین‌المللی» در مورد مصونیت قضایی سازمانهای بین‌المللی چنین مقرر می‌دارد:

«۱. رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت از مصونیت تعقیب جزایی در کشور پذیرنده برخوردار خواهند بود و از مصونیت دعاوی مدنی و اداری نیز بهره‌مند خواهد بود مگر در موارد زیر:

الف) دعاوی مربوط به اموال خصوصی غیر منقول که در خاک دولت پذیرنده واقع است، مگر آن که این افراد اموال را به نمایندگی از دولت فرستنده و برای مقاصد مأموریت در تصرف داشته باشند.

ب) دعاوی راجع به ماترکی که در آن افراد مزبور به‌طور خصوصی و نه به نام دولت فرستنده، وصی و امین ترکه و وارث یا موصی‌له واقع شده باشند.

ج) دعاوی راجع به فعالیتهای حرفه‌ای یا تجاری از هر نوع که این افراد در خاک دولت پذیرنده و خارج از وظایف رسمی خود به آن اشتغال دارند.

۲. علیه رئیس هیأت دیپلماتیک یا کارمندان دیپلماتیک مأموریت مبادرت به هیچ‌گونه عملیات اجرایی نخواهند شد جز در موارد مذکور در بندهای الف، ب و ج قسمت اول این ماده و به شرط آن که این عملیات اجرایی به مصونیت شخص یا محل اقامت او لطمه‌ای وارد نیاورد.

۳. رئیس هیأت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت مجبور به ادای شهادت نیستند.

۴. مصونیت قضایی رئیس مأموریت و کارمندان دیپلماتیک آن در دولت پذیرنده، آنها را از تعقیب قضایی دولت فرستنده معاف نخواهد کرد.»

مصونیت قضایی درباره اموال و داراییهای سازمانهای بین‌المللی در هر جا که باشد و در دست هر که قرار داشته باشد، به رسمیت شناخته شده است؛ یعنی این گونه اموال از هرگونه دخالت مقامات قضایی، اجرایی و اداری کشور محل اقامت مصون هستند. مگر اینکه خود

سازمان در هر مورد خاص این مصونیت را صریحاً سلب کند. این مصونیت تا بدان حد است که حتی در صورت صدور حکم از دادگاه این حکم را نمی‌توان علیه سازمانهای بین‌المللی اجرا کرد. (مفاد ماده ۲ کنوانسیون درباره مزایا و مصونیت‌های سازمان ملل متحد).

جلوه دیگر این مصونیت این است که «دستگاه امنیتی کشور محل اقامت نمی‌تواند وارد محل سازمانها شود مگر با اجازه مقامات تصمیم‌گیرنده سازمان و لذا حفظ و برقراری امنیت سازمانها پیش‌بینی شده و دولت میزبان مکلف به اجرای آن است و نتیجتاً خود سازمان می‌تواند مقررات امنیتی لازم را وضع و اجرا کند (کما اینکه سازمان ملل چنین می‌نماید).»^{۱۳} همچنین کشور میزبان نمی‌تواند در دسترسی آزادانه به اجلاس سازمانها محدودیت ایجاد کند.

درباره سلب مصونیت از هیأت‌های دیپلماتیک نزد سازمانهای بین‌المللی نیز ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۷۵، چنین مقرر می‌دارد:

۱. دولت فرستنده می‌تواند مصونیت قضایی رئیس مأموریت دیپلماتیک و کارمندان دیپلماتیک مأموریت و اشخاصی را که برطبق ماده ۳۶ از مصونیت برخوردار هستند، سلب کند.

۲. سلب مصونیت باید همواره با صراحت بیان شود.

۳. در صورت اقامه دعوی از طرف هر یک از افراد مذکور در بند ۱ این ماده استناد به مصونیت قضایی در قبال دعاوی متقابل که مستقیماً با دعوی اصلی ارتباط دارد پذیرفته نخواهد بود.

۴. سلب مصونیت قضایی نسبت به دعوی مدنی یا اداری شامل سلب مصونیت نسبت به اجرای حکم نخواهد بود. برای اجرای حکم مزبور اعلام سلب مصونیت جداگانه ضروری است.

۵. چنانچه دولت فرستنده مصونیت هیچ یک از افراد مذکور در بند ۱ این ماده را نسبت به اقدامات مدنی سلب نکند، باید برای حل و فصل عادلانه دعوی نهایت سعی خود را به عمل آورد.

۲. مصونیت اموال و اماکن سازمانهای بین‌المللی و هیأت دیپلماتیک

برای مصونیت اموال و اماکن سازمانهای بین‌المللی، معمولاً قراردادهای مقرر میان این سازمانها و کشور میزبان، مفادی را مقرر کرده است. اکنون مسأله مصونیت اموال و اماکن سازمانهای بین‌المللی از دخالت مقامات قضایی، اجرایی و اداری کشور میزبان، کاملاً به رسمیت شناخته شده است. در همین باره ماده سوم قرارداد مقرر سازمان ملل متحد با ایالات متحده مقرر می‌کند که «محدوده مقرر سازمان ملل از تعرض درامان است و مقامات کشور میزبان فقط با رضایت و اجازه دبیرکل سازمان قادر به ورود به محدوده مقرر و اماکن سازمان هستند.»

دربارهٔ مصونیت اموال هیأت‌های دیپلماتیک نزد سازمان‌های بین‌المللی نیز در کنوانسیون ۱۹۷۵ وین مفادی بدین ترتیب مقرر شده است:

«۱. اماکن مورد استفادهٔ مأموریت دیپلماتیک مصونیت دارد و مأموران دولت‌پذیرنده جز با رضایت رئیس مأموریت حق ورود به این اماکن را نخواهند داشت.
 ۲. الف) دولت‌پذیرنده وظیفهٔ خاص دارد که کلیهٔ تدابیر لازم را، به منظور اینکه اماکن مأموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرد و آرامش و شؤون آن متزلزل نشود، اتخاذ کنند.

ب) در صورتی که به اماکن مأموریت حمله شود، دولت‌پذیرنده کلیهٔ تدابیر لازم را برای تعقیب و مجازات افرادی که مرتکب حمله شده‌اند، به عمل خواهد آورد.
 ۳. اماکن مأموریت و اسباب و اثاث و سایر اموال موجود در آن و وسایل نقلیهٔ مأموریت، مصون از تفتیش، مصادره و توقیف یا اقدامات اجرایی خواهد بود.» (مادهٔ ۲۳ کنوانسیون ۱۹۷۵).

۳. مصونیت بایگانی و اسناد و آزادی ارتباطات

«طبق بخش چهارم کنوانسیون عمومی ۱۹۴۶، بایگانی و اسناد متعلق به سازمان ملل و سایر اسناد موجود در نزد این سازمان، از تعرض مصون خواهند بود.»^{۱۴}
 مصونیت از تعرض بالا شامل همهٔ اسناد متعلق به سازمان‌های بین‌المللی در هر جایی که باشند می‌شود.

برای مصونیت بایگانی و اسناد هیأت دیپلماتیک نزد سازمان‌های بین‌المللی، نیز مادهٔ ۲۵ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین، چنین مقرر می‌کند: «بایگانی و اسناد مأموریت در هر زمان و در هر مکان از تعرض مصون خواهد بود.»

امنیت در برقراری ارتباطات با سراسر جهان نیز از ضروریات است و سازمان‌ها برای این منظور از امکانات ویژه‌ای برخوردار می‌شوند.

دربارهٔ آزادی ارتباطات سازمان‌ها، کنوانسیون ۱۹۷۵ در مادهٔ ۲۷ چنین مقرر کرده است:

«۱. دولت‌پذیرنده، آزادی ارتباطات مأموریت (مأموران) را به منظورهای رسمی اجازه داده و از آن حمایت خواهد کرد. مأموریت (هیأت مأمور) می‌تواند برای تماس با حکومت دولت فرستنده و نمایندگیهای سیاسی دائم و نمایندگیهای کنسولی و مأموریت‌های دائم، دائم ناظر، ویژه و هیأت‌های نمایندگی و هیأت‌های ناظر، در هر جا که واقع باشند، از کلیهٔ وسایل ارتباطی مناسب از جمله پیک و پیام‌های «کد» و رمز استفاده کند. با این حال مأموریت نمی‌تواند جز با رضایت دولت‌پذیرنده دستگاه فرستندهٔ رادیویی نصب کند و مورد استفاده قرار دهد.

۲. مکاتبات رسمی مأموریت از تعرض مصون خواهد بود. اصطلاح مکاتبات رسمی به تمام مکاتبات مربوط به مأموریت و وظایف آن اطلاق می شود.
۳. بسته های جز کیسه باید دارای علامات خارجی مشهود و مشخص کیفیت آن باشد و فقط حاوی اسناد یا اشیای مورد استفاده رسمی مأموریت باشد.
۴. پیک مأموریت که باید دارای مدرک رسمی حاکی از سمت وی و تعداد بسته های جز کیسه باشد، در اجرای وظایف خود از حمایت دولت پذیرنده برخوردار خواهد بود. شخص پیک از مصونیت برخوردار است و به هیچ عنوان توقیف یا بازداشت نخواهد شد.
۵. دولت فرستنده یا مأموریت می تواند پیکهای مخصوص برای مأموریت منصوب کند که در این صورت مقررات بند ۵ این ماده حاکم خواهد بود، لیکن مصونیت های مندرج در آن فقط تا زمانی که پیک مزبور کیسه خود را به مقصد برساند، جاری است.
۶. کیسه را می توان به فرمانده کشتی یا هواپیمای بازرگانی که باید به اسکله یا فرودگاهی مجاز وارد شود، سپرد. فرمانده مزبور که پیک مأموریت تلقی نخواهد شد باید دارای مدارک رسمی حاکی از تعداد بسته ها، جز کیسه، باشد. مأموریت می تواند طبق قرارداد قبلی با مقامات ذیصلاح دولت پذیرنده، یکی از اعضای خود را برای دریافت مستقیم و آزادانه کیسه از فرمانده کشتی یا هواپیما اعزام دارد.»

۴. مصونیت از تعرض

ماده ۲۸ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین درباره آزادی بیان نمایندگان دولتها و عدم مداخله کشور میزبان در انجام وظایف آنها، چنین مقرر می کند: «رؤسای مأموریت و کارمندان دیپلماتیک مأموریت از تعرض مصون هستند و به هیچ عنوان نمی توان آنها را توقیف یا بازداشت کرد. دولت پذیرنده با افراد مذکور رفتار محترمانه که در شأن آنهاست خواهد داشت و کلیه اقدامات لازم را برای ممانعت از هرگونه تعرض به شخص، آزادی یا حیثیت آنها به عمل خواهد آورد و اشخاص متعرض را تحت تعقیب قرار می دهد و مجازات خواهد کرد.»

همچنین کنوانسیون ۱۹۷۵ وین به هیأت های ناظر کشورهای عضو نیز مزایا و مصونیت هایی اعطا کرده است.

۵. پناهندگی

«در قرارداد مقر بعضی از سازمانهای بین المللی تصریح شده است که سازمان حق دادن پناهندگی به اشخاصی را که علیه آنان حکم جزایی صادر شده یا تحت تعقیب هستند یا حکم بازداشت و اخراج آنها صادر شده است، ندارند.»^{۱۵}

بند ۲ ماده قرارداد مقر سازمان ملل متحد با ایالات متحده مقرر کرده است که سازمان ملل

متحد حق اعطای پناهندگی به افراد در محدوده مقر را ندارد. با آنکه قرارداد مقر سازمان ملل و کنوانسیون ۱۹۷۵ وین «مقرراتی راجع به پناهندگی سیاسی افراد وضع نکرده‌اند، ولی از مفاد آنها می‌توان استنباط کرد که فقط نمایندگان سیاسی و کارکنان بین‌المللی سازمانهای بین‌المللی از حق پناهندگی برخوردارند، زیرا این افراد اساساً دارای مصونیت هستند»^{۱۶}

انواع مزایای سازمانهای بین‌المللی

طبق کنوانسیونهای ۱۹۴۶ و ۱۹۷۵ مزایای سازمانهای بین‌المللی بدین قرارند:

۱. معافیت از عوارض و مالیاتها
۲. معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی
۳. معافیت از مقررات بیمه‌های اجتماعی
۴. معافیت از خدمات شخصی

۱. معافیت از عوارض و مالیاتها

طبق کنوانسیونهای ۱۹۴۶ و ۱۹۷۵، رئیس هیأت و کارمندان دیپلماتیک از پرداخت کلیه عوارض و مالیاتهای شخصی شهری، ملی و منطقه‌ای جز در موارد زیر معاف هستند:

۱. مالیاتهای غیرمستقیم از نوعی که معمولاً جزو قیمت کالا یا خدمات منظور می‌شود.
۲. عوارض و مالیاتهای وضع شده بر اموال غیرمنقول خصوصی واقع در قلمرو دولت میزبان، جز در مواردی که فرد مذکور مال را به نمایندگی از دولت فرستنده برای مقاصد هیأت دیپلماتیک در تصرف داشته باشد.
۳. مالیات بر ارث که از طرف دولت میزبان دریافت می‌شود، با رعایت مفاد بند ۴ ماده ۳۸.

۴. عوارض و مالیاتهای اخذ شده از درآمدهای شخصی حاصل در کشور میزبان و همچنین مالیات بر سرمایه‌های به کار افتاده در فعالیتهای تجاری آن کشور.
۵. عوارضی که در برابر انجام خدمات خاص وصول می‌شود.
۶. هزینه‌های ثبت و دادرسی و رهن و هزینه تمیر در مورد اموال غیرمنقول با رعایت مقررات ماده ۲۴ (کنوانسیون ۱۹۷۵ ماده ۳۳، کنوانسیون ۱۹۴۶، بخش ۱۱، بند ۱).

۲. معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی

در کنوانسیون ۱۹۷۵ مقرراتی بدین ترتیب درباره مزایای گمرکی آمده است:

«۱. دولت میزبان طبق قوانین و مقرراتی که ممکن است وضع کند، ورود اشیای زیر را با معافیت از کلیه حقوق گمرکی و مالیاتی و سایر هزینه‌های فرعی بجز مخارج انبارداری و باربری

و هزینه‌های ناشی از خدمات مشابه - مجاز خواهد داشت:

الف) اشیای مورد استفاده رسمی هیأت‌های نمایندگی.

ب) اشیای مورد استفاده شخصی رئیس هیأت و کارمندان دیپلماتیک از جمله اثاثیه‌ای که برای منزل خود لازم دارند.

۲. توشه شخصی رئیس هیأت و کارمندان دیپلماتیک از تفتیش معاف است، مگر آن که دلایل جدی دال بر وجود اشیایی در آن که مشمول معافیت‌های مندرج در بند یک این ماده نمی‌شود، در دست بوده یا ورود و صدور آن اشیاء به موجب قوانین یا مقررات قرنطینه دولت‌پذیرنده ممنوع باشد. در این گونه موارد تفتیش فقط با حضور شخص برخوردار از این معافیت یا نماینده مجاز وی صورت خواهد گرفت.» (کنوانسیون ۱۹۷۵ وین، ماده ۳۵).

۳. معافیت از مقررات بیمه‌های اجتماعی

اعضای هیأت‌های دیپلماتیک نزد سازمان‌های بین‌المللی از معافیت مقررات بیمه‌های اجتماعی برخوردارند.

ماده ۶۲ کنوانسیون وین چنین مقرر می‌کند:

«۱. رئیس هیأت نمایندگی و سایر نمایندگان و کارمندان دیپلماتیک هیأت با رعایت مقررات بند ۳ این ماده، در مورد خدماتی که برای دولت فرستنده انجام می‌دهند از مقررات بیمه‌های اجتماعی که ممکن است در دولت‌پذیرنده لازم‌الاجراء باشد - معاف خواهند بود.

۲. معافیت مذکور در بند یک این ماده همچنین شامل افرادی می‌شود که منحصرأ در استخدام خصوصی رئیس هیأت نمایندگی یا کارمندان هیأت دیپلماتیک هستند، مشروط بر آن که افراد مذکور:

الف) تبعه یا مقیم دائم کشور پذیرنده نباشند.

ب) مقررات بیمه‌های اجتماعی مورد اجرا در کشور فرستنده یا کشور ثالث در مورد آن اعمال شود.

۳. رئیس هیأت نمایندگی و کارکنان هیأت و دیپلماتیک باید در مورد اشخاصی که در خدمت آنها هستند و مشمول معافیت مذکور در بند ۲ این ماده نیستند، تکالیف ناشی از مقررات بیمه‌های اجتماعی کشور میزبان را که به کارفرمایان تحمیل می‌شود، رعایت کنند.

۴. معافیت مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده مانع از قبول اختیاری و استفاده از نظام بیمه‌های اجتماعی دولت میزبان - تا حدودی که مورد قبول آن دولت است - نخواهد بود.

۵. مقررات این ماده خللی به موافقت نامه‌های دو جانبه یا چندجانبه‌ای که در گذشته در خصوص بیمه‌های اجتماعی منعقد شده، وارد نمی‌آورد و مانع از انعقاد این گونه موافقت نامه‌ها در آینده نیز نخواهد بود.»^{۱۷}

۴. معافیت از خدمات شخصی

ماده ۳۴ کنوانسیون ۱۹۷۵ وین در این باره مقرر می‌کند:

«دولت‌پذیرنده، رئیس، هیأت و کارکنان دیپلماتیک آن را از انجام خدمات شخصی و خدمات عمومی به هر شکل که باشد و همچنین از تعهدات نظامی از قبیل بیگاری و خدمات نظامی و اسکان افراد نظامی معاف خواهد کرد.»

کارمندان سازمانهای بین‌المللی

کارکرد مؤثر سازمانهای بین‌المللی مستلزم این است که وسایل برپایی جلسات ارگانهای آنها فراهم شود. برای این کار تهیه مقدماتی لازم است. به همین جهت «بیشتر سازمانهای بین‌المللی جدید دارای دبیرخانه هستند که مرکب است از کارمندانی که در استخدام دائمی سازمان هستند. رئیس دبیرخانه معمولاً دبیرکل یا مدیرکل نامیده می‌شود که کنگره عمومی سازمان آن را منصوب می‌کند. رئیس دبیرخانه مسئولیت انتصاب کارمندان دیگر را برعهده دارد. در این انتصابات او علاوه بر صلاحیت داوطلبان، تقسیم منصفانه جغرافیایی را نیز باید در نظر بگیرد.»

افرادی را که در دبیرخانه سازمانهای بین‌المللی به کار مشغول‌اند، کارمندان بین‌المللی می‌گویند. این افراد از دولتهای خود مستقل هستند و ارتباطی با آنها ندارند، به همین دلیل، «برای تضمین استقلال کارمندان بین‌المللی، آنها معمولاً از مالیات و صلاحیت ملی معاف هستند. مانند دیپلماتها، آنها نسبت به انتقال ارز، وارد و صادر کردن اثاثیه‌شان، از معافیت از محدودیتهای مهاجرت و خدمت نظام وظیفه برخوردارند.»^{۱۸}

استقلال کارمندان سازمانهای بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار است که ماده ۱۰۰ منشور سازمان ملل متحد، در این باره مقرر می‌کند:

«۱. دبیرکل و کارمندان دبیرخانه در انجام وظایف خود از هیچ مقام بیرون از سازمان، دستور نمی‌گیرند و تعلیمات قبول نخواهند کرد. اشخاص مزبور از هر عملی که با سمت مأموریت بین‌المللی آنها ناسازگار باشد خودداری می‌کنند و فقط در برابر سازمان مسئول خواهند بود.

۲. هر یک از اعضای سازمان متعهد می‌شود که جنبه کاملاً و صرفاً بین‌المللی مشاغل دبیرکل و کارمندان دبیرخانه را محترم بدارد و به هیچ وجه درصدد برنیاید که آنها را در انجام وظایف خود زیر نفوذ قرار دهد.»

باید توجه داشت که کارمندان بین‌المللی تابع یک سازمان بین‌المللی هستند و یک دولت خاص را نمایندگی نمی‌کنند، و همچنین از منابع دولت بخصوصی دفاع نمی‌کنند.

تعداد کارکنان بین‌المللی پیش از جنگ جهانی دوم کمتر از ۱۵۰۰ نفر بود، اما امروزه بیش

از ۷۵۰۰۰ نفر در خدمت سازمانهای بین‌المللی هستند.

منابع مالی سازمانهای بین‌المللی

سازمانهای بین‌المللی نیز مانند سازمانهای دیگری که در درون کشورها فعالیت می‌کنند برای انجام وظایف و ارائه خدمات خود به منابع مالی نیاز دارند. مسأله منابع مالی این سازمانها، امر بسیار مهمی است، زیرا چگونگی تأمین این منابع بر استقلال آنها از دولتهای عضو تأثیر می‌گذارد. بدین ترتیب که «هر اندازه سازمان از منابع مالی اختصاصی بیشتری استفاده کند و به کمک دولتها کمتر نیازمند باشد به همان اندازه هنگام اخذ تصمیمات به اهداف بین‌المللی خود بیشتر توجه دارد و از نظریات و خواسته‌های خاص دولتهای عضو کمتر تبعیت می‌کند.»^{۱۹}

اصولاً هزینه بیشتر سازمانها از سوی دولتهای عضو و بر پایه میزان توانایی مالی آنها پرداخت و تأمین می‌شود. نوعاً سازمانهای بین‌المللی برای هر کشور سهمیه‌ای برای پرداخت هزینه‌ها در نظر می‌گیرند، که طبق قاعده نباید درباره هیچ دولتی از ۲۵٪ کل هزینه‌ها بیشتر شود. این امر به خاطر حفظ استقلال سازمان از یک دولت بخصوص صورت می‌گیرد. «سهمیه‌ای که دول عضو پرداخت می‌کنند، باید همه هزینه‌های اداری مانند هزینه‌های جلسات، نگهداری ابنیه و حقوق کارکنان را شامل شود. گاهی سازمانهای بین‌المللی فعالیتهای عملیاتی، نظیر اعزام نیروهای نظامی برای کمک فنی یا اقتصادی به اعضای در حال توسعه‌شان، انجام می‌دهند. غالباً برای چنین فعالیتهای عملیاتی بودجه خاصی لازم است که از طریق کمکهای داوطلبانه تأمین می‌شود.»^{۲۰}

علاوه بر پرداخت حق عضویت دولتهای عضو، سازمانهای بین‌المللی به شیوه‌های دیگری نیز کسب درآمد می‌کنند. برای نمونه، ممکن است سازمانها از منابع خصوصی نیز کمکهای مالی به دست آورند. همچنین برخی سازمانها بیشتر درآمد خود را از کمکهای بلاعوض به دست می‌آورند. مالیات بر کارمندان یا استفاده‌کنندگان از خدمات، اعطای وام، فروش تمبر و نشریات از شیوه‌های دیگر تأمین درآمد سازمانهای بین‌المللی است.

خلاصه مطالب

در این بخش کلیاتی درباره سازمانهای بین‌المللی بیان شده است که عبارت‌اند از: تعاریف و ویژگیهای سازمانهای بین‌المللی، دسته‌بندی سازمانهای بین‌المللی تحت عنوان سازمانهای بین‌الدولی و سازمانهای غیردولتی، و تشکیلات و ویژگیهای مشترک بین آنها. سپس به دسته‌بندی سه‌گانه سازمانهای بین‌المللی از نظر اهداف پرداخته شده است.

الف) سازمانهایی که در پی اهداف نظامی هستند، مانند ناتو یا سیتو
ب) سازمانهایی که دارای اهداف سیاسی - حقوقی هستند، مانند سازمان ملل متحد،

اتحادیه اروپا

ج) سازمانهایی که دارای اهداف اقتصادی هستند، مانند آسه آن، واکو همچنین سازمانهای بین المللی که از نظر نحوه کار و چگونگی عمل، وسعت و اقتدار به بخشهایی تقسیم شده اند، در قسمت دیگری از کلیات مطالبی درباره سازمانهای بین المللی، از نظر شخصیت بین المللی سازمانها یعنی شخصیت حقوق داخلی و خارجی، ارائه شده است. همچنین به صلاحیت سازمانهای بین المللی از نظر اختیارات و وظایف اشاره شده است. وظایف سازمانهای بین المللی به ده وظیفه کلی تقسیم بندی شده که به هر یک از این وظایف به اختصار اشاره شده است.

عضویت در سازمانهای بین المللی مطالبی دیگر از کلیات مربوط به سازمانهای بین المللی است و اساسنامه سازمان شرایط لازم برای پذیرش دولتهای جدید را پیش بینی کرده است. در قسمت دیگر این بخش به مزایا و مصونیت های سازمانهای بین المللی پرداخته شده و نحوه عضویت های سیاسی و حقوقی را بیان کرده است تا خواننده بتواند با منابع و پایه های حقوقی و مزایا و مصونیت های سازمانهای بین المللی که در سه دسته قرار دارند آشنا شود. در این بخش به مصونیت و انواع آن، مانند مصونیت های قضایی، مصونیت اموال و اماکن و ...، مصونیت بایگانی و اسناد، مصونیت از تعرض و موضوع پناهندگی، به تفصیل اشاره شده است.

همچنین به انواع مزایای سازمانهای بین المللی از قبیل معافیت از عوارض و مالیاتها - معافیت از حقوق گمرکی و بازرسی - معافیت از مقررات بیمه های اجتماعی - معافیت از خدمات شخصی اشاره شده و مطالبی بیان شده است. در آخرین قسمت این بخش کارمندان و تأمین مالی سازمانهای بین المللی بررسی شده است، به طوری که دانشجو با ویژگیها، مزایا، محدودیتها، تعداد آنها به طور کامل آشنا می شود.

خود آزمایی

۱. سازمانهای بین المللی به چند دسته تقسیم می شوند؟ آنها را نام ببرید و سپس سه مورد از ویژگیهای مشترک آنها را بیان کنید.

۲. با توجه به تعاریف سازمانهای بین المللی یکی از آن تعاریف را بیان کنید.

۳. با توجه به تقسیم بندی سازمانهای بین المللی سازمان ناتو چگونه سازمانی است؟

الف) اقتصادی ب) نظامی

ج) سیاسی د) جغرافیایی

۴. با توجه به تقسیم بندی سازمانهای بین المللی آسه آن چگونه سازمانی است؟

الف) سیاسی ب) اقتصادی

- ج) نظامی
 ۵. شخصیت حقوقی سازمانهای بین‌المللی به چه معناست با ذکر مثال توضیح دهید.
 ۶. با توجه به وظایف سازمانهای بین‌المللی دو مورد از آن وظایف را ذکر کنید.
 ۷. منظور از مصونیت در سازمانهای بین‌المللی چیست؟ آن را با ذکر مثال تحلیل کنید.
 ۸. انواع مصونیتها را نام ببرید و سپس یکی از آنها را توضیح دهید.
 ۹. مفهوم پناهندگی از نظر سازمانهای بین‌المللی چیست آن را توضیح دهید.
 ۱۰. طبق مقررات سازمانهای بین‌المللی توشه شخصی کارمندان دیپلماتیک از تفتیش معاف هستند یعنی معافیت از:
 الف) عوارض و مالیاتها
 ب) حقوق گمرکی و بازرسی
 ج) مقررات بیمه‌های اجتماعی
 د) از خدمات شخصی

یادداشتها

۱. رضا موسی‌زاده، حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: نشر پازنگ، ۱۳۷۵، ص ۳۱.
۲. جعفر نیایی، حقوق سازمانهای بین‌المللی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴، ص ۱.
۳. همان، ص ۱۰.
۴. هنری ج. اسخومرز، «سازمانهای بین‌المللی»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال اول، شماره دوم، ص ۱۶۳.
۵. سیدباقر میرعباسی، سازمانهای بین‌المللی، جزوه درسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۷.
۶. رضا موسی‌زاده، همان، ص ۴۱.
۷. هنری ج. اسخومرز، «سازمانهای بین‌المللی»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال اول، شماره سوم، ص ۲۳۱-۲۳۰.
۸. همان، ص ۲۳۱.
۹. همان، ص ۲۳۳.
۱۰. رضا موسی‌زاده، همان، ص ۵۴.
۱۱. سیدباقر میرعباسی، همان، ص ۴۹.
۱۲. رضا موسی‌زاده، همان، ص ۵۵.
۱۳. سیدباقر میرعباسی، همان، ص ۵۱.
۱۴. رضا موسی‌زاده، همان، ص ۶۰.
۱۵. همان، ص ۶۳.
۱۶. همان، ص ۶۳.
۱۷. هنری ج. اسخومرز، همان، ص ۲۴۹.
۱۸. همان، ص ۲۵۱.
۱۹. سیدباقر میرعباسی، همان، ص ۳۲.
۲۰. هنری ج. اسخومرز، همان، ص ۲۵۲.

بخش دوم

سازمانهای بین‌المللی با صلاحیت جهانی

هدفهای کلی بخش دوم

در این بخش خواننده با ویژگیهای سازمانهای بین‌المللی با صلاحیت جهانی، همانند جامعه ملل و سازمان ملل متحد، آشنا می‌شود.

فصل اول

جامعه ملل

هدف کلی

در این فصل با ویژگیهای جامعه ملل از نظر اهداف و ساختار سازمانی آشنا می شوید.

هدفهای آموزشی

از خواننده انتظار می رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. جامعه ملل را از نظر پیشینه تاریخی و نحوه شکل گرفتن آن با توجه به مراحل خاص آن بیان کند.
۲. هدفهای جامعه ملل را نام ببرد و آنها را با یکدیگر مقایسه و تحلیل کند.
۳. دستگاه و ساختار تشکیلاتی جامعه ملل را توضیح دهد.
۴. ارگانهای جامعه ملل (مجمع عمومی، شورا، دبیرخانه) را مشخص کند و فعالیت هر کدام را بیان نماید.
۵. مهمترین وظیفه و اختیارات مشترک شورا و مجمع عمومی صلح و امنیت بین المللی است، آنها را توضیح دهد.
۶. بنیادینترین و مشخصترین وظایف دبیرخانه جامعه ملل، حفظ سوابق، پژوهش و تبلیغات است آنها را مقایسه و تحلیل کند.
۷. دیوان دائمی دادگستری بین المللی را از نظر ساختار و نحوه کار توضیح دهد.
۸. شورای دائمی قیمومیت را از نظر وظایف و ساختار سازمانی توضیح دهد.
۹. سازمان بین المللی کار (ILO) ایلو را توضیح و بخشهای مهم آن را بیان کند.
۱۰. نقش جامعه ملل در حفظ صلح به طور کلی به ۵ دسته تقسیم می شود آنها را مقایسه و تحلیل کند.
۱۱. نقاط ضعف جامعه ملل را از نظر قانونی، سیاسی، اساسنامه ای، ساختاری و روش توضیح

دهد.

۱۲. علی‌رغم نقاط ضعف، جامعه ملل دستاوردهای مثبتی از نظر اجتماعی، اقتصادی و انسانی در سطح جهان داشته است آنها را تحلیل کند.

پیشینه

جامعه ملل تحقق آرمانی بود که از قرون وسطی به بعد برای تشکیل سازمانی بین‌المللی وجود داشت. فکر تأسیس مجمعی متشکل از کشورهای مستقل را، به منظور حفظ صلح و جلوگیری از جنگ، هم متفکران سیاسی و هم حقوقدانان ابراز کرده بودند.

طی جنگ جهانی اول، وودرو ویلسون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، نقش عمده‌ای در فراهم آوردن مقدمات تأسیس جامعه ملل داشت. در ۸ ژانویه ۱۹۱۸ ویلسون اصول چهارده‌گانه خویش را اعلام کرد که از جمله بر مورد زیر تأکید می‌کرد:

«تشکیل مجمعی عمومی از ملل جهان تحت میثاقی مشخص به منظور حفظ و تضمین متقابل استقلال سیاسی و یکپارچگی سرزمینی کشورهای کوچک و بزرگ».

پس از پایان یافتن جنگ، کنفرانس صلحی در پاریس تشکیل شد که نخستین دستور جلسه‌اش حل مسالمت‌آمیز مناقشات بین کشورها بود. پیش‌نویس مشترک آمریکا و بریتانیا (پیش‌نویس هوست میلر) مبنای بحث درباره تشکیل جامعه ملل شد. کمیسیون ویژه، مرکب از ۱۹ عضو کنفرانس صلح پاریس تحت سرپرستی رئیس‌جمهور وودرو ویلسون، تشکیل شد تا میثاق جامعه ملل را تهیه کند. این میثاق در ۲۸ آوریل ۱۹۱۹ مورد تأیید تمام اعضای کنفرانس صلح پاریس قرار گرفت و ۲۶ ماده نخست آن جزء پیمان ورسای درآمد. این میثاق در پیمانهای دیگر نیز گنجانده شد.

«میثاق از ۲۶ ماده تشکیل می‌شد که در طرحی ساده ترتیب داده شده بود. پس از مقدمه‌ای کوتاه، هفت ماده نخست به عضویت و چارچوب ساختاری جامعه ملل از جمله ویژگی و اختیارات مجمع، شورا، دبیرکل و کارکنانش می‌پرداخت. مواد ۱۷-۸ با حفظ صلح سروکار داشت، در حالی که مواد ۲۱-۱۸ به معاهدات، تغییر صلح‌آمیز، و ترتیبات منطقه‌ای می‌پرداخت. باقی‌مانده، به استثنای ماده ۲۸، بند اصلاحی، مسائل رفاه و همکاری بین‌المللی را در بر می‌گرفت.»^۱

این میثاق آشکارا و دقیق، استقرار جامعه ملل را به نام «طرفهای معظم متعاقد» اعلام و هدفهای بزرگ زیر را برای سازمان جدید تعیین می‌کرد:

۱. افزایش همکاریهای بین‌المللی و دست یافتن به صلح و امنیت بین‌المللی،

۲. سپردن تعهد درباره دست نیازیدن به جنگ،

۳. استقرار روابط آشکار، عادلانه و شرافتمندانه میان ملت‌ها،

۴. استقرار حقوق بین‌الملل به‌عنوان قاعدهٔ عملی حاکم بر رفتار میان حکومتها،
 ۵. رعایت عدالت و احترام برای تعهدات معاهده‌ای در مراودات ملتها یا یکدیگر.
 از آنجا که «واپسین بند پیمان ورسای، مقرر می‌کرد که این پیمان به محض اینکه مورد تصویب آلمان از یک سو و سه قدرت متفق اصلی و قوای وابسته از سوی دیگر» قرار گیرد، لازم‌الاجراء خواهد بود، این شرط در ۱۰ ژانویهٔ ۱۹۲۰ برآورده شد و بدین ترتیب این تاریخ به‌عنوان زاد روز جامعهٔ ملل ثبت شد.^۲
 «عضویت اصلی به سی و دو دولتی که معاهدهٔ ورسای را امضا کرده بودند و سیزده دولت بی‌طرف دیگر داده شد، بدین ترتیب جامعه رسماً کارش را آغاز کرد. جامعهٔ ملل به‌عنوان نخستین نهاد همکاری میان ملتها شکل گرفت و مقرر شد که از راه تشکیل جلسات متوالی در دوره‌های معین و اقدامات مشترک به اجرای پیمانها و برنامه‌های صلح منعقد شده پس از جنگ اول جهانی بپردازد.»

هدفهای جامعهٔ ملل

مقدمهٔ میثاق جامعهٔ ملل «طرفهای معظم متعاهد» را متعهد می‌ساخت که همکاریهای بین‌المللی و صلح و امنیت را، از راه پذیرش تعهدات زیر به منظور پیشگیری از جنگ، افزایش دهند:

۱. مقرر داشتن روابط آشکار، عادلانه و شرافتمندانه میان ملتها،
۲. استقرار حقوق بین‌الملل به‌عنوان قاعدهٔ عملی رفتار میان حکومتها،
۳. رعایت مبانی عدالت و احترام به اصول آن و پایبندی به تعهدات در مراودات ملتها با یکدیگر.

نقش جامعهٔ ملل این بود که به‌عنوان عاملی برای جلوگیری از جنگ و حل مسالمت‌آمیز مناقشات عمل کند. صلاحیت این سازمان در مورد مقابله با تهدیدات صلح از هر طرف اعلام و مقرر شده بود که داوریه‌ها، توصیه‌ها و مصالحه‌های آن شامل تمام مناقشات شود. در واقع «تلاش جامعه این بود که حکومت قانون را جانشین حکومت زور و قدرت کند و صلح و آرامش مطلوب را تأمین نماید.»^۳ همچنین جامعهٔ ملل ملزم بود که همکاریهای بین‌المللی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی را افزایش دهد و اتحادهای بین‌المللی موجود را هماهنگ کند. علاوه بر این، جامعهٔ ملل باید وضع موجود مقرر شده در کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۲۰ را حفظ می‌کرد. بنابراین، با این پیش زمینه بود که نقش مدیریت کشورهای برندهٔ جنگ به جامعهٔ ملل منتقل شد. ادارهٔ نظام قیومیت و حفاظت از اقلیتهای ملی همراه با سایر وظایف اداری نمونه‌هایی از این نقش بودند.

دستگاه و ساختار تشکیلاتی جامعه ملل

«جامعه ملل، در واقع ابزار همکاری و کارگزاری پایدار بود که اقدام مشترک دولتهایی را که با روحیه همکاری ترغیب شده بودند، تسهیل می‌کرد.»^۴ میثاق جامعه ملل، همچون سایر میثاقها، جزئیات امور بخشهای بین‌المللی فرعی را به وقایع و نیازهای روز موکول می‌کرد و تنها به عنوان آغازکننده عمل کرده بود. البته چارچوب سازمان مشخص شده بود. یکی از نویسندگان ویژگیهای میثاق جامعه ملل را چنین خلاصه کرده است:

«۱. میثاق قراردادی بود که براساس آن همه دولتها اعم از بزرگ و کوچک از حقوق مساوی برخوردار و در تعهدات مالی، نظامی و سیاسی شریک بودند.

۲. میثاق براساس فکر آرمان‌جویی تنظیم شده بود که بدون ضمانت اجرای واقعی، لزوم حکومت قانون و ایفای تعهدات بین‌المللی را تأکید می‌کرد.

۳. میثاق دولتها را به قبول داوطلبانه عضویت دعوت می‌کرد، بنابراین، دولتها مختار بودند که وارد این سازمان بشوند یا نشوند یا از آن کناره‌گیری کنند.

۴. میثاق، جنبه جهانی داشت و به منظور پوشش تدریجی همه دولتها به وجود آمده بود.

۵. جامعه ملل سازمانی دائمی و متشکل بود.

۶. سرانجام جنگ به وسیله میثاق جامعه ملل به‌طور قطعی منع نشده بود.»^۵

میثاق جامعه ملل معاهده‌ای چندجانبه بود که انجمنی متشکل از دولتها را با هدف دوگانه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و پیشبرد همکاری بین‌المللی ایجاد می‌کرد. قرار شده بود که عدالت و حقوق بین‌المللی ضابطه‌های رفتاری میان دولتها باشد. همچنان که می‌توان از بررسی سوابق جامعه دریافت، دستگاه یا آیینهای موجود در منشور برای برآوردن اهداف آن کاملاً کارآمد نبودند. میثاق درصدد بود رویه‌های بین‌المللی پیشین را تقویت کند و توسعه دهد، رویه‌هایی که بیشترشان ابتدایی و فاقد ضمانت اجرایی یک سازمان جهانی بودند. به هیچ وجه، مداخله‌ای در استقلال حاکمیت اعضای جامعه صورت نمی‌گرفت و به هیچ ارگان یا نهادی اختیار صدور دستور به یک عضو برای اقدام کردن، داده نشده بود. بر تعهدات و آیینهای قانونی تأکیدی بسیار کمتر از آنچه انتظار می‌رفت، شده بود. «به قدرتهای بزرگ موقعیت برتری داده شده؛ این امر به خاطر تلاش در جهت نهادن مسئولیت حفظ صلح بر دوش کشورهایی بود که می‌توانستند بر روند سیاسی رویدادها تأثیرگذار باشند. ارگانهای اصلی جامعه، شورا و مجمع، اساساً نهادهایی سیاسی بودند. دیپلماسی کنفرانس قاعده اصلی میثاق بود، که رفتار منصفانه و برابر و حق طرح دعوی در نزد افکار عمومی جهان را برای همه کشورها تضمین می‌کرد.»^۶

دستگاه جامعه ملل از سه بخش اصلی تشکیل شده بود؛ جامعه ملل، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و سازمان بین‌المللی کار. هر یک از این سازمانها اساسنامه و تشکیلات خاص خود را داشت.

ارگانهای جامعه ملل عبارت بود از: مجمع عمومی، شورا و دبیرخانه.

مجمع عمومی

مجمع عمومی جامعه ملل ارگان سیاسی و نماینده اصلی جامعه بود که به صورت کنفرانس عمومی جامعه عمل می‌کرد و از هیأت‌های نمایندگی ملی از هر یک از دولتهای عضو تشکیل می‌شد. هر دولت عضو سه نماینده ولی یک رأی واحد داشت. مجمع که از ۱۵ نوامبر ۱۹۲۰ آغاز شد، اجلاسی سالانه در ژنو، مقر جامعه، برگزار می‌کرد. جلسات فوق‌العاده را نیز خود مجمع یا شورا تعیین می‌کرد که چه زمان برگزار شود. طی سالها بیشتر دولتها رویه فرستادن همان هیأت‌های مشابه را به هر نشست برگزیدند؛ حتی برخی از آنها نمایندگیهای دائمی را به منظور حفظ تماس نزدیک با فعالیتهای جامعه در طی وقفه‌های بین جلسات در ژنو برقرار ساختند.

اجلاس عادی مجمع معمولاً در نخستین یا دومین دوشنبه سپتامبر هر سال آغاز می‌شد و غالباً یک ماه به طول می‌انجامید. آیین کار و سازماندهی داخلی را مجمع تعیین می‌کرد و کم‌کم پس از چند جلسه اولیه ثابت باقی می‌ماند.

دستور هر جلسه را دبیرکل چند ماه پیش از جلسات تهیه می‌کرد، هر چند هر یک از اعضا می‌توانست تا یک ماه پیش از گردآمدن هیأتها، بندی را به آن بیفزاید. کار اصلی مجمع از طریق کمیته‌هایی صورت می‌گرفت که هر دولت حق داشت یک هیأت برگزیده خود را در آن جای دهد. کمیته‌های جدید را می‌شد برای هر نشست ایجاد کرد، اما شش کمیته بعدی سرانجام تا حدی توسعه یافت که می‌شد آنها را کمیته‌های ثابت نامید:

۱. مسائل حقوقی و اساسنامه‌ای، ۲. سازمانهای فنی، ۳. کاهش تسلیحات، ۴. مسائل بودجه‌ای و مالی، ۵. مسائل اجتماعی و عمومی (نوعدوستانه)، ۶. مسائل سیاسی.

به موازات گسترش جامعه طی سالها و با به وجود آمدن مسائل متنوع برای آن مجمع قدر و منزلت یافت و کم‌کم ارگان محوری کل نظام شد. مجمع به هیچ عنوان یک نهاد قانونگذاری نبود، اما به صورت یک اجتماع بین‌المللی عمل می‌کرد که از اختیار بسیار گسترده «برخورد با هر موضوعی که در حوزه اقدام جامعه بود یا صلح جهانی را متأثر می‌ساخت در اجلاس خود» برخوردار بود. اختیارات انحصاری و معین آن بسیار محدودتر بودند. این اختیارات عبارت بودند از: پذیرش اعضای تازه؛ گزینش اعضای غیردائم شورا؛ انتخاب مأموران موردنیاز و برقراری قواعد آیین کار خود؛ کنترل امور مالی جامعه؛ بررسی اختلافاتی که شورا به آن ارجاع می‌داد؛ و «توصیه و بازنگری معاهداتی که اعضای جامعه آنها را غیرقابل اعمال کرده بودند». مجمع با موافقت شورا، دبیرکل را انتخاب می‌کرد، اعضای شورا را افزایش می‌داد، میثاق را اصلاح می‌کرد و قضات دیوان دائمی دادگستری را برمی‌گزید. هر یک از آن دو می‌توانست از

دیوان، نظر مشورتی بخواهد، و نیز هرگونه شرایطی را که ممکن بود تهدیدی برای صلح بین‌المللی باشد، بررسی کند.

دبیرکل بودجه سالانه را تهیه و سپس آن را برای بررسی و بازنگری به کمیته نظارتی تسلیم می‌کرد. آنگاه بودجه برای اظهارنظر تک‌تک اعضا پیش از تسلیم آن به مجمع برای اقدام توسط کمیته چهارم یا مالی، به آنها داده می‌شد. در اینجا بودجه دوباره به دقت بررسی و سرانجام برای تصویب نهایی به کل مجمع ارجاع می‌شد.

شاید مهمترین کارکرد مجمع این بود که به صورت صحنه‌ای بین‌المللی درآمده بود که در آنجا می‌شد موضوعات بین‌المللی را نمایندگان دولتهای کوچک و بزرگ بحث و بررسی کنند. «برای نخستین بار یک کنفرانس منظم سالانه شکل یافته بود که در آنجا مسائل مهمی که رودرروی همه دولتها قرار داشت آشکارا و علنی مطرح می‌شد.»^۷

علاوه براینها، مجمع درصدد برآمد قوانینی بین‌المللی به شکل پیش‌نویس معاهدات یا کنوانسیون وضع کند، جز در زمینه غیرسیاسی، این تلاشها در قانونگذاری بین‌المللی ناموفق بودند. سه کنوانسیون برای پرکردن خلأهای موجود در میثاق و تقویت ترتیبات امنیتی میثاق طرح شدند، اما این کنوانسیونها (معاهده ضمانت متقابل ۱۹۲۳؛ پروتکل ژنو ۱۹۲۴؛ سند عمومی حل و فصل صلح آمیز اختلافات ۱۹۲۸) تصویب نهایی و ضروری حکومتها را به دست نیاوردند.

تصمیمات مجمع مستلزم توافق تمام اعضای حاضر در جلسه بود و همواره بر اتفاق‌آرا تأکید می‌شد. فلسفه این کار این بود که جامعه ملل تنها وقتی مؤثر بود که مفاد آن را تمام اعضا رعایت می‌کردند. با این همه، قاعده اتفاق‌آرا طوری نبود که دست و بال مجمع را ببندد و همواره راههایی برای گریز از آن پیدا می‌شد. یکی از آنها تمایز بین تصمیم و پیشنهاد بود. پیشنهاد به اتفاق‌آرا نیاز نداشت و تنها با اکثریت آرا عملی بود. از آنجا که تصمیمات مجمع تعهدآور نبود، مجمع همواره با اظهار «امیدواری» پیشنهاد می‌داد و از تصمیم‌گیری خودداری می‌کرد.

سرانجام، باید تأکید کرد که مجمع نظارت عمومی بر کار جامعه را برعهده گرفت. هر فقره موجود در گزارش سالانه دبیرکل را می‌شد برای بررسی انتقادی و توصیه به کمیته مناسب ارجاع داد. بیشتر تصمیمات مجمع به شکل قطعنامه بود که به تصویب تک‌تک اعضا نیاز نداشت.

در اینجا لازم است نکاتی درباره عضویت، خروج و اخراج کشورها از جامعه ملل ذکر کنیم. به‌طور کلی شرایط عضویت برای تمام کشورها، دومینیونها و مستعمراتی که می‌توانستند دو سوم آرای مجمع عمومی را بیاورند وجود داشت. به موجب بند ۲ ماده یک میثاق جامعه، عضویت دولتها در صورتی پذیرفته می‌شد که دولت مربوطه «تضمینهایی مؤثر درباره نیت صادقانه خود در رعایت تعهدات بین‌المللی خود بدهد، و مقرراتی را که جامعه درخصوص

نیروهای نظامی، دریایی و هوایی و تسلیحاتش وضع می‌کرد، رعایت کند.»

در برخی موارد، «جامعه ملل شرایطی را برای عضویت اعضای جدید در نظر می‌گرفت. برای مثال، شرط عضویت مجارستان این بود که خاندان هابسبورگ را به سلطنت بازنگرداند یا این که اتیوپی بردگی را لغو کند و به سوداگری اسلحه مبادرت نرزد. در مواردی جامعه ملل وضعیت سرزمینی کشورها را مورد توجه قرار می‌داد و به همین دلیل، برخی از کشورها به علت کوچک بودن سرزمینشان مانند موناکو و لیختن اشتاین به عضویت در جامعه پذیرفته نشدند.»^۸

اعضای جامعه ملل برای خارج شدن از آن نیز آزاد بودند. علاوه بر آمریکا که به عضویت جامعه درنیامد، بعضی از قدرتهای بزرگ دیگر نیز در طول حیات جامعه عضو آن باقی نماندند. بند ۳ ماده ۱ میثاق در این باره مقرر کرده بود که «هر یک از اعضای جامعه می‌تواند پس از دو سال از اعلام قصدش مبنی بر کناره‌گیری از جامعه، این کار را انجام دهد، به شرط اینکه همه تعهدات بین‌المللی و همه تعهدات خود در چارچوب این میثاق را در زمان کناره‌گیری برآورده کرده باشد.»

نکته‌ای که درباره خروج از جامعه ملل باید یادآور شد این است که «خروج از جامعه به معنای خروج از نهادهای بین‌المللی، که با جامعه ملل همکاری داشتند، نبود. برخی از کشورهای مستعفی از جامعه همچنان همکاری خود را با سازمان بین‌المللی کار یا دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری حفظ کردند. بعضی از کشورها مثل اسپانیا، برزیل، شیلی، مجارستان و ونزوئلا پس از آن که از جامعه ملل خارج شدند به همکاری خود با سازمان بین‌المللی کار ادامه دادند و بعضی دیگر مثل آلمان، ایتالیا و کاستاریکا به محض خروج از جامعه همکاری خود را با این سازمان قطع کردند.»^۹

درباره اخراج اعضا نیز بند ۴ ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل مقرر می‌کرد: «درباره هر عضو جامعه که میثاق جامعه را نقض کرده باشد می‌توان اعلام کرد که دیگر عضو جامعه نیست. این کار باید با رأی شورا یعنی رأی همه نمایندگان دیگر اعضای جامعه که در آنجا نماینده دارند، انجام پذیرد.» عملاً «اخراج از جامعه فقط یک بار و آن هم در مورد اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت. این کشور به علت تجاوز به کشور فنلاند در ۳۰ نوامبر ۱۹۳۹ از جامعه اخراج شد. شورای جامعه ملل در مورد تجاوزات دیگر، مثل تجاوز ایتالیا به اتیوپی در ۱۹۳۵، عکس‌العمل چندانی از خود نشان نداد.»^{۱۰} شایان ذکر است تعداد اعضای جامعه ملل در اوج آن طی سالهای ۱۹۳۷-۳۸ به ۵۸ کشور رسید.

شورا

پدیدآوردندگان میثاق انتظار داشتند که شورا ارگان محوری جامعه شود، که خود نوعی احیای هر

چند تغییر یافته اتفاق اروپایی (کنسرت اروپا) بود، این کنسرت می‌بایست براساس خواست اکثریت ایالات متحده، بریتانیا، فرانسه، ایتالیا و ژاپن عمل می‌کرد. قصد بر آن بود که شورا نقش کمیته اجرایی تعدیل یافته‌ای را بازی کند که خط مشی جامعه را تنظیم می‌کند. به علاوه، شورا می‌بایست به صورت مکانیسم اصلی برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات و امنیت دسته‌جمعی جامعه عمل می‌کرد. چهار عضو غیردائم شورا، که از طرف مجمع برگزیده می‌شدند، به هیچ عنوان نمی‌توانستند موضع اکثریت قوای اصلی متفق و وابسته را به خطر بیندازند؛ اما نوعی نمایندگی برای خرسندی کشورهای کوچکتر ارائه می‌کردند. «وجود هم مجمع و هم شورا نشانه دیگری از سازش میان نفوذ برتر قدرتهای بزرگ و اصل برابری دولتها بود.»^{۱۱}

از همان ابتدا به خاطر اینکه کنگره آمریکا با عضویت این کشور در جامعه مخالفت کرد، عضویت دائم آمریکا در شورای جامعه، کان لم یکن شد. از همین رو شورا عملاً دارای هشت عضو بود. در سال ۱۹۲۲ دو عضو به اعضای غیردائم اضافه شد و مجموع آنها به ده رسید. بعدها با ورود آلمان به مجمع و ادعای او مبنی بر عضویت دائم، تغییرات دوباره‌ای در شورا پیش آمد. بنابراین در ۱۹۳۶ شورا دارای ۵ عضودائم و ۱۱ عضو غیردائم شد. در یک دوره حتی اتحاد شوروی نیز عضو دائم شورا بود. اما در ۱۹۳۹ به دنبال کناره‌گیری آلمان، ایتالیا و ژاپن، اعضای دائم شورا تنها فرانسه و بریتانیا بودند.

مجمع هر ساله از میان اعضای غیردائم سه عضو را برای مدت سه سال انتخاب می‌کرد و با دو سوم آراء می‌توانست شایستگی اعضای غیردائم را برای انتخاب دوباره اعلام کند. بنابراین اعضای غیردائم نسبت به اعضای دائم اکثریت داشتند، اگر چه آنها همواره زیر نفوذ و کنترل قدرتهای بزرگ بودند. دو تا از کرسیهای شورا را می‌شد نیمه‌دائم تلقی کرد؛ بدین گونه که لهستان و اسپانیا در هر بار دوباره انتخاب می‌شدند و عملاً به صورت عضو همیشگی شورا در آمده بودند.

از شورا انتظار می‌رفت که مرکز فعالیتهای جامعه ملل باشد و حق داشت به مسائلی که به توجه دائمی نیاز داشتند بپردازد. شورا می‌بایست هر سال چهار بار تشکیل جلسه دهد اما در عمل تعداد جلسات بیشتر می‌شد. شورا نیز همچون مجمع حق رسیدگی به تمام مسائل مربوط به حوزه عمل جامعه ملل و مسائلی را که به صلح جهانی مربوط می‌شد، داشت. شورا مسائل مربوط به صلح، امنیت و نظام قیمومیت را مورد رسیدگی قرار می‌دهد. اعضای جامعه نیز می‌توانستند از راه توافق میان خود اختیاراتی را به شورا بدهند و از این راه بر قدرت آن بیفزایند.

به شورا اختیار مشخص تصویب شماری از انتصابات در دبیرخانه، حفظ دارایی جامعه، و حتی جا به جا سازی مقر جامعه در صورت لزوم داده شده بود. تصور می‌شد که شورا

برنامه‌هایی را برای کاهش تسلیحات ملی، کنترل هرگونه افزایش انفرادی به هنگامی که میزان تسلیحات تثبیت شده بود، و بازرسی کار کمیسیون مشورتی دائمی تسلیحات، تنظیم کند.

شورا حق داشت در مورد هر دولتی که میثاق جامعه ملل را نقض می‌کرد اقدامات لازم را به عمل آورد و ملزم بود پیشنهادها را به اجرا درآورد. دبیر کل نیز از راه شورا نامزد می‌شد و مجمع لزوماً آن را تأیید می‌کرد. شورا ملزم بود که در حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات به صورت میانجی عمل کند و در هنگام وقوع تجاوز اقدامی را که مورد پیگیری جامعه قرار گیرد مطرح سازد. شورا اغلب از ماده ۱۱ استفاده می‌کرد که برطبق آن هر جنگ و یا هر نوع تهدید به جنگ به تمام اعضای جامعه ملل مربوط می‌شد و شورا می‌بایست برای حفظ صلح به هر اقدامی که به نظرش معقول بود دست بزند. نوع خاص اقدام در ماده مذکور مشخص نشده بود و چگونگی اقدام مقتضی در چنین مواردی که امنیت بین‌المللی در خطر بود برعهده خود شورا گذاشته شده بود. اعمال تحریم‌های نظامی یک موضوع تصمیم‌گیری آن بود و شورا می‌توانست هر عضو جامعه را که تعهدات خود به موجب میثاق را نقض کرده بود اخراج کند. جز اینها اقدامات دیگری برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات پیش‌بینی شده بود، برای نمونه در ماده ۱۲، که عبارت بود از داوری، صدور رأی توسط دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، و تحقیق توسط شورا. در هیچ موردی طرفین دعوی نمی‌بایست تا سه ماه پس از انقضای رأی، تصمیم یا گزارش شورا به جنگ متوسل شود. شورا شرایطی را فراهم ساخت که به موجب آن حضور یک غیرعضو در جامعه در یک مناقشه ممکن شد و نیز اختیار داشت در اوضاع و احوالی که این اقدام را مناسب و مؤثر تشخیص می‌داد، این کار را توصیه کند.

شورا تنها می‌توانست از دولتها درخواست کند که روابط تجاری و مالی خود را با دولتی که میثاق را نقض کرده است قطع کنند. تصمیم‌گیرهای بعدی برعهده خود دولتها بود. شورا تنها می‌توانست از نفوذ خود استفاده و از دولت عضو درخواستهایی بکند.

شورا بر کنترل جامعه بر سیستم قیومیت به توصیه کارگزاری فرعی خود، کمیسیون دائمی قیومیت، سرپرستی می‌کرد. همچنین معاهدات صلح و کنوانسیونهای بعدی اقلیتها به شورا وظیفه اضافی تضمین تعهدات گوناگون بین‌المللی را به سود اقلیتهای نژادی، مذهبی و زبانی در اتریش، چکسلواکی، مجارستان، ترکیه و برخی از دیگر کشورها، واگذار می‌کرد. شورا شکایت‌های اقلیتها را بررسی می‌کرد و درصدد فراهم آوردن عمل جبرانی مناسب توسط دولت خاطی می‌شد. همچنین معاهدات لوکارنو، شورا را ملزم می‌ساخت در مورد تخلفات مرزی هر یک از امضاکنندگان دست به اقدام زند.

هیچ گونه ریاست اجرایی دائمی در شورا وجود نداشت، اما یک سیستم الفبایی گردشی یک رئیس برای هر نشست معرفی می‌کرد. قاعده اتفاق آرا در طی جلسات شورا حاکم بود که به همه اعضا، چه بزرگ و چه کوچک، اجازه می‌داد تا از حق و تو برخوردار شوند. با این حال، عملاً

در بسیاری از موارد از قاعدهٔ اتفاق آراء عدول می‌شد. استثنائاتی وجود داشت که در آن رأی‌گیری به شیوه اکثریت آرا انجام می‌شد و اتفاق آرا در آن لازم نبود. طرفین مناقشات بین‌المللی مجاز به رأی دادن بودند. اصلاحیه‌های میثاق از راه اکثریت آرا قابل تصویب بود. و نیز قضاات دیوان بین‌المللی از راه اکثریت آرا انتخاب می‌شدند.

از آنجا که وظیفهٔ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از اختیارات مشترک شورا و مجمع عمومی به شمار می‌آمد، ممکن بود تداخلی در صلاحیت این دو نهاد پیش بیاید. «هرگاه برای رسیدگی به امری، صلاحیت شورا و مجمع عمومی، هر دو یکسان می‌بود، صلاحیت شورا مقدم شمرده می‌شد، در مجموع مراعات سیاسی به شورا ارجاع می‌گردید، اما در عمل تمایل بر این بود که برای مراعات بسیار شدید به مجمع عمومی مراجعه شود. مثلاً در مورد اختلاف چین و ژاپن ابتدا به شورا مراجعه شده بود، ولی بعد، چین با استناد به بند ۹ مادهٔ ۱۵ که به شورا اجازه می‌داد اختلاف کشورها را به مجمع عمومی ارجاع کند، موضوع را به مجمع عمومی کشاند.»^{۱۲}

دبیرخانه

مادهٔ ۶ میثاق جامعهٔ ملل مقرر می‌کرد که «۱. دبیرخانه‌ای دائمی در مقر جامعه تأسیس خواهد شد. دبیرخانه از یک دبیرکل و دبیران و کارکنانی که موردنیاز می‌باشند تشکیل خواهد شد.» دبیرخانهٔ جامعه به نظام جامعهٔ ملل، استحکام و پایداری می‌بخشید و از این نظر از دبیرخانهٔ کنفرانسهای بین‌المللی که در پایان کار کنفرانس از میان می‌رفتند تفاوت داشت.

بنیادپترین و مشخصترین وظایف دبیرخانه حفظ سوابق، پژوهش و تبلیغات بود. گردآوری داده‌های آماری برای کارگزاریهای گوناگون و انتشار گزارشها و تحلیلها کاری مستمر بود. دبیرخانه بایگانی جامعه را حفظ می‌کرد و به صورت یک محل تصفیه برای همهٔ کارها عمل می‌کرد. معاهدات منعقدۀ همهٔ اعضای جامعه و حتی معاهدات برخی از غیر اعضا ثبت و منتشر می‌شدند. جزوه‌ها، مقالات، فیلمها و بیانیه‌های بی‌شماری گاه به گاه منتشر می‌شدند، که کار جامعه را تشریح می‌کردند و برای فعالیتهای بسیار آن پشتیبانی گرد می‌آوردند.

کار مهمتر، ولی نامحسوس دبیرخانه همکاری نزدیک در تنظیم خط مشی جامعه بود. دبیرخانه اطلاعاتی را برای همهٔ کنفرانسها و کمیته‌های جامعه تهیه می‌کرد و به ارگانها و کارگزاریهای جامعه کمک دبیرخانه‌ای ارائه می‌کرد. مقامات دبیرخانه در موضعی استراتژیک برای تأثیرگذاری بر تعیین سیاستهای جامعه قرار داشتند. مسائلی چون تهیهٔ دستور کار، طرح قطعنامه‌ها و گزارشها، آیین کار و مباحث کمیته‌ها مستلزم توصیه و یاری همیشگی این مقامات بود. تصمیمات گوناگون جامعه در طی وقفه‌های میان نشستهای مجمع و شورا می‌بایست توسط دبیرخانه گرفته می‌شد.

دبیرکل بالاترین مقام دائمی جامعه بود، نخستین دبیرکل، سراریک دراموند بریتانیایی بود که نامزدیش در سند ضمیمه میثاق مطرح شده بود؛ مدت خدمت وی مشخص نشده بود. وی در ژانویه ۱۹۳۳ کناره‌گیری کرد. جانشین وی ژوزف آنول فرانسوی را شورا و با تصویب مجمع برای یک دوره ده ساله منصوب کرد. آنول نیز در ۱۶ آگوست ۱۹۴۰ از سمت خود استعفا داد و جانشین وی شون لستر ایرلندی تا زمان انحلال جامعه در این سمت انجام وظیفه کرد.

وظایف دبیرکل دو جنبه داشت. «اختیارات خارجی دبیرکل اساساً اختیارات یک دولتمرد و دیپلمات بود، و وی در این سمت به کل جامعه ملل خدمت می‌کرد. به علاوه، وی دستیاری برجسته برای شورا و نیز مجمع بود، که به آنها توصیه و مشاوره ارائه می‌کرد، این امر بی‌گمان بر تصمیمات آنها اثر می‌گذاشت.»^{۱۳} همچنین دبیرکل این اختیار را داشت که شورا را به نشست ویژه فراخواند و ترتیبات لازم را برای تحقیق درباره اختلافاتی که می‌توانست برای روابط صلح‌آمیز اعضای جامعه تهدیدکننده باشد، برقرار سازد. همچنین به موجب ماده ۶ میثاق دبیرکل می‌بایست در تمام جلسات مجمع و شورا در همان سمت دبیرکلی حضور می‌یافت و عمل می‌کرد.

دبیرکل در سمت خود به‌عنوان مدیر دبیرخانه دارای اختیارات داخلی گسترده انتصاب، نظارت و کنترل بود. تصویب شورا برای نامزد شدن جانشین دبیرکل و معاونان و کارکنان رده بالا ضروری بود. به گفته یکی از نویسندگانی که در زمان فعالیت جامعه ملل می‌زیست، قدرت دبیرکل و مشاوران بی‌واسطه وی «اساساً ناشی از دو واقعیت ساده بود: نخست اینکه، وی خدمتگزار نه یک ارباب بلکه اربابانی بی‌شمار بود؛ و دوم اینکه، این اربابان در بیشتر ایام سال غایب بودند.»^{۱۴}

کارکنان دبیرخانه در انجام خدمات خود تنها باید به منافع جامعه توجه می‌کردند و از حکومت‌های خودشان دستور نمی‌گرفتند، از این رو استقلال دبیرخانه به رسمیت شناخته شده بود. تعداد کارکنان دبیرخانه متفاوت بود و از ۷۵۰ نفر در سال ۱۹۳۱ تا ۹۴ نفر در ۱۹۴۴ در نوسان بود.

کار دبیرخانه به بخش‌های مختلفی در طول خطوط کارکردی تقسیم می‌شد و هر یک دارای یک سرپرست بود. شمار بخش‌ها در سال ۱۹۳۸ به ۱۵ عدد رسید لیکن بعداً به خاطر شدت کسری بودجه از شمار آن کاسته شد. این بخش‌ها به دو مقوله عمومی و ویژه تقسیم شده بود. بخش‌های عمومی اساساً در خدمت خود دبیرخانه بود و قسمتهای حقوقی، مرکزی، اطلاعاتی و سیاسی را در برمی‌گرفت. علاوه بر اینها، دو بخش کتابخانه و خزانه‌داری نیز وجود داشت. بخش‌های ویژه نیز برای انجام برخی مسائل همچون اقلیتها، مواد مخدر و قیمومیت ایجاد شده بود.

مخارج دبیرخانه براساس میزانی که مجمع مشخص می‌کرد بر دوش همه اعضای جامعه بود. به موجب ماده ۷ میثاق هر زمان که شورا تصمیم می‌گرفت می‌توانست مقر دبیرخانه و جامعه را به جای دیگری منتقل سازد. همچنین در بند ۳ همین ماده آمده بود که «همه مناصب در جامعه ملل یا در ارتباط با آن، از جمله در دبیرخانه، باید به گونه‌ای برابر بر زنان و مردان گشوده باشد».

در همین ماده ۷، نکاتی درباره مصونیت و مزایای دیپلماتیک کارکنان و نیز تعرض‌ناپذیری اماکن جامعه ملل آمده بود:

«۴. نمایندگان اعضای جامعه و مقامات جامعه هنگامی که به امور جامعه اشتغال دارند از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردار خواهند بود.

۵. ساختمانها و دیگر اموال در تصرف جامعه یا مقامات آن و نیز نمایندگان حاضر در جلسات آن، از تعرض مصون خواهند بود».

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی

استقرار دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی نشان‌دهنده گرایش جامعه ملل به صلح بود هدف این بود که چارچوبی قانونی برای حل مناقشات بین‌المللی فراهم آید تا بتوان از راه تبدیل این مناقشات به قضایای حقوقی، حقوق بین‌الملل را وارد عرصه سیاست بین‌الملل کرد.

ماده ۱۴ میثاق جامعه چنین مقرر می‌کرد که:

«شورا طرحی را به منظور استقرار یک دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، تهیه و به اعضای جامعه تسلیم خواهد کرد. این دیوان صلاحیت رسیدگی به همه مناقشاتی را که جنبه بین‌المللی داشته باشد و طرفهای دعوی به آن ارجاع کنند، خواهد داشت همچنین دیوان برای اظهارنظر مشورتی نسبت به هر اختلاف یا هر موضوعی که شورا یا مجمع عمومی به آن ارجاع کند، صلاحیت خواهد داشت».

به این ترتیب پس از یک رشته بحثها و تغییرات که در پیش‌نویسها و گزارشهای تهیه شده هیأت‌های تخصصی صورت گرفت، دادگاه مزبور تشکیل شد. این دیوان از فوریه ۱۹۲۲ با اساسنامه مدونی که کمیسیونی از حقوقدانان تهیه کرده بود، آغاز به کار کرد. این اساسنامه که دارای ۶۴ ماده بود به تصویب اعضای جامعه ملل رسید؛ استقلال دیوان در این اساسنامه به رسمیت شناخته شده بود. بنابراین، دیوان از جامعه استقلال داشت و از این‌رو بیشتر کشورها بجز آمریکا و شوروی به اساسنامه دیوان پیوستند و صلاحیت آن را به رسمیت شناختند.

ترکیب دیوان: دیوان از ۱۱ قاضی و ۴ معاون قاضی تشکیل می‌شد. بعداً در ۱۹۳۰ تعداد قضات آن به ۱۵ افزایش یافت و در ۱۹۳۶ معاونان قضات از ترکیب آن حذف شدند. ترکیب

اعضای دیوان به موجب اساسنامه می‌بایست همواره با عمده‌ترین شکل تمدن و اصولی‌ترین نظام‌های حقوقی، سازگار باشد.

قضات دیوان را شورا و مجمع از میان نامزدهایی که گروه‌های ملی عضو دیوان دائمی داوری تعیین کرده بودند برای مدت ۹ سال انتخاب می‌کردند. این قضات از امتیازات و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردار بودند و می‌توانستند دوباره انتخاب شوند. بر کناری آنها تنها به اتفاق آرای دیگر قضات امکان‌پذیر بود. مقر دیوان در کاخ صلح شهر لاهه هلند بود.

دیوان یک جلسه عادی سالانه داشت و نیز می‌توانست جلسات ویژه فوق‌العاده تشکیل بدهد. دیوان دارای دفتری رسمی هم بود که زیر نظر مدیر و معاون او قرار داشت و وظیفه آن صرفاً اداری بود.

صلاحیت و اختیارات قضایی دیوان: به موجب ماده ۳۴ اساسنامه تنها کشورهای عضو می‌توانستند مناقشات بین‌المللی خود را در این دیوان حل و فصل کنند. البته کشورهای غیرعضو نیز می‌توانستند برای حل مسائل میان خود به این دیوان مراجعه کنند، مشروط بر اینکه متعهد به اجرای احکام صادره از جانب آن شوند. کشور موردنظر می‌توانست هم به تنهایی و هم با موافقت طرف مناقشه به دیوان مراجعه کند.

اختیارات قانونی دیوان بسیار گسترده بود و شامل دو نوع صلاحیت توافقی و مشورتی بود که در حالت نخست به صدور حکم می‌پرداخت و در وضعیت دوم رأی مشورتی می‌داد. به موجب ماده ۳۶ اساسنامه صلاحیت قضایی دیوان همه مواردی را که طرفین دعوی به آن ارجاع کنند و به ویژه همه موارد مربوط به پیمانها و قراردادهای معتبر را شامل می‌شد. کشورها می‌توانستند صلاحیت و رأی دیوان را به‌طور الزام‌آور و بی‌نیاز از توافق قبلی در زمینه‌های زیر به رسمیت بشناسند: الف) تفسیر پیمانها، ب) مسائل مربوط به حقوق بین‌الملل، ج) مواردی که منجر به نقض تعهدات بین‌المللی می‌شد، د) کیفیت و میزان پرداخت غرامت در مورد نقض تعهدات بین‌المللی.

اگرچه دیوان از لحاظ قانونی موظف به دریافت و حل و فصل مسائل میان کشورها بود، اما در عمل به حل مرافعات میان یک کشور و شهروندانی از کشور دیگر، مشروط به توافق دولتهای هر دو طرف، نیز می‌پرداخت. در مواردی که صلاحیت یک دیوان درباره اختلافی مورد مناقشه بود، خود دیوان درباره آن تصمیم می‌گرفت. همچنین در موارد لزوم، همچون دادگاه امور ویژه جامعه ملل عمل می‌کرد.

دیوان می‌توانست در مورد هر مسأله‌ای که از سوی مجمع یا شورا به آن ارجاع می‌شد، رأی مشورتی بدهد؛ این رأی لازم‌الاجرا نبود، اما به‌عنوان آخرین تصمیم قانونی در آن باره تلقی می‌شد. دادگاه همچنین حق داشت در مورد مسائل ارجاعی هیچ گونه نظری ندهد.

کارنامه دیوان: دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی می‌بایست به صورت نهاد و ارگانی برای حل و فصل صلح‌آمیز مسائل جهانی درمی‌آمد. این دیوان در طی حیات خویش از ۱۹۲۲ تا ۱۹۳۹ به هفتادونه مسأله رسیدگی کرد. اما بیشتر این مسائل از لحاظ حفظ صلح و امنیت بین‌المللی دارای اهمیت چندانی نبودند.

با آغاز جنگ جهانی دوم، قضات دیوان، به خاطر اینکه مقامات آلمانی از شناسایی مصونیت سیاسی برای آنان خودداری ورزیدند، از لاهه به ژنو نقل مکان کردند.

پس از جنگ جهانی دوم، دیوان دائمی جای خود را به دیوان بین‌المللی دادگستری داد. قرار شد که دیوان تازه سازمان قضایی پیشین را دنبال کند و بایگانی دیوان دائمی نیز به دیوان تازه تحویل داده شد.

علی‌رغم شباهتهایی که میان این دو دیوان هست، تفاوت‌هایی نیز میان آنان وجود دارد. نخست اینکه، دیوان دائمی از ارکان جامعه ملل به شمار نمی‌رفت، بلکه مؤسسه‌ای وابسته به جامعه ملل بود. در حالی که دیوان بین‌المللی دادگستری رکن اصلی قضایی سازمان ملل متحد به شمار می‌رود. از این رو همه اعضای ملل متحد خود به خود عضو دیوان نیز هستند.

دیگر اینکه، درخواست رأی مشورتی از دیوان دائمی تنها به مجمع عمومی و شورای جامعه تعلق داشت، اما در دیوان تازه، علاوه بر مجمع عمومی و شورای امنیت، ارکان دیگر و نهادهای تخصصی مجاز از طرف مجمع عمومی، نیز حق درخواست رأی مشورتی دارند.

اجرای احکام صادره از سوی دیوان دائمی به حسن نیت دولت محکوم شده یا نحوه اعمال زور دولت دیگر طرف مناقشه بستگی داشت، اما در اجرای احکام دیوان جدید در صورتی که دولت محکوم از اجرای احکام خودداری کند، اجرای احکام به عهده شورای امنیت است.

شورای دائمی نظام سرپرستی (قیمومیت)

برقراری نظام سرپرستی (قیمومیت) یکی از اقدامات مهم جامعه ملل بود، زیرا با بهبود اوضاع سیاسی، «مردم وابسته» و «مناطق عقب‌مانده» سر و کار داشت. البته دامنه این کار محدود بود و تنها سرزمینهایی را در برمی‌گرفت که طی جنگ نخست جهانی از دست دولت عثمانی و آلمان بیرون آمده و به دست متفقین افتاده بود. سرنوشت دیگر سرزمینهای تحت استعمار همچون گذشته باقی ماند.

در واقع مصلحت سیاسی کشورهای پیروز ایجاب می‌کرد که از راه ارگانی بین‌المللی، بدون به هم زدن روابط میان نیروهای استعمارگر اوضاع کشورهای مستعمره بهبود یابد. میثاق جامعه ملل در ماده ۲۲ خود آشکارا اهداف نظام سرپرستی (قیمومیت) را روشن می‌کند:

۱. بهبود اوضاع و پیشرفت مستعمرات و سرزمینهایی که در نتیجه جنگ اخیر از زیر نفوذ

و حاکمیت کشورهایی که پیشتر بر آنها سلطه داشتند، بیرون آمده، اما درعین حال توان آن را ندارند که روی پای خود بایستند، باید در زمره اهداف مقدس جهان متمدن باشد.

۲. قیومیت چنین مردمی باید به کشورهای پیشرفته‌ای سپرده شود که به دلیل داشتن امکانات و تجربیات و موقعیت جغرافیایی مناسب به بهترین شیوه می‌توانند مسئولیت این کار را برعهده گیرند.

شورای دائمی قیومیت از طرق میثاق جامعه ملل تشکیل شد تا به امور این نوع سرزمینهای وابسته در سه منطقه مشخص: الف) امپراتوری عثمانی، ب) آفریقای مرکزی و آفریقای جنوب غربی، و ج) جزایر جنوبی اقیانوس آرام بپردازد.

شورای قیومیت، که شورای جامعه ملل آن را تشکیل داد، در اصل دارای ۹ عضو بود که کشورهای غیرقیومی در آن اکثریت داشتند، در ۱۹۲۷ تعداد اعضای آن افزایش یافت و به ۱۰ کشور رسید. اعضای این شورا گزارشهایی از مسئولان امور قیومیت درباره چگونگی اداره امور مناطق تحت قیومیت دریافت می‌کردند، به دادخواستهایی که از سوی مردم این سرزمینها و از راه حکومتهای آنها به شورای قیومیت ارجاع می‌شد، رسیدگی، و در این زمینه به جامعه ملل توصیه‌هایی می‌کردند؛ شورای قیومیت که رسیدگی به همه مسائل مربوط به سرزمینهای زیر قیومیت را به عهده داشت، تصمیماتش اغلب بر همین توصیه‌ها استوار بود. شورای قیومیت بر چگونگی اداره امور مناطق قیومی نظارت داشت و می‌توانست از مسئولانی که از ضوابط پیشنهاد شده برای اداره این مناطق عدول می‌کردند، بازخواست کند.

بدین ترتیب، نظام قیومیت گامی مهم در جهت اداره بین‌المللی امور و نیز فراهم کردن مقدمات امپریالیسم بود.

سازمان بین‌المللی کار (ایلو) ILO

سازمان بین‌المللی کار یکی دیگر از ارگانهای عمده جامعه ملل بود که علی‌رغم استقلال، در رابطه نزدیک با جامعه عمل می‌کرد. این سازمان به‌عنوان ارگانی بین‌المللی برای مشاوره درباره امور مربوط به کار تأسیس شد. پیش‌بینی می‌شد که سازمان در جهت استاندارد کردن ضوابط کار و تصویب قوانینی به منظور حمایت از نیروی کار در سطح بین‌المللی بتواند اقداماتی انجام دهد. همچنین قرار بود که این سازمان فعالیتهای دولتها، سازمانهای کارفرما و اتحادیه‌های کارگری را هماهنگ سازد.

ماده ۲۳ میثاق جامعه ملل ضمن توضیح فعالیتهای اجتماعی و سایر فعالیتهای جامعه ملل در این مورد، هدف آن را حمایت و حفاظت از شرایط انسانی کار نیز می‌دانست، و عضویت برای دیگر کشورها نیز آزاد بود. به این ترتیب، سازمان با مسائل کارگری اعضا سروکار داشت. سازمان بین‌المللی کار از سه بخش عمده تشکیل شده بود:

۱. کنفرانس عمومی: این کنفرانس متشکل از نمایندگان کشورهای عضو و نمایندگان سازمانهای کارگری و کارفرمایی آن کشورها بود. این کنفرانس توصیه‌هایی ارائه می‌کرد و از کشورهای مربوطه در سراسر جهان می‌خواست تا آنها را به تصویب برسانند.
 ۲. هیأت اداری: این هیأت یعنی واحد مدیریت و اداری سازمان از ۳۲ عضو تشکیل می‌شد که برای سه سال انتخاب می‌شدند و نیم دیگر با نسبتی برابر را هیأت‌های نمایندگی کارگران و کارفرمایان در کنفرانس انتخاب می‌کردند. این هیأت هر سه ماه یک بار جلسه تشکیل می‌داد، دستور جلسه کنفرانس را تهیه می‌کرد و بر امور اداری سازمان نظارت می‌کرد.
 ۳. دفتر بین‌المللی کار: این دفتر متشکل از ۳۵۰ متخصص در زمینه‌های گوناگون و یک اهرم عملیاتی مهم برای سازمان بود. مسئولیتها و سیاستهای دفتر را سرپرست آن که خود از جانب هیأت اداره‌کننده منصوب می‌شد، تعیین می‌کرد.
- مقر سازمان بین‌المللی کار در ژنو سوئیس بود.

نقش جامعه ملل در حفظ صلح (۱۹۴۵-۱۹۱۹)

تاریخچه سیاسی جامعه ملل

- تاریخچه جامعه ملل را می‌توان به‌طور کلی به پنج دوره تقسیم کرد: ۱. ۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰، ۲. ۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵، ۳. ۱۹۲۶ تا ۱۹۳۲، ۴. ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۹، ۵. ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵ میلادی.
- دوران شکل‌گیری جامعه ملل (۱۹۱۹ تا ۱۹۲۰) با وقایعی مصادف شد که تأثیری نامطلوب بر آینده آن گذاشت. عدم عضویت ایالات متحده آمریکا و اخراج اتحاد شوروی و آلمان از جامعه از همان آغاز آن را تضعیف کرد. غیبت دو کشور قدرتمند آمریکا و شوروی از دوران شکل‌گیری جامعه در ژنو ضعفی بنیادین بود که هرگز جامعه به‌طور کامل بر آن چیره نشد. بدون حضور این کشورها در سالهای نخستین، هیچ رهبری پایدار و قدر قدرتی نمی‌توانست تحقق یابد. غیبت این کشورها بدین معنا بود که قدرتهای بزرگ بیرون از جامعه ملل می‌توانستند بدون در نظر گرفتن مقررات بین‌المللی به حل و فصل امور خویش بپردازند. در صورت انجام مذاکرات مسقیم بین دولتها جامعه ملل دیگر نمی‌توانست ارگانی غیرقابل بحث و قدرتی برای گرفتن تصمیمات الزام‌آور باشد.
- دوران دوم (۱۹۲۱ تا ۱۹۲۵) با دوره نخست ارتباط داشت و طی آن اتحاد شوروی و آلمان با جامعه ملل روابطی خصمانه داشتند. با این همه برخی از مسائل و مناقشات در این دوره حل شد که عبارت بودند از:

۱. مناقشه میان سوئد و فنلاند بر سر جزایر آلد (۱۹۲۰)
۲. مناقشه میان لهستان و آلمان بر سر سیلزی علیا (۱۹۲۲)
۳. مناقشه میان لیتوانی و لهستان بر سر ویلنا (۱۹۲۳)

۴. ادعاهای لیتوانی بر ممل (۱۹۲۴)

۵. اختلاف میان یونان و بلغارستان بر سر مسائلی مرزی (۱۹۲۵)

علاوه بر اینها، مناقشۀ مرزی میان یوگسلاوی و آلبانی و مناقشۀ ایران و شوروی بر سر مسأله انزلی در این دوره مورد رسیدگی قرار گرفت.

پروتکل ژنو که برطبق آن تمام کشورها موظف به رعایت تصمیمات دیوان جهانی و شورای جامعه بودند در این دوره به امضاء رسید و توافق شد که در نظر نگرفتن تصمیمات این دو ارگان به معنای فراهم کردن مقدمات کشمکش خواهد بود. پروتکل ژنو که نام کامل آن، «پروتکل برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی» بود، بر نظریه امنیت عمومی تکیه داشت و ترتیبات منطقه‌ای را ترک می‌کرد. پروتکل در پی بازداشتن دولت‌ها از اعمال حق دست یازیدن به جنگ پس از زمانی بود که دستگاه ایجاد شده طبق ماده ۱۵ میثاق در حل و فصل اختلافات مورد رجوع شکست خورده بود. همه طرف‌های یک مناقشه ملزم می‌شدند در صورتی که شورا نتوانست راه حلی را مورد مذاکره قرار دهد، آن را به داوری بسپارند. به هر حال پروتکل ژنو هرگز تصویب‌های کافی را به دست نیاورد، در این باره نیز مخالفت از سوی بریتانیا و دومینیون‌هایی بود که از آنچه به باور آنها جنبه‌های تحمیل‌آمیز پروتکل بود، بیزار بودند. «جامعه ملل، تا آنجا که جنبه‌های سیاسی آن مطرح بود، با رد پروتکل ژنو در ۱۹۲۵ از بین رفت. با این حال، شماری از ویژگی‌های آن در منشور ملل متحد گنجانده شد.»^{۱۵}

از دیگر اقدامات این دوره، استقرار نظام قیمومیت بود که از راه آن سرزمین‌های مستعمره‌ای که در طی جنگ جهانی نخست متفقین از آلمان و عثمانی گرفته بودند، اداره می‌شدند. چنانچه دقیقتر بررسی شود این امر آشکار می‌شود که مناقشاتی که جامعه ملل موفق به حل و فصل آنها شد اغلب مواردی بود که منافع قدرتهای بزرگ عضو در آنها به خطر نیفتاده بود، یا منافع مشترک اعضای قدرتمند شورا آن اقدام را ایجاب می‌کرد. برای نمونه، به خاطر ذینفع بودن فرانسه و اتحاد شوروی جامعه ملل نتوانست در برابر تصرف شهر ویلنا که متعلق به لیتوانی بود، به دست قوای لهستان در ۱۹۲۰، واکنشی نشان دهد. اما «در سال ۱۹۲۵ به وساطت رئیس شورای جامعه ملل جنگ تازه‌ای که میان بلغارستان و یونان در گرفته بود به سهولت متوقف شد، وی پیامی برای طرفین منازعه فرستاد و قطع فوری مخاصمات را خواستار شد. او در این اقدام خود از حمایت مؤثر فرانسه و بریتانیای کبیر برخوردار بود که در این موقعیت متفقاً عمل کرده بودند، به‌ویژه برای بازداشتن یونان از عمل تجاوزآمیز، نفوذ خود را به کار بردند.»^{۱۶}

اوج فعالیت جامعه با دوران سوم آن (۱۹۲۶ تا ۱۹۳۲) همزمان بود. در این دوره قدرتهای بزرگ توافق کردند که از راه جامعه روابط خود را با یکدیگر تنظیم کنند و حتی کشورهای غیر عضو نیز به حمایت از آن پرداختند. در این دوره پیمانهای صلحی منعقد شد و کنفرانس‌هایی

دربارهٔ خلع سلاح بر پا گردید که به نتیجه‌ای نرسید. پیمان صلح لوکارنو در ۱۹۲۵ امضا شد که از راه هفت موافقت‌نامهٔ آن، برخی از مرزهای اروپا تضمین می‌شد و بلژیک، فرانسه و آلمان متعهد می‌شدند که مسائل مورد اختلاف را از راه مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند و هیچ‌گاه به جنگ دست نزنند. پیمان صلح لوکارنو که تحت سرپرستی جامعهٔ ملل بسته شد سرآغاز دوران تازه‌ای در روابط بین‌المللی شد.

سند عمومی ۱۹۲۸ جامعهٔ ملل زمینهٔ ایجاد داوری، عدم تجاوز و همکاری دو جانبه میان ملت‌ها را پدید آورد. «سند عمومی برای حل و فصل صلح‌آمیز اختلافات بین‌المللی» کوششی دیگر برای تقویت دستگاه حل و فصل مسالمت‌آمیز بود. این سند در نهمین مجمع به اتفاق آرا پذیرفته شد. یکی از اهداف آن، تکمیل پیمان بریان - کلوگ دربارهٔ غیرقانونی‌سازی جنگ بود. گواه سودمندی این سند این است که مفاد آن در منشور ملل متحد گنجانده شد.

احتمالاً سال ۱۹۲۹ نقطهٔ اوج جامعه بود و اعتماد بسیاری را به تلاش‌های آن برای بهبود سرنوشت بشر جلب کرد. اما در طی سه سال کوتاه، اعتماد ۱۹۲۹ از هم گسیخته شد. رکود بزرگ تا پایان ۱۹۳۰ بر سراسر جهان سایه افکند، و موجب از هم گسیختگی اقتصادی، معضل مالی، و باززایی ناسیونالیسم و بدگمانی شد. بدین ترتیب یگانگی و وحدتی که در اروپا در ۱۹۲۹ احساس می‌شد ناپدید گشت.

نقطهٔ عطف واقعی در تاریخ جامعهٔ ملل در پاییز ۱۹۳۱ پیش آمد. در ۱۹ سپتامبر ارتش ژاپن موکدن، پایتخت منچوری را اشغال کرد. به زودی آشکار شد که اعضای جامعه با چالشی عینی با کل نظام امنیت دسته‌جمعی جامعه روبه‌رو هستند.

چین بیدرنگ از شورا خواست براساس مادهٔ ۱۱ میثاق دست به اقدام زند. شورا نیز از ژاپن خواست که نیروهایش را فراخواند و به پیمان بریان - کلوگ استناد کرد که هیچ ضمانت اجرایی پشت سر خود نداشت. اما ژاپن در آوریل ۱۹۳۲ اعلام کرد که منچوری اکنون دیگر مانچوکو نام دارد و یک دولت مستقل است و جنگ را تا به شانگهای گسترش داد. تلاش‌های بعدی مجمع جامعهٔ ملل که به موجب مادهٔ ۱۵ میثاق عمل می‌کرد منجر به محکوم کردن اقدامات ژاپن و تصویب دکترین استیمسون شد، به موجب آن جامعه از شناسایی دگرگونی در وضعیت حقوقی منچوری خودداری ورزید. پاسخ ژاپن خروج از جامعه بود.

در این دوره کاستاریکا، برزیل و ژاپن از جامعهٔ ملل خارج شدند؛ نفوذ و اقتدار جامعه را کشورهای گوناگونی که تنها پیرو سیاست‌های ناسیونالیستی خویش بودند، به زیر سؤال بردند و تضعیف کردند.

دوران چهارم (۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹) دورهٔ آزمون جامعه بود. پس از اینکه جامعهٔ ملل نتوانست ژاپن را از تجاوز به چین باز دارد، هیتلر و موسولینی از اینکه جامعه نمی‌تواند در برابر تجاوز آشکار یک قدرت بزرگ با عزم و تندی واکنش نشان دهد، دلگرمی یافتند. موسولینی در

دسامبر ۱۹۳۴ به اتیوپی حمله کرد. این برخورد مسلحانه نظام امنیت دسته‌جمعی جامعه را بیش از پیش به چالش گرفت. واکنش شورای جامعه اعلام ایتالیا به عنوان متجاوز و به اجراگذاردن مجازاتهای مقرر در ماده ۱۶ بود. در مجمع نیز تصمیمات شورا تصویب شد. به سرعت توافق شد که صدور برخی از کالاها به ایتالیا متوقف شود، تحریمی تسلیحاتی برقرار شود، واردات از ایتالیا منع شود و از اعطای هرگونه کمک مالی به آن خودداری شود. نفت جزء تحریم قرار نگرفت و هیچ کوششی نیز برای انجام تدابیر نظامی صورت نگرفت. روابط دیپلماتیک با ایتالیا قطع نشد و کانال سوئز نیز مسدود نگردید. سرانجام در می ۱۹۳۶، جنگ پایان یافت و مجمع نیز در ژولای به رفع تحریمها رأی داد؛ حتی سیاست عدم شناسایی که در موضوع منچوری تصدیق شده بود نیز اتخاذ نشد. بدین ترتیب امنیت دسته جمعی از بین رفت و راه برای جنگ جهانی دوم هموار شد.

در طی جنگ داخلی اسپانیا نیز جامعه ملل صرفاً نظاره گر بود. هیتلر اتریش، چکسلواکی و لهستان را گرفت (۱۹۳۹) و جامعه ملل در محاصره این بحرانا قرار گرفت. هیأت‌های نمایندگی بی‌مها با از قدرت وتوی خویش استفاده می‌کردند و روال «مصوبات تنبیهی» علیه کشورها مرتب مورد اعتراض بود و بعضی از کشورها، خواستار افزودن متممهایی به میثاق جامعه بودند. قدرتهای بزرگ برای کسب برتری دریایی با یکدیگر به شدت رقابت داشتند و مسأله خلع سلاح به کلی فراموش شده بود.

طرفین مناقشات مایل نبودند مسأله خویش را نزد جامعه ملل حل کنند. حتی کشور کوچکی همچون پاراگوئه در طی جنگ خود با بولیوی (جنگ گران جاکو در ۱۹۳۵) پیشنهاد صلح جامعه را نپذیرفت. این ضربات کار جامعه ملل را یکسره ساخت و کوششهای آن برای محکوم کردن و اخراج شوروی از جامعه، به دلیل حمله به فنلاند، نیز نتوانست اوضاع را تغییر دهد. در واقع واپسین تصمیم سیاسی پس از شروع جنگ جهانی، همین تصمیم به اخراج شوروی بود. در ۱۴ دسامبر ۱۹۳۹، جامعه ملل تجاوز شوروی را محکوم ساخت و شورا برای تنها بار در تاریخ حیاتش، به اخراج یک عضو جامعه رأی داد. این کوشش جامعه نیز بیهوده بود، زیرا هیچ اقدام دیگری بجز اخراج علیه شوروی صورت نگرفت. در این میان به دلیل کناره‌گیری مرتب اعضا از جامعه، تعداد آنها به تدریج کاهش یافت به طوری که در سال ۱۹۳۹ تنها ۳۴ کشور عضو آن بودند.

واپسین دوره فعالیت جامعه (۱۹۴۰ تا ۱۹۴۵) همزمان با واکنش نامطلوب همان رفتاری بود که جامعه ملل پیش و پس از جنگ جهانی دوم و در دوران آن نسبت به مسائل بین‌المللی از خود نشان داده بود. ماههای سال ۱۹۳۹ سپری شدند و هیچ کس جامعه ملل را نهادی که بتواند از جنگ پیشگیری کند یا به آن پایان دهد، به شمار نیاورد. نه پیش و نه پس از حمله آلمان به لهستان هیچ کشوری از شورا یا مجمع جامعه ملل درخواست تشکیل جلسه نکرد. در این دوره

جامعه ملل شباهی بود که به سختی می توانست نقش سیاسی داشته باشد و بیشتر به همان امور جاری غیرسیاسی می پرداخت.

در ماه می ۱۹۴۰ اوضاع بدتر شد و دبیرکل جامعه ملل، آنول با استعفای خویش قدرت دبیرخانه را بسیار کاهش داد. پس از سقوط فرانسه در ژوئن ۱۹۴۰، ژنو عملاً از جهان آزاد جدا شد. فعالیت‌های فنی جامعه نمی توانست در زیر چنین وضعیت فلج‌کننده‌ای به مدت زیادی ادامه یابد، اما دیگر کشورها به یاری جامعه برآمدند. سازمان بین‌المللی کار به مونترال تغییر مکان داد؛ و خزانه‌داری جامعه به لندن رفت. سرانجام بخش بزرگی از دبیرخانه در دانشگاه پرینستون به فعالیت پرداخت، و اندک کارکنانی در ژنو باقی ماندند.

در پایان جنگ جهانی دوم متفقاً چنین ابراز عقیده شد که جامعه ملل سازمان خوبی نیست و باید جای خود را به سازمان ملل متحد بسپارد؛ حتی خود جامعه ملل نیز با تشکیل سازمان ملل متحد موافقت کرد.

بیست و یکمین نشست مجمع در ۸ آوریل ۱۹۴۶ در ژنو برگزار شد تا جامعه ملل را برجیند. از شورا برای تشکیل جلسه دعوت نشد و مجمع طبق تصمیم، وظایف درون صلاحیت شورا را نیز خود برعهده گرفت. در ۱۸ آوریل ۱۹۴۶ مجمع به اتفاق آرا رأی داد که از روز بعد (۱۹ آوریل) «جامعه ملل دیگر وجود نخواهد داشت.» میثاق باطل و کان لم یکن اعلام نشد و به هیچ گونه‌ای نیز نسخ نگشت صرفاً آن دستگاه با تصمیم اعضای جامعه منحل شد. در ۳۱ ژولای ۱۹۴۷، یک هیأت ویژه تصفیه کار خود را در توزیع وجوه باقی مانده میان اعضای جامعه، تسویه حسابهای مالی، و انتقال اموال و برخی از وظایف آن به سازمان ملل متحد به پایان رساند.

علل شکست جامعه ملل

هرگونه ارزیابی از ساختار و کار جامعه ملل باید حول پاسخ به دو پرسش اساسی متمرکز باشد. چرا جامعه ملل در حفظ صلح شکست خورد؟ علی‌رغم شکست، جامعه چه کمکهایی برای ایجاد همکاری و سازمان بین‌المللی انجام داد؟

جامعه ملل در مجموع تجربه‌ای دلسردکننده بود. این سازمان نه تنها به هدفهای بلند پروازانه و اوتوپایی خویش دست نیافت، بلکه به مقاصد مشخص و محدود خود نیز جامعه عمل نپوشاند. امیدهایی که بر آن بسته شده بود به واقعیت نپیوست و به همین خاطر وادار به سپردن جای خویش به سازمان تازه‌ای به نام سازمان ملل متحد شد. تاکنون نویسندگان و صاحب‌نظران بیشماری کوشیده‌اند که دلایل شکست جامعه ملل را بررسی کنند. تقریباً بیشتر این افراد بر عللی که آن را دلایل شکست جامعه می‌دانند توافق دارند. آنان سه ضعف اساسی را عامل شکست جامعه ارزیابی می‌کنند؛ این سه ضعف عبارت‌اند از ضعف قانونی، ضعف

ضعفهای جامعه ملل

۱. ضعف قانونی: این ضعف به اساسنامه جامعه ملل که همان میثاق بود، مربوط می‌باشد. عمده‌ترین ضعف قانونی میثاق این بود که جنگ را کاملاً غیرقانونی اعلام نکرد؛ یعنی اینکه «در حالی که میثاق اعضا را از توسل به جنگ تحت برخی شرایط منع می‌کرد، آنان می‌توانستند در نبود آن شرایط به جنگ بپردازند».^{۱۷}

در مقدمه میثاق، طرفهای متعاقد به پذیرش تعهدات جهت عدم توسل به جنگ متعهد شدند. در ماده ۱۲ میثاق نیز آمده بود که:

«۱. اعضای جامعه توافق می‌کنند که اگر میان آنها اختلافی پدید آید که احتمالاً به گسیختگی منجر شود، آنها این موضوع را به داوری یا به حل و فصل قضایی یا به تحقیق توسط شورا می‌سپارند، و توافق می‌کنند که در هیچ حالتی تا سه ماه پس از حکم داوران یا رأی قضایی یا گزارش شورا به جنگ متوسل نشوند.»

همچنین بند ۴ ماده ۱۳ نیز اعضا را ملزم می‌ساخت «علیه هیچ یک از اعضای جامعه که رأی داوری یا قضایی را رعایت می‌کند به جنگ متوسل نخواهند شد.»

علاوه بر اینها در بند ۶ ماده ۱۵ نیز اعضای جامعه متعهد می‌شدند علیه هیچ یک از طرفهای مناقشه که توصیه‌های گزارش شورا را رعایت می‌کند، به جنگ نپردازند. آشکار است که هر چند در این مواد جنگ منع شده بود، اما خلأهایی قانونی وجود داشت که به متجاوزان اجازه می‌داد از آنها سوءاستفاده کنند و به جنگ مبادرت ورزند. برای نمونه، به موجب ماده ۱۲، دولتهایی که قصد جنگ و تجاوز داشتند، تنها می‌بایست سه ماه صبر می‌کردند تا کارشان تخلف از میثاق به شمار نیاید.

از نظر اساسنامه، ضعفهای دیگری نیز در جامعه ملل وجود داشت. گنجاندن متن میثاق جامعه در درون متن چهار معاهده صلح و رسای، برخی دشواریهای قانونی پدید آورد. این امر موجب شد که «جامعه ملل به عنوان مرجعی شناخته شود که به طور یک‌جانبه برای دفاع از منافع کشورهای پیروز پدید آمده است، هر چند که بعدها میثاق جامعه ملل به عنوان عهد نامه‌ای مستقل از معاهدات صلح مزبور شناخته شد. در نتیجه این شناسایی بعدها جامعه ملل کشورهای شکست خورده در جنگ اول را نیز به عضویت پذیرفت».^{۱۸}

یکی دیگر از مشکلات اساسنامه‌ای، روش رأی‌گیری با اتفاق آرا بود که میراث کنفرانسهای دیپلماتیک سنتی بود. البته کم‌کم مجمع روش رأی‌گیری با اکثریت ساده را جایگزین روش پیشین ساخت تا از مشکلات ناشی از آن بپرهیزد.

مشکل دیگر قانونی، صلاحیت مشترک مجمع و شورای جامعه در زمینه صلح و امنیت

بین‌المللی بود. برخی از مسائل در صلاحیت انحصاری شورا (همانند اخراج اعضا) بود و برخی دیگر در صلاحیت مجمع (پذیرش اعضای تازه، بازنگری در معاهدات) قرار داشت، اما مهمترین مسأله‌ای که وظیفه جامعه بود، یعنی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی «در صلاحیت هر دو ارگان قرار داشت و در این مورد، در منشور جامعه ملل تفکیک روشنی میان حدود اختیارات این دو ارگان پدید نیامده بود (درعین حال هیچ یک اولیتی هم در رسیدگی به این مسأله نداشتند). مشکل ناشی از این صلاحیت مضاعف، به هنگامی بروز می‌کرد که مجمع و شورا درخصوص حل و فصل یک مسأله واحد که بر صلح جهانی مؤثر بود، دو راه حل متفاوت اتخاذ می‌کردند.»^{۱۹}

دو مشکل دیگر قانونی، روش ایجاد تغییرات در میثاق جامعه ملل بود که دارای ابهام و اشکال بود. طبق ماده ۲۶ میثاق، «تجدیدنظر و اصلاح مواد میثاق می‌بایست به تصویب اکثریت اعضای مجمع و همچنین کلیه اعضای شورا می‌رسید. ایراد این روش این بود که میثاق اهمیت بسیاری برای مراحل تهیه پیش‌نویس اصلاحات قائل شده بود، در مقابل از مواردی که ایجاد اصلاحات در آنها امکان داشت سخنی به میان نیآورده بود. همین تردید، جامعه ملل را که ذاتاً باید سازمانی پویا باشد به سازمانی کم تحرک مبدل می‌ساخت.»^{۲۰}

۲. ضعف ساختاری: ضعف ساختاری جامعه ملل که موجب می‌شد نتواند از وقوع جنگ‌هایی جلوگیری کند که در محدوده صلاحیتش رخ می‌داد عامل مهمی در شکست جامعه ملل بود. تفاوت میان توزیع قدرت در دنیا، محور اصلی ضعف ساختاری جامعه بود. «در دوره‌ای که عوامل اصلی سیاست بین‌المللی دیگر به وضوح اروپایی نبودند، ساخت جامعه ملل به‌طور عمده اروپایی بود و قدرت بزرگی که به نوبه خود بر جامعه ملل تسلط داشت قدرتهای اروپایی بودند.»^{۲۱} ایالات متحده هیچ‌گاه به عضویت جامعه درنیامد. اتحاد شوروی نیز خیلی دیر به آن پیوست. غیبت این کشورهای بسیار قدرتمند از جامعه وضعی بنیادین بود که هیچ‌گاه جامعه نتوانست کاملاً بر آن چیره شود.

انتظار می‌رفت که جامعه ملل به صورت سازمانی جهانی و مظهري از برادری درآید، لیکن به دلایل گوناگون این چنین نشد. چون یا برخی از دولتها به آن نپیوستند، یا برخی دیگر اجازه ورود به آن را نیافتند، کشورهایی همچون عربستان، یمن و عمان هرگز به عضویت آن درنیامدند و آلمان و شوروی نیز در مراحل نخست با اشکالاتی روبه‌رو شدند. تعدادی از کشورها نیز به‌طور موقت به دلایل گوناگون مالی، عدم فعالیت و بی‌خاصیتی، پایین آمدن اعتبار و مسائل مربوط به اخراج از جامعه ملل کنار کشیدند و از این راه قوت و اعتبار آن را تضعیف کردند، در مراحل نهایی تنها ۳۴ کشور در آن باقی مانده بودند که در میان آنها فقط یک کشور بزرگ (بریتانیا) وجود داشت.

در واقع عدم عضویت ایالات متحده در جامعه، آن را در حد سازمانی اروپایی باقی نگاه

داشت. کشورهای متجاوز و خطا کار، همچون ژاپن، آلمان و ایتالیا، برای گریز از سرزنش به آسانی از سازمان کناره گیری می کردند. تنها قدرت بزرگ غیراروپایی عضو جامعه ملل، ژاپن بود، که او نیز بعداً از آن کناره گیری کرد.

جامعه ملل بی گمان به خاطر غیبت یک رهبری هماهنگ از سوی قدرتهای بزرگ در شورا فلج شد. این واقعیت که آمریکا به عضویت آن درنیامد جنبه ای پیچیده در مذاکرات بود. جامعه ملل از همان آغاز کار زیر نفوذ و سلطه اروپا بود. قدرتهای مهم جامعه ملل، یعنی فرانسه و انگلیس، اروپایی بودند، شوروی تنها در سالهای آخر عمر جامعه ملل میان سالهای ۱۹۳۷ تا ۱۹۳۹ به آن پیوست و ژاپن نیز که یک دولت غیراروپایی بود بعدها از آن کنار کشید؛ جالب اینجاست که این دوره همزمان با انتقال قدرت از دست کشورهای اروپایی به غیراروپایی بود. همین امر موجب شد که این سازمان بین المللی که داعیه جهانی بودن داشت نتواند همه کشورهای قدرتمندی را که می توانستند صلح جهانی را تهدید نمایند زیر سیطره خود قرار دهد. جامعه ملل نتوانست به صورت سازمانی جهانی درآید و این امر برایش گران تمام شد؛ جامعه ملل از اعمال قدرت و نفوذ قانونی خویش بر کشورهای که صلح جهانی را برهم می زدند ناتوان ماند و به این ترتیب قدرت خود را از دست داد.

«فلسفه امکان خروج کشورها از عضویت جامعه ملل را - که در مواد ۲۶ و ۱۶ به آن اشاره می شد - در سازمانی چون جامعه ملل، که با هدف تداوم و جهانی شدن پدید آمده بود، باید زیر سؤال برد.»^{۲۲}

جامعه ملل از لحاظ ساخت درونی هیچ اهرمی برای به اجرا درآوردن مصوبات خود و مجبور کردن کشورها به اطاعت از آنها نداشت. سیستم غیرمتمرکز ضمانت اجرا چندان سودمند نبود؛ نیاز بود که ارگانی اجرایی حتماً دارای گروهی اداره کننده و مسئول باشد که بتواند نسبت به اعضا تصمیمات الزام آور بگیرد. نظام قیمومیت جامعه نیز به طور کامل بر قدرتهای بزرگ تکیه داشت و نوعاً هیچ وقعی به شکایات ملتها و حفظ حقوق آنها نمی گذشت.

۳. ضعف سیاسی: سازمانها اغلب محصول و نتیجه اوضاع و شرایط هستند. یک سازمان بین المللی تنها از راه کمک کشورهای عضو می تواند تشکیل شود، اما رعایت اصول بین المللی و حاکمیت مستقل کشورها ظاهراً با یکدیگر منافات دارد. همین امر موجب شده است که برخی از منتقدان بیندیشند جدا از ضعفهای اساسنامه ای و ساختاری جامعه ملل با مشکل بزرگ دیگری روبه رو بود که همان پیگیری منافع ملی توسط قدرتهای بزرگ به جای کوشش در راه پیشبرد همکاریهای بین المللی بود. منتقدی در این باره می گوید: «شکست جامعه ملل را نمی توان ناشی از نقایص تشکیلاتی دانست؛ در واقع، جامعه ملل تنها بدین علت شکست خورد که کشورهای عضو آماده ایفای تعهدات خود و تضمین موفقیت سازمان نبودند.»

قرار بود جامعه ملل از راه تنبیه جمعی و مشترک کشور خاطی و قانون شکن، حافظ صلح

و امنیت تمام کشورها باشد. این بدان معنا بود که هر کشور می‌بایست به منظور حفظ امنیت جمع دارای قدرت باشد تا بتواند در موارد لزوم به حل و فصل مناقشات بپردازد و این چیزی بود که هرگز در اختیار جامعه قرار نگرفت. سیاستهای جداگانه و کاملاً متضاد قدرتهای بزرگ و کشمکش و اختلاف میان آنها موجب شد که جامعه ملل به ندرت در برابر تهدیدات به‌عنوان واحدی مستقل عمل کند. منافع ملی و متضاد قدرتهای بزرگ اغلب الزامات قانونی را زیر پا می‌گذاشت و به نظر می‌رسید که هیچ یک از آنها در پی امنیتی اساسی و جهانی نیستند.

شورای جامعه ملل پس از آغازی موفقیت‌آمیز و انجام اقداماتی سودمند به صحنه درگیری دائم فرانسه و بریتانیا که هر دو به تجدید قوای نظامی خویش پرداخته بودند بدل شده بود. آشکار بود که هر یک از قدرتهای بزرگ می‌خواستند جامعه ملل را در جهت حمایت از کسب قدرت برای خویش سوق دهند.

دیگر قدرتها چه در درون و چه در بیرون جامعه ملل نیز به دنبال سیاستهای ناهماهنگ بودند، حق و تو در شورای جامعه می‌توانست هر تصمیمی را خنثی سازد. در حالی که توانایی جامعه ملل برای جلوگیری از جنگ براساس وحدت اعضایش، به ویژه قدرتهای بزرگ پیش‌بینی شده بود، این کشورها هرگز حاضر نمی‌شدند در برابر هدفی بین‌المللی از منافع و آمال ملی خویش دست بردارند. در نتیجه جامعه ملل هیچ‌گاه نمی‌توانست در موقعیتهای انفجاری وارد عمل شود و راه‌حلهایش تردیدآمیز، غیرقاطع و بی‌ضابطه بود، قطعنامه‌های جامعه ملل محدود و کم‌قدرت بودند، و هر گاه یک قدرت بزرگ حقوق ملتها را نقض می‌کرد تنها کاری که از آنها برمی‌آمد محکوم کردن آن قدرت بود. حتی در مناقشات کوچک و جزئی نیز این اقدامات کارایی نداشت. تصمیمات اقتصادی جامعه، که برطبق میثاق آن کشورهای عدول‌کننده از آنها خود به خود از تمام روابط مالی و اقتصادی محروم می‌شدند، نیز نتوانست به‌طور مشترک عمل شود و هر کشور طبق مقتضیات سیاسی خویش با آنها برخورد می‌کرد و طرز اعمال آن را تعیین می‌کرد. با اینکه در میثاق جامعه ملل قید نشده بود که تمام اعضا باید در نیروهای نظامی جامعه سهیم باشند، هیچ یک از تصمیمات نظامی آن، جامعه عمل نپوشید. در این مورد اعضا همواره ماهیت داوطلبانه بودن اقدامات نظامی را بهانه قرار می‌دادند؛ به این ترتیب امنیت مشترک و ضوابط قانونی آن در عمل با شکست مواجه شد.

جامعه ملل تنها در مواردی موفق بود که پای منافع قدرتهای بزرگ در کار نبود یا اینکه خود آنها از جامعه ملل می‌خواستند که وارد عمل شود. نمونه‌های این امر کشمکش میان بلغارستان و یونان بود که با دخالت جامعه در ۱۹۲۵ به سرعت پایان گرفت.

جامعه ملل نتوانست از هیچ یک از جنگهای عمده جلوگیری کند و نظم بین‌المللی را نگه دارد. چنانچه اعضای جامعه ملل تنگ نظری درباره منافع خویش را کنار می‌گذاشتند، این سازمان می‌توانست بسیار مؤثر باشد، اما این کار از عهده رهبران بسیاری از کشورها

ارزیابی دستاوردهای جامعه ملل

اکنون به آن پرسش دوم پاسخ می‌دهیم که علی‌رغم شکست، جامعه ملل چه کمکهایی برای ایجاد همکاری و سازمان بین‌المللی انجام داد؟

بیست سال تاریخ جامعه را نمی‌توان تنها برحسب فروپاشی و شکست نگاشت. در کل، «شکست جامعه ملل در جلوگیری از بروز جنگ جهانی دوم حتی بر موفقیت‌های کسب شده این جامعه در زمینه‌های اقتصادی، مالی، بهداشتی، اداره سرزمین‌های غیر خودمختار، حمل و نقل و ارتباطات، مسائل اجتماعی و مسائل مربوط به کار سایه انداخت.»^{۲۴} با این حال علی‌رغم تمام نارساییهایی که بر شمرده شد، جامعه ملل تجربه بزرگی بود.

در آن تاریخ، یعنی دهه ۱۹۲۰، نظام و سازمان بین‌المللی مؤثرتر و کارآمدتر از جامعه ملل نمی‌توانست به وجود آید. زیرا ملتها بیش از آن تحت تسلط گرایشهای ناسیونالیستی بودند که بتوانند در بعضی موارد از حقوق ملی خویش صرف‌نظر کنند و به نظامی بین‌المللی گردن نهند.

جامعه ملل در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و انسانی موفقیت‌های نسبی داشت و اقدامات جهانی مهمی در زمینه بهداشت، کنترل مواد مخدر و ارتباطات انجام داد. نظام قیومیت نیز در واقع تجربه موفق بود، زیرا مسئولیت کشورهای بزرگ را در قبال برادران کوچکتر آنها که در شرایط و مناطقی نامساعد به سر می‌بردند، گوشزد می‌کرد. در واقع وجود جامعه ملل بود که راه را برای همکاری‌های بین‌المللی از راه استفاده از سازمانهای بین‌المللی گشود و سازمان ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌المللی ره‌آورد اندیشه‌ای است که نخستین بار در جامعه ملل تجلی یافت. به عبارت دیگر، بر اعضای جامعه بین‌المللی اثبات شد که تنها با پیگیری روشهای سازمانی و بین‌المللی می‌توان جامعه بشری را از خطر و تهدید جنگ برکنار داشت.

«این واقعیت که سازمان بین‌المللی تازه‌ای، ملل متحد، پس از جنگ جهانی دوم ایجاد شد گواه مثبتی بر تداوم آرمانهای جامعه ملل پیشین بود. جدا از دیگر جنبه‌ها، جامعه ملل از این لحاظ ارزشمند بود که به صورت یک زمینه آزمایش بزرگ برای جنبه‌های ماهوی و شکلی سازمانهای بین‌المللی عمل کرد.»^{۲۵}

جامعه ملل مجبور بود خود راه تازه‌ای را پیش آورد، زیرا هیچ نمونه قبلی وجود نداشت که از آن پیروی کند، هیچ عنصر حقوقی ماهوی که بیشتر با دستگاه امنیت دسته‌جمعی برای هدایت اقداماتش آزمون شده باشد، وجود نداشت. در کنار موفقیت‌هایی که نصیب جامعه ملل شد، این سازمان در هدف اصلی و اولیه‌ای که داشت و همان حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود،

شکست ملال‌انگیزی خورد. گرچه مؤسسان جامعه ملل کوشیده بودند که امنیت دسته‌جمعی را علیه کشور متجاوز به بهترین وجهی پیش‌بینی کنند، ولی برای کاهش تسلیحات که رابطه مستقیمی با جلوگیری از تجاوز و ایجاد جنگ داشت به توافق نرسیدند. مهمترین دلیل ضعف و فروپاشی جامعه ملل نبودن اراده‌ای راسخ در حفظ و پایداری آن به ویژه نزد کشورهای قدرتمند بود. جامعه ملل با انواع گوناگونی از تجاوزات روبه‌رو شد که سرانجام سقوط آن را پدید آورد. گرچه دوران حیات جامعه ملل کوتاه و آشفته، موفقیت آن زودگذر و عاقبتش ملال‌انگیز بود، لیکن جایگاهی بس رفیع در تاریخ برای خود به دست آورده است. پاتر در مورد جامعه ملل گفته است که: «این سازمان بیش از هر نهاد بین‌المللی دیگری در تاریخ به پیشرفت و تحول سازمانهای بین‌المللی کمک کرده است.»^{۲۶}

جامعه ملل نخستین حرکت مؤثر در جهت ایجاد نظام سیاسی و اجتماعی جهانی بود که در آن منافع مشترک بشریت در ورای سنن ملی، اختلاف قومی و نژادی یا جدایی جغرافیایی قابل رؤیت و خدمت بود.

برخی جنبه‌های نظام جامعه موفقیت‌هایی ممتاز بودند. این امر به ویژه درباره دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی صادق بود. دیوان احکام نسبتاً زیادی صادر کرد، که همه آنها پذیرفته شدند. برخی از این احکام به سود کشورهای کوچک و علیه کشورهای بزرگ بود. دبیرخانه جامعه نیز موفقیتی دیگر بود که توانست یک اداره بین‌المللی کارآمد و مسئولان بین‌المللی وفادار به اهداف بین‌المللی پدید آورد. همچنین نهادهای فنی و رفاهی جامعه نیز در کار خود به موفقیت بسیاری دست یافتند.

جامعه ملل به عنوان سازمانی فعال از بین رفت، ولی آرمانهایی که در صدد تحقق بخشیدن به آنها بود، نهادهایی که پدید آورد، اندیشه همگرایی که شکل داد، همه و همه، بخشی عمده از اندیشه سیاسی دنیای متمدن شد. طبیعی است که رگه‌های این اندیشه پایدار می‌ماند تا آنکه بشریت، وحدتی فراوسری تفرقه‌های موجود میان ملل و دول به دست آورد.

خلاصه مطالب

در این فصل پیشینه تاریخی و نحوه شکل گرفتن جامعه ملل بحث و بررسی شده و اهداف جامعه ملل طی دو جنگ جهانی اول و دوم به عنوان استقرار صلح و امنیت بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین دستگاه جامعه ملل از ابعاد سازمانی و ساختار بین‌المللی مشخص شده و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفته است.

ارگانهای جامعه ملل که عبارت‌اند از مجمع عمومی، شورا و دبیرخانه به تفصیل بررسی و تحلیل شده و کمیته‌های آن تحت عنوانهای ۱. مسائل حقوقی و اساسنامه، ۲. سازمانهای فنی، ۳. کاهش تسلیحات، ۴. مسائل بودجه‌ای و مالی، ۵. مسائل اجتماعی و عمومی (نوع دوستی)،

۶. مسائل سیاسی بیان شده است. در این قسمت مقررات مربوط به شرایط عضویت در جامعه ملل و همچنین اخراج اعضا مطالبی ارائه شده است.

همچنین صلاحیتهای مجمع عمومی و شورا در رابطه با وظیفه اصلی که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است بیان شده است. دبیرخانه جامعه ملل نقش اساسی در حفظ سوابق پژوهشی و تبلیغاتی جامعه ملل به عهده دارد.

دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی که هدفش حل مناقشات حقوقی بین‌المللی است از نظر ساختار و نحوه کار توضیح داده شده است. همچنین درباره شورای دائمی قیومیت، که یکی از اقدامات جامعه ملل بود برای بهبود اوضاع سیاسی مناطق عقب مانده در طی جنگ جهانی اول و دوم در رابطه با نیروهای استعمارگر و مستعمره، به بحث و بررسی پرداخته شده است. درباره سازمان بین‌المللی کار - ایلو (ILO)، که یکی از ارگانهای عمده جامعه ملل است و هدفش در جهت استاندارد کردن ضوابط کار به منظور حمایت از نیروی کار در سطح بین‌المللی است، تحت سه بخش عمده: ۱. کنفرانس عمومی، ۲. هیأت اداری، ۳. دفتر بین‌المللی کار مطالبی ارائه شده است.

در این فصل تاریخچه سیاسی جامعه ملل تحت عنوان «دوره مهم از نظر تاریخ (۱۹۴۵-۱۹۱۹) جامعه ملل در رابطه با حفظ صلح» به تفصیل بیان شده است.

در پایان این فصل به سه ضعف جامعه ملل: ضعف ساختاری، اساسنامه و سیاسی پرداخته شده و عمده‌ترین ضعف قانونی جامعه ملل را در میثاق آن، یعنی آنجا که جنگ را کاملاً غیرقانونی اعلام نکرده است، بیان کرده و در انتها به ارزیابی مثبتی از دستاوردهای جامعه ملل از ابعاد اجتماعی، اقتصادی، انسانی و بهداشتی پرداخته است.

خودآزمایی

۱. هدفهای جامعه ملل چیست؟ آنها را نام ببرید و با یکدیگر مقایسه کنید.
۲. ارگانهای مهم جامعه ملل را نام ببرید و فعالیت هر کدام را بیان کنید.
۳. مهمترین وظیفه جامعه ملل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بود که از اختیارات مشترک شورا و مجمع عمومی به شمار می‌آمد آن را توضیح دهید.
۴. بنیادیترین وظیفه دبیرخانه جامعه ملل عبارت است از
الف) ثبت اساسنامه‌ها
ب) حفظ سوابق پژوهشی و تبلیغات
ج) حفظ ارکان جامعه
د) تصویب لایحه
۵. نقش و وظیفه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی را توضیح دهید.
۶. با تشکیل جامعه ملل اداره مناطق و مستعمرات جدا شده از امپراطوری عثمانی و آلمان به کدام مرجع قانونی بین‌المللی واگذار شد؟

- الف) مجمع عمومی
 ب) شورای دائمی قیومیت
 ج) دیوان دادگستری
 د) سازمان بین‌المللی کار
 ۷. نقش (ILO) سازمان بین‌المللی کار در جامعه ملل چه بود؟ و نیز بخشهای مهم آن را ذکر کنید.
 ۸. مهمترین ضعف جامعه ملل را در کدام یک از گزینه‌های ذیل می‌دانید.
 الف) سیاسی
 ب) اساسنامه
 ج) ساختار
 د) روش

یادداشتها

1. Stephen. S., "Good speed", *The Nature and Function of International Organization*, (New York: Oxford University Press, 1963), p. 36.
2. Alfred Zimmern, *The League of Nations and the Rule of Law* (London: Macmillan and Co., 1936), p. 227.
۳. سیدباقر میرعباسی، سازمانهای بین‌المللی، جزوه درسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۵۷.
4. Alfred Zimmern, *Op.cit*, p. 283.
۵. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۵۷.
6. Stephen. S., "Good speed", *Op.cit*, p. 35.
7. Ibid, p. 40.
۸. رضا موسی‌زاده، حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: نشر پاژنگ، ۱۳۷۵، ص ۹۰.
۹. همان، ص ۹۴.
۱۰. همان، ص ۹۵.
11. Stephen. S., "Good speed", *Op.cit*, p. 41.
۱۲. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۶۹.
13. Stephen. S., "Good speed", *Op.cit*, p. 44.
14. Alfred Zimmern, *Op.cit*, P. 441.
15. Stephen. S., "Good speed", *Op.cit*, p. 62.
۱۶. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۷۳.
17. Stephen. S., "Good speed", *Op.cit*, p. 73.
۱۸. دی. و. باوت، حقوق نهادهای بین‌المللی، ترجمه هومن اعرابی، جلد نخست، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۳، ص ۳۹.
۱۹. همان، ص ۴۰.
۲۰. همان، ص ۴۱.
۲۱. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۷۵.
۲۲. دی. و. باوت، پیشین، ص ۴۱.
۲۳. همان، ص ۴۲.

۲۴. همان، ص ۴۱.

25. Stephen. S., "Good speed" . *Op.cit.* p.75.

۲۶. دی. و. باوت، پیشین، ص ۴۲.

فصل دوم

سازمان ملل متحد

هدف کلی

در این فصل خواننده با ساختار سازمان ملل متحد و ویژگیهای مربوط به آن آشنا می شود.

هدفهای آموزشی

از خواننده انتظار می رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. تاریخچه سازمان ملل متحد و چگونگی شکل گیری آن را از نظر مراحل تاریخی بیان کند.
۲. منظور از اساسنامه سازمان ملل متحد را بتواند با توجه به منشور ملل متحد و میثاق جامعه ملل توضیح دهد و آن را تحلیل کند.
۳. هدفهای اصلی سازمان ملل متحد (چهارهدف اصلی) را ذکر و آنها را با هم مقایسه کند.
۴. ترکیب سازمان ملل متحد را با توجه به اعضای اصلی، شرایط عضویت و ضوابط و مقررات خاص آن توضیح دهد.
۵. ارکان شورای امنیت را از نظر تعداد اعضا با توجه به کشورهای مختلف تحلیل کند.
۶. نقش شورای امنیت را در حفظ صلح و امنیت بین المللی توضیح دهد.
۷. دیوان بین المللی دادگستری (لاهی) را از نظر تشکیلات، وظایف، اعضا و شرایط مقایسه کند.
۸. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد را از نظر برنامه هایی که دارد توضیح دهد.
۹. شورای قیمومیت سازمان ملل متحد را از نظر وظایف بیان کند و هر یک از آنها را توضیح دهد.
۱۰. دبیرخانه سازمان ملل متحد را از نظر کارایی بیان کند.
۱۱. ارکان فرعی سازمان ملل متحد را نام ببرد و آنها را با ارکان اصلی مقایسه کند.
۱۲. ارکان فرعی شورای امنیت ملل متحد را از نظر عملیات حفظ صلح توضیح دهد.

۱۳. سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد را از نظر نوع همکاری نام ببرد و آنها را با یکدیگر مقایسه کند.
۱۴. سازمان بین‌المللی کار (ILO) را از نظر وظایف توضیح دهد.
۱۵. سازمان علمی - فرهنگی - تربیتی یونسکو را از نظر وظایف توضیح دهد.
۱۶. سازمان جهانی بهداشت (W.H.O) را از نظر وظایف مقایسه و آنها را بیان کند.
۱۷. سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی (F.A.O فائو) را از نظر وظایف توضیح دهد.
۱۸. صندوق بین‌المللی پول (I.M.F) را توضیح دهد و وظایف آن را بیان کند.
۱۹. بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (I.B.R.D) یا بانک جهانی را از نظر وظایف توضیح دهد.
۲۰. سازمان تجارت جهانی (W.T.O) را از نظر وظایف بیان کند.
۲۱. اتحادیه پستی جهانی (U.P.U) را از نظر وظایف شرح دهد.
۲۲. اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور (I.T.U) را توضیح دهد.
۲۳. سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (I.C.A.O) ایکائو را توضیح دهد.
۲۴. سازمان هواشناسی جهانی (W.M.O) را از نظر وظایف توضیح دهد.
۲۵. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (I.A.E.A) را از نظر وظایف و تشکیلات توضیح دهد.
۲۶. سازمان ملل متحد را با توجه به قوت و ضعف آن توضیح دهد.
۲۷. نقش سازمان ملل متحد را در نظم نوین جهانی تحلیل کند.

تاریخچه تأسیس سازمان ملل متحد

در ۱۴ اوت ۱۹۴۱ در زمانی که آتش جنگ جهانی دوم در چهار گوشه جهان شعله‌ور بود، روزولت رئیس جمهور آمریکا، و چرچیل نخست وزیر بریتانیا، بر عرشه یک کشتی جنگی در اقیانوس اطلس، اعلامیه‌ای را امضا کردند که به پیمان آتلانتیک معروف شد. در این اعلامیه دو سیاستمدار علاوه بر ذکر اصولی مانند عدم توسعه طلبی ارضی، حقوق مساوی ملل اعم از غالب و مغلوب در انتخاب نحوه حکومت خود، دسترسی همه ملل به منابع اقتصادی طبیعی و آزادی بازرگانی، خودمختاری و خلع سلاح، اظهار امیدواری کردند که پس از شکست آلمان صلح برقرار و امنیت برای همه تأمین شود، اصولی که آینده‌ای بهتر را نوید می‌داد.

در اول ژانویه ۱۹۴۲ بیست کشور، از جمله آمریکا، علیه فاشیسم وارد جنگ شدند و همان روز اعلامیه‌ای را امضا کردند که به «اعلامیه ملل متحد» معروف است.

رئیس جمهور آمریکا برای سازمان آینده بین‌المللی عنوان (قدرتهای متحد) را در نظر داشت. ولی پیشنهاد چرچیل «ملل متحد» بود و ظاهراً از یکی از اشعار لُرد بایرون، شاعر معروف انگلیس، گرفته بود، پذیرفته شد. در اعلامیه ملل متحد پس از قبول اصول پیمان آتلانتیک (اقیانوس اطلس)، امضاکنندگان مصمم شدند که تمام قوای نظامی و اقتصادی خود را

علیه دول محور به کار اندازند و هیچ کدام با دشمنان، صلح جداگانه نخواهند داشت. ولی اشاره‌ای به ایجاد یک سازمان برای برقراری صلح و امنیت به میان نیامد؛ و فقط در کنفرانس مسکو در اکتبر ۱۹۴۳ بود که چهار دولت آمریکا، شوروی، انگلیس و چین لزوم ایجاد سازمانی بین‌المللی را که براساس «مساوات کلیه دول و به منظور تأمین صلح و امنیت» باشد اعلام کردند. روزولت، استالین و چرچیل در دسامبر سال ۱۹۴۳ میلادی در کنفرانس تهران مسئولیت خود و کلیه دول متحد را در برقراری صلحی دائمی و دور کردن خطر جنگ برای نسلهای آینده اعلام کردند. تابستان سال ۱۹۴۴، اولین قدم عملی برای ایجاد سازمان ملل متحد برداشته شد. در اوت ۱۹۴۴ در «دُمبارتن اُکس» واشنگتن، طرحهایی که وزارت امور خارجه آمریکا با همکاری سایر دول در طول دو سال برای ایجاد چنین سازمانی تهیه کرده بود، مطالعه و پیشنهادی تهیه شد که اگرچه اساسنامه تشکیل سازمان ملل متحد نبود، اما هدف سازمان، نحوه همکاری دول برای تأمین صلح و حل مشکلات و مسائل انسانی و اجتماعی و اقتصادی را توصیف می‌کرد.

طرح مزبور چند اصل را که می‌بایست پایه و اساس سازمان ملل متحد باشد بیان می‌کرد. سازمانی که در نظر پیشنهادکنندگان آن موقع بود جنبه جهانی نداشت و شرایط عضویت در آن هم جز صلح‌طلبی چیزی نبود. در طرح اولیه (دُمبارتن اُکس) سازمان ملل می‌بایست از همه جهت پیشروتر از جامعه ملل باشد، بنابراین پیش‌بینی شده بود که:

۱. در سازمان جدید حفظ صلح مقدم بر کلیه مسائل دیگر باشد.
۲. ارائه ضمانت اجرایی محکم برای تحقق منظور فوق.
۳. مسئولیت جلوگیری از جنگ به جای اینکه که به چند رکن داده شود (مانند جامعه ملل سابق) فقط به عهده شورای امنیت باشد.
۴. مسائل مربوط به امور داخلی کشورها از صلاحیت سازمان ملل خارج باشد.

کنفرانس یالتا

در فوریه ۱۹۴۵، روزولت، استالین و چرچیل به منظور بحث درباره پیشنهادهای مطرح شده در دُمبارتن اُکس و تصمیم‌گیری درباره تشکیل کنفرانسی بین‌المللی برای ایجاد سازمان آینده در یالتا (واقع در کنار دریای سیاه در شوروی) با یکدیگر ملاقات کردند. در این کنفرانس بود که موضوع نحوه اخذ رأی در شورای امنیت مورد بحث قرار گرفت و روش اکثریت آرا در مسائل تشریفاتی و آیین‌نامه‌ها و اکثریت آرا که در آن الزاماً باید پنج رأی اعضای دائم شورا (آمریکا، شوروی، چین، انگلیس و فرانسه) گنجانده شود برای مسائل مهم برقرار شد.

همچنین در کنفرانس یالتا سه دولت تصمیم گرفتند که در ۲۵ آوریل ۱۹۴۵ کنفرانسی در سانفرانسیسکو برای تهیه اساسنامه سازمان ملل برطبق اصول پذیرفته شده در دُمبارتن اُکس

ترتیب دهند و علاوه بر سه دولت اصلی، دولتهای چین و فرانسه را نیز اضافه کردند. «به موازات ادامه جنگ در فاصله ۲۵ آوریل تا ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، پنجاه کشور به منظور بحث درباره سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو با یکدیگر ملاقات و در ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵، منشور سازمان ملل متحد را امضا کردند. قبل از آن مقرر شد دولتهایی به کنفرانس سانفرانسیسکو دعوت شوند که علاوه بر صلح‌جو بودن، تا اول مارس ۱۹۴۵، علیه آلمان و ژاپن اعلان جنگ داده و «اعلامیه ملل متحد» مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را نیز امضا کرده باشند.^۱ تعداد شرکت‌کنندگان در کنفرانس، با در نظر گرفتن پنج دولت مؤسس و جمهوری سوسیالیستی روسیه سفید و جمهوری سوسیالیستی اوکراین، دانمارک و لهستان که در اکتبر آن سال قطعنامه کنفرانس را امضا کردند، به ۵۱ دولت رسید که ۱۵۰۰ مشاور و کارشناس آنان را همراهی می‌کرد. دبیرخانه‌ای مرکب از، ۱۰۰۰ نفر، کنفرانس را در مسائل فنی و تکنیکی یاری کرد. زبانهای انگلیسی و فرانسه «زبان کار کنفرانس بود» لکن زبانهای رسمی کنفرانس عبارت بودند از: انگلیسی، فرانسوی، روسی، اسپانیولی و چینی و تمام اسناد به آن پنج زبان منتشر می‌شد.

«هر چند معمول است که ریاست یک کنفرانس بین‌المللی مهم به کشور میزبان داده شود، لکن به علت مخالفت شوروی قرار شد ریاست کنفرانس به نوبت بین چهار کشور بانی کنفرانس (آمریکا، شوروی، انگلستان و چین) گردش کند.»^۲

شکل اساسنامه

مقصود از واژه اساسنامه، سندی است که اساس تشکیلات و ارکان و مجموعه‌ای از هدفها و وظایف را در برمی‌گیرد. قاعدتاً همه اساسنامه‌های سازمانهای بین‌المللی به صورت عهدنامه تهیه و امضا می‌شوند، ولی عنوان هر کدام ممکن است با دیگری تفاوت داشته باشد. اساسنامه جامعه ملل را میثاق (Covenant) ولی اساسنامه سازمان ملل را منشور (Charter) می‌نامند. معنی اصلی واژه Charter, Chart سند نوشته‌ای است که به موجب آن حقوق و امتیازاتی برای یک شهر، انجمن یا کشور یا حتی عده‌ای از مردم شناخته و تثبیت می‌شود.

منشور سازمان ملل متحد در ۲۶ اکتبر ۱۹۴۵ با تصویب اکثریت دولتها اعتبار یافت و به اجرا در آمد. تا آوریل ۱۹۴۶ همه ارکان اصلی سازمان تشکیل و همگی شروع به کار کرده بودند. در ۳۱ ژولای ۱۹۴۷، جامعه ملل رسماً منحل و سازمان ملل جانشین آن شد. در ۱۹۵۱ محل رسمی سازمان ملل در نیویورک تعیین و سازمان در آن جا مستقر شد.

وجه تمایز میان منشور ملل متحد و میثاق جامعه ملل

۱. منشور اهمیت فراوانی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی قائل است. بدین منظور یکی از ارکان اصلی سازمان ملل به نام «شورای اقتصادی و اجتماعی» نامیده می‌شود، در حالی

که جامعه ملل فاقد چنین رکنی بود، و به مسائل اقتصادی و اجتماعی چنان که شایسته بود، توجه نمی‌کرد.

۲. در میثاق وظایف و حدود اختیارات شورا و مجمع به‌طور مشخصی، معلوم نیست در حالی که در منشور این حدود و اختیارات و وظایف به مراتب مشخصتر است.

۳. در جامعه ملل برای تصمیم‌گیری (به استثنای موارد خاص) در شورا یا مجمع اتفاق آرای اعضای حاضر لازم بود در حالی که در سازمان ملل تصمیمات شورای امنیت با ۹ رأی و تصمیمات اساسی مجمع عمومی با دو سوم آرای اعضای حاضر و رأی‌دهنده و سایر تصمیمات با اکثریت نسبی (نصف به علاوه یک) اعضای حاضر رأی‌دهنده اتخاذ می‌شود.

۴. اصلاح و تغییر میثاق وقتی به مورد اجرا گذاشته می‌شد که از طرف تمام اعضای شورا و اکثریت اعضای مجمع به تصویب رسیده باشد. در این مورد هر یک از اعضای شورا اعم از کشورهای کوچک و بزرگ دارای حق وتو بودند، در حالی که در منشور فقط اعضای دائمی شورای امنیت برای دادن قدرت اجرایی به تغییرات مصوب عملاً دارای حق وتو هستند.

۵. در منشور قواعدی راجع به سرزمینهای غیر خود مختار وجود دارد (مواد ۷۳ و ۷۴) که برای تمام کشورهای عضو سازمان الزام‌آور است. در صورتی که میثاق دارای چنین قواعد و اصولی نبود و علاوه بر این، نظام قیمومیت منشور جامعتر و مترقیتر از نظام قیمومیت جامعه ملل است.

۶. در منشور عملیات و قراردادهای ناحیه‌ای به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به‌طور وسیعتری نسبت به میثاق در نظر گرفته شده است.

۷. به‌طور کلی می‌توان گفت که منشور به مراتب بیش از میثاق براساس پیشگیری پایه‌گذاری شده است تا براساس درمان درد پس از بروز حادثه؛ به همین دلیل منشور برای مسئله همکاری و تعاون بین‌المللی در امور اقتصادی و اجتماعی، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، منافع و رفاه عمومی مردم دنیا و مردم سرزمینهای مستعمره غیر خود مختار اهمیت فراوانی قائل شده است.

هدفهای اصلی سازمان ملل متحد

چهار هدف اصلی سازمان ملل بدین قرار است:

۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی.
۲. توسعه روابط دوستانه بین‌المللی بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل.

۳. همکاری بین‌المللی برای حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا بشر دوستی است و پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای

اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب.
۴. به وجود آوردن مرکزی برای هماهنگی اقدامات ملل مختلف برای حصول این هدفهای مشترک.

برای حصول به مقاصد بالا، سازمان ملل متحد طبق ماده ۲ منشور، اصول زیر را سرلوحه اعمال خود قرار داده است.

۱. سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضا تشکیل شده است.
 ۲. کلیه اعضای سازمان به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت تعهداتی را که به موجب منشور به عهده گرفته‌اند با حسن‌نیت انجام خواهند داد.
 ۳. کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را با استفاده از وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی به خطر نیفتد تسویه خواهند کرد.
 ۴. اعضا باید از توسل به هرگونه زور یا به کارگیری آن به هر نحوی که با مقاصد و اهداف سازمان ملل متحد مبیانت داشته باشد، خودداری کنند.
 ۵. کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان بر طبق منشور به عمل آورد، به سازمان همه‌گونه مساعدت را خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، خودداری خواهند کرد.
 ۶. سازمان مراقبت خواهد کرد که کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است، بر طبق این اصول عمل کنند.
 ۷. هیچ یک از مقررات مندرج در منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌سازد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست، دخالت کند و آنها را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند. لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل دهم منشور لطمه وارد نخواهد کرد.
- با توجه به مواردی که ذکر شده است، «می‌توان دو قاعده اساسی را از مفاد منشور استخراج کرد:

۱. منع دولتهای عضو از توسل به زور برای حل اختلافات.
۲. الزام دولتهای عضو به اینکه اختلافات خود را از راههای مسالمت‌آمیز حل و فصل کنند.»^۳

ترکیب اعضای سازمان ملل متحد

۱. عضویت در سازمان ملل متحد

سازمان ملل متحد، سازمانی رسمی و بین‌المللی است و در نتیجه تنها حکومتهایی می‌توانند عضو آن شوند که رسماً دارای استقلال باشند. اما عضویت دولتها الزامی نیست.

ماده ۲ منشور می‌گوید که سازمان ملل اعلام می‌کند که هر دولتی که عضو سازمان نیست، طبق اصول مندرج در منشور برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی رفتار کند. بنابراین فرض این است که عضویت در سازمان ملل جهانی و عمومی نیست، اما همین ماده با سعی در توسعه شمول مقررات سازمان به دول غیر عضو، صفت جهانی به آن می‌دهد. با توجه به موارد ذکر شده، اعضای سازمان ملل به دو گروه تقسیم می‌شوند:

۱. **اعضای اصلی یا مؤسس:** «اعضای اصلی سازمان ملل، به‌عنوان مؤسسين این سازمان ۵۱ کشور بودند که در کنفرانس سانفرانسیسکو شرکت داشتند و اعلامیه ملل متحد را نیز قبل از آن امضاء کردند.»^۴ این گروه فقط می‌بایست منشور سازمان ملل را به تصویب مقاماتی می‌رساندند که قوانین اساسی آنها معین کرده بود؛ بدون اینکه حق دادن تغییری در منشور داشته باشند. به عبارت دیگر، می‌بایست اساسنامه را چنانکه در سانفرانسیسکو تهیه شده بود، تصویب یا رد می‌کردند.

۲. **اعضای جدید:** دولتهایی هستند که بعداً به عضویت سازمان ملل در آمدند. عضویت این دولتها باید به تصویب سازمان می‌رسید. دیوان بین‌المللی دادگستری شرایطی را برای این داوطلبان عضویت در نظر گرفته است که شامل این موارد است:

۱. دولت دارای استقلال سیاسی باشد؛ ۲. صلح‌جو باشد؛ ۳. تعهدات منشور را قبول کند؛ ۴. قادر به انجام آن تعهدات باشد؛ ۵. آماده انجام آن تعهدات باشد.

«در مورد شرط اول طبق اصول کلی حقوق بین‌المللی، تعریف دولت واضح است و منظور دولتی است که مستقل باشد و تحت تسلط هیچ کشوری نباشد و موجودیت بین‌المللی آن به رسمیت شناخته شده باشد.»^۵

راجع به شرط دوم، یعنی صلح‌جو بودن، این امر بستگی به تشخیص سازمان ملل دارد که دولت صلح‌جو را مشخص کند که آیا کشور داوطلب عضویت، در سوابق خود و وقایع گذشته و جریانهای دنیا همیشه نسبت به دول دیگر رفتاری صلح‌جویانه و محترمانه داشته است یا خیر؟ دولت مذکور نیز باید در عمل نشان دهد که صلح‌جوست.

۲. آیین پذیرش اعضای جدید

«پذیرفتن اعضای جدید منوط به آن است که ابتدا شورای امنیت، عضویت داوطلب را بپذیرد و به مجمع عمومی توصیه کند و سپس مجمع عمومی آن را با اکثریت آرای دو سوم اعضا تصویب کند.»^۶ بررسی عضویت اعضای جدید و روش رأی‌گیری در شورای امنیت، به شیوه «اتفاق آرا» است که این روش باعث می‌شود اعضای دائمی شورا از حق وتو برای خود استفاده کنند. به‌عنوان مثال، تا سال ۱۹۵۵، اتحاد شوروی ۴۷ بار برای جلوگیری از عضویت ۱۶ کشور متوسل به حق وتو شد تا اینکه در آن سال به علت شرایط مساعد بین‌المللی ناشی از مرگ

ترومن و استالین و فروکش کردن جنگ سرد، این ۱۶ کشور به عضویت سازمان ملل متحد در آمدند. بعدها نیز به علت رقابت بین دو قطب سرمایه‌داری و کمونیستی، مشکلات دیگری جهت پذیرش اعضای جدیدتر مانند ویتنام و چین و با استفاده از حق وتو به وجود آمد که تنها مصالحه دو ابرقدرت، مشکلات مذکور را حل کرده است.

۳. وضعیت دولتهای غیر عضو

الف) طبق بند ۶ ماده ۲، سازمان ملل مراقبت خواهد کرد که «کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایجاب می‌کند، برطبق این اصول عمل کنند.»

ب) ماده ۳۲ می‌گوید: هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست یا هر کشوری که در ملل متحد عضویت ندارد، هرگاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت تحت رسیدگی است، دعوت خواهد شد که بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به اختلافات مزبور شرکت کند. هرگاه شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت کشوری که عضو ملل متحد نیست، عادلانه بداند آن شرایط را وضع خواهد کرد.

«آیین‌نامه شورا به وی اجازه می‌دهد که کشورهای غیر عضو را برای ادای توضیحات احضار کند. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۱۹۴۹ می‌گوید: شخصیت بین‌المللی سازمان حتی به دولتهای غیر عضو هم تحمیل می‌شود و سازمان می‌تواند علیه آنها طرح دعوا کند.»^۷

ج) طبق ماده ۵: هرگاه شورای امنیت، اقدامات احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد، کشور دیگری که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاص ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد، اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت کند.

د) بعضی از دولتهای غیر عضو مانند سوئیس در سازمان ملل ناظر هستند.

ه) «سازمان ملل به دولتهای غیر عضو این امکان را داده است که در صورت تمایل می‌توانند در فعالیتهای مالی سازمان مانند برنامه سازمان ملل برای توسعه، سهیم شوند.»^۸

۴. خروج دولتهای عضو از سازمان ملل متحد

درباره دولتی که به میل خود می‌خواهد سازمان ملل را ترک کند و از زیر بار تعهدات آن آزاد شود، اساسنامه ساکت بوده است و در این زمینه نیز بین حقوق‌دانان اختلاف نظر شدیدی وجود دارد. با وجود آنکه همه معتقدند که سازمان ملل یک باشگاه نیست که هرکس بخواهد از آن خارج یا به آن داخل شود، بلکه براساس یک تعهدنامه بین‌المللی شکل گرفته و رسالتی دائمی

برعهده‌اش نهاده شده است، اما بعضی از حقوقدانان، حق خروج از آن را برای دول محفوظ می‌دانند، چنانکه از یک عهدنامه بین‌المللی خارج می‌شوند.

برخی نیز استدلال می‌کنند که اعلامیه آتلانتیک قصد داشته است سیستم دائمی امنیت بین‌المللی فراهم کند و آنها که آن را قبول کرده‌اند، دائمی بودن آن را پذیرفته‌اند، بنابراین خروج از آن مخالف تعهدات رسمی است که در مورد دائمی بودن آن سپرده‌اند.

در عمل، خروج از سازمان فقط یک بار آن هم برای مدتی کوتاه تحقق پیدا کرد: دولت اندونزی در اول ژانویه ۱۹۶۵ تصمیم گرفت سازمان ملل را ترک کند. زیرا دولت مالزی که اندونزی نسبت به آن ادعای ارضی داشت، به عضویت شورای امنیت انتخاب شده بود. اما در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۶، دولت اندونزی بدون هیچ مخالفتی از سوی دیگر کشورها به سازمان بازگشت.

۵. اخراج دولتهای عضو از سازمان ملل متحد

اخراج مجازات شدیدی می‌باشد و در مواردی اعمال می‌شود که یک عضو، اصول اساسی سازمان را رعایت نکرده یا مخالف آن عمل کرده باشد. در اخراج، این نکته اهمیت دارد که قبول عضویت دولت اخراج شده مشکل می‌شود. زیرا معنی قبول مجدد این است که تخلف او نادیده گرفته شده یا فراموش شده است. به علاوه، معنی اخراج این می‌شود که عضو متخلف از قیود سازمان آزاد شده و هر اقدامی که بخواهد می‌تواند انجام دهد. چنانکه آلمان نازی پس از خروج از جامعه ملل چنین کرد. در عین حال ادامه عضویت دولتی که به اصول سازمان پشت پا می‌زند منطقی نیست، از این جهت اخراج از عضویت را در مواردی مقرر داشته‌اند که عضوی در تخلف از اصول سازمان عمد داشته و تخلف او مستمر باشد. بنابراین تخلفهای اتفاقی را مشمول مجازات اخراج ندانسته‌اند. در این مورد نیز پیشنهاد اخراج باید قبلاً در شورای امنیت تصویب و به مجمع عمومی فرستاده شود، پس از تصویب مجمع عمومی دولت مورد بحث اخراج می‌شود، اما دولت مزبور کاملاً آزاد نیست، زیرا به موجب ماده ۲ سازمان باید ترتیبی داده شود که دول غیر عضو سازمان نیز اصول مصوب را رعایت کنند.

۶. تعلیق عضویت دولتهای عضو از سازمان ملل متحد

دولتهایی که عضو سازمان می‌شوند، به ناگزیر تابع ضوابط و مقررات سازمان می‌باشند و هرگاه به علت تخلف، شورای امنیت تصمیم به تنبیه عضوی بگیرد، امتیازات آن دولت که ناشی از عضویت در سازمان ملل است معلق می‌شود.

این امر مجازاتی انضباطی است و در مقابل اقداماتی است که مربوط به عدم رعایت مقررات می‌شود، مثل امتناع از پرداخت حق عضویت، خودداری از دادن قوای نظامی به شورای

امنیت در صورتی که چنین تصمیمی اتخاذ شده باشد، خودداری از دادن تسهیلات حق عبور قوای سازمان از کشور، عدم رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی یا تخلف از مقررات مربوط به سازمانهای غیر مستقل است.

هر عضو سازمان ملل که شورای امنیت پیشنهاد تعلیق آنان را به علت تخلف از مقررات سازمان تصویب کند، برای تصویب نهایی به مجمع عمومی می‌فرستد. تصویب مجمع، قطعی و لازم‌الاجراست و این تصمیم دولت عضو را از شرکت در سازمانهای وابسته برای تمام مدتی که برای تعلیق تصویب شده ممنوع می‌کند، ولی دولت معلق باید کلیه تعهدات خود را نسبت به سازمان انجام دهد. رفع تعلیق با تصویب شورای امنیت است و در این مورد مجمع عمومی دیگر وظیفه‌ای ندارد.

ارکان سازمان ملل

ارکان یا تشکیلات سازمان ملل متحد به ترتیبی که در اساسنامه ذکر شده عبارت‌اند از شش رکن اصلی (شامل الف) مجمع عمومی، ب) شورای امنیت، ج) دبیرخانه، د) شورای اقتصادی و اجتماعی، ه) شورای قیمومیت، و) دیوان بین‌المللی دادگستری.

تعدادی از سازمانهای تخصصی و سازمانهای فرعی دیگر، که در صورت لزوم برای انجام وظایف محوله از طرف ارگانهای اصلی تشکیل خواهند شد، نیز جزء ارکان سازمان ملل هستند. ارکان اصلی سازمان ملل متحد:

مجمع عمومی مقدمه

مجمع عمومی سازمان ملل مظهر نوعی دیپلماسی پارلمانی در سطح بین‌المللی است؛ اگر ارکان سازمان ملل را با ارکان یک دولت مقایسه کنیم، مجمع عمومی در سازمان ملل، حکم پارلمان سازمان را دارد که در آن نمایندگان کلیه کشورهای عضو شرکت دارند.

مجمع عمومی مبتنی بر یکی از اصول اساسی روابط بین‌المللی یعنی اصل برابری کشورهاست، که در منشور سازمان نیز به رسمیت شناخته شده است. تمامی اعضای سازمان ملل در مجمع عمومی عضویت دارند و اگرچه می‌توانند تا پنج نماینده به آن بفرستند اما هر کشور اعم از کوچک و بزرگ، قوی یا ضعیف در آن تنها یک رأی دارد.^{۳۰} ورود تعدادی از کشورهای تازه استقلال یافته به سازمان ملل توازن نیروها را در مجمع عمومی تغییری اساسی داده و برتری کشورهای نواستقلال از لحاظ تعداد، اهمیت و نقش قدرتهای بزرگ را در مجمع

^{۳۰} شوروی سابق برخلاف اصول مندرج در منشور و در سایه تفاهات بین‌المللی اوکراین و روسیه سفید یا بیلوروس را که دولت مستقل نبودند، به سازمان آورده و رأی آنها را همیشه به همراه داشت.

عمومی کاهش داده است.

مجمع عمومی سالی یک بار جلسه عمومی دارد که این جلسه به طور ثابت، سومین سه شنبه ماه سپتامبر هر سال آغاز می شود و به طور معمول سه یا چهار ماه طول می کشد. ولی اگر ضرورت باشد به طور فوق العاده و به تقاضای شورای امنیت با اکثریت اعضای مجمع، جلسه فوق العاده تشکیل خواهد شد.

جلسات اضطراری ممکن است برای بحث درباره هر رویداد خاصی تشکیل شود، تعیین ضوابط و مقررات داخلی مجمع نیز بر عهده خود آن است. رئیس مجمع و دبیرکل، امور مجمع را اداره و هدایت می کنند. رئیس هر دوره اجلاس نیز به رأی مخفی و با اکثریت نسبی از بین رؤسای هیأت های نمایندگی دول انتخاب می شود.

۱. دستور مذاکرات مجمع عمومی (اجلاسها)

در مورد جلسات فوق العاده ماده ۱۶ صراحت دارد که دستور مذاکرات محدود به مسائلی است که برای آن تقاضای تشکیل جلسه فوق العاده شده است. ولی دستور مذاکرات جلسات عادی همیشه شامل مسائلی به ترتیب زیر است:

۱. گزارش سالیانه دبیرکل؛
۲. گزارشهای شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان بین المللی دادگستری، سازمانهای وابسته به مجمع عمومی و سازمانهای تخصصی؛
۳. مسائلی که از اجلاسیه قبل به دوره جاری موکول شده است؛
۴. مسائلی که سازمانهای وابسته پیشنهاد کرده اند؛
۵. مسائلی که هر یک از اعضای سازمان ممکن است پیشنهاد کرده باشند؛
۶. بودجه سازمان ملل و بحث و بررسی درباره آن؛
۷. مسائلی که دبیرکل طرح آنها را لازم دانسته است؛
۸. مسائلی که دول غیر عضو سازمان ملل به موجب اختیار مندرج در ماده ۳۵ پیشنهاد کنند.

دستور مذاکرات مجمع البته محدود به موارد بالا نیست و مسائل دیگری نیز ممکن است باشد که در دستور قرار گیرد. به علاوه، بعضی از مسائل لازم نیست قبل از تشکیل جلسات داده شده باشد، بلکه استثنائاً ممکن است در خلال مدت اجلاسیه موضوع مهمی پیش آید که در مجمع طرح شود. قید این گونه مسائل در دستور مذاکرات با تصویب مجمع است.

۲. ریاست مجمع عمومی

برای هر دوره اجلاسیه (هر سال یک بار) رئیس مجمع عمومی انتخاب می شود. انتخاب ریاست

مجمع هیچ شرطی لازم ندارد و فقط بسته به رأی مجمع عمومی است.

پس از انتخاب رئیس مجمع رؤسای کمیسیونهای ششگانه مجمع و هفت نایب رئیس نیز انتخاب می‌شوند. در اساسنامه ذکر از نایب رئیس نشده، بلکه طبق آیین‌نامه مجمع این ترتیب برقرار شده است. رئیس مجمع - رؤسای شش کمیسیون و هفت نایب رئیس جمعاً اعضای دفتر مجمع را تشکیل می‌دهند. وظایف دفتر نیز عبارت است از:

۱. رسیدگی به برنامه مذاکرات و صورت مسائلی که پیشنهاد شده و گزارش آن به مجمع؛
۲. تنظیم صورت قطعی مذاکرات هر جلسه و تعیین تقدم و تأخر مسائل؛
۳. کمک به رئیس مجمع در انجام وظایف محوله به او؛
۴. هماهنگی ساختن کار کمیسیونهای ششگانه سازمان ملل متحد.

۳. کمیسیونهای ششگانه مجمع عمومی

به منظور تسهیل و تسریع در کارهای محوله به مجمع، این امور بین شش کمیسیون تقسیم می‌شود. نمایندگان دول در مجمع عمومی بین این کمیسیونها تقسیم و مسائل را بررسی و پس از تصمیم‌گیری به مجمع پیشنهاد می‌کنند:

کمیسیون اول (سیاسی): این کمیسیون به کلیه مسائل سیاسی مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی رسیدگی می‌کند. مسائل مربوط به تسلیحات نیز در حیطه اقتدار این کمیسیون قرار دارد.

کمیسیون دوم (اقتصادی و مالی).

کمیسیون سوم (اجتماعی و حقوق بشر و مسائل فرهنگی).

کمیسیون چهارم (قیمومیت): رسیدگی به مسائل مربوط به سرزمینهای غیر خود مختار از جمله وظایف این کمیته است.

کمیسیون پنجم (اداری و بودجه).

کمیسیون ششم (حقوقی): این کمیسیون وظیفه تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل را برعهده دارد.

در این کمیسیونها هر هیأت نمایندگی یک یا دو نفر از اعضای اصلی یا علی‌البدل خود را به‌عنوان نماینده برای حضور و شرکت در بحث و مذاکرات و رأی‌گیری معرفی می‌کند. طرز کار کمیسیونها عیناً شبیه طرز کار مجمع عمومی است. رئیس هر کمیسیون را مجمع عمومی انتخاب می‌کند و دبیرکل هم یک نماینده در هر کمیسیون دارد. البته خود دبیرکل هم می‌تواند در کمیسیونها شرکت کند. علاوه براین، مجمع می‌تواند به تعداد لازم برای رسیدگی به مسائل مختلف دستگاههای تحقیق و بررسی، معین کند. کمیته‌های دیگری مانند کمیته آشتی فلسطین و کمیته ویژه حوزه بالکان از آن جمله‌اند.

۴. هیأت‌های نمایندگی در سازمان ملل متحد

برخلاف جلسات مجمع عمومی که موقتی است، شورای امنیت نظر به وظایف مهمی که دارد و باید برای حفظ صلح و امنیت همیشه در دسترس دولتها برای مراجعه و رسیدگی و اتخاذ تصمیم باشد، دائمی است. دائمی بودن شورای امنیت از یکسو و حجم زیاد کارهای مجمع عمومی از سوی دیگر ایجاب می‌کند که نمایندگان دولتها به‌طور دائم و مستمر در مقر سازمان ملل حضور داشته باشند. به همین جهت هر دولت یک نمایندگی دائم در سازمان دارد که دارای یک رئیس و به تعداد لازم عضو می‌باشد.

رئیس و اعضای نمایندگی، امور جاری مربوط به آن دولت را در سازمان اداره می‌کنند و در سازمانها و کمیسیونها و ادارات مختلف کارهای مرجوعه دولت خود را انجام می‌دهند. ممکن است نمایندگان دولتی در مجمع عمومی همان رئیس و اعضای نمایندگی دائم باشند یا رئیس هیأت نمایندگی و اعضای اصلی و علی‌البدل غیر از آنها باشند. این رویه بستگی به نظر دولت عضو دارد. اعضای هیأت‌های نمایندگی دول در سازمان ملل متحد دارای همان حقوق و مزایا و مصونیت‌های نمایندگان سیاسی هستند. رؤسای نمایندگی دولتها در سازمان ملل در حکم سفیر دولت متبوع و اعضای آن مانند اعضای سیاسی سفارتخانه، زیر نظر سفیر انجام وظیفه می‌کنند.

۵. نحوه رأی‌گیری در مجمع عمومی

به موجب ماده ۱۸ منشور ملل متحد، هر یک از اعضای مجمع عمومی دارای یک رأی است. نحوه رأی‌گیری نیز به اهمیت موضوع بستگی دارد.

مسائل مورد بحث در مجمع عمومی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: مسائل مهم و اصلی و مسائل جانبی. در مورد مسائل اصلی، تصمیمات مجمع با اکثریت آرای دوسوم اعضای حاضر اتخاذ می‌شود. موارد زیر را می‌توان به عنوان مسائل مهم محسوب کرد:

۱. توصیه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی؛

۲. انتخاب اعضای غیر دائم شورای امنیت؛

۳. انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی؛

۴. انتخاب اعضای شورای قیمومیت؛

۵. قبول اعضای جدید سازمان ملل متحد؛

۶. تعلیق حقوق و مزایای عضویت و اخراج اعضای خاطی؛

۷. مسائل راجع به اجرای نظام قیمومیت؛

۸. مسائل مربوط به بودجه.

تصمیمات راجع به مسائل جانبی یا غیرمهم، با رأی اکثریت ساده اعضای حاضر اتخاذ

می‌شود.

روش اعلام رأی در مجمع متفاوت است. در برخی موارد، اعلام رأی از طریق «تشویق همگانی» صورت می‌گیرد. در این حالت، استقبال دسته‌جمعی اعضای مجمع از تصمیم طرح شده، نیاز به همه‌پرسی را از میان می‌برد. در موارد دیگر، در صورت داشتن رأی مثبت، اقدام به «بلند کردن دست» می‌کنند. برخی موارد نیز با قرائت نام هر یک از کشورهای عضو از نماینده آن درخواست می‌شود تا رأی خود را در مورد موضوع اعلام کند. «رأی‌گیری مخفی» نیز شیوه‌ای است که در برخی موارد، اتخاذ می‌شود.

از سوی دیگر، شیوه تصمیم‌گیری در مجمع عمومی همراه با برابری قدرت رأی کلیه اعضاست. اعضای مجمع اعم از کشورهای بزرگ یا کوچک، قدرتمند یا ضعیف، از قدرت رأی برابر برخوردارند. «همچنین اعضایی که حق عضویت خود را به سازمان برای مدت بیش از ۲ سال پرداخت نکرده‌اند، در مجمع عمومی حق رأی نخواهند داشت».^۹

۶. صلاحیت و اختیارات قانونی مجمع عمومی

مجمع عمومی تنها رکن سازمان ملل است که مطابق ماده ۱۰ منشور، می‌تواند نسبت به هر مسأله، در حدود اختیارات سازمان و وظایف ارکان دیگر بحث و شور کند و آنها را مورد رسیدگی قرار دهد و نسبت به تمامی مسائل، جز در مورد مذکور در بند ۱۲، به کشورهای عضو و همچنین شورای امنیت و سایر ارکان سازمان ملل توصیه‌هایی کند. با وجودی که تصمیمات مجمع معمولاً ارزش توصیه‌ای دارند، با این همه، موارد خاصی هم هست که مجمع قادر است تصمیم لازم‌الرعايه اتخاذ کند. از جمله این موارد، می‌توان از انتخاب اعضای سایر ارکان ملل متحد و تصویب و سهمیه‌بندی بودجه سازمان طبق ماده ۱۷ منشور که از اختیارات خاص مجمع عمومی است نام برد، که تحت شرایط ماده ۱۹ منشور، مجمع می‌تواند کشوری را که از پرداخت سهمیه خودداری کرده است، از حق رأی محروم کند.

علاوه بر آن، می‌توان صلاحیتهای مجمع عمومی را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. صلاحیتهای انحصاری مجمع عمومی که عبارت‌اند از:

(الف) تصمیم‌گیری راجع به مسائل داخلی سازمان ملل، مانند تصویب سهمیه مالی اعضا و بودجه سازمان، انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت و اعضای شورای اقتصادی - اجتماعی و سایر نهادهای تخصصی و ...؛

(ب) ایجاد ارکان فرعی مانند ایجاد کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد (انکتاد)؛

(ج) تدوین و توسعه حقوق بین‌الملل که این وظیفه از سوی مجمع، با تأسیس کمیسیون

حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۴۷، به آن کمیسیون واگذار شد؛

(د) تصمیم‌گیری در زمینه حقوق بشر که می‌توان از اقدامات مجمع در این مورد، به

مصوبات مجمع اشاره کرد، مانند «اعلامیه جهانی حقوق بشر» (دهم دسامبر ۱۹۴۸) و میثاقهای «حقوق مدنی و سیاسی» و «حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» (شانزدهم دسامبر ۱۹۶۶)؛
 ه) تصمیم‌گیری راجع به سرزمینهای غیر خود مختار و تحت قیمومیت که در این مورد می‌توان به اعلامیه سال ۱۹۶۰ مجمع درباره لزوم اعطای استقلال به مردم سرزمینهای مستعمره، اشاره کرد؛

و) تهیه و تنظیم بودجه: تنظیم و تصویب بودجه سازمان ملل و سهمیه‌بندی آن بین کشورها در صلاحیت انحصاری مجمع عمومی است، تصمیمات اتخاذ شده برای کلیه اعضا الزامی است. مجمع عمومی در نحوه تنظیم و تصویب بودجه سازمان ملل، دارای کمیته‌هایی است که مسائل مربوط به بودجه را برعهده دارند. این کمیته‌ها عبارت‌اند از: کمیته مسائل اداری و مالی سازمان ملل متحد، کمیته مشورتی مسائل اداری و بودجه، کمیته برنامه‌ریزی و هماهنگی، و کمیته سهمیه‌ها.

۲. صلاحیت غیر انحصاری مجمع عمومی که این صلاحیتها عبارت‌اند از:

الف) حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که این امر عمده‌ترین مبحث صلاحیت غیر انحصاری مجمع است که با صلاحیت شورای امنیت تداخل دارد.

برطبق ماده ۱۱-۱ منشور سازمان ملل، مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از جمله اصول حاکم برخلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا یا به شورای امنیت و یا هر دو توصیه‌هایی بکند. مجمع عمومی حق دارد هر مسأله یا موردی را که در حوزه منشور قرار داشته باشد یا تمام مسائل مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی را مورد رسیدگی قرار دهد. اما در عمل قدرت و توانایی مجمع عمومی در زمینه صلح و امنیت بین‌المللی نسبت به قدرت شورای امنیت کمتر و در درجه دوم قرار دارد.

ب) انتخاب قضاات دیوان بین‌المللی دادگستری: قضاات دیوان بین‌المللی دادگستری، مشترکاً توسط شورای امنیت و مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

ج) انتخاب دبیرکل: به موجب ماده ۹۷ منشور ملل متحد، دبیرکل توسط مجمع عمومی و بنابر توصیه شورای امنیت تعیین می‌شود.

د) پذیرش اعضای جدید: به موجب بند ۲ ماده ۴ منشور، پذیرش اعضای جدید منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌کند.

جمع‌بندی کلی از نقش مجمع عمومی

در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت که مجمع عمومی در دوران فعالیت خود، حدود ۱۴۰۰۰ قطعنامه صادر کرده که غالب این قطعنامه‌ها حتی در همان زمان صدورشان مورد بی‌مهری و کم

توجهی کشورهای جهان قرار گرفته‌اند. این قطعنامه‌ها به استثنای آنهایی که مربوط به بعضی مسائل آموزشی و تبلیغاتی بوده‌اند، نوعاً بی‌تأثیر باقی مانده‌اند، ولی حاکمیت حق رأی مساوی در فضای مجمع بر جرأت و جسارت کشورهای کوچک افزوده است و همین خود بهترین ارمغان مجمع است.

شورای امنیت

شورای امنیت ارگانی است به مراتب کوچکتر از مجمع عمومی و به منزلهٔ سلسله اعصاب سازمان ملل است. اما برخلاف مجمع عمومی، در آن مساوات واقعی بین دول نیست؛ چون عضو دائمی دارای قدرت فوق‌العاده‌ای است. بنابراین موقعیت دول بزرگ در شورای امنیت، که دارای امتیازاتی هستند، می‌توانند در صورتی که بین آنان اتحاد و اتفاق نظر نباشد، اساس سازمان را در هم ریزد. امتیاز دول بزرگ در شورای امنیت در دائمی بودن و داشتن حق وتو است. در حالی که اساسنامهٔ سازمان ملل همه جا صحبت از مساوات بین دول می‌کند، در شورای امنیت این امر کاملاً نادیده انگاشته شده است و برتری اعضای دائم بر دیگران محرز و مسلم است.

شورای امنیت پانزده عضو دارد، پنج عضو دائم و ده عضو غیردائم که برای مدت دو سال از طرف مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. اعضای دائم پنج دولت هستند که در جنگ دوم جهانی متفق بودند (آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین) ولی صفت بزرگی یا اهمیت این دول مربوط به قدرت نظامی آنان در جنگ نیست. آمریکا و شوروی از حیث قدرت نظامی و اقتصادی، و فرانسه و انگلیس، دول فاتح جنگ ولی زیان دیده از جنگ بودند و چنین کشور پهناور و پر جمعیت دنیاست که در طول قرون و اعصار دچار بحرانهای سیاسی و ضعف حکومت و تجاوز بسیار از خارج بوده است.

در صحنه‌ای که پس از جنگ دوم جهانی در جهان پیش آمد، پنج قدرت مذکور نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی داشتند و نفوذ و تسلط آنها در شورای امنیت کاملاً مشهود بود.

همان گونه که پیشتر اشاره شد، مهمترین وظیفهٔ سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. به موجب مادهٔ ۲۴ منشور، مسئولیت اولیه در زمینهٔ اقدام به این منظور به عهدهٔ شورای امنیت و اگذار شده است و از همین جا می‌توان به اهمیت و نقش این رکن سازمان پی برد. وظیفهٔ اصلی شورای امنیت، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، در مذاکرات دُمبارتون اُکس و یالتا، شورای امنیت به‌عنوان پلیس سازمان ملل متحد در نظر گرفته شد، و به همین جهت رسیدگی به هر مسأله‌ای که صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد در مرحلهٔ اول بر عهدهٔ این شورا نهاده شده است.

تعداد اعضای انتخابی تا سال ۱۹۶۴ شش نفر بود، اما به علت افزایش تعداد اعضای

سازمان ملل و به موجب اصلحیه منشور در ۱۹۶۵ این تعداد نیز به ده عضو افزایش یافت. در ماده ۲۳ منشور قید شده که انتخاب کشورها به عضویت شورا باید با توجه به میزان سهمی که آنها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدفهای سازمان ایفا می‌کنند و همچنین با توجه به مراعات تقسیم‌بندی و تعادل جغرافیایی انجام گیرد. البته در عمل برای کشورهای که تاکنون به عضویت شورا انتخاب نشده‌اند حق تقدم قائل می‌شوند.

در حال حاضر با توجه به تعداد کشورهای آفریقایی و آسیایی در سازمان ملل و براساس قطعنامه مورخ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی تقسیم‌بندی زیر برای انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت مراعات می‌شود:

۱. از میان کشورهای آمریکای لاتین ۲ عضو.
 ۲. از میان کشورهای آسیایی و آفریقایی ۵ عضو.
 ۳. از میان کشورهای اروپای شرقی ۱ عضو.
 ۴. از میان کشورهای اروپای غربی و سایرین مثل کانادا - استرالیا و زلاندنو ۲ عضو.
- شورای امنیت همچنین می‌تواند از اعضای دیگر سازمان که به نحوی با مسأله مورد بحث در شورا ارتباط پیدا می‌کنند، به منظور شرکت در مباحثات، بدون داشتن حق رأی دعوت به عمل آورد. همان طور که شورای امنیت در ۱۹۷۶ از سااف (سازمان آزادیبخش فلسطین) به عنوان نماینده مردم فلسطین دعوت کرد که در مباحثات شورا درباره خاورمیانه شرکت کند، در صورتی که این سازمان هویت یک دولت مستقل را نداشت. این جریان نشان از تغییر ساختار نیروها در صحنه روابط بین‌الملل داشت که بر سازمان ملل نیز تأثیر لازم را نهاده بود.

جلسات شورای امنیت ثابت نیستند، بلکه در موارد لزوم یا به دعوت اعضای سازمان نیز تشکیل می‌شود. شورای امنیت از لحاظ ترکیب اعضا، نوع سازمان و قدرت به نحوی است که می‌تواند به سرعت تصمیم بگیرد و اقدام کند. البته شورای امنیت بدون اینکه عضوی درخواست کرده باشد، در دوره‌های معین نیز تشکیل جلسه می‌دهد.

هر مسأله‌ای که وجود آن خطری احتمالی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد ممکن است درخواست رسیدگی به آن از طریق الف) کشورهای عضو سازمان ملل؛ ب) کشورهای غیرعضو؛ ج) مجمع عمومی؛ د) دبیرکل، تسلیم شورای امنیت شود. به محض رسیدن چنین درخواستی رئیس شورای امنیت جلسه شورا را تشکیل می‌دهد. ریاست شورا نوبتی است، بدین معنی که هر یک از نمایندگان عضو به ترتیب حروف الفبا (از بین تمام کشورها) به مدت یکماه ریاست شورا را برعهده می‌گیرند. جلسات شورای امنیت ممکن است در هر مکانی، که موجب تسهیل کار باشد، تشکیل شود.

روش رأی‌گیری در شورای امنیت برتری اعضای دائم را به وضوح نشان می‌دهد.

تصمیمات شورای امنیت براساس اکثریت آراء که شامل آرای پنج عضو دائم است، اتخاذ می‌شود. بنابراین، تمام تصمیمات شورای امنیت مستلزم اتفاق آرا میان پنج قدرت بزرگ است که حق وتو یا حق جلوگیری از تصمیمات شورای امنیت یا دادن رأی منفی از امتیازات به ناحق اعطا شده به قدرتهای بزرگ است که رسم برابری ملتها را به فراموشی نسپرده است. در واقع هیچ تصمیمی بدون تأیید پنج قدرت بزرگ و مخصوصاً آمریکا و شوروی اتخاذ نخواهد شد.

حق وتوی پنج قدرت بزرگ، شورای امنیت را که وظیفه اصلیش حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است بارها فلج کرده است. در ۱۹۶۵ هنگامی که مجارستان به اشغال شوروی درآمد شورا نتوانست کاری انجام دهد، چون با وتوی شوروی روبه‌رو شد. در همان سال انگلیس و فرانسه که برخلاف موازین بین‌المللی به کانال سوئز حمله برده بودند با استفاده از حق وتو دست شورای امنیت را در صدور قطعنامه مبنی بر محکومیت آن دو کشور بستند. حمله دولت متجاوز آمریکا به پاناما (دسامبر ۱۹۸۹) نیز به بهانه حفظ و توسعه دموکراسی در نیمکره غربی و دفاع از خود هنگامی که در شورای امنیت مطرح شد، با وتوی آمریکا، انگلیس و فرانسه روبه‌رو و بر این تجاوز مهر تأیید نهاده شد. در واقع به آمریکا اطمینان داده شد که بعد از این نیز اگر چنین اقدامات شایسته‌ای را از خود بروز داد با رادع و مانعی حتی در مجامع بین‌المللی روبه‌رو نخواهد شد. به همین دلیل رژیم اشغالگر قدس از ۱۹۷۲ تاکنون (۱۹۹۸) در پی تجاوزات یا جنایات خود ۳۰ بار در آستانه محکومیت قرار گرفته که هر بار با وتوی آمریکا از محکوم شدن نجات یافته است.

پس از به تصویب رسیدن قطعنامه «اتحاد برای صلح»، تعادل موجود میان شورای امنیت و مجمع عمومی تا اندازه‌ای تغییر کرد. در جریان جنگ کره هنگامی که شوروی با استفاده از حق وتو از اقدام شورای امنیت جلوگیری کرد، ایالات متحده آمریکا قطعنامه «اتحاد برای صلح» را به مجمع عمومی ارائه داد که مورد پذیرش قرار گرفت. این قطعنامه مجمع عمومی را قادر ساخت تا مسائلی را مورد رسیدگی قرار دهد که بحث درباره آنها در شورای امنیت به دلیل وجود حق وتو به نتیجه نرسیده باشد و از سوی دیگر صلح و امنیت بین‌المللی نیز با خطر مواجه باشد. مجمع عمومی به منظور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند به اقدامات مشترک از جمله اقدامات نظامی دست یازد. به این شکل ملاحظه می‌شود که بخشی از اختیارات انحصاری شورای امنیت به مجمع عمومی انتقال یافته است.

۱. صلاحیت و نقش شورای امنیت

برطبق ماده ۲۴ منشور سازمان ملل، شورای امنیت عمده‌ترین ارگان مسئول حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است، شورا همچنین نقشهای متعددی در ارتباط با ساخت و طرز کار سازمان ملل متحد برعهده دارد و در برخی از اختیارات مجمع عمومی مانند پذیرش یک عضو جدید، تعلیق

و اخراج یک عضو، انتخاب دبیرکل، و انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری سهمیم است. در کلیه این موارد مجمع عمومی است که تصویب یا رد می‌کند، ولی آنچه مورد رأی قرار می‌گیرد، پیشنهاد یا توصیه شورای امنیت است که قبلاً رسیدگی کرده است، مجمع عمومی در حال حاضر حاوی اکثریتی قابل ملاحظه از دول کوچک است، ولی در شورای امنیت رأی موافق هر ۵ عضودائم باید باشد و در بین این ۵ عضودائم هم در طول جنگ سرد رأی آمریکا و شوروی حائز اهمیت بود و در واقع می‌توان گفت اراده این دو ابرقدرت بوده که تحولات و وقایع دنیای پس از جنگ دوم جهانی را موجب شد. گفتیم وظیفه اصلی شورای امنیت حفظ صلح است. طبق فصل ششم منشور سازمان ملل شورای امنیت باید از طریق توصیه به حل و فصل مسائل ارجاع شده بدان بپردازد. طبق فصل هفتم منشور، شورای امنیت در موارد به خطر افتادن صلح، نقض صلح و تجاوز باید دست به اقدام بزند. در چنین مواردی، شورا تنها به توصیه اکتفا نمی‌کند، بلکه از طریق بعضی از مصوبات الزام‌آور و اقداماتی نظیر استفاده از زور، عمل می‌کند. اینها اقداماتی هستند که از طریق مکانیسم امنیت دسته‌جمعی و مشترک صورت می‌گیرد و همواره با اشکال تراشی قدرتهای دارنده حق و توروبه‌رو می‌شود.

شورای امنیت در زمینه حفظ صلح بر مجمع عمومی برتری دارد و این برتری هم ناشی از قدرت عظیم و امکانات و نفوذ کشورهای عضو دائمی شورای امنیت است.

به‌طور کلی منشور سازمان ملل متحد با این امید واهی که همکاری بین ابرقدرتهای فرضی در جریان جنگ و حتی پس از آن، شورای امنیت را به صورت رکن اساسی برای حفظ صلح و امنیت در خواهد آورد تدوین شد. علی‌رغم وجود مشکلاتی که بر سر راه شورای امنیت وجود داشته و دارد، این شورا ابتکارات زیادی را ارائه داده است و همواره برای حل و فصل مسائل فراخوانده می‌شود. با این همه در جریان بحرانهای جدی شورا تنها راه‌حلهای موقتی ارائه داده است یا از وخیمتر شدن بعضی مناقشات جلوگیری کرده است، بدون اینکه بتواند در صد رفع کامل اختلافات و منازعات بین‌المللی برآید. البته شرایط پس از جنگ سرد موقعیت سازمان ملل و پیرو آن شورای امنیت را تغییر داده است.

۲. نقش شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی

در ماده ۱ منشور، یکی از چهار وظیفه اصلی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی اعلام شده که این وظیفه طبق ماده ۲۴ منشور ملل متحد به عهده شورای امنیت است. تدوین‌کنندگان منشور با توجه به علل ناتوانی جامعه ملل در مقابله با آفت جنگ، این بار وظیفه خطیر استقرار امنیت را به شورا واگذار کردند که در آن فاتحان جنگ جهانی (آمریکا، شوروی، انگلیس و فرانسه) و چین از امتیاز خاصی برخوردار بودند. به این ترتیب، براساس ماده ۲۴، شورای امنیت با اختیارات وسیعی، مجری نظام امنیت مشترک شد و در مقام رکنی انتظامی، مسئول استقرار

نظم و امنیت در جهان شد. مجری برای رسیدن به این هدف والا، شورای امنیت در چارچوب مقررات فصل ششم منشور، در مقام میانجی و در چارچوب مقررات فصل هفتم، همچون مجری نظم عمل می‌کند. شورا زمانی براساس فصل هفتم دست به اقدام می‌زند که برایش محرز شود که نقض صلح شده و جهان در معرض خطری جدی قرار گرفته است.

«همان گونه که در ماده ۲۴ منشور آمده است، شورای امنیت در مقام پاسدار صلح، ابتدا باید مطمئن شود که صلح مورد تهدید قرار گرفته، موازین آن نقض شده یا عمل تجاوزکارانه‌ای صورت گرفته است. در صورت تحقق چنین شرایطی، می‌تواند چاره‌اندیشی کند و تدابیر موقت بیندیشد یا به اقدام قهری دست بزند.»^{۱۰}

«اقدامات موقت زمانی صورت می‌گیرد که از وخامت اوضاع و احوال جلوگیری به عمل آید و اقدامات قهری برای برپایی صلح جهانی مقرر شود. در فرض نخست، شورای امنیت، مصوبات خود را به شکل توصیه نامه و در فرض دوم به شکل احکام لازم‌الاجرا صادر می‌کند، که در این صورت، کشورها به موجب ماده ۲۵ منشور مکلف به رعایت مقررات آن هستند.»^{۱۱}

ماده ۲۵ منشور با تصریح به اینکه اعضای ملل متحد قبول می‌کنند که تصمیمات شورای امنیت بر طبق منشور لازم‌الاجراست، کشورها را ملزم می‌سازد با این توجیه که احکام این رکن اصلی سازمان به نام همه آنها صادر می‌شود، مورد پذیرش قرار گیرد. بنابراین همه اعضای سازمان ملل متحد، به لحاظ آنکه منشور را تصویب کرده‌اند، باید نتایج اجرای مقررات آن را نیز پذیرا باشند و بر احکام شورای امنیت صحه بگذارند. ضمناً در اینکه تصمیمات شورای امنیت بر همه الزام‌آور است یا نه، اتفاق نظر وجود ندارد. با این حال دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ در مورد لازم‌الاجرا بودن قطعنامه (۱۹۷۰) ۲۷۶ شورای امنیت، اعلام داشته است: ماده ۲۵ منشور تنها به اقدامات قهری شورا محدود نمی‌شود و کلیه تصمیماتی را که شورا به موجب منشور اتخاذ می‌کند دربرمی‌گیرد. وانگهی ماده ۲۵ در فصل هفتم منشور قرار نگرفته و بلافاصله پس از ماده ۲۴ در قسمتی که منشور از اختیارات و وظایف شورای امنیت گفتگو می‌کند، درج شده است. ضمناً اگر قرار بود که فقط تصمیمات مربوط به اقدامات قهری لازم‌الاجرا باشد، تدوین ماده ۲۵ دیگر ضرورت نداشت و مواد ۴۸ و ۴۹ منشور در این زمینه کفایت می‌کرد.»

۳. نحوه رأی‌گیری در شورای امنیت

طبق پیشنهاد مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۴۴ ایالات متحده آمریکا در کنفرانس یالتا، ماده ۲۷ منشور ملل متحد در مورد نحوه رأی‌گیری در شورای امنیت تنظیم شد. برخلاف شورای جامعه ملل که در آنجا تصمیم‌گیری به اتفاق آرا صورت می‌گرفت، در شورای امنیت، اکثریت آرا ملاک رأی‌گیری قرار گرفت. کیفیت ترکیب اکثریت در تمام موارد یکسان در نظر گرفته نشده است. به عبارت

دیگر، کیفیت تصمیم‌گیری در «مسائل مربوط به آیین کار» و «سایر مسائل بجز آیین کار» متفاوت است.

«تصمیمات راجع به آیین کار، طبق اصلاحیه سال ۱۹۶۴ در مورد بند ۲ ماده ۲۷ منشور که در سال ۱۹۶۵ لازم‌اجرا شد، با اکثریت ۹ رأی مثبت اتخاذ می‌شود، بدون در نظر گرفتن نوع عضویت رأی‌دهنده (دائم و غیردائم)، این اکثریت عددی است و علی‌رغم رأی منفی عضودائم در مسائل مربوط به آیین کار تصمیم‌گیری در این زمینه می‌تواند با رأی مثبت ۹ عضو غیردائم شورای امنیت صورت گیرد.

منشور ملل متحد مسائل مربوط به آیین کار را مشخص نکرده است و در این زمینه ساکت است، لیکن، براساس رویه شورای امنیت می‌توان موارد زیر را جزو آیین کار به شمار آورد:

مسائل راجع به تشکیل جلسات شورا، تعیین دستور کار، انتخاب رؤسای شورا، شرکت اعضای سازمان در شورا، ایجاد ارکان فرعی، دعوت یک دولت یا یک شخص برای مشارکت در کارهای شورا، تشکیل جلسات مجمع عمومی، دستور تشکیل یک کنفرانس همه‌جانبه برای تجدیدنظر در منشور.

تصمیمات راجع به «مسائل غیر از آیین کار» با رأی مثبت اعضای دائم شورای امنیت و حداقل ۴ عضو غیردائم صورت می‌گیرد. در این مسائل، حتی اگر ۱۴ عضو شورای امنیت در موردی خاص رأی مثبت دهند و یک عضودائم رأی منفی دهد، تصمیمی در آن مورد اتخاذ نخواهد شد و به چنین عملی حق و تو گویند که می‌توان آن را شامل مسائل زیر دانست: حل مسالمت‌آمیز اختلافات، اقدامات تنبیهی، مقررات راجع به تعلیق و اخراج یک عضو سازمان، روابط شورای امنیت با مجمع عمومی، انتخاب قضات دیوان بین‌المللی دادگستری و انتخاب دبیرکل سازمان ملل.^{۱۲}

۴. آثار حقوقی امتناع یک عضو دائمی

«امتناع یک عضو دائمی شورای امنیت، به مثابه «وتو» قلمداد نمی‌شود و قطعنامه صادر شده با رأی ممتنع یک عضو دائمی دارای همان آثار حقوقی الزام‌آوری است که سایر قطعنامه‌ها دارند.

مسأله مذکور برای نخستین بار در سی و نهمین جلسه شورای امنیت در مورد قضیه اسپانیا و از سوی اتحاد جماهیر شوروی مطرح شد. کشور اخیر در قضیه مزبور رأی ممتنع داد و این چنین استدلال کرد که امتناع او به معنای وتو کردن آن تصمیم نیست. چنین تفسیری متعاقباً مورد تأیید اکثر کشورها واقع شد.^{۱۳} دیوان بین‌المللی دادگستری نیز در رأی مورخ ۲۱ ژوئن ۱۹۷۱ اعلام داشته است که رأی ممتنع یکی از اعضای شورای امنیت، همیشه این طور تفسیر

شده است که هیچ گونه مانعی برای تصویب تصمیمات شورا به شمار نمی آید. «آیین کار و روش شورای امنیت عموماً از طرف اعضای سازمان ملل مورد قبول قرار گرفته است و به منزله دلیلی بر طرز عمل کلی سازمان است. بنابراین، عرف مذکور، اگر ناقض بند ۳ ماده ۲۷ به شمار نیاید، دست کم، تفسیر عملی برای محدود گرداندن وسعت دایره به کار بردن حق و تو خواهد بود.»^{۱۴}

۵. لزوم کار بست تصمیمات شورای امنیت از سوی کشورها

پس از آنکه شورای امنیت از وجود اختلاف یا بحرانی مطمئن شد و ماهیت آن را روشن کرد، قاعداً در این زمینه قطعنامه‌ای صادر می‌کند و بنابه مورد، طرفین را به خویش شدن دعوت می‌کند و یا اینکه اصولاً اقداماتی قهری انجام می‌دهد.

شورای امنیت در غالب موارد حکم خود را در مورد اختلافات یا بحرانها در چارچوب فصل هفتم صادر می‌کند و نه اینکه حکم خود را مستند به ماده معینی از منشور کند، علت این است که اعضای شورای امنیت همیشه بر سر تعیین نوع اختلاف اتفاق نظر ندارند، بنابراین شورا راه حل را عملاً در این یافته است که به طور ضمنی به پدیدار شدن اختلافی در جهان اشاره کند که به صورت مصداق یکی از سه نوع مفهوم مندرج در ماده ۳۹ است.

با این حال شورای امنیت طی قطعنامه (۵۴) ژوئیه ۱۹۴۸ در مورد قضیه فلسطین - قطعنامه (۲۳۲) دسامبر ۱۹۶۶ در مورد ژودزیای جنوبی (زیمبابوه کنونی) و در قضیه جنگ ایران و عراق قطعنامه (۵۹۸) ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷، با استناد به ماده ۳۹، اشاره کرده که وضعیتهای موجود صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره افکنده است. در موارد دیگر، شورای امنیت، بی‌آنکه صریحاً به ماده ۳۹ اشاره کرده باشد، با تأکید بر اینکه بحران یا اختلاف موجود، صلح را به خطر انداخته یا آن را نقض کرده یا عمل تجاوزکارانه‌ای صورت گرفته است، به طور ضمنی به ماده ۳۹ استناد کرده است.

در قطعنامه‌های دیگر، شورای امنیت بی‌آنکه خواسته باشد با استناد به مفاد ماده ۳۹ تدابیری اتخاذ کند، تصمیماتی گرفته است که جنبه الزام‌آور دارد و این در مواردی بود که شورای امنیت از طرفین متخاصم خواسته است که به عملیات نظامی خاتمه دهند و نیروهای نظامی خویش را به پشت مرزهای شناخته شده بین‌المللی بازگردانند یا به دیگر شرایطی که از جانب شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است تن در دهند. از محتوای این قبیل قطعنامه‌ها چنین برمی‌آید که تصمیمات شورای امنیت در این گونه موارد الزام‌آور است.

چون کشورها با تصویب ماده ۲۵ منشور که مقررات آن عمومیت دارد، متعهد شده‌اند تصمیمات شورای امنیت را گردن نهند، لذا تصمیمات شورای امنیت چه در چارچوب ماده ۲۴ و چه در چارچوب اختیارات ویژه‌ای که دارد، الزام‌آور است. به عبارت دیگر، ماده ۲۵، اصل کلی الزام‌آور بودن تصمیمات شورا را بنیاد می‌نهد و مواد ۴۸ و ۴۹ معین می‌کنند که اعضای سازمان

به چه صورتی باید تصمیمات شورا را که در چارچوب فصل هفتم اتخاذ شده است، اجرا کنند. بنابراین به موجب مواد یاد شده، کشورهای عضو سازمان، همگی یا بعضی از آنها موظف به اجرای تصمیمات شورای امنیت هستند و باید در این راه تشریک مساعی کنند. در نتیجه می‌توان گفت که ماده ۲۵، قاعده‌ای کلی برای اجرای بند ۲ از ماده ۲۴ به وجود آورده و مواد ۴۸ و ۴۹ صورتهای مختلف اجرای تصمیمات شورا را نمایانده است.

تفسیر مفاهیم مندرج در ماده ۳۹ (به مخاطره افتادن صلح، نقض صلح و اعمال تجاوزکارانه)

از آنجا که نویسندگان منشور در مذاکرات مقدماتی خود به حدود مفاهیم به «مخاطره افتادن صلح» و «اعمال تجاوزکارانه» اشاره‌ای نکرده‌اند و شورای امنیت هم در این زمینه رویه‌ای ثابت نداشته است، انطباق عناصر اساسی و موارد عینی بر این مفاهیم دشوار می‌نماید. تعیین حدود مفاهیم مذکور در ماده ۳۹ از نظر سیاسی اهمیت زیادی دارد، زیرا براساس همین حدود است که شورای امنیت می‌تواند اقدامات خود را توجیه کند. منشور از این مفاهیم تعریفی به‌عمل نیاورده، با این حال با تحلیل قطعنامه‌های شورای امنیت در این زمینه می‌توان خطوط اصلی این مفاهیم را روشن کرد.

حدود تهدید صلح یا به مخاطره افتادن صلح

صلح و امنیت بین‌المللی ممکن است بر اثر عوامل مختلفی به مخاطره بیفتد. بنابراین، برای آن حدی وسیع قابل فرض است؛ زیرا به همان اندازه که اختلاف میان دو یا چند کشور برای صلح بین‌المللی زیان‌آور است، بحران داخلی کشورها نیز عاملی مؤثر در به خطر افتادن امنیت جهانی به شمار می‌رود.

به نظر می‌رسد که علت استفاده نویسندگان منشور از این مفهوم، بسط صلاحیت شورای امنیت بوده است، چنانکه در این قبیل موارد شورای امنیت می‌تواند با استناد به ماده ۳۹ در امور داخلی کشورها نیز مداخله کند، همان‌گونه هم شورای امنیت در بسیاری از موارد ممکن است با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سیاسی جهان، بحرانهای داخلی را مخاطره‌انگیز تلقی نکند و به راحتی از کنار آن بگذرد و بالعکس در جای دیگر با همان شرایط و ویژگی، با قاطعیت وارد عمل شود. گاهی نیز شورای امنیت برای پرهیز از خطر و درگیر شدن در قضایا، به جای استفاده از عبارت «به مخاطره افتادن» از عبارتی دیگر استفاده کرده است.

تعریف «تهدید صلح» (به مخاطره افتادن صلح)

اصولاً تهدید صلح، موردی موضوعی است و نمی‌تواند موجد همان آثاری باشد که مسأله‌ای

حکمی به وجود می‌آورد. از این گذشته، بررسی «تهدید» از نظر حقوقی زمانی ممکن است که بتوان ماهیت آن را با توجه به واقعهای عینی روشن ساخت و این امر زمانی محقق می‌شود که مرجع صلاحیتدار یعنی شورای امنیت، پس از بررسی اختلاف یا بحران، عناصر مادی و معنوی تهدید را معین کند.

بعضی از صاحب‌نظران از «تهدید صلح» تعریفی نظری به عمل آورده‌اند و دسته‌ای دیگر اعتقاد داشته‌اند که «تهدید صلح» مواقعی که سازمان ملل به آن استناد کرده، متضمن مفهومی معین نبوده است، چرا که منشور حد آن را مشخص نکرده است. با این حال نباید فراموش کرد که وقتی شورای امنیت در قطعنامه‌ای از فعلیت یافتن «تهدید» گفتگو می‌کند، غایتی دارد و آن گذر از فصل ششم به فصل هفتم و اتخاذ تدابیری جدی برای از میان بردن تهدید است، زیرا منشور بی‌آنکه از «تهدید صلح» تعریفی به عمل آورده باشد، یا اینکه اصولاً طریقه حصول چنین مفهومی را نشان دهد، به شورا مأموریت داده است تا موضوع تهدید را به هر صورت که صلاح می‌داند اعلام کند و شورا هم از این اختیارات حداکثر استفاده را کرده و به اعلام مواضع پرداخته است. بنابراین می‌توان گفت که در چارچوب ماده ۳۹ «تهدید صلح» آن وضعیتی است که به‌طور مؤثر صلح را به خطر می‌اندازد. در این صورت آن بحرانی که برای صلح مخاطره‌آمیز است دو خصیصه دارد: یکی اینکه انفجارآمیز است و دیگر اینکه نتیجه نقض تعهدی بین‌المللی است.

نقض صلح

بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که «نقض صلح» با «تجاوز» تفاوت چندانی ندارد و سازمان ملل به همان اندازه که اختیار دارد بحران را از میان بردارد، مجاز است که با عامل به وجود آورنده آن یعنی کشور خاطی مبارزه کند.

«نقض صلح» که در ماده ۳۹ منشور برای خود در مفهومی خاص به کار رفته، در بند ۱ ماده ۱ منشور مفهومی عام پیدا کرده است، زیرا در این ماده به صورتی به «سایر اعمال ناقض صلح» اشاره شده است که به تعبیری می‌توان جنگ و تجاوز را از جمله موارد خاص آن قلمداد کرد. به همین جهت هانس کلسن، صاحب‌نظر اتریشی، با تفسیر موسعی که از این مفهوم به عمل آورده، تخلف از کلیه تعهدات بین‌المللی را «نقض صلح» دانسته است. با این همه، به رغم انعطافی که این مفهوم دارد، شورای امنیت و مجمع عمومی، در قطعنامه‌های خود به ندرت از «نقض صلح» سخن به میان آورده‌اند. از جمله این موارد نادر، قضیه کره است. در این قضیه، شورای امنیت در غیبت نماینده اتحاد شوروی، با تصویب قطعنامه‌ای در ۲۵ ژوئن ۱۹۵۰، حمله کره شمالی را به کره جنوبی ناقض صلح بین‌المللی اعلام کرد و در قطعنامه دیگری در ۲۷ ژوئن ۱۹۵۰، از کشورهای عضو سازمان ملل درخواست کرد که دولت کره جنوبی را در عقب راندن نیروهای مهاجم یاری دهند و پس از حمایت چین کمونیست از نیروهای کره شمالی در فوریه

۱۹۵۱، شورای امنیت طی قطعنامه‌ای اعلام کرد که دولت چین کمونیست مرتکب تجاوز شده است.

در قضیه جنگ ایران و عراق نیز، با اینکه تجاوز نیروهای نظامی عراق به خاک ایران کاملاً مشهود بود، بعد از گذشت چند سال از این جنگ تجاوزکارانه، شورای امنیت در قطعنامه ۵۹۸، ۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ خود، بی‌آنکه به آغازگر «تجاوز» اشاره‌ای کند، نفس اختلاف میان ایران و عراق را نقض صلح اعلام کرد.

با بررسی این قضایا آشکار می‌شود که شورای امنیت، با آنکه تجاوز نظامی محقق بوده است، عملاً از استناد به مفهوم تجاوز خودداری کرده است. بعضی از صاحب‌نظران معتقدند که در این قبیل موارد، برای آنکه بشود از نظر سیاسی برای مشکلات بین‌المللی چاره‌ای اندیشید، شورا تجاهل نمی‌کند، مگر اینکه به راه‌حل سیاسی دست یابند.

با توجه به مطالب مذکور، آنچه به‌طور کلی می‌توان از ماده ۳۹ دریافت، این است که مداخله شورای امنیت در چارچوب ماده ۳۹ فقط در سه صورت امکان‌پذیر است: ۱. تهدید به جنگ صورت گرفته باشد؛ ۲. کار از تهدید فراتر رفته ولی منجر به جنگ نشده باشد؛ ۳. جنگ به وقوع پیوسته و تجاوز علنی شده باشد.

تجاوز

تدوین‌کنندگان منشور، رسیدگی به تجاوز را برعهده شورای امنیت گذاشتند و در نتیجه شورای امنیت به نیابت از کشورهای عضو سازمان، در زمینه مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت جهانی (ماده ۲۴) صلاحیتی انحصاری یافت که به تشخیص و دفع تجاوز تعمیم داده شده است. تدبیر منشور در انتخاب راه‌حلی میانه، تمرکز اختیارات مربوط به تعریف تجاوز در آن واحد و حفظ رسوم گذشته، با طرح ساختار سازمان ملل حین کنفرانس سانفرانسیسکو هماهنگی داشت، به همین جهت برای اینکه نویسندگان منشور این واقعیت را به نحوی متذکر شوند، خطوط اصلی مفهوم تجاوز را در موادی پراکنده گنجانده تا شورای امنیت نتواند خارج از محدوده آنها به اقداماتی افراطی دست بزند.

مفهوم «تجاوز» به لحاظ مقرراتی که در منشور وضع شده، از اهمیت خاصی برخوردار است. البته درست است که منشور از تعریف صریح تجاوز خودداری کرده و حدود این مفهوم را دقیقاً معین نکرده است، ولی از آن تصویری کلی به دست داده و شورای امنیت هم کوشیده است از مجاری آن خارج نشود. منشور ابتدا ضمن بر شمردن اهداف و اصول سازمان ملل متحد، از این مفهوم صراحتاً یاد کرده است (فصل یکم)، به این صورت که منشور نخستین هدف سازمان ملل را دفع هرگونه عمل تجاوزکارانه‌ای دانسته است که صلح را نقض می‌کند (بند ۱ از ماده ۱).
تعهد کشورها مبنی بر احتراز از «توصل به تهدید یا استعمال زور علیه تمامیت ارضی یا

استقلال سیاسی هر کشور یا انجام اعمالی برخلاف اهداف ملل متحد» نیز از جمله اصولی به شمار آمده که ملل متحد باید آن را رعایت کنند (بند ۴ از ماده ۲).

در مورد تجاوز، شورای امنیت می‌تواند با استناد به ماده ۳۹ منشور، قبل از صدور توصیه‌نامه یا حکمی قاطع، از کشورهای طرف اختلاف بخواهد که از دستورات موقتش تبعیت کنند (ماده ۴۰). آنگاه به تناسب شدت و ضعف بحران در قالب توصیه‌نامه، تدابیری دیپلماتیک اتخاذ کند یا با شدت هر چه تمامتر با بحران به مقابله برخیزد و مجازاتهای اقتصادی (ماده ۴۱) و یا نظامی (ماده ۴۲) مقرر کند. اما از آنجا که حکم به مجازات نظامی مستلزم در اختیار داشتن نیروی نظامی است، منشور در ماده ۴۳ کلیه اعضای ملل متحد را موظف کرده است که نیروهای مسلح خود را برای شرکت در عملیات مربوط به استقرار صلح و امنیت بین‌المللی در اختیار شورای امنیت قرار دهند. بدیهی است که این اختیار گسترده بر تشخیص ماهیت تجاوز اثر می‌گذارد؛ زیرا اقدامات شورا باید متناسب با نوع تجاوز باشد. از این رو منشور از شورا خواسته تنها هنگامی به مفهوم تجاوز استناد کند که وضعیت بسیار استثنایی و بحرانی است.

شورای امنیت به لحاظ اینکه استفاده از این مفهوم قاعداً متضمن اقدامات شدیدی است، بجز در چند مورد، در موارد دیگر از استعمال آن در قطعنامه‌های خود احتراز کرده است، وانگهی رقابت شرق و غرب هم مانعی دیگر بود که شورای امنیت عمیقاً بدان توجه داشته است. مجمع عمومی هم با اینکه تصمیماتش الزام‌آور نیست، در استفاده از این مفهوم، حتی در موارد محرز بودن تجاوز نظامی از هر جهت احتیاط کرده است. مثلاً در قضیه افغانستان، مجمع عمومی در قطعنامه‌های خود بی‌آنکه به مفهوم تجاوز صراحتاً اشاره کند یا لااقل از مفهوم «تهدید به صلح» بهره گیرد، لفاظی کرده و به‌طور کلی از نیروهای بیگانه درخواست کرده است که خاک افغانستان را ترک گویند.

با این حال در چند مورد مجمع عمومی عمل رژیم اسرائیل را در بمباران تأسیسات هسته‌ای تموز (عراق) تجاوز قلمداد کرد و حال آنکه شورای امنیت همین عمل را در قطعنامه‌های خود خطری برای صلح به شمار آورده بود. مورد مشابه دیگر، قطعنامه‌ای است که مجمع عمومی در قبال اعمال تجاوزکارانه اسرائیل صادر کرد و در آن خودداری اسرائیل را از القای قانون ۱۴ دسامبر ۱۹۸۱، در مورد اشغال بلندیهای جولان، «تجاوز» اعلام کرد. در این باره شورای امنیت اصلاً نتوانسته بود نظر اعضای دائم را بر سر انتخاب یکی از مفاهیم مندرج در ماده ۳۹ موافق سازد.

تعریف تجاوز (قطعنامه ۱۹۷۴) ۱۵

«کمیته ویژه‌ای که از سوی مجمع عمومی مأمور تهیه گزارش پیرامون تعریف متجاوز شده بود، سرانجام در ۱۹۷۴، گزارشی در زمینه «تجاوز» به مجمع عمومی عرضه کرد. این گزارش در ۱۴

دسامبر همان سال به صورت متن ضمیمه در قطعنامه ۳۳۱۴-۲۹ درج شد و با رأی اجماعی (consensus) کشورها به تصویب رسید. لازم به یادآوری است که تعریف تجاوز آن گونه که در این قطعنامه بیان شده، در رشد و توسعه حقوق بین‌الملل تأثیر بسیاری داشته و دارد، زیرا این تعریف می‌تواند در تکمیل نظام امنیت بین‌المللی سخت مؤثر باشد و شورای امنیت را در تصمیم‌گیری و احراز مفهوم «تجاوز» کمک کند. زیرا کارشورا را فقط محدود به این می‌کند که در جستجوی یافتن تعریف برای مواردی باشد که از حدود تعریف مندرج در قطعنامه ۱۹۷۴ خارج است. وانگهی این تعریف می‌تواند در حفظ حقوق و منافع قربانی تجاوز، سهم بسیار داشته باشد. گذشته از این، تعریف تجاوز می‌تواند افسارگسیختگی حاکمیت کشورها را مهار کند، چرا که برای آنها هشدار مؤثر است و از این‌رو کشورها باید با توجه به حیثیت ملی خود مراقب باشند که در قبال رفتارشان روزی متجاوز قلمداد نشوند؛ چون کشوری که به موجب این تعریف متجاوز شناخته شود، جنایتی بین‌المللی مرتکب شده است. حال آنکه قربانی همین تجاوز حق دارد که از سازمان ملل درخواست کمک کند. وانگهی تعریف مفهوم تجاوز در کار تدوین حقوق جزای بین‌المللی تأثیری بسزا دارد.»

محتوای حقوقی قطعنامه ۱۹۷۴

قطعنامه ۱۹۷۴ مجمع عمومی با تعریفی که از تجاوز به عمل آورده است، مفهوم کلی آن را با شماری از اعمال تجاوزکارانه درهم آمیخته است. این تعریف نقاط قوت و ضعفی دارد که تنها از رهگذر بررسی مضامینش می‌توان به آن پی برد.

از جمله جنبه‌های مثبت قطعنامه این است که مقدمه نسبتاً طولانی آن «تجاوز» را اصولاً در منظوق کلیه مقررات منشور در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی جای داده و اعلام کرده است که: «یکی از اهداف سیاسی سازمان ملل، حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و وضع مقررات مؤثر برای جلوگیری از بروز عوامل تهدیدکننده صلح و دفع اعمال تجاوزکارانه ناقض صلح است.» پس از اشاره به وظایف تعیین شده برای شورای امنیت در ماده ۳۹، این نکته را یادآور شده که کشورها باید اختلافات خود را آن گونه که منشور پیش‌بینی کرده است، از راههای مسالمت‌آمیز حل کنند؛ آنگاه بر اصل مصون بودن خاک کشورها از تعرض بیگانه تأکید ورزیده و هر کشور را مکلف داشته است که از توسل به زور برای محروم کردن کشوری دیگر از اداره سرزمین خود و آزادی و استقلال آن خودداری کرده، از آسیب رساندن به تمامیت ارضی دیگری احتراز کند.

۱. ماده یک قطعنامه با اعلام اینکه «تجاوز» اعمال زور یک کشور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یک کشور یا توسل به اعمالی است که با مقررات منشور مغایرت دارد به بیان قاعده‌ای کلی پرداخته است.

۲. ماده ۲ قطعنامه «پیشی جستن در استفاده از نیروی مسلح را به صورتی که ناقض مقررات منشور باشد دلیلی کافی بر وقوع عمل تجاوزکارانه» دانسته است، اما بی درنگ به تعدیل این قاعده پرداخته و متذکر شده است که شورای امنیت می‌تواند به موجب مقررات منشور به این نتیجه برسد که حکم به محقق بودن عملی تجاوزکارانه به لحاظ اوضاع و احوال مربوطه، از جمله این واقعیت که عمل مذکور یا آثار آن شدت چندانی ندارد، موجه نیست و این در مواردی مصداق دارد که کشوری حادثه کم اهمیتی در مرز بیافریند و همسایه‌اش با شدت هر چه تمامتر با این تهاجم مقابله کند. در فرض اخیر، گرچه کشور مهاجم ابتدا حادثه آفرینی کرده اما چون کشور مقابل به عملیاتی دست زده که با آن حوادث تناسب معقول نداشته است، شورای امنیت می‌تواند عمل تجاوزکارانه را به کشور نخستین منتسب نکند.

۳. در ماده ۳ قطعنامه ۱۹۷۴، مجمع عمومی با اعتقاد به اینکه «تجاوز» هولناکترین و حادث‌ترین نوع استفاده غیر مشروع از زور است، فقط اعمال زور مسلحانه را تجاوز دانسته و آن را به فشارهای اقتصادی، عقیدتی و تبلیغی تعمیم نداده است.

۴. ماده چهار قطعنامه با قبول اینکه فهرست اعمالی که در قطعنامه تجاوز به شمار آمده است نمی‌تواند جامع باشد به شورای امنیت اختیار داده است که با توجه به مقررات منشور (و به لحاظ ضرورت‌های اجتماعی) اعمالی را به تشخیص خود، مصادیق تجاوز اعلام کند.

۵. ماده ۵ قطعنامه صراحتاً توجیهاتی را که کشورها با توسل به آنها زمینه تجاوز را فراهم می‌سازند مردود اعلام و مقرر کرده است که هیچ دلیلی اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی یا غیره «تجاوز» را توجیه نمی‌کند. این توجیهات ممکن است مسائلی از قبیل معاهدات موجود، موازین حقوق بشر، ضرورت حفظ جان و مال اتباع، قلع و قمع استعمار، مشروعیت مبارزه با نژادپرستی و یا مواد مخدر و حفظ دموکراسی را دربرگیرد.

۶. ماده ۶ قطعنامه درباره یکی از مفاهیم منشور ملل متحد یعنی دفاع مشروع گفتگو کرده است. به موجب این ماده «مفاهیم مندرج در تعریف (تجاوز) نباید به گونه‌ای تفسیر شود که دامنه مقررات منشور، از جمله مقررات مربوط به دفاع مشروع، به نحوی گسترده یا محدود شود». دفاع مشروع در چارچوب منشور ملل متحد استثنایی بر اصل ممنوعیت توسل به زور است.

به موجب ماده ۵۱ منشور^۳ توسل به زور وقتی مشروع است که واکنشی در قبال تجاوز باشد. تجاوز کشوری به کشور دیگر حق حاکمیت آن کشور را زایل می‌کند، از این رو کشور قربانی در مقام دفاع از خود کاری جز استقرار حق از دست رفته انجام نمی‌دهد، منتها از آنجا که دفاع از

۳ «در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یکی از اعضای سازمان ملل متحد، تا زمانی که شورای امنیت اقدامات الزامی را برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورد در هیچ یک از مقررات منشور به حق ذاتی دفاع مشروع خللی وارد نمی‌آورد. ...»

حاکمیت در حدّ دفع تجاوز، مشروع شناخته شده است، عملیات کشور قربانی حتماً باید متناسب با اقدامات تجاوزکارانه باشد. بنابراین اشغال مستمر تمام یا بخشی از کشور متجاوز به طریق اولی انضمام خاک آن به لحاظ اینکه خارج از این حدّ است، خود تجاوز محسوب می‌شود. ۷. به موجب ماده ۷ قطعنامه ۱۹۷۴ «تعریف مندرج در قطعنامه، خصوصاً ماده ۳، نباید به گونه‌ای تفسیر شود که به آزادی، استقلال و حق مردم در تعیین سرنوشت خویش، در حدّی که منشور مقرر کرده و اعلامیه مربوط به روابط دوستانه و همکاری میان کشورها براساس منشور آن را یادآوری کرده است، خاصه حق آن اقوامی که تحت استیلای نظامهای استعماری یا انواع دیگر سلطه خارجی هستند، خدشه وارد کند. همچنین این قطعنامه نباید به صورتی تفسیر شود که به حق این مردم در مبارزه برای تحقق این اهداف و استمداد یا حصول پشتیبانی، بنابر آنچه در اصول منشور ملل متحد و اعلامیه مذکور آمده است، خللی وارد آید.

۸. ماده ۸ قطعنامه تعریف تجاوز، با تأکید بر اینکه مقررات قطعنامه با یکدیگر مرتبط هستند و مجموعه واحدی را تشکیل داده‌اند، اعلام کرده است که هر ماده باید با توجه به منطوق کلی مقررات قطعنامه تفسیر و اجرا شود؛ علت این است که قطعنامه با تعریفی که از تجاوز به عمل آورده است، مفهوم کلی آن را با شماری از اعمال تجاوزکارانه به صورتی ممزوج کرده که نمی‌توان بخشی از آن را خارج از محدوده کلی مورد نظر قرار داد.

با وجود این، قطعنامه ۱۹۷۴ به لحاظ ضعفهایی که دارد، در اجرا با مشکلاتی روبه‌رو است؛ مهمترین ضعفی که در این قطعنامه به چشم می‌خورد این است که ماده ۲ قطعنامه پیشی جستن کشورها را در انجام دادن عملیات تجاوزکارانه به شرطی دلیل بر تجاوز دانسته است که شورای امنیت آن را پذیرفته و تأیید کرده باشد. حال آنکه بهتر می‌بود تقدم عملیات اصولاً خود دلیلی بر تجاوز شناخته می‌شد؛ هر چند شورای امنیت در فرضی که کشوری را متجاوز بشناسد، باز در اعمال مجازات به لحاظ حق وتویی که اعضای ثابت آن دارا هستند آزادی عمل دارد، به نحوی که می‌تواند کشور متجاوز را اصولاً از هر مجازاتی معاف کند.^{۳۳}

نتایج عملکرد شورای امنیت سازمان ملل متحد در قبال بحران کویت

بحران خلیج فارس که طی آن جهانیان شاهد هماهنگی نسبتاً یکپارچه شرق و غرب بوده‌اند، در واقع به‌عنوان اولین تجربه آشکار پایان جنگ سرد و آغاز شکل‌گیری به اصطلاح «نظم نوین جهانی» مورد ادعای آمریکا ارزیابی می‌شود. حادثه مذکور در دوره انتقالی سیاست جهانی اتفاق افتاد. زمانی که دوره جنگ سرد خاتمه یافته بود، ولی ماهیت دوره جانشین آن تا حد زیادی

^{۳۳} تجاوز آشکار عراق به ایران در سال ۱۳۵۹ تعلق و کتمان شورای امنیت از متجاوز شناختن رژیم بعث عراق از جانب دیگر تجاوزات مکرر اسرائیل به جنوب لبنان و پشتیبانی آمریکا از اسرائیل نسبت به طرح مسأله، دلایل بارزی از سوءاستفاده قدرتهای بزرگ از سازمان ملل متحد است.

نامعلوم بود.

بنابراین، شورای امنیت سازمان ملل که در زمان جنگ سرد، عمدتاً صحنهٔ مقابله و کشاکش بین آمریکا و شوروی بود در این مرحله تغییر وضعیت داد و دو ابرقدرت در قبال بحران کویت به تفاهم رسیدند. همخوانی قدرتهای بزرگ در جریان این بحران را به ویژه با مروری به قطعنامه‌های شورای امنیت (۱۲ قطعنامه تا شروع جنگ و ۱۱ قطعنامه پس از آغاز جنگ و پایان جنگ تا ۱۱ اکتبر ۱۹۹۱ جمعاً ۲۳ قطعنامه) سازمان ملل متحد درخصوص بحران مزبور می‌توان دریافت.

- بحران خلیج فارس باعث شد سازمان ملل متحد که اعتبارش در پرداختن به دفع تهدید و تجاوز علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، با توسل به قوهٔ قهریه و استفاده از سیستم امنیت جمعی، اعتباری تازه کسب کند و زمینهٔ بیشتری را برای فعالیت کردن، چیزی که تا آن زمان به خصوص به علت تضاد موجود بین شرق و غرب امکان کمتری داشت، به دست آورد.

- تصویب حق دخالت در عراق (قطعنامهٔ ۶۸۸ مورخ ۵ آوریل ۱۹۹۱) برای کمک‌رسانی به کردها که در مغایرت با نص صریح مادهٔ ۲ فصل هفتم منشور ملل متحد مبنی بر ممنوعیت دخالت در امور داخلی کشورهاست، امری بی‌سابقه در تاریخ سازمان ملل متحد است. این امر نشان داد که قدرتهای بزرگ با حقی که برای خود در شورای امنیت سازمان ملل قائل شده‌اند هر زمان که شرایط اقتضا کند زمینه را برای تغییر و تفسیر مقررات بین‌المللی و تطبیق آنها با شرایط جدید فراهم می‌آورند.

- بحران خلیج فارس به خوبی توانست اعمال سیاست یک بام و دو هوای شورای امنیت سازمان ملل در قبال مسائل مهم بین‌المللی را افشا کند. عکس‌العمل سریع شورای امنیت بلافاصله پس از تهاجم عراق به کویت و اشغال آن کشور و صدور قطعنامه‌های متعدد در ظرف کمتر از یک سال (۲۳ قطعنامه) و پیگیری مستمر و مجدانه برای اجرای دقیق آنها و همچنین معرفی سریع و صریح رژیم عراق به عنوان مسئول شروع جنگ و مسئول پرداخت غرامت به هیچ‌وجه با برخورد ضعیف و همراه با بی‌توجهی شورای امنیت در قبال تجاوز و اشغال بخشی از خاک ایران به دست نیروهای عراق و اعلام متجاوز بودن عراق پس از گذشت ده سال از شروع تجاوز که نمونه‌ای کاملاً روشن از سیاست دوگانهٔ شورای امنیت در قبال مسائل مختلف بین‌المللی است، قابل توجیه نیست. به عبارتی دیگر، پیش از آنکه حق، ملاک عمل و موضعگیری شورای امنیت باشد، منافع اعضای دائمی شورای امنیت به ویژه آمریکاست که نقش تعیین‌کننده دارد.

- بحران خلیج فارس و رسیدن به مرحلهٔ جنگ، ثابت کرد که آمریکا قادر است در تصمیم‌گیری شورای امنیت دخالت کند و کشورهای بزرگ را علی‌رغم اختلاف نظرهایی که در این زمینه با آمریکا داشتند (شوروی و فرانسه بیشتر خواهان ختم بحران از راه مسالمت‌آمیز

بودند و در شیوه عملی هم با آمریکا اختلاف نظر داشتند) و نیز تعداد معتنا بهی از کشورهای منطقه و بیشتر کشورهای جهان سوم را به صف آرایی بکشد، تا علیه عراق بجنگد و با تفسیر موسع از منشورنات خود را تحت پوشش قطعنامه‌های شورای امنیت به اجرا درآورد.

- هدایت و کنترل عملیات در این بحران در دست آمریکا بود و این کشور برای مشروعیت بخشیدن به تصمیمات و اقدامات خود می‌کوشید این نوع اقدامات را در پوشش قطعنامه‌های شورای امنیت به اجرا درآورد، شورای امنیت در این برهه صرفاً نقش قانونگذاری غیرناظر را ایفا می‌کرد و هیچ نظارتی بر اجرای تصمیمات نداشت، و در واقع سازمان ملل توجیه‌گر سیاست خارجی آمریکا در این بحران بود.

- ایالات متحده آمریکا از طریق بحران کویت در فکر ایجاد یک الگوی جدید برای رهبری جهان بعد از جنگ سرد بود و جنگ خلیج فارس تا حدی بر این جهت‌گیری سیاست خارجی آمریکا تأکید داشت.

- از دید واشنگتن، عراق باید نابود شود، زیرا سلطه عراق بر منطقه با سیاست جدید آمریکا در قبال منازعه اعراب و اسرائیل منافات داشت و طرفین را در فرآیند صلح انعطاف‌ناپذیر می‌ساخت. ولی حاکمیت صدام، عجلتاً می‌بایست باقی بماند تا هم تعادل منطقه برهم نخورد و هم حالت تهدید همچنان حفظ شود.

- در جنگ خلیج فارس، «عارضه ویتنام» باید از ذهن آمریکاییها زدوده می‌شد و روحیه پیروزی و قدرت میهن‌پرستانه جای آن را می‌گرفت، ضمن اینکه برای تثبیت نقش رهبری، ایالات متحده نشان داد که در صورت سوء رفتار یک کشور در حال توسعه و برهم زنده حفظ وضع موجود و منافع آن کشور، رفتارها دیگر از نوع جنگ ویتنام نیست، بلکه شبیه جنگ با عراق خواهد بود.

- تجاوز عراق به کویت و عملیات طوفان صحرا به‌طور اساسی محیط سیاسی و استراتژیک خاورمیانه و خلیج فارس را تغییر داد. ایالات متحده علی‌رغم مشکلات عدیده اقتصادی و داخلی، خود را به‌طور وسیعی متعهد کرد. گرچه تقریباً ۲۶ کشور از لحاظ نظامی به این عملیات کمک کردند، ولی آمریکا عنصر اصلی در هدایت و فرماندهی این عملیات بود. از این‌رو به خوبی وابستگی روزافزون آمریکا را به نفت خلیج فارس و اینکه این عامل یکی از عوامل تأثیرگذار عمده سیاستهای آن کشور خواهد بود، آشکار کرد.

- پیروزی متحدین علیه عراق در اولین بحران پس از جنگ سرد موجب تغییرات مهمی در منطقه شد. در این دوره حجم گسترده‌ای از نیروهای نظامی بیگانه به همراه مدرنترین تجهیزات نظامی وارد منطقه خلیج فارس شدند که مدعی بودند مجری قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل هستند. چیزی که در ظرفیت مصوبات شورای امنیت نمی‌گنجید و حتی در مواردی خشم دبیرکل وقت سازمان ملل را هم برانگیخت.

- در این جنگ بخش بزرگی از توان صنعتی و نظامی عراق بر اثر بمباران شدید نیروهای چند ملیتی کاملاً از میان رفت و عراق که ادعا می‌شد چهارمین نیروی نظامی جهان است، به شکل یک کشور بالنسبه فاقد قدرت نظامی درآمد. با محاصره اقتصادی ۶ ساله عراق، آمریکا سعی در تضعیف هرچه بیشتر این کشور دارد و ادعا می‌کند که عراق باید تاوان سنگین تصمیم خود دایر بر داشتن سلاحهای بیولوژیکی و هسته‌ای را بپردازد؛ و این در حالی است که اسرائیل متحد استراتژیک آمریکا و تنها کشور خاورمیانه که مجهز به سلاح اتمی است، برای مدت طولانی از خطر احتمالی عراق رها شده و آمریکاییها از تسلط خود بر شریانهای حیاتی صنعت نفت و اقتصاد غرب و ژاپن و مهمترین منبع درآمد کشورهای منطقه - نفت - بسیار خرسندند. البته تضعیف توان جنگی عراق، به ویژه، تلاش شورای امنیت برای نابود کردن قدرت اتمی و شیمیایی آن کشور به گونه‌ای انکارناپذیر به سود کشورهای منطقه به خصوص ایران ارزیابی می‌شود. از میان رفتن چنین تهدیدی فی‌نفسه می‌تواند عاملی برای برقراری جو عادی در منطقه باشد، لکن امکان سوءاستفاده برخی عناصر متأثر از قدرتهای خارجی از شرایط موجود و نیز زمینه‌ای که برای ایجاد اغتشاش و ناامنی برای یک رشته عملیات در مناطق شرقی و شمال شرقی عراق فراهم آمده، نمی‌تواند مورد توجه نباشد.

در واقع هرگونه تلاش برای تغییر مرزهای عراق و برهم خوردن یکپارچگی کشور عراق و پیامدهای احتمالی آن برخلاف مصالح کشورهای منطقه و تهدیدی برای امنیت ملی ایران است. - «اشغال کویت به وسیله ارتش عراق و ناتوانی «شورای همکاری خلیج فارس» در جلوگیری از آن، عدم کارایی شورا را به اثبات رساند، و نشان داد که اعضای آن دارای منافع و اهداف یکسان نیستند.»^{۱۶}

با اتخاذ سیاستی اصولی از سوی ایران و حفظ بی‌طرفی در قبال این بحران چهره واقعی جمهوری اسلامی ایران برای دنیا و به خصوص کشورهای منطقه به عنوان کشوری که خواهان آرامش و حفظ صلح در منطقه است، به خوبی آشکار شد.

دیوان بین‌المللی دادگستری

مقدمه

دیوان بین‌المللی دادگستری از ارکان اصلی سازمان ملل متحد است. این دیوان که محل استقرار آن در شهر لاهه است، در سال ۱۹۴۶، جانشین دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی شد که در سال ۱۹۲۰ به وسیله جامعه ملل تشکیل شده بود.

دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه، بر پایه منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بنا شده است. اساسنامه دیوان همزمان با منشور ملل متحد در ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ به مرحله اجرا درآمد. پس از اینکه در تاریخ ششم فوریه ۱۹۴۶، انتخابات اولین دوره قضات عملی شد، دیوان برای اولین

بار در اول آوریل همان سال رسماً در لاهه تشکیل جلسه داد. از سال ۱۹۴۷ که اولین دعوای مربوط به «قضیه تنگه کورفو» در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح شد تا سال ۱۹۸۳، مجموعاً ۶۷ اختلاف در آن دیوان بررسی شد که از میان این تعداد اختلاف ۴۲ رأی و ۱۸ نظر مشورتی صادر شده است.

۱. سازمان دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه

دیوان بین‌المللی دادگستری با ۲۰ قاضی، که برای مدت ۹ سال از طرف شورای امنیت و مجمع عمومی انتخاب می‌شوند، تشکیل می‌شود. در این دادگاه قضات به‌عنوان نماینده یک دولت معین نیستند، بلکه باید حقوقدانانی عالیمقام باشند که نوعاً به اعتبار شخصیت علمی و اخلاقی خودشان به دیوان دائمی داوری معرفی می‌شوند.

به منظور تضمین استقلال قضات، مصونیت‌هایی همانند مأموران سیاسی برای آنان در نظر گرفته شده است. قضات غیرقابل عزل بوده و هیچ‌گونه شغل دیگری نیز نباید داشته باشند، و پس از سپری شدن دوره خدمت، مجدداً امکان انتخاب شدن دارند. چون تجدید انتخاب کامل در پایان هر ۹ سال امکان دارد که به دوام و استمرار دیوان لطمه وارد کند، از این رو هر سه سال یک بار به قید قرعه ^۱قضات تغییر می‌کنند. «انتخاب قضات نیز در دو مرحله صورت می‌گیرد: یعنی ابتدا معرفی نامزدهای گروه‌های ملی و سپس انتخاب آنها با رأی مجمع عمومی و شورای امنیت که با موازین خاصی صورت می‌گیرد.»^{۱۶}

چنانچه هنگام رجوع دعوا به دیوان، یکی از قضات دیوان، تابعیت یکی از کشورهای طرف دعوا را داشته باشد، به طرف دیگر دعوا حق داده می‌شود که یکی از اتباع خود یا یکی از حقوقدانان بیگانه را که حائز شرایط لازم باشد، به‌عنوان قاضی به دیوان معرفی کند. این قاضی را «قاضی اختصاصی یا ویژه (ad hoc)» می‌نامند. این امر در مواردی که هیچ یک از طرفین دعوی قاضی در دادگاه نداشته باشند هم صادق است و طرفین می‌توانند قضات اختصاصی معرفی کنند. قاضی اختصاصی برای دعوی خاص و به‌طور موقت انتخاب می‌شود و هنگامی که دعوی خاتمه پذیرفت مأموریت او نیز پایان خواهد یافت. ضمناً قاضی اختصاصی دارای همان صلاحیتهای خاص اعضای دیگر دیوان است.

۲. چه مقاماتی صلاحیت مراجعه به دیوان را دارند؟

بند ۱ ماده ۳۴ اساسنامه دیوان مقرر کرده است که «تنها دولتها می‌توانند به دیوان رجوع کنند.» بنابراین اشخاص خصوصی اعم از حقیقی و حقوقی نمی‌توانند به دیوان مراجعه کنند. اما سازمانها و مؤسسه‌های بین‌المللی عمومی می‌توانند از دیوان رأی مشورتی بخواهند، ولی ترافع در شأن دولتهاست. دولتهایی که حق مراجعه به دیوان را دارند به سه دسته‌اند:

الف) کشورهای عضو سازمان ملل: مطابق بند ۱ ماده ۳۵ اساسنامه دیوان، همه کشورهای عضو سازمان ملل حق رجوع به دیوان را دارند.

ب) کشورهای غیر عضو سازمان ملل متحد که اساسنامه دیوان را قبول کرده‌اند: بند ۲ ماده ۹۳ منشور می‌گوید: «شرایطی که به موجب آن کشورهای غیر عضو سازمان می‌توانند از قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری محسوب شوند در هر مورد به خصوص بنابه توصیه شورای امنیت به وسیله مجمع عمومی معین می‌شود.» بنابراین دولتهایی که نمی‌خواهند یا نمی‌توانند عضو سازمان ملل متحد شوند، می‌توانند با قبول شرایطی که بنابر توصیه شورای امنیت به وسیله مجمع عمومی معین می‌شود، در ردیف اعضاکنندگان اساسنامه در آیند و بدین وسیله با دولتهای عضو سازمان ملل متحد در مقابل دیوان بین‌المللی دادگستری از هر جهت برابر خواهند بود.

در این مورد مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت، شرایطی را برای این گونه دول تعیین کرد که عبارت‌اند از:

۱. قبول مقررات اساسنامه دیوان توسط دول غیر عضو.
۲. قبول کلیه تعهدات یک عضو سازمان ملل متحد که به موجب ماده ۹۴ منشور مقرر شده است.

۳. تعهد برای شرکت در پرداخت مخارج دیوان به میزان عادلانه‌ای که مجمع عمومی هر چند یک بار و پس از مشورت با دولت مزبور (مانند سوئیس) معین می‌کند.

ج) کشورهای غیر عضوی که اساسنامه دیوان را قبول نکرده‌اند: این گونه کشورها در صورتی حق مراجعه به دیوان را دارند که شرایطی را که شورای امنیت تعیین کرده، قبول کرده باشند. این شرایط که در قطعنامه شماره ۹ شورای امنیت، مورخ ۵ اکتبر ۱۹۴۶ اعلام شده به شرح زیر است:

۱. کشور غیر عضو سازمان و قبول‌نکننده اساسنامه باید قبلاً اعلامیه‌ای مبنی بر پذیرش صلاحیت دیوان و تعهد به اجرای صادقانه رأی یا آرای دیوان را نزد دفتر دیوان تودیع کرده باشد.

۲. اعلامیه مذکور می‌تواند خاص یا عام باشد. در اعلامیه خاص، کشور صادرکننده اعلامیه صرفاً صلاحیت دیوان را در یک یا چند اختلاف می‌پذیرد، در حالی که در اعلامیه عام، صلاحیت دیوان به طور کلی و در مورد کلیه اختلافات یا یک یا چند نوع مخصوص از اختلافات پذیرفته می‌شود.

۳. اصل اعلامیه در بایگانی دبیرخانه دیوان مضبوط خواهد ماند و نسخه‌های مصدق آنها از طرف دفتر دیوان به کلیه کشورهای قبول‌کننده اساسنامه دیوان و دیگر کشورها که مطابق این قطعنامه اعلامیه داده‌اند، برای دبیرکل سازمان ملل ارسال خواهد شد.

۴. شورای امنیت حق القاء یا اصلاح این قطعنامه را با یک قطعنامه دیگر که به موقع خود برای دیوان ارسال خواهد شد، برای خود محفوظ دارد.

۵. کلیه مسائل مربوط به تشخیص اعتبار یا اثر هر اعلامیه‌ای که طبق این قطعنامه صادر شود تابع تصمیمات دیوان خواهد بود.

د) قبول اصل مندرج در بند یک ماده ۳۴: قبول این اصل بدان معنی است که اختلاف ارجاعی به دیوان، هرگز مربوط به افراد نمی‌شود، بلکه آنها فقط می‌توانند با توسل به اصل حمایت سیاسی، از کشورهای متبوع خود بخواهند که به نفع آنها از دیوان تقاضای رسیدگی کنند. در این صورت، افراد ذینفع حق دارند مشاورانی که شایستگی لازم را دارند تعیین و دعوی را در کنار مشاوران و مأموران دولتی دنبال کنند.

۳. صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه

صلاحیت دیوان دونوع است: ترافعی و مشورتی که در زیر مورد بررسی قرار می‌دهیم:

الف) صلاحیت ترافعی

«صلاحیت ترافعی شامل کلیه مواردی است که طرفین دعوا به آن رجوع می‌کنند.»^{۱۸} این صلاحیت مبتنی بر رضایت کشورهای طرف دعواست و دیوان قبل از ورود به ماهیت اختلاف، این امر را باید احراز کند، مگر اینکه طرفین دعوا نسبت به صلاحیت دیوان ایراد و اعتراض نکنند.

تعیین حدود و صلاحیت دیوان نیز بسته به رضایت کشورهای طرف دعواست. یعنی کشورها می‌توانند از قبول صلاحیت دیوان به کلی خودداری کنند و در نتیجه دیوان نسبت به اختلاف آنها فاقد صلاحیت خواهد بود. حتی در صورت قبول صلاحیت دیوان، کشورها می‌توانند اختلافات معینی را از صلاحیت دیوان مستثنی کنند یا اینکه صلاحیت دیوان را برای زمان محدود و معینی قبول کنند.

رضایت کشورها ممکن است به صورت زیر ابراز شود:

۱. قرارداد خاص: طبق بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به کلیه اموری که اطراف دعوا به او ارجاع می‌کنند، صلاحیت رسیدگی دارد. «در چنین مواردی، طرفین اختلاف یا دعوا طی «قرارداد خاص» رضایت می‌دهند که مسأله را به دیوان عرضه کنند و چون طرفین به اختیار درباره صلاحیت دیوان توافق کرده‌اند، بنابراین، مجالی برای ایراد به صلاحیت باقی نمی‌ماند. موضوع اختلاف و طرفین آن باید با صراحت تعیین شود. این امر طی قرارداد خاصی تعیین می‌شود. این نوع قرارداد خاص نیز در واقع تعیین‌کننده مسائلی است که از دیوان درباره آنها نظرخواهی می‌شود و به صورتی جهت‌دهنده تصمیمات آتی دیوان

است. ۱۹

۲. موارد تصریح شده در قراردادها و عهدنامه‌ها: بند ۱ ماده ۳۶ اساسنامه، مقرر می‌کند که دیوان به موارد خاصی که به موجب قراردادها و عهدنامه‌های منعقد شده پیش‌بینی شده است، صلاحیت رسیدگی دارد. در این موارد، قضیه مورد اختلاف با درخواستی کتبی نزد دیوان مطرح می‌شود و کشور مدعی علیه ملزم به حضور در مقابل دیوان است. این الزام ناشی از رضایتی است که دولت مدعی علیه ضمن قرارداد یا عهدنامه مورد استناد کشور مدعی قبلاً به‌طور کلی برای رجوع اختلافات خود به دیوان ابراز کرده است. درخواست کتبی موردنظر سندی یک‌جانبه است که باید موضوع اختلاف و اصحاب دعوا را دربرداشته باشد و نیز تا آنجا که ممکن است مبنای صلاحیت دیوان توسط مدعی بیان و تشریح شده باشد.

۳. پذیرش صلاحیت اجباری دیوان: بند ۲ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری می‌گوید: کشورهای امضاکننده این اساسنامه می‌توانند در هر موقع اعلام کنند که قضاوت اجباری دیوان بین‌المللی دادگستری را نسبت به تمام اختلافاتی که جنبه قضایی داشته و مربوط به موضوعات ذیل باشد در مقابل هر دولت دیگری که این تعهد را متقبل شود به خودی خود و بدون قرارداد خاصی قبول می‌کنند.

الف) تفسیر یک عهدنامه.

ب) هر موضوعی که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد.

ج) واقعیت هر عملی که در صورت اثبات، نقض یک تعهد بین‌المللی محسوب شود.

د) نوع و میزان غرامتی که باید برای نقض یک تعهد بین‌المللی معین شود.

بند ۳ اساسنامه: اعلامیه‌های مذکور در بالا ممکن است بدون هیچ قید و شرط و معامله متقابل با چند دولت یا با بعضی از آنها یا برای مدت معینی به اجرا درآید.

بند ۴ اساسنامه: این اعلامیه‌ها به دبیرکل سازمان ملل متحد تسلیم می‌شوند و مشارالیه رونوشت آن را به امضاکنندگان این اساسنامه و همچنین به دفتر دیوان بین‌المللی دادگستری ارسال می‌کند.

بند ۵ اساسنامه: اعلامیه‌هایی که به موجب ماده ۳۶ اساسنامه دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری برای مدت معینی به اجرا درآمده و هنوز آن مدت منقضی نشده است در روابط بین امضاکنندگان این اساسنامه در حکم آن خواهد بود که قضاوت اجباری بین‌المللی دادگستری برای بقیه مدت مذکور در آن اعلامیه‌ها و برطبق مقررات آنها قبول شده است.

۴. صلاحیت در تعیین صلاحیت: دیوان بین‌المللی دادگستری نسبت به تعیین صلاحیت خود حق اتخاذ تصمیم دارد. بند ۶ ماده ۳۶ اساسنامه دیوان در این مورد می‌گوید: «در صورت اختلاف راجع به صلاحیت دیوان، حکم دیوان قاطع است.» این حکم شامل هرگونه اختلافی است که راجع به صلاحیت دیوان پیش بیاید. هر چند دیوان باید تصمیم خود را طبق قواعدی

اتخاذ کند که راجع به صلاحیتش در منشور و اساسنامه و آیین دادرسی و عهدنامه‌ها یا اعلامیه‌ها مندرج است. صلاحیت اختیاری دیوان مورد رضایت تمام کشورهاست و اختلاف تنها بر سر صلاحیت اجباری دیوان است. در این مورد نیز همان طوری که قبلاً اشاره شد، کشورها صلاحیت اجباری دیوان را یا به موجب قراردادها و یا عهدنامه‌های جاری یا به موجب اعلامیه‌های خود قبول می‌کنند.

نتیجه آنکه مرجع حل هرگونه اختلاف کشورها راجع به صلاحیت دیوان، خود دیوان است و این امر یک اصل مسلم حقوق بین‌الملل بوده و مورد تأیید تمامی حقوقدانان بین‌المللی است و جزء رویه قضایی دیوان محسوب می‌شود و هر شرطی که در عهدنامه‌ها و قراردادها یا اعلامیه‌ها، برخلاف اصل مسلم حقوقی فوق درج شود، باطل است.

نمونه‌ای تاریخی از چنین مسأله‌ای، مربوط به دعوی شرکت نفت ایران و انگلیس در سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ می‌شود. انگلستان این دعوا را جزء دعوی بین‌المللی دانسته و آن را از صلاحیتهای دیوان بین‌المللی دادگستری می‌دانست. اما ایران آن را دعوی ایران با یک شرکت غیردولتی می‌دانست نه با دولت انگلستان که از صلاحیت دیوان خارج است. دیوان نیز سرانجام نظر ایران را تأیید کرد و به عدم صلاحیت خود در این مورد رأی داد.

ب) صلاحیت مشورتی دیوان

طبق ماده ۶۵ اساسنامه، دیوان می‌تواند به تقاضای ارکان سازمان ملل متحد یا سازمانهای تخصصی در هر مسأله حقوقی، که از طرف مؤسسات مزبور به دیوان ارجاع شود، رأی مشورتی دهد. ارکان یا سازمانهایی که تقاضای رأی مشورتی دارند در منشور ملل متحد تعیین شده است. بدین معنی که از آنها به اسم در منشور یاد شده و بعضی دیگر : می‌توانند با اجازه مجمع عمومی این صلاحیت را به دست آورند. مجمع عمومی و شورای امنیت نیز حق درخواست رأی مشورتی از دیوان را دارند و طبق مقررات منشور، مجمع عمومی به بسیاری از سازمانهای تخصصی سازمان ملل و سازمانهای غیردولتی جهان این حق را داده است.

از سوی دیگر منشور ملل متحد کلیه مسائل حقوقی را قابل اظهارنظر مشورتی دیوان می‌داند و تعدادی از آنها عبارت‌اند از: تشکیلات و وظایف و طرز کار سازمان ملل، اختلافات سازمانها با یکدیگر، اختلافات سازمانها با کشورهای غیر عضو سازمان، تفسیر سند تأسیس سازمانها و تفسیر هر نوع معاهده و مسأله که مربوط به حقوق بین‌الملل باشد.

«از نظر حقوقی آرای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری الزام‌آور نیستند مگر در زمینه‌هایی که به موجب موافقت نامه‌های بین‌المللی آرای مشورتی دیوان به‌طور کلی یا در مورد مسائل معینی الزام‌آور شناخته شده باشند. در این صورت باید مطابق موافقت نامه‌های مذکور عمل شود که تصمیم در این موارد الزام‌آور و قاطع است.»^{۲۰}

۴. اعاده دادرسی به دیوان

رأی دیوان قطعی و لازم الاجراست و قابل شکایت پژوهشی و فرجامی نیز نیست. اعتراض به رأی دیوان هم میسر نیست و فقط می توان اعاده دادرسی کرد.

«اگر کشوری پس از صدور رأی دیوان، موضوعی را کشف کند که عاملی مؤثر در صدور رأی محسوب شود و در زمان صدور رأی برای دیوان و نیز برای دولتی که تقاضای اعاده دادرسی می کند، معلوم نبوده، مشروط بر اینکه این عدم اطلاع به علت غفلت یا اهمال نبوده باشد، در آن صورت می تواند دادخواستی مبنی بر تقاضای اجازه اعاده دادرسی تقدیم کند.»^{۲۱}

به طور کلی ماده ۶۱ اساسنامه دیوان در این مورد چنین اشعار می دارد:

الف) تجدیدنظر از حکم را نمی توان از دیوان تقاضا کرد، مگر در صورت کشف امری که در قضیه اثر قطعی داشته باشد و قبل از صدور حکم خود دیوان و طرفی که تقاضای تجدیدنظر می کند از وجود آن امر مطلع نبوده اند و از ناحیه طرف مزبور هم تقصیری برای این عدم اطلاع نبوده است.

ب) آیین تجدیدنظر بر طبق حکمی شروع می شود که از سوی دیوان صادر شده و به موجب آن صراحتاً وجود امر جدیدی را که دارای کیفیات لازم برای امکان تجدیدنظر است اشهاد کند و از این حیث درخواست تجدیدنظر را قابل قبول اعلام می کند.

ج) دیوان می تواند شروع آیین تجدیدنظر را به اجرای قبلی حکم متوقف سازد.

د) پس از انقضای ده سال از تاریخ حکم هیچ درخواست تجدیدنظر امکان پذیر نخواهد بود.

دیوان دادگستری، پس از احراز مراتب مندرج در مواد فوق، تقاضای اعاده دادرسی را قبول می کند.

اگر رأی مورد اعاده دادرسی را خود دیوان داده باشد، تصمیم درباره تقاضای دادرسی نیز به عهده دیوان است، ولی اگر رأی مزبور از یک شعبه دیوان صادر شده باشد، در آن صورت همان شعبه درباره تقاضای اعاده دادرسی باید تصمیم بگیرد (بند ۱ ماده ۱۰۰ آیین دادرسی جدید).

۵. برخی مسائل صوری مربوط به کار دیوان

مسائل برجسته صوری که در ارتباط با دیوان بین المللی دادگستری شایان ذکرند عبارتند از: بر طبق اختیارات دیوان، در صورتی که با وجود شرایط لازم دیوان تشخیص بدهد که تدابیری موقت برای حفظ حقوق مربوط به هر طرف باید صادر شود، آن را اعلام می کند.

رأی دیوان جز در میان طرفین و در خصوص دعوی خاص مزبور هیچ قوت الزام آوری ندارد (ماده ۵۹ اساسنامه دیوان). همچنین ماده ۳۸ اساسنامه به دیوان دستور می دهد که این

موارد را اعمال کند: ۱. کنوانسیونهای بین‌المللی عام و خاص؛ ۲. عرف بین‌المللی که گواهی از رویه‌ای عام است و به‌عنوان قانون پذیرفته شده است؛ ۳. اصول عام حقوقی که مورد شناسایی ملل متمدن است؛ و ۴. آرای حقوقی و عقاید برجسته‌ترین حقوقدانان مطابق ماده ۵۹، به‌عنوان وسایل فرعی تعیین قواعد حقوقی.

دیوان می‌تواند درباره یک پرونده، «کدخدامنشانه» رأی بدهد. این طریقه عمل، در رویه انگلوساکسون، به معنی «انصاف» است، اما از قرار معلوم در مورد دیوان بین‌المللی دادگستری بدین معنی است که دیوان می‌تواند از قضاوت خودش استفاده کند، حتی اگر این کار به معنی چشم‌پوشی از قواعد حقوقی موجود به منظور رسیدن به حکمی منصفانه باشد.

مسئله حاضر نشدن در برابر دیوان بین‌المللی، مشکلی بود که در نتیجه موضوع فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در نیکاراگوآ و علیه آن (پرونده نیکاراگوآ علیه ایالات متحده) مطرح شد. این مشکل به خاطر تجربه دیوان دائمی دادگستری بین‌الملل در ماده ۵۳ اساسنامه پوشش یافته است:

۱. هرگاه یکی از طرفین از حضور در برابر دیوان خودداری کند، یا از دفاع از دعوایش قصور ورزد، طرف دیگر می‌تواند از دیوان بخواهد که به سود ادعای وی رأی بدهد.

۲. دیوان، باید پیش از انجام این کار خود را متقاعد سازد که نه تنها مطابق مواد ۳۶ و ۳۷ دارای صلاحیت است، بلکه همچنین آن ادعا از نظر حقوقی و عملی با اساس است.

عدم حضور یکی از طرفین در دادگاه تاکنون در ۱۳ دعوی نزد دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح بوده است. یکی از مشکلات برجسته‌ای که در زمینه احکام دیوان باقی می‌ماند مسئله اجرای احکام و آرای دیوان است. اساساً بیشتر احکام دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی بدون مشکل خاصی اجرا شدند، زیرا هیچ مسئله بین‌المللی مهمی به آن دیوان ارجاع نشد؛ هر چند استثناهایی هم وجود داشت.

لیکن پس از تأسیس دیوان بین‌المللی دادگستری، موانع بزرگی برای اجرای احکام پدید آمد. «آلبانی از پرداخت غرامت محکوم به پرداخت به انگلیس در دعوای کانال کورفو خودداری ورزید و ایران از برقراری تدابیر موقت حفاظتی که در پرونده شرکت نفت ایران - انگلیس و همچنین در پرونده مربوط به کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران، دستور داده شده بود، خودداری کرد.»^{۲۲} البته هیچ تردیدی نیست که آرای دیوان بین‌المللی دادگستری برای همه اعضای سازمان ملل متحد الزام‌آور است (ماده ۴۹ منشور). حتی اگر دولتهای غیرعضو به اساسنامه دیوان بپیوندند یا در پرونده‌ای نزد دیوان مدعی بشوند، همان تعهد برای رعایت آرای دیوان بر آنها تحمیل می‌شود.

برای اجرای احکام دیوان، ماده ۹۴ منشور ملل متحد مقرر می‌کند: اگر هر طرف دعوی از انجام تعهدات مترتب بر حکم صادره از سوی دیوان خودداری کند،

طرف دیگر می‌تواند به شورای امنیت توسل جوید. شورا اگر ضروری بداند، می‌تواند توصیه‌هایی بکند یا دربارهٔ تدابیری که برای به اجرا در آمدن حکم باید انجام بگیرد، تصمیم‌گیری کند.

البته این ماده تصریح نمی‌کند که شورای امنیت به چه تدابیری برای اجرای حکم دیوان می‌تواند توسل جوید، لیکن به نظر نمی‌رسد که محدودیتی بر اقدامات مورد نظر شورای امنیت برای به اجرا درآوردن یک حکم وضع شود.

تاکنون تنها یک بار در رأی «تدابیر حفاظتی موقت»، در دعوی شرکت نفت ایران - انگلیس، به این ماده استناد شده است. بریتانیا دعوی را با این استدلال که شورای امنیت حق دارد برای برخورد با تدابیر موقت مورد دستور دیوان که ایران آن را اجرا نکرده، دست به اقدام بزند، دعوی را نزد شورای امنیت مطرح کرد. اما شورای امنیت تصمیم گرفت هر اقدامی را تا هنگامی که دیوان بین‌المللی دادگستری تصمیم نگرفته که آیا خودش برای رسیدگی به دعوی صلاحیت دارد یا خیر به تأخیر بیندازد. و هنگامی که دیوان رأی داد که فاقد صلاحیت است، قرار تدابیر حفاظتی و همراه آن، همهٔ مسألهٔ اجرا از طریق شورای امنیت منقضی شد. بنابراین تاکنون شورای امنیت علیه کشور مدعی علیه که از اجرای حکم دیوان بین‌المللی دادگستری طفره رفته اقدامی انجام نداده است.

در کل مشکل اصلی در این باره به اینجا باز می‌گردد که «نبود تمرکز که مشخصهٔ حقوق بین‌الملل می‌باشد، در دشواریهای تأمین رعایت احکام نیز بازتاب می‌یابد، همچنین به ویژه به این دلیل که «مراجعان» به دادگاههای بین‌المللی و نیز دیوان بین‌المللی دادگستری، عمدتاً دولتهای مستقل می‌باشند.»^{۲۳}

۶. ارزیابی نقش دیوان بین‌المللی دادگستری

اصولاً گرچه دولتها را هیچ مقام بین‌المللی، حتی دیوان دادگستری نمی‌تواند به اطاعت مجبور کند و تنها رضایت خودشان شرط است؛ اما عمل دیوان در این چند سال نشان داده است که توانایی حل اختلافات را دارد و مرجع صلاحیت‌داری است که اختلافات را مطابق با حق و قانون حل و فصل می‌کند و اگر دولتها به آنجا رجوع کنند، ناچارند به زور متوسل شوند، به علاوه خدمت مهم دیگر دیوان این است که نه تنها اختلافات را رفع می‌کند، بلکه رویه و نظریاتی به وجود می‌آورد که آن هم ملاک عمل و رویه حل اختلافات آینده می‌شود و در واقع دیوان با صدور آراء و نظریات دائماً برگنجینهٔ قواعد بین‌المللی می‌افزاید.

شورای اقتصادی و اجتماعی

در فصل نهم منشور ملل متحد، بالا بردن سطح زندگی و کار مکفی و موجبات ترقی و توسعهٔ

امور اقتصادی و اجتماعی دولت‌ها را مطمئن‌نظر خود ساخته و برای هماهنگ کردن کارهایی که منتهی به این مقاصد شود دستگاهی موسوم به شورای اقتصادی و اجتماعی به وجود آورده است که نخست ۱۸ عضو داشت و در اصلاحیه منشور در سال ۱۹۶۵ این تعداد به ۲۷ عضو افزایش یافت که برای مدت سه سال از سوی مجمع عمومی انتخاب می‌شوند. ضمناً در این شورا هر کشوری دارای یک رأی است و هم اکنون ۵۴ عضو دارد.

این شورا که تحت‌نظر مجمع عمومی کار می‌کند، مختار است راجع به موضوعات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، تربیتی و بهداشتی و همچنین امور مربوط به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مطالعه و گزارش تنظیم کند و نظر خود را به مجمع عمومی یا کشورهای عضو توصیه کند، و کنفرانس‌های بین‌المللی برای این موضوعات تشکیل دهد و طرح عهدنامه‌ها را در امور وارد در صلاحیت خود تهیه و به مجمع عمومی پیشنهاد کند و از مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد گزارش‌هایی دریافت دارد.

یکی از وظایف مهم و عمده شورای اقتصادی و اجتماعی عبارت است از ارتباط دادن این مؤسسات تخصصی با سازمان ملل و هماهنگ کردن فعالیتهای آنها.

شورا برای اجرای نظریات خود قوه اجباری ندارد، بلکه تکیه‌گاه آن بیشتر افکار عمومی است و به همین دلیل سازمانهای غیردولتی که با شورا همکاری دارند با تبلیغ و تجهیز افکار عمومی نقش مهمی در اجرای نظریات این شورا بازی می‌کنند. مجاری عمده کارهای مختلف اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد تاکنون از این قرار بوده است:

(الف) برنامه‌های کمکهای فنی به کشورهای عقب‌مانده.

(ب) اقدامات مؤسسات تخصصی از قبیل سازمان خواربار و کشاورزی.

(ج) اقدامات هیأتها و کمیسیونهایی که تحت‌نظر شورای اقتصادی و اجتماعی تشکیل شده است از قبیل کمیسیون اقتصادی برای آمریکای لاتین، برای آسیا و خاورمیانه، کمیسیون جمعیت و سکنه، کمیسیون حمل و نقل، مواد مخدر و غیره.

شورای قیمومیت

قیمومیت بعضی از کشورها بر سرزمینهای دیگر را، که در اساسنامه جامعه ملل، اصطلاحاً ماندیت (Mandate) نامیده می‌شد، سازمان ملل در اساسنامه خود برای بعضی سرزمینها تحت‌عنوان قیمومیت (trusteeship) برقرار کرد. در جریان جنگ پیشنهاد شده بود که بر بندر داکار و جزایر اقیانوس آرام، رژیم قیمومیت برقرار شود. منشور ملل متحد این فکر را به نحو دیگری پذیرفت و آن را به صورت اداره موقتی بعضی سرزمینها درآورد که مردم آن به قدر کافی پیشرفت برای اداره استقلال خود ندارند، ولی باید به ترتیبی اداره شوند که در مدت معینی این آمادگی را پیدا کنند و با رأی آزادی که مردم می‌دهند، حکومت و سرنوشت خویش را به دست

گیرند. بنابراین موقتی بودن این قیومیت نسبت به قیومیت جامعه ملل صریحتر است و تعهدات دولت قیم نیز در آماده کردن ملت تحت قیومیت از جهات اقتصادی، صنعتی، اجتماعی، فرهنگی و تأمین نیروی کار و افکار دموکراسی روشنتر از آن است که نسبت به دولت قیم در رژیم جامعه ملل بود.

سرزمینهایی که باید تحت قیومیت سازمان ملل قرار گیرند به سه گروه تقسیم می شدند: ۱. سرزمینهایی که تحت قیومیت جامعه ملل بودند و تحت قیومیت سازمان ملل درآمدند؛ در حال حاضر این سرزمینها همگی استقلال یافته اند: کامرون، توگو، تانزانیا، رواندا و بروندی از دهه ۶۰ به بعد همراه با روند فراگیر استعمارزدایی مناطق غیر خودمختار و تحت الحمایه استقلال یافتند، بخش خاصی از این سرزمینها در ۱۹۴۶ به عنوان مناطق استراتژیک تحت نظارت شورای امنیت و نه مجمع عمومی قرار گرفتند. برطبق مصوبه شورای امنیت حدود ۲۰۰۰ جزیره کوچک واقع در اقیانوس آرام که قبلاً تحت سرپرستی ژاپن قرار داشتند تحت قیومیت آمریکا درآمدند. نظام قیومیت دارای قدرت وسیع و از جمله استقرار پایگاههای نظامی است. جزایر اقیانوس آرام از آخرین آثار و نشانه های نظام قیومیت در سال ۱۹۹۱ میلادی به استقلال رسید.

۲. بعضی از سرزمینهایی که از کشورهای متخاصم (گروه کشورهای محور) در جنگ دوم جهانی منتزع شدند.

۳. سرزمینهای مستعمره یا تحت اداره بعضی دول که مایل باشند آن را تحت قیومیت سازمان ملل قرار دهند. (نوع سوم در طول دوره فعالیت سازمان ملل وجود نداشته است، زیرا تاکنون هیچ دولت اداره کننده سرزمینی حاضر نشده آن را تحت قیومیت قرار دهد). از نوع دوم فقط سومالی مستعمره ایتالیا بود که اداره آن برای مدت ۱۰ سال به ایتالیا سپرده شد. سایر مستعمرات ایتالیا بعضی مستقل (لیبی) و بعضی به دولتهای دیگر ملحق شدند (اریتره به حبشه).

شورای قیومیت که به عنوان جانشینی برای شورای قیومیت جامعه ملل به وجود آمد علت وجودی خود را از دست داده است، زیرا تمام سرزمینهای تحت قیومیت، از جمله، جزایر استراتژیک مارشال و میکرونزی در اقیانوس آرام به عنوان کشور مستقل از قیومیت آمریکا خارج و به عنوان اعضای سازمان ملل پذیرفته شدند و آخرین آنها هم جزیره «پالو» بود که از قیومیت آمریکا درآمد و در سال ۱۹۹۴ به صورت یک کشور مستقل، به عضویت سازمان ملل درآمد.

دبیرخانه

طبق ماده ۷ منشور، دبیرخانه یکی از ارکان اصلی سازمان ملل متحد به شمار می آید. به موجب

ماده ۹۷ منشور نیز «دبیرخانه از یک دبیرکل و آن تعداد از پرسنل که سازمان لازم بداند تشکیل خواهد شد».

بدین منظور به شرح مختصری از شخصیت و وظایف دبیرکل و دبیرخانه می‌پردازیم.

الف) دبیرکل

دبیرکل یک شخصیت بسیار مهم و مؤثر در سازمان ملل است، زیرا اوست که هماهنگی و نظم و ترتیب کلیه امور سازمان را فراهم می‌کند و مصوبات مجمع و شورای امنیت و سایر دستگاههای اداری را مستقیماً اجرا می‌کند یا بر اجرای آن نظارت مستقیم دارد. بنابراین نقش دبیرکل در مقام سرپرست دبیرخانه، چه در زمینه کارهای اداری و روزمره سازمان که هماهنگ کننده است و چه به لحاظ اقدامات سیاسی در روابط بین‌المللی، شخصیتی با اهمیت تلقی می‌شود.

نحوه تعیین دبیرکل: به موجب ماده ۹۷ منشور، دبیرکل به پیشنهاد شورای امنیت و تصویب مجمع عمومی برای مدت ۵ سال که یک بار نیز قابل تجدید است انتخاب می‌شود. انتخاب دبیرکل مستلزم اتفاق آرا میان اعضای دائم شورای امنیت است.

از بدو تأسیس سازمان ملل تاکنون افراد زیر به سمت دبیرکلی سازمان برگزیده شده‌اند:

۱. تریگوه‌لی: از فوریه ۱۹۴۶ تا آوریل ۱۹۵۳. از کشور نروژ.
۲. داگ هامرشولد: از آوریل ۱۹۵۳ تا سپتامبر ۱۹۶۱. از کشور سوئد.
۳. اوتانت: از سپتامبر ۱۹۶۱ تا ژانویه ۱۹۷۲. از کشور برمه (میانمار).
۴. کورت والدهایم: از ژانویه ۱۹۷۲ تا اول ژانویه ۱۹۸۲. از کشور اتریش.
۵. خاویر پرز دو کویبار: از ژانویه ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲. از کشور پرو.
۶. بطروس غالی: از ژانویه ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۷. از کشور مصر.
۷. کوفی عنان: از ۱۹۹۷ تاکنون. از کشور غنا.

ب) نقش و وظایف دیپلماتیک و سیاسی دبیرکل

طبق ماده ۹۹ منشور، دبیرکل می‌تواند توجه شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر می‌اندازد، جلب کند. به قول برخی از متخصصان سازمان، دبیرکل در این نقش در مقام وجدان بیدار دنیا عمل می‌کند.

علاوه بر این، طبق ماده ۱۳ نظامنامه داخلی مجمع عمومی، دبیرکل می‌تواند هر موضوعی را که به عقیده او لازم باشد، در دستور کار مجمع عمومی یا سایر ارکان قرار دهد و در هر موقع از مذاکرات ارکان گوناگون سازمان می‌تواند راجع به موضوع مورد بحث تقاضای صحبت کند. تاکنون دبیران کل سازمان ملل در تخفیف بحرانهای بین‌المللی از جمله بحران

خاورمیانه عربی، قبرس، کشمیر، بحران موشکی کوبا نقش فعال و مهمی داشته است. هر یک از ارکان سازمان ملل ممکن است مأموریت‌های خاصی را به دبیرکل محول کنند. دبیرکل هر ساله گزارش جامعی از فعالیتهای سازمان ملل در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی به مجمع عمومی ارائه می‌دهد و معمولاً ضمن تسلیم این گزارش نظریات و پیشنهادهای خود را در مورد مسائل مختلف بین‌المللی به اطلاع مجمع می‌رساند. براساس ماده ۹۹ منشور، «دبیرکل می‌تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید نماید، جلب کند.» در عمل دبیرکل مکلف به اجرای این امر است؛ البته شخصیت دبیرکل در تحول نقش و وظایف وی کاملاً مؤثر است. همچنین دبیرکل رئیس دستگاه اداری سازمان ملل با تمام تشکیلاتش است. دستگاه اداری سازمان ملل با چندین هزار عضو، امور اداری مرکزی سازمان ملل و کلیه سازمانهای وابسته را که اغلب در تمام نقاط دنیا پراکنده هستند و به مناسبتی تشکیل می‌شوند، برعهده دارد. او به علاوه مسئول و ناظر حسن اداره فعالیت‌های کلیه دستگاه‌های سازمان و مجری کلیه نظریات و تصمیمات ارکان مختلف سازمان و به‌طور کلی ناظر بر نظم و امنیت دنیاست. زیرا مکلف است که در هر موقع و در هر مورد و هر مکان که اختلالی در صلح و امنیت بین‌المللی پیدا شود به شورای امنیت و مجمع عمومی اطلاع دهد و رسیدگی آنها را بخواهد. همین قدرت است که اهمیت نقش دبیرکل را افزون می‌سازد. البته همان‌طور که گفته شد، رفع بسیاری از مشکلات بستگی مستقیم به شخصی که این مقام را اشغال کرده است دارد. بارها اتفاق افتاده است که دبیرکل با حسن تدبیر خویش حل مناقشات را تسهیل کرده است. تقویت و پیشرفت نقش دبیرکل را یکی از جنبه‌های اساسی تکامل سازمان ملل می‌توان به حساب آورد که در پی مساعی و جدیت برخی از کسانی که تاکنون این پست را داشته‌اند، صورت پذیرفته است.

ج) دبیرخانه

تمام مسائلی که در ارکان مختلف سازمان ملل مطرح می‌شود باید برای اظهارنظر و اتخاذ تصمیم آماده شود و سپس مورد اقدام قرار گیرد. برای این کار وسیع، دبیرخانه‌ای تشکیل شده است. مدیریت دبیرخانه با دبیرکل است، کارمندان دبیرخانه را بر مبنای توزیع و تعادل جغرافیایی کشورها و تعیین می‌کند و زیر نظر او به کار می‌پردازند. اعضای دبیرخانه جزء مأموران بین‌المللی و بخشی جدایی‌ناپذیر از سازمان ملل هستند. آنها دارای امتیازات و مصونیهایی هستند نظیر آنچه دیپلمات‌ها از آن برخوردارند.

ارکان فرعی سازمان ملل متحد

سازمان ملل علاوه بر ارکان اصلی، دارای ارکان فرعی متعددی نیز هست که هر یک از آنها وابسته

به یکی از ارکان اصلی هستند. برخلاف سازمانهای تخصصی که در پی انعقاد موافقت نامه‌هایی با سازمان ملل پدید آمدند، ارکان فرعی سازمان به دنبال قطعه‌نامه‌های مجمع عمومی و براساس آن تشکیل می‌شوند.

از میان ارکان اصلی سازمان ملل، سه رکن مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی دارای ارکان فرعی‌اند که به شرح آنها می‌پردازیم:

ارکان فرعی مجمع عمومی

این ارکان شامل سیزده رکن است.

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC): این کمیسیون را، در سال ۱۹۴۷، مجمع عمومی به منظور تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل تأسیس کرد. اعضای آن ۳۴ حقوقدان برجسته‌اند که از سوی مجمع عمومی برای مدت ۵ سال انتخاب می‌شوند.^{۲۴}

۲. کمیساریای عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR): این کمیساریا اولین بار توسط مجمع عمومی در سال ۱۹۵۰ به وجود آمد. مقر آن در ژنو است. وظیفه این سازمان حمایت بین‌المللی از پناهندگانی است که در حیطه اساسنامه کمیساریای عالی قرار می‌گیرند. همچنین این سازمان به دنبال راه‌حلهایی جهت خاتمه دادن به مشکل پناهندگان و بازگرداندن داوطلبانه آنان به کشورهای متبوع خود است. طبق فصل دوم اساسنامه آن سازمان، اشخاصی که سازمان مذکور آنها را به عنوان پناهنده مورد شناسایی قرار می‌دهد، اشخاصی هستند که به علت ترس از تعقیب به دلیل نژاد، مذهب، ملیت یا عقاید سیاسی، خارج از کشور متبوع خود به سر می‌برند.

۳. کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (UNCTAD): «در سال ۱۹۶۴ به منظور تشویق و توسعه تجارت بین‌المللی و سرعت بخشیدن به توسعه اقتصادی خصوصاً تجارت کشورهای در حال توسعه تشکیل شد. همچنین انکتاد به دنبال تدوین و تنظیم اصول و سیاستهایی است که بتواند ناظر بر امور تجارت بین‌المللی و مسائل مربوط به توسعه اقتصادی باشد و بدین‌منظور به نظامهای مختلف اقتصادی کشورها، پیشنهادهایی جهت اجرای سیاست خود ارائه می‌دهد. انکتاد تمام تلاش خود را نیز به کار می‌گیرد که به عنوان مرکزی برای هماهنگ کردن فعالیتهای تجاری در امور مربوط به سیاست توسعه اقتصادی ملتها و گروهبندی اقتصادی منطقه‌ای باشد.»^{۲۵}

۴. صندوق جمعیت ملل متحد (UNFPA): «اولین اقدام در این زمینه در سال ۱۹۶۷ صورت گرفت تا اینکه در نهایت مجمع عمومی در سال ۱۹۷۲ صندوق مزبور را به عنوان رکن فرعی خود در اختیار گرفت و در سال ۱۹۸۷، نام آن را «صندوق جمعیت ملل متحد» نهاد.»^{۲۶} شورای اقتصادی و اجتماعی در سال ۱۹۷۳، وظایف زیر را برای صندوق جمعیت ملل

متحد تعیین کرد:

- ایجاد تواناییهای لازم برای رفع نیازهای ملی، منطقه‌ای، بین منطقه‌ای و جهانی در زمینه برنامه‌ریزی جمعیت و خانواده.

- ترویج آگاهی درباره نیازهای اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی مسائل جمعیت در سطح ملی و بین‌المللی در کلیه کشورها.

- در صورت تقاضای کشورهای در حال توسعه ارسال کمکهای منظم برای حل مشکلات مربوط به جمعیت آنها.

- ایفای نقش رهبری، در نظام ملل متحد در زمینه ترویج و برنامه‌های جمعیت و ایجاد هماهنگی در طرحهای مورد حمایت قانون.

۵. صندوق کودکان ملل متحد (UNICEF): این صندوق در سال ۱۹۴۶ تشکیل شد و در سال ۱۹۵۳ به نام «صندوق کودکان ملل متحد» تغییر نام یافت. هدف این صندوق ارائه کمکهای لازم و اضطراری به کودکان و نوجوانان محتاج کشورهای جنگ زده یا در حال توسعه است.

۶. برنامه عمران ملل متحد (UNDP): این سازمان در سال ۱۹۶۵، بنابر توصیه شورای امنیت و تلاش مجمع عمومی تشکیل شد. «وظیفه برنامه عمران سازمان ملل متحد، اعطای کمکهای فنی چندجانبه و کمک به اجرای طرحهای عمرانی در کشورهای در حال توسعه و رو به رشد است. هدف این است که کشورهای در حال توسعه را در حصول به رشد اقتصادی و اجتماعی یاری دهد. برنامه‌های این سازمان جنبه عام دارد و در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، تجاری، بهداشت، امور فرهنگی، آموزش، خانه‌سازی، حمل و نقل و ارتباطات فعالیت دارد.»^{۲۷}

۷. برنامه جهانی غذا (WFP): این سازمان در سال ۱۹۶۱ با همکاری سازمان ملل متحد و سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد (فائو) تأسیس شد. هدف برنامه جهانی غذا، ارائه و بررسی طرحهای توسعه برنامه جهانی غذا، طرحهای بلندمدت مربوط به پناهندگان و آوارگان و عملیات ضروری و اضطراری در این زمینه و ... است و در کل می‌توان هدف از تأسیس چنین سازمانی را چارچوبی برای رفع گرسنگی جهان و کمک به گرسنگان مناطق محروم جهان دانست.

۸. برنامه محیط زیست ملل متحد (UNEP): این سازمان را مجمع عمومی در سال ۱۹۶۸ و به دنبال رشد بی‌رویه تکنولوژی و صنعت و آلودگیهای ناشی از آن به وجود آورد. هدف برنامه مذکور ایجاد همکاری بین کشورها در زمینه حفاظت از محیط زیست، کنترل آلودگی ناشی از فعالیت بشر و بهبود شهرها و سایر مسائل مربوط به اسکان بشر و ارائه برنامه‌های جامع در موارد ذکر شده است.

سایر ارکان فرعی مجمع عمومی شامل برنامه ملل متحد برای نظارت بر مواد مخدر، سازمان جهانی جهانگردی، مؤسسه بین‌المللی تحقیقات و آموزش برای پیشرفت زنان، مرکز اسکان افراد ملل متحد و دانشگاه ملل متحد است.

ارکان فرعی شورای امنیت

۱. عملیات حفظ صلح ملل متحد: مهمترین رکن فرعی شورای امنیت این است که به منظور حفظ صلح به وجود آمد. نیروهای حافظ صلح وظایف گوناگونی را برعهده دارند که شامل

۱. تحقیق درباره موضوع اختلاف و تدوین گزارش.

۲. نظارت بر آتش بس که معمولاً در خطوط ترک مخاصمه و نواحی غیرنظامی مستقر می‌شوند.

۳. مباشرت و سرپرستی که به خصوص در اجرای موافقت‌نامه‌های ترک مخاصمه بین دو یا چند دولت به‌عمل می‌آید.

۴. جداسازی نیروهای متخاصم و قرار دادن نیروهای پاسدار صلح بین طرفهای درگیر.

۵. کمک به حفظ نظم و قانون.

۶. برقراری صلح.

قطع نظر از طرق مختلفی که نیروهای حافظ صلح عمل می‌کنند، آنها تنها تحت شرایطی خاص قادر به اقدام هستند که این شرایط شامل

۱. سازمان ملل متحد باید از طرف دولت یا دولت‌های مربوط برای اعزام نیرو دعوت شود.

۲. تقاضای اعزام نیروهای حافظ صلح باید با توافق عمومی در سازمان ملل متحد و حمایت کامل اعضای دائمی شورای امنیت صورت بگیرد.

۳. برخوردهای نظامی باید در مناطقی که نیروهای حافظ صلح مستقر می‌شوند، متوقف شده باشد.

۴. کشورهای عضو سازمان ملل متحد باید رضایت و آمادگی تأمین نیروهای مورد لزوم را داشته باشند.

۲. کمیته ستاد نظامی: این کمیته که از ارکان فرعی شورای امنیت است، از رؤسای ستاد نظامی اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آنها تشکیل می‌شود. کمیته مذکور، زیر نظر شورای امنیت مسئول هدایت استراتژیکی نیروهای مسلحی است که در اختیار شورا قرار گرفته است. همچنین «منشور ملل متحد صراحتاً عملیات نظامی شورای امنیت را به این کمیته واگذار کرده است، اما این کمیته در عمل منفعل است و عملیات نظامی سازمان ملل متحد را قدرتهای بزرگ و در رأس آنها آمریکا انجام می‌دهد که نمونه بارز آن بیرون راندن عراق از خاک کویت در

سال ۱۹۹۱ است.» ۲۹

ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی

شورای اقتصادی و اجتماعی دارای ۵ رکن فرعی است:

۱. کمیسیون اقتصادی اروپا: این کمیسیون در سال ۱۹۴۷ تشکیل شد. اکنون دارای ۳۴ عضو است. هدف این کمیسیون که ابتدا بازسازی اروپای غربی در بعد از جنگ دوم جهانی بود، اکنون بازسازی و فراهم کردن زمینه برای پیشرفت اقتصادی کلیه کشورهای اروپایی است.
۲. کمیسیون اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (اسکاپ): «این کمیسیون در سال ۱۹۷۴ تشکیل شد، مقر آن در بانکوک است. اکنون بالغ بر ۳۵ عضو دارد. هدف اسکاپ تنظیم برنامه‌ها و طرحهای اقتصادی و اجتماعی در کشورهای آسیایی و خاور دور است. سایر ارکان فرعی شورای اقتصادی و اجتماعی شامل کمیسیون اقتصادی آمریکای لاتین، کمیسیون آفریقا و کمیسیون آسیای غربی است.» ۲۸

سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد

مقدمه

سازمان ملل ارگانی جهانی است که به‌طور عمده با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی سروکار دارد. این وظیفه اساساً وظیفه‌ای سیاسی است و ارکان اصلی متعلق به سازمان ملل در انجام آن شرکت دارند، با این همه مفهوم «نقش‌گرایی» یعنی این عقیده که همکاریهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی میان ملتها منجر به تشویق و ایجاد همکاری در زمینه مشکلاتی چون سیاست نیز خواهد شد، از همان زمان تشکیل سازمان ملل، زمینه داشت.

این نوع همکاریهای بین‌المللی را باید سازمانهای تخصصی سازمان ملل انجام دهند. هر یک از این سازمانها با همکاری دیگر سازمانهای تابع سازمان ملل متحد موظف به اجرای کاری خاص، مانند امور مربوط به کار، هوانوردی، بهداشت، آموزش و پرورش، تکنولوژی و غیره هستند. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل باید تعدادی کمیسیون و هیأت زیر نظر مستقیم خود داشته باشد. سازمانهای تخصصی که بعضی از آنها از قبل وجود داشته‌اند و بعضی دیگر به فاصله کوتاهی تأسیس شدند، بخشی از خود سازمان نبودند، بلکه اعضای نظام سازمان ملل بودند. اینها سازمانهای خودمختار متعلق به خانواده سازمان ملل اند که عهده‌دار فعالیتهای متنوعی هستند.

سازمانهای تخصصی سازمان ملل به سه بخش تقسیم می‌شوند:

۱. سازمانهایی که با امور فنی سروکار دارند، نظیر سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری، آژانس انرژی اتمی و اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور.

۲. سازمانهایی که با امور و فعالیتهای اجتماعی و انسانی سرو کار دارند، مانند سازمان بین‌المللی کار، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی و سازمان بهداشت جهانی.

۳. سازمانهایی که با امور مالی و اقتصادی سرو کار دارند، مانند بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه یا بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سازمان خواربار و کشاورزی جهانی.

اکنون به منظور آشنایی با هر یک از سازمانهای مذکور، به شرح مختصری از آنها می‌پردازیم:

۱. سازمان بین‌المللی کار (ایلو ILO)

سازمان بین‌المللی کار یکی از قدیمیترین سازمانهایی است که به‌عنوان بخشی از جامعه ملل بعد از جنگ جهانی اول تشکیل شد و بعدها به سازمان ملل پیوست. وظیفه اصلی آن رسیدگی به شرایط کار و بهبود آن در سراسر دنیاست و این وظیفه را از طریق برگزاری کنفرانسهایی درباره موضوعات گوناگون انجام می‌دهد. فعالیتهای سازمان بین‌المللی کار در طی سالها گسترش یافت و سازمان را به پرداختن به مسائل وسیعتری در زمینه کار جهانی واداشته است. تنظیم ساعات کار، برقراری دستمزد کافی، حمایت کارگران در برابر بیماریها و صدمات بدنی، حمایت از زنان و کودکان در محیط کار، به رسمیت شناختن اصل مزد برابر در مقابل کار برابر و غیره از جمله این مسائل هستند. ارگان مرکزی سازمان، «کنفرانس» نام دارد که تمام کشورهای عضو در آن نماینده دارند. علاوه بر دو نماینده‌ای که هر دولت در سازمان دارد، هر کشوری می‌تواند یک نماینده از جانب کارفرما و یک نماینده از جانب کارگران نیز به کنفرانس بفرستد. کنفرانس سالانه یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. در این جلسه مقابله نامه و توصیه‌هایی درباره استانداردهای بین‌المللی کار تنظیم می‌کند و به پذیرش اعضای جدید و تنظیم بودجه می‌پردازد.

مقابله نامه‌های سازمان بین‌المللی کار، اسنادی حقوقی هستند که هر یک مربوط به قسمتی از مسائل کارگری از قبیل ساعات کار، منع کار اجباری - بیمه‌های اجتماعی، منع تبعیض در مشاغل و کاریابی می‌شود و به صورت الگو برای وضع قوانین داخلی شکل گرفته است. البته مراعات مفاد هر مقابله نامه برای کشورهای که آن را تصویب کرده‌اند الزام‌آور است. مقر اصلی سازمان بین‌المللی کار در «ژنو» است.

۲. سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو UNESCO)

سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی یونسکو در ۱۹۴۶ تشکیل شد و مقر آن در پاریس است، سلف سازمان یونسکو، مؤسسه بین‌المللی همکاریهای فرهنگی بود که در سال ۱۹۲۵ فرانسه آن را تأسیس کرد و در اختیار جامعه ملل قرار داد. در ۱۹۴۶، چهل و چهار کشور در کنفرانس لندن، سازمان یونسکو را به منظور دفاع از صلح تأسیس کردند. در دسامبر همان سال هماهنگی

خاصی میان یونسکو و سازمان ملل متحد ایجاد شد و به همین جهت در جرگه سازمانهای تخصصی سازمان ملل متحد درآمد.

سازمان یونسکو از طریق توسعه همکاریهای فرهنگی بین ملتها به برقراری صلح کمک می‌کند، این همکاریها پنج زمینه آموزش و پرورش، علوم طبیعی، علوم اجتماعی و کاربرد آنها، فرهنگ و ارتباطات و گسترش روابط خارجی را دربرمی‌گیرد. طیف پروژههای یونسکو از نهضتهای سوادآموزی و تربیت معلم، مهندس، تکنیسین و دانشمند آغاز می‌شود و تا ایجاد تفاهم فرهنگی میان فرهنگهای مختلف و کمک به توسعه ارتباط توده‌ها ادامه می‌یابد.

یونسکو پژوهشهای اساسی را در زمینه علوم طبیعی تشویق می‌کند. تأکید سازمان یونسکو به حفظ حقوق بشر و مخالفت آن با تبعیض نژادی سبب شده است که سازمان به حمایت از هنرمندان، روشنفکران و آموزگاران که به خاطر آرای سیاسی خود زندانی شده‌اند برخیزد. یونسکو به منظور بالاتر بردن درک متقابل ملتها از یکدیگر اقدام به نوشتن تاریخ آفریقا، آمریکای لاتین، کشورهای حوزه بالکان و ملتهای اسلاو و غیره کرده است. همچنین یونسکو در حفظ یادمانهای تاریخی نقشی اساسی ایفا کرده است.

از جمله مسائلی که سازمان یونسکو با آن روبه‌روست مسائل سیاسی و مالی است. در سال ۱۹۷۵ مسأله گروهبندی کشورها در مناطق مختلف، بر سر قرارداد رژیم اسرائیل در گروه منطقه اروپایی حالتی جدی به خود گرفت. (میزان توانایی شرکت در فعالیتهای منطقه، وجود روابط تاریخی و سنتهای مشترک و اوضاع جغرافیایی از جمله معیارهای گروهبندی مذکور است). در مورد رژیم اسرائیل توافقی بر سر معیارهای مذکور به دست نیامد و مسأله صورت سیاسی به خود گرفت و بعضی کشورها کوشیدند این رژیم را که در مرکز ثقل بحران خاورمیانه قرار داشت منزوی کنند.

بحران مالی یونسکو نیز مشکلات جدی برای سازمان ایجاد کرده است. ایالات متحده آمریکا از دادن سهم پرداختی خود، خودداری و در ۱۹۸۵ از آن سازمان خارج شد، که در همان زمان دولت ایران اعلام کرد حاضر است مقداری از سهم پرداختی آمریکا را جبران کند.

۳. سازمان بهداشت جهانی (WHO)

این سازمان در ۱۹۴۸ به وجود آمد تا از امکانات بهداشتی و درمانی که دانش امروزی و فن‌آوری جدید برای بهبود شرایط زندگی تهیه دیده است برای تعدیل شرایط وحشت‌آور بهداشتی درمانی که اکثر مردم جهان با آن دست به گریبان هستند استفاده شود. هدف این سازمان، تأمین بالاترین سطح بهداشتی ممکن برای همه است. سازمان بهداشت جهانی کوشش می‌کند تا شرایط بهداشتی، تغذیه، مسکن و به‌طور کلی بهداشت را برای همه در سطح جهانی فراهم آورد و برای رسیدن به این اهداف وظایف گوناگونی را برعهده گرفته است. هماهنگ کردن پژوهشها

در بسیاری از مناطق جهان، تشویق و راه‌اندازی کارهای اساسی به منظور ریشه‌کن کردن بیماری‌های همه‌گیر و سایر بیماری‌ها و کمک به کشورهای در حال رشد برای سامان دادن تسهیلات بهداشتی، خود جزء فعالیت‌های سازمان مذکور است. در این راه علی‌رغم محدودیت امکانات مالی و بودجه‌ای این سازمان در ریشه‌کن کردن بیماری‌هایی نظیر مالاریا و سل موفقیت‌هایی را به دست آورده است.

علاوه بر کمک به کشورها به‌طور انفرادی، سازمان بهداشت جهانی متصدی تعدادی خدمات بهداشتی بین‌المللی نیز هست. این سازمان علاوه بر احضار بروز بیماری‌های واگیردار به کشورها، استانداردهای بین‌المللی برای داروها، واکسن‌ها و آنتی‌بیوتیک‌ها وضع کرده است. جدی‌ترین مشکلی که کشورهای جهان سوم با آن روبه‌رو هستند، مسأله شرکت‌های داروسازی چندملیتی‌اند و به نظر می‌رسد سازمان بهداشت جهانی کار چندان مؤثری در این زمینه نمی‌تواند انجام دهد. وابستگی این گونه کشورها به کشورهای صنعتی و واردکردن دارو و گاهی داروهای خطرناک، بهداشت مردم، طب سنتی و صنایع داروسازی محلی را تهدید می‌کند. شرکت‌های چندملیتی بزرگ جهت دستیابی به سود بیشتر در استفاده کردن از مردم کشورهای جهان سوم به‌عنوان موجودات آزمایشگاهی و به منظور اختراع و آزمایش داروهای جدید هرگز تردید نکرده‌اند.

۴. سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو FAO)

سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در ۱۹۴۵ به وجود آمد. از جمله وظایف این سازمان کمک به کشورهای عضو برای بالا بردن سطح تغذیه و استانداردهای زندگی مردم، تولید و توزیع صحیح‌تر و بیشتر محصولات کشاورزی و بهبود شرایط زندگی روستاییان است. بزرگ‌ترین مشکل دنیا در سالهای آینده موازنه نامطلوب عرضه مواد غذایی به نسبت ازدیاد شتابان جمعیت جهان است، زیرا تولید خواربار امروز به زحمت برای مقابله با ازدیاد جمعیت کفایت می‌کند.

برای ازدیاد تولیدات کشاورزی و مقابله و جلوگیری از بروز ناراحتی‌های احتمالی آینده، سازمان خواربار و کشاورزی جهانی از راه‌های مختلف از جمله از طریق کمک‌های فنی به کشورها کمک می‌کند تا برنامه توسعه کشاورزی خود را همگام با آخرین اطلاعات و یافته‌های علمی و تجربیات تنظیم کنند و به مورد اجراء گذارند. این سازمان از زمان تأسیس خود تاکنون دست به اقدامات وسیعی زده است؛ یکی از این اقدامات راه انداختن نهضت رهایی از گرسنگی بود که در ۱۹۶۰ به منظور جلب توجه و آگاه‌تر کردن افکار عمومی دنیا نسبت به مسأله گرسنگی از سوی این سازمان صورت گرفت. این نهضت شامل چندین پروژه، نظیر احیای خاک، آبیاری، اصلاحات ارضی، تعاونی‌های وام‌دهنده، تغذیه و آموزش تغذیه بود. تلاش برای توسعه منابع

اساسی آب و خاک، بالابردن سطح تغذیه، تولیدات مزارع و جنگلها و شیلات، جلوگیری از بیماریهای حیوانات، جلوگیری از فرسایش خاک، احیای جنگلها، و چگونگی مبارزه با حیوانات موزی و غیره از جمله کارهایی است که از سوی سازمان انجام می‌گیرد.

مقر سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در ژنوا، پایتخت ایتالیا است.

۵. صندوق بین‌المللی پول (IMF)

بازرگانی بین‌المللی طبعاً حاوی پول و مسائل پولی است که برای رفع مشکلات آن از حیث منطقه‌ای همکاریهایی شده، ولی در سطح جهانی مهمترین اقدام تشکیل صندوق بین‌المللی پول است که در ۱۹۴۴ در کنفرانس برتون وودز مطرح و قرارداد آن امضا و در ۱۹۴۵ وارد مرحله عمل شد. این صندوق یک مؤسسه تخصصی سازمان ملل است که مانند همه سازمانهای تخصصی دیگر دارای دو رکن است: یکی شورای مدیران، مرکب از نمایندگان دول عضو و دیگری شورای اداری مرکب از بیست عضو، از این عده پنج عضو از دولتهایی هستند که بزرگترین سهم در سرمایه صندوق دارند، آنها عبارت‌اند از: آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ژاپن و بقیه برحسب تقسیم جغرافیایی از دول دیگر انتخاب می‌شوند. رئیس شورای اداری خارج از نمایندگان دول عضو انتخاب و کلیه کارهای صندوق را اداره می‌کند. رأی در شوراها بر دو اصل اکثریت و نسبت است، یعنی هر دولت به‌عنوان عضو ۲۵۰ رأی و به نسبت هر واحد سهم در صندوق یک رأی اضافه دارد. هر واحد سهم صد هزار دلار تعیین شده است. صندوق بین‌المللی پول مانند بانک است که هر دولت در سرمایه آن شرکت می‌کند و قسمتی از آن را به طلا و قسمت دیگر را به پول کشور خود می‌پردازد.

هدف و برنامه صندوق: هدف صندوق بین‌المللی پول، همکاری پولی بین‌المللی است به منظور ثبات مبادلات پولی و جلوگیری از عدم توازن پرداختها در سطح بین‌المللی و جلب اعتماد دولتها به هم و در نتیجه توسعه بازرگانی بین‌المللی و بالا بردن سطح درآمد ملی کشورها.

این صندوق به دولتهایی که در پرداخت دستمزد مشکلاتی دارند و دچار فشارهای ناشی از تورم داخلی هستند وام می‌دهد. کشورهای دریافت‌کننده وام باید اصول و مقررات صندوق را بپذیرد و پول دریافتی را تحت نظارت صندوق به مصرف برسانند. صندوق بین‌المللی پول همچنین با مسائل کلی و بین‌المللی در زمینه تبدیل ارز و تثبیت پول سروکار دارد.

در راستای این برنامه، هر دولت می‌تواند به وسیله صندوق، پول کشور دیگر را در مقابل طلا خریداری کند و حتی گاه ممکن است در مقابل پول رایج کشور خود باشد. کار صندوق در حقیقت امکان تبدیل کردن پول کشوری به پول کشور دیگر است که بدین وسیله پرداختها را برای کشور خریدار آسان می‌کند، اما برای اینکه از این بابت خطری پیش نیاید (چون کشورهای

با پول ضعیف همیشه طالب پولهای قوی هستند). این معامله مقید به شرایطی است. مثلاً مطرح می‌شود که پول درخواستی کمیاب نباشد یا پول ضعیفتری که داده می‌شود مبالغ زیادی نباشد. نظارت و تعادل در این زمینه وظیفه صندوق است. برای تعیین ارزش پول نیز هر کشور عضو باید با موافقت صندوق اقدام کند، این ارزش به مأخذ طلا یا دلار آمریکا محاسبه می‌شود و فقط تا یک درصد بالاتر یا پایینتر، اختیار عمل دارند.

۶. گروه بانک جهانی

گروه بانک جهانی از سه مؤسسه مالی که اهداف کم و بیش مشترکی را دنبال می‌کنند تشکیل می‌شود. سه مؤسسه مذکور عبارت‌اند از: بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، مؤسسه مالی بین‌المللی و مؤسسه توسعه بین‌المللی.

الف) بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) یا بانک جهانی (WB): همزمان با تأسیس سازمان ملل سه ارگان اقتصادی عمده در ۱۹۴۴ تشکیل شد که یکی صندوق بین‌المللی پول بود که به منظور از میان بردن شرایط نابه‌سامان اقتصادی تشکیل شد که شرحش گذشت. سازمان دوم سازمان تجارت بین‌المللی ITO برای سامان دادن به تجارت جهانی بود که به علت کارشکنی آمریکا عقیم ماند و دیگری بانک جهانی بود که به منظور توسعه اقتصادی ایجاد شد و سرمایه آن از طریق اعضا و همچنین فروش اوراق قرضه تأمین می‌شود. این سرمایه به منظور وام دادن به کشورها و عمدتاً به کشورهای در حال توسعه و در درجه اول برای تأمین نیازهای زیربنایی (نظیر جاده، سد، راه‌آهن، توسعه صنایع و غیره) و در درجه دوم برای رفع احتیاجات در زمینه‌های آموزش و پرورش، کشاورزی، صنایع در مقیاس کوچک و تنظیم خانواده به کار می‌رود. بانک می‌تواند وام را در اختیار شرکت‌های خصوصی کشور موردنظر هم قرار دهد، در این صورت جهت باز پرداخت آن ضمانت دولت متبوع آن شرکت الزامی است.

تنها کشورهایی می‌توانند عضو بانک جهانی باشند که عضویت در صندوق بین‌المللی پول را پذیرفته باشند. این دو سازمان از یک لحاظ با سازمانهای دیگر تفاوت دارند و آن نحوه رأی‌گیری است. بدین معنا که برخلاف سازمانهای دیگر که اصل یک رأی برای هر کشور در آنها حاکم است در این سازمانها کشورهایی که دارای سهم بیشتر هستند از رأی بیشتری برخوردارند و در نتیجه کشورهای غنی نسبت به کشورهای فقیر در آن نفوذ بیشتری دارند. ۲۲۶ کل آرا در بانک جهانی متعلق به آمریکاست که بیشترین سهم را در آن دارد. تشکیلات اداری بانک جهانی عبارت است از شورای مدیران، رئیس و شورای اداری، شورای کل از وزرای دارایی یا رؤسای بانک مرکزی کشورهای عضو تشکیل می‌شود. این شورا معمولاً سالانه یک بار به منظور پذیرش اعضای جدید و تصمیم‌گیری درباره مبادلات مالی تشکیل جلسه می‌دهد. هیأتی که به طور منظم در واشنگتن تشکیل جلسه می‌دهد، شامل بیست عضو است. پنج نفر از آنها را بزرگترین

پنج کشور سهامدار، یعنی آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ژاپن، تعیین و پانزده عضو دیگر را سایر کشورهای عضو تعیین می‌کنند. شورای اداری هفته‌ای یک بار به منظور بررسی پیشنهادهای مربوط به وام و تعیین خط مشی عمومی بانک تشکیل جلسه می‌دهد. رئیس بانک جهانی توسط شورای اداری و خارج از شورای مدیران و شورای اداری انتخاب می‌شود. نظارت بر کار شورای مدیران و به‌طور کلی اداره امور بانک را رئیس انجام می‌دهد. رئیس بانک جهانی از زمان پیدایش آن همواره آمریکایی بوده است.

ب) مؤسسه مالی بین‌المللی - IFC: مؤسسه مالی بین‌المللی در تاریخ ۲۵ مه ۱۹۵۵ به‌عنوان یکی از مؤسسات وابسته به بانک جهانی تأسیس شد. این مؤسسه تنها سازمان بین‌الدولی است که هدف آن کمک به توسعه بین‌المللی مؤسسات خصوصی است. مؤسسه مذکور برای پیشبرد این منظور به مؤسسات بخش خصوصی کشورهای در حال توسعه بدون گرفتن ضمانت از دولتها برای بازپرداخت وام جهت مدرنیزه کردن، بسط گسترش فعالیتهای صنعتی و افزایش بازدهی فعالیتهای مذکور، وام اعطا می‌کند. این مؤسسه اغلب به سرمایه‌گذاری در بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی اقدام می‌کند و از این طریق به کسب درآمد می‌پردازد.

ایران و مؤسسه مالی بین‌المللی

دولت ایران از اعضای اولیه گروه بانک جهانی منجمله این مؤسسه محسوب می‌شود که رسماً در سال ۱۳۳۵ به عضویت این مؤسسه درآمده است. دولت ایران دارای ۳۷۲ سهم که معادل ۳ درصد از کل سرمایه پذیره‌نویسی شده می‌باشد، است. در حال حاضر دولت ایران بیش از ۵ درصد کل آرای مؤسسه را در اختیار دارد.

ج) مؤسسه توسعه بین‌المللی - IDA: این مؤسسه به‌عنوان یکی دیگر از مؤسسات وابسته به بانک جهانی به دنبال اقدامات ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۶۰ تأسیس شد. هدف این مؤسسه بهبود وضعیت بدهی کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این مؤسسه با اعطای وام با شرایط سهل به اجرای طرحهای صنعتی و تولیدی کشورهای در حال توسعه کمک می‌کند. مؤسسه توسعه بین‌المللی دارای ۲ گروه عضو است: گروه کشورهای صنعتی و توسعه یافته و گروه کشورهای کمتر توسعه یافته. کشورهای گروه اول تمام سهم خود را به پول قابل تبدیل پرداخت می‌کنند و مؤسسه می‌تواند تمام آن را صرف اعطای وام نماید ولی کشورهای گروه دوم یک دهم سهم خود را به پول قابل تبدیل و بقیه را به پول خود پرداخت می‌کنند که بدون رضایت کشور مربوطه مؤسسه نمی‌تواند آن را در قالب وام مصرف کند. به هر حال وامهای اعطایی از سوی مؤسسه توسعه بین‌المللی با تسهیلات بیشتری نسبت به بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه در اختیار کشورهای وام‌گیرنده گذارده می‌شود.

ایران و مؤسسه توسعه بین‌المللی

دولت ایران از اعضای مؤسس این نهاد بین‌المللی است. سرمایه فعلی ایران در این مؤسسه ۵۸۵۳ میلیون دلار است و از ۲۰ درصد کل آراء این مؤسسه برخوردار می‌باشد.

۷. سازمان تجارت جهانی WTO و موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت GATT

«یکی از اهداف «منشور آتلانتیک» که در سال ۱۹۴۱ بین روزولت و چرچیل به امضا رسید، ایجاد یک سیستم تجارت بین‌المللی بود که براساس عدم تبعیض و مبادله آزاد کالا و خدمات پایه‌گذاری می‌شد. مذاکرات مربوط به سیستم تجارت بین‌المللی که در طول جنگ دوم جهانی بین انگلستان و کانادا و آمریکا آغاز شد، بعد از جنگ نیز ادامه پیدا کرد. بالاخره آمریکا در تاریخ ۶ دسامبر ۱۹۴۵ پیشنهادی را در مورد نظام اقتصادی بین‌المللی (پیشنهاد گسترش تجارت بین‌المللی و اشتغال) ارائه داد. شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل نیز در تاریخ ۱۸ فوریه ۱۹۴۶ کنفرانسی را برای بررسی و تحقیق در مورد مسائل اقتصاد بین‌المللی تشکیل داد.»^{۳۰} «سرانجام پس از انجام دو کنفرانس در سال ۱۹۴۷ در ژنو، و موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت در ۳۰ اکتبر همان سال به امضای ۲۳ کشور مهم تجاری جهان رسید و از اول ژانویه ۱۹۴۸ لازم‌الاجرا شد که به عنوان منشور بین‌المللی مبادلات تجاری به شمار می‌آید.»^{۳۱}

به‌طور کلی موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. دستیابی به یک نظام تجاری بین‌المللی آزاد بدون تبعیض.
 ۲. ارتقای سطح زندگی مردم در کشورهای عضو.
 ۳. فراهم ساختن امکانات نیل به اشتغال کامل بر اثر گسترش تجارت جهانی.
 ۴. افزایش درآمد واقعی و سطح تقاضای مؤثر.
 ۵. بهره‌برداری کامل و کارا از منابع جهانی.
 ۶. گسترش تولید و تجارت بین‌المللی کالا.
 ۷. رفع موانع و مشکلات موجود در زمینه گسترش تجارت جهانی.
- به منظور دستیابی به هدفهای بالا، گات از پنج اصل مهم زیر پیروی خواهد کرد:
۱. تعمیم بی‌قید و شرط اصل «دولت کامل‌الوداد» (MFN) تبعیض قائل نشدن میان کشورهای عضو در تجارت بین‌المللی.
 ۲. اصل تسری رفتار داخلی: اصل دولت کامل‌الوداد، که رفتاری یکسان و مشابه را در قبال تولیدکنندگان خارج تضمین می‌کند، با اصل رعایت رفتاری یکسان در قبال کالاهای داخلی و خارجی، کامل می‌شود. طبق این اصل کشورهای عضو نمی‌توانند با وضع مقررات تبعیض‌آمیز، اثر کاهش تعرفه گمرکی را در رابطه با کالاهای داخلی و خارجی خنثی سازند.
 ۳. کاهش و لازم‌الاجرا کردن تعرفه‌های گمرکی از طریق مذاکرات مداوم.
 ۴. ممنوعیت برقراری محدودیتهای کمی (مقداری).

۵. تنظیم قواعد و مقررات صادراتی.

از سال ۱۹۴۸ تا سال ۱۹۸۶ چندین مذاکره صورت گرفت. آخرین مذاکره که به «دوراوگوئه» معروف است در سال ۱۹۸۶ آغاز شد و پس از ۷ سال مذاکره، تصمیم مهمی را، در زمینه تجارت جهانی، کشورهای عضو اتخاذ کردند. این تصمیم مهم، همانا تأسیس سازمان تجارت جهانی است که جایگزین موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت شد.

سازمان تجارت جهانی دارای ارکان زیر است:

۱. کنفرانس وزیران: این کنفرانس عالیت‌ترین رکن سازمان است که از نمایندگان کلیه کشورهای عضو تشکیل می‌شود. اجلاسهای این کنفرانس هر دو سال یک بار برگزار می‌شود.
۲. شورای عمومی: شورای عمومی که از نمایندگان کلیه دول عضو تشکیل شده است، در فواصل بین‌المللی اجلاسهای کنفرانس وزیران، وظایف آن را برعهده دارد. وظیفه دیگر این شورا، هدایت کلی و نظارت بر نحوه فعالیت‌های شوراهای «تجارت کالا»، «تجارت خدمات»، «جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت معنوی» است. همچنین «شورای مزبور مسئولیت‌های «رکن حل اختلاف» و «رکن بررسی خط مشی تجاری» را عهده‌دار است و جهت ایفای مسئولیت‌های خود در این خصوص مبادرت به تشکیل جلساتی می‌کند. شورای عمومی مسئول ارتباط و همکاری سازمان تجارت جهانی با سایر سازمان‌های بین‌الدولی است و تصویب مقررات مالی و بودجه سالانه سازمان را برعهده دارد و حق عضویت هر یک از اعضا را نیز تعیین می‌کند.»^{۳۲}

سایر ارکان سازمان تجارت جهانی شامل

۳. رکن حل اختلافات بین کشورها
۴. رکن بررسی خط مشی تجاری اعضا
۵. شوراهای تخصصی مانند شورای تجارت کالا و شورای تجارت خدمات
۶. کمیته‌های تخصصی، مانند کمیته تجارت و توسعه و کمیته بودجه
۷. دبیرخانه که مدیر کل سازمان، ریاست دبیرخانه را برعهده دارد و از طرف کنفرانس وزیران منصوب می‌شود.

۸. اتحادیه پستی جهانی (UPU)

این اتحادیه که نهادی وابسته به جامعه ملل بود فعالیتش را با این سازمان دنبال کرد و از ۱۹۴۸ در مقام آژانس تخصصی بین‌المللی به سازمان ملل متحد وابسته شد و امروز تمامی کشورهای جهان در آن عضویت دارند، اتحادیه پستی جهانی سه رکن دارد:

۱. کنگره: در مقام قانونگذاری اتحادیه پستی مرکب از نمایندگان همه دولتهای عضو است و برحسب ضرورت و هنگامی که موضوعی برای طرح مطرح باشد، تشکیل می‌شود.

۲. شورای اجرایی یا کمیسیون: وظیفه هماهنگ‌سازی نظام تشکیلاتی اتحادیه پستی جهانی با سایر سازمانهای تخصصی را برعهده دارد و به‌طور کلی وظیفه اجرایی را انجام می‌دهد.

۳. دفتر اتحادیه: که قبلاً وظایف دبیرخانه و شورای اجرایی را یکجا برعهده داشت و به‌عنوان رکن ارتباطی، اطلاعاتی و مشاوره‌ای در اختیار کشورهای عضو بود. دفتر علاوه بر وظایف دبیرخانه، مرکز محاسبات و تسویه حسابهای است که در نتیجه دادوستد پستی بین دولتها به وجود می‌آید. مقر اتحادیه پستی جهانی شهر برن (پایتخت سوئیس) است.

۹. اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور (ITU)

با کشف تلگراف برقی در ۱۸۴۰ و توسعه آن بین دولتهای اروپایی، مقررات بین‌المللی در این خصوص وضع شد. در سال ۱۸۵۵ اولین «اتحادیه تلگرافی اروپای غربی» به وجود آمد و در ۱۸۶۰ «اتحادیه تلگرافی بین‌المللی» در پاریس بنیاد نهاده شد.

در سال ۱۸۸۵، کنفرانس اتحادیه بین‌المللی تلگراف، مقررات تلفنی بین‌المللی را نیز به تصویب رسانید.

در اواخر قرن نوزدهم با ترقی علوم و فنون، بشر به امکاناتی که امواج رادیویی در امر ارتباط در اختیارش می‌گذاشت پی برد و توانست با استفاده از آن، پیامهای خود را با آنتن به نقاط دور دست بفرستد و تلگراف بی‌سیم را پدید آورد. از این‌رو لازم بود که تلگراف رادیویی که مورد استفاده همه کشورهای جهان بود تحت یک نظام بین‌المللی هماهنگ برنامه‌ریزی شود. بنابراین، در ۱۹۰۶، ۲۷ کشور پس از تبادل نظرهایی موفق شدند اتحادیه بین‌المللی تلگراف رادیویی را تأسیس کنند و دفتر مرکزی اتحادیه بین‌المللی تلگراف را که در «برن» مستقر شده بود، مقر این اتحادیه قرار دهند.

در ۱۹۳۲ تصمیم گرفته شد که به جای دو اتحادیه گذشته «اتحادیه بین‌المللی مخابرات تلگرافی و تلفنی» تشکیل شود که از سال ۱۹۴۳ شروع به کار کرد.

در سال ۱۹۴۷ نیز کنفرانس آتلانتیک سیتی با توجه به توسعه وسایل فنی و تحولات سیاسی جهان، تغییراتی در قلمرو و مقررات مربوط به مخابرات دور پدید آورد. به این صورت که نمایندگان تمام‌الاختیار کشورهای عضو اتحادیه معاهده‌ای جدید امضا کردند که به موجب آن ارگانهای دائم جدیدی به وجود آمد و اتحادیه دچار تغییرات اساسی شد و از این پس اتحادیه در زمره نهادهای تخصصی سازمان ملل در این قلمرو به فعالیت پرداخت.

سازمان اتحادیه فعلاً از دو کنفرانس و شش ارگان دائم که در مقر جدید اتحادیه یعنی ژنو به کار مشغول شده‌اند، ترکیب یافته است.

کنفرانس عمومی: که بالاترین مرجع اتحادیه است. هر پنج سال یک بار تشکیل می‌شود وظیفه آن عبارت است از تنظیم بودجه اتحادیه، تعیین میزان دستمزد کارکنان سازمان، انتخاب

اعضای شورای مدیریت، بررسی گزارش شورا در مورد فعالیت اتحادیه، انعقاد پیمان یا تجدیدنظر در معاهدات و رسیدگی به تمام مسائلی که در قلمرو ارتباطات دور مطرح می‌شود. کنفرانس اداری: تهیه‌کننده مقررات عمومی تلگرافی، تلفنی و رادیویی است. انتخاب اعضای «کمیته بین‌المللی ثبت فرکانسها» و نظارت بر فعالیت آنها نیز از وظیفه این رکن است.

شورای اداری: شورای اداری رکن اداری اتحادیه و مأمور هماهنگی کلیه فعالیت‌های ارکان مختلف آن است. انتخاب دبیرکل و معاونان او و نیز تنظیم بودجه و مقررات اداری اتحادیه با شورا است.

شورای اداری سالی یک بار اجلاس دارد و می‌تواند اجلاسهای فوق‌العاده نیز داشته باشد. دبیرخانه امور اداری اتحادیه را انجام می‌دهد. دبیرکل در مقام نماینده اتحادیه زیر نظر شورای اداری، عهده‌دار وظایف بین‌المللی اتحادیه و رابط با دولت‌هاست.

کمیته‌ها: اتحادیه بین‌المللی مخابرات راه دور، علاوه بر ارگانهای دیگر دارای سه کمیته است: کمیته بین‌المللی ثبت فرکانسها، کمیته تلگراف و تلفن و دیگری کمیته مخابرات رادیویی که از کارشناسان و کارکنان اداری و فنی کشورهای عضو و اعضای وابسته تشکیل می‌شود. هر سه کمیته فوق، جزء کمیته‌های مشورتی هستند و در رشته تخصصی خود، دولت‌ها را راهنمایی و اظهارنظر می‌کنند.

۱۰. سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)

هنگام استفاده از هواپیما که یک وسیله حمل و نقل با سرعت زیاد است ناگزیر از فضای هوایی تحت حاکمیت یک یا چند کشور عبور می‌شود، به همین سبب تنظیم مقررات بین دولتی که موانع فعالیت این پدیده جدید صنعت را از میان بردارد خیلی زود طرف توجه قرار گرفت. لذا تأسیس یک سازمان بین‌المللی که بتواند برای عبور هواپیماها از فضای چند کشور، مقرراتی حقوقی به وجود آورد، پیوسته امری اجتناب‌ناپذیر می‌نمود.

نخستین کنفرانسی که برای تحقق چنین هدفی در دنیا تشکیل شد، کنفرانس پاریس بود که در ۱۹۱۰ با حضور نمایندگان ۱۹ دولت تشکیل شد، ولی نتوانست به نتیجه‌ای برسد.

پیشرفتهای صنعت هواپیمایی در طول جنگ جهانی اول، دولت‌ها را بر آن داشت که پس از خاتمه جنگ بلافاصله سازمانی را در این مورد بنا نهند. از این‌رو، بعد از جنگ و مقارن تشکیل کنفرانس صلح ورسای، کمیسیون ویژه را که کمیسیون هوانوردی نامیده می‌شد، مأمور بررسی این موضوع کردند. عهدنامه ۱۹۱۹ پاریس، بدین ترتیب اتحادیه هوایی بین دولتهای امضاکننده را به وجود آورد. عهدنامه‌های دیگری در سالهای ۱۹۲۶ و ۱۹۲۸ بین پاره‌ای از دولتها منعقد شد که در نتیجه سه رژیم حقوقی متفاوت برای پروازهای هوایی به وجود می‌آورد.

جنگ جهانی دوم صنعت هواپیمایی را به چنان درجه‌ای از پیشرفت و تکامل رسانید که استفاده از آن برفراز مرزها و اقیانوسها امری عادی شد، برای اینکه بتوان از این همه یافته‌های فنی که جنگ به وجود آورد و روند رشد آن را تسریع کرده بود، در زمان صلح استفاده کرد، کنفرانسی در هنگامه جنگ، یعنی از اول نوامبر تا ۷ دسامبر ۱۹۴۴ با حضور ۵۲ کشور در شیکاگو بر پا شد. البته اتحاد شوروی در آن کنفرانس شرکت نکرد. معاهده شیکاگو ثمره این کنفرانس بود که تحت شرایط معینی اصل آزادی فضا را پایه‌گذاری کرد و سازمانی بین‌المللی به وجود آورد. تا در چارچوبه آن صنعت حمل و نقل هوایی توسعه یابد.

این سازمان از ۱۹۴۷ با نام «سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری» شروع به کار کرد و به صورت یک سازمان تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد درآمد که مقر آن در شهر مونترال کاناداست.

ساختار تشکیلاتی سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری

سازمان هواپیمایی از چهاررکن: شورا، دبیرخانه، مجمع عمومی و کمیسیون هوانوردی ترکیب یافته است.

مجمع عمومی: اجتماع نمایندگان دولتهای عضو است. این مجمع هر سه سال یک بار تشکیل می‌شود و درباره تغییرات اساسنامه، سیاست آینده سازمان و دولتهایی که در شورای اداری نماینده خواهند داشت تصمیم می‌گیرد. رسیدگی و تصویب بودجه سازمان نیز با مجمع عمومی است.

شورای دائمی: شورای سازمان، رکن دائمی است که از مجمع منبعث شده است، زیرا اعضای آن را که تعدادشان ۳۰ نفر است، برای مدت ۳ سال برمی‌گزینند. شورا در واقع ترکیبی است از نمایندگان کشورهای فعال در حوزه حمل و نقل هوایی که براساس توزیع جغرافیایی انتخاب می‌شوند. شورا وظیفه دارد که ضمن برگزیدن دبیرکل، بررسی امور مالی و اجرای تصمیمات مجمع را نیز برعهده گیرد. علاوه بر آن در قلمرو مسائل فنی که در سند ضمیمه معاهده، از آن سخن رانده شد، قانونگذاری می‌کند و اطلاعات مربوط به چگونگی توسعه خدمات هوایی بین‌المللی را منتشر می‌سازد و نیز کمیته حمل و نقل هوایی را که از نمایندگان اعضای شورا تشکیل شده است، سازمان می‌دهد و رئیس کمیسیون هوانوردی بین‌المللی را معرفی می‌کند.

گذشته از این چنانچه اعضا در مورد معاهده یا اسناد ضمیمه آن با یکدیگر دچار اختلاف شوند، در صورت درخواست یکی از طرفهای اختلاف، شورا می‌تواند قضاوت و حکم صادر کند. البته احکام شورا قابل پژوهش است. از این رو نیروی هر کشور طرف اختلاف می‌تواند از آن حکم به یک مرجع داورى اختصاصی یا دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت ببرد.

کمیسیون هوانوردی بین‌المللی: کمیسیون هوانوردی مسئول مطالعه و ارائه طرحهای فنی لازم برای بهبود وضع رفت و آمد هوایی میان کشورهاست. این کمیسیون ۱۲ عضو دارد که شورا آنها را از میان اشخاصی که کشورهای عضو معرفی کرده‌اند، برمی‌گزیند. این افراد باید دارای صلاحیت علمی و تخصصی کافی در حوزه عمل خود باشند. رئیس کمیسیون را شورای سازمان انتخاب می‌کند. سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری دارای چند کمیته و دفتر ناحیه‌ای در چند منطقه از جهان است.

دبیرخانه: امور اداری سازمان را دبیرکل، که از سوی شورای دائمی انتخاب می‌شود، به همراه کارکنان دبیرخانه انجام می‌دهند.

۱۱. سازمان هواشناسی جهانی (WMO)

سازمان هواشناسی جهانی یکی از کارگزاریهای تخصصی سازمان ملل متحد است که در سال ۱۹۵۰ تأسیس شد. این سازمان مطالب علمی معتبر در زمینه فضای زیستی و مسائل مربوط به دگرگونی جو را تهیه و عرضه می‌کند. هدف سازمان هواشناسی، تسهیل همکاریهای جهانی در ایجاد شبکه ایستگاهها به منظور بررسیهای هواشناسی و همچنین آب‌شناسی و سایر مطالعات ژئوفیزیکی مرتبط است.

«کنگره جهانی هواشناسی بالاترین رکن این سازمان است که از جمع نمایندگان همه کشورهای عضو تشکیل می‌شود و هر چهار سال یک بار برای تعیین خط مشیها، برنامه‌ها و بودجه سازمان تشکیل جلسه می‌دهد. هیأت اجرایی سازمان هواشناسی جهانی سالی یک بار برای نظارت بر نحوه اجرای تصمیمات و برنامه‌های کنگره گردهم می‌آیند. این سازمان دارای ۱۷۳ عضو است که از این میان ۱۶۸ عضو را کشورهای جهان و ۵ عضو دیگر را اعضای منطقه‌ای تشکیل می‌دهند. همه این اعضا خدمات هواشناسی و آب‌شناسی مربوط به خود را دریافت می‌کنند. دبیرکل سازمان هواشناسی جهانی از سوی کنگره تعیین می‌شود.

بودجه سالهای ۱۹۹۲ الی ۱۹۹۵ این سازمان ۱۷۱ میلیون دلار بود. یک بودجه فوق‌العاده ۱۲۰ میلیون دلاری نیز در همین مقطع به این سازمان واگذار شده است. بیشترین بخش بودجه این سازمان تاکنون از سوی اعضای آن تأمین شده است.»^{۳۳}

مقر سازمان در ژنو است.

۱۲. سازمان بین‌المللی دریانوردی (IMO)

سازمان بین‌المللی دریانوردی تنها کارگزاری تخصصی ملل متحد در این زمینه است و انحصاراً به امور دریانوردی و دریاها می‌پردازد. این سازمان سازمانی کاملاً فنی است و مأموریت اصلی آن را می‌توان در عبارت «کشتیرانی امنتر و اقیانوسهای تمیزتر» خلاصه کرد.

مجمع سازمان بین‌المللی دریانوردی از ۱۴۹ عضو تشکیل می‌شود که همه ساله تشکیل جلسه می‌دهد. این مجمع، شورای این سازمان را که از ۳۲ عضو تشکیل می‌شود، برمی‌گزیند. شورای سازمان بین‌المللی دریانوردی سالی دو بار جلسه برگزار می‌کند. این شورا بر اجرای برنامه‌های سازمان بین‌المللی دریانوردی نظارت و دبیرکل آن را انتخاب می‌کند. سازمان بین‌المللی دریانوردی در زمینه‌های زیر فعالیت می‌کند:

امنیت در دریا، جلوگیری از تصادفات، گسترش ارتباطات رادیویی در دریا، آموزش دریانوردی، ایجاد سیستم جستجو و نجات، جلوگیری از آلودگی دریا، کمک‌های آموزشی و فنی به کشورها، پیمان بستن با کشورها جهت تعهدات و بیمه دریایی و جبران خسارت. «سازمان بین‌المللی دریانوردی دارای ۳۰۰ نفر کارمند است و مقر آن در لندن است.»^{۳۴}

۱۳. سازمان جهانی مالکیت معنوی (WIPO)

سازمان جهانی مالکیت معنوی طبق کنوانسیون استکهلم (۱۴ ژوئیه ۱۹۶۷) که در ۲۶ آوریل ۱۹۷۰ به اجرا درآمد، پا به عرصه وجود نهاد.

«به موجب ماده ۳ کنوانسیون استکهلم اهداف سازمان عبارت‌اند از:

الف) گسترش حمایت از مالکیت معنوی در سراسر جهان از طریق همکاری بین دولتها و در موارد لازم از طریق تشریک مساعی با هر سازمان بین‌المللی دیگر.

ب) تضمین همکاری اداری میان اتحادیه‌ها.»^{۳۵}

فعالیت‌های اصلی سازمان جهانی مالکیت معنوی، ارائه کمک‌های حقوقی و فنی به کشورهای در حال توسعه و کشورهای در حال ورود به اقتصاد بازار برای ایجاد معیارهای مالکیت فکری از طریق الگو قرار دادن قوانین یا توافق نامه‌های بین‌المللی است که موجبات تسهیل اجرای قوانین بین‌المللی حفظ اختراعات، علایم تجاری و طرح‌های صنعتی و نیز بخش مربوط به حمایت از حق مؤلف در زمینه آثار ادبی و موسیقی، عکاسی و سینما را فراهم می‌سازد.

«سازمان جهانی مالکیت معنوی دارای سه رکن اداره‌کننده است: مجمع عمومی، کنفرانس و کمیته هماهنگ‌کننده. مدیرکل این سازمان جهانی از سوی مجمع عمومی آن انتخاب می‌شود. و دبیرخانه آن، دفتر بین‌المللی نامیده می‌شود که از ۴۵۰ کارمند تشکیل شده است. سازمان جهانی مالکیت معنوی از ۱۴۷ کشور عضو تشکیل شده است.»^{۳۶}

۱۴. صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی (IFAD)

این صندوق مؤسسه‌ای چندجانبه است که از سوی کنفرانس جهانی غذا در سال ۱۹۷۴ پیشنهاد و در سال ۱۹۷۷ تأسیس شد. هدف و وظیفه این صندوق مبارزه با گرسنگی و فقر در روستاهای

مناطق کم درآمد جهان است و نیز مناطقی که مواد غذایی در آن کمیاب است. به همین منظور از پروژه‌های توسعه روستایی و برنامه‌های تحقیقاتی حمایت می‌کند و تلاشهای زیادی در جهت حفظ منابع طبیعی در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و مشارکت نهادهای محلی و سازمانهای غیر دولتی به عمل می‌آورد.

«شورای عالی این صندوق که رکن اداره‌کننده آن است، سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. همچنین صندوق ۱۵۷ عضو دارد: دسته نخست ۲۲ کشور صنعتی جهان، دسته دوم ۱۲ کشور صادرکننده نفت، دسته سوم ۱۲۳ کشور در حال توسعه. شورای عالی بودجه سالیانه، سرمایه‌گذاریها و برنامه‌های آن را تصویب می‌کند. ضمناً شورای عالی اعضای شورای اجرایی متشکل از ۱۸ عضو، ۶ عضو از هر دسته از اعضا را برمی‌گزیند. شورای اجرایی سالی سه بار تشکیل جلسه می‌دهد تا بودجه اداری و بودجه برنامه‌ها را تأمین کند و گزارش آن را به شورای عالی ارائه کند. همچنین شورای عالی رئیس صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی را انتخاب می‌کند.»^{۳۷}

مقر صندوق نیز در رم است.

۱۵. سازمان توسعه صنعتی ملل متحد (UNIDO)

سازمان توسعه صنعتی ملل متحد از سوی مجمع عمومی در سال ۱۹۶۷ به منظور کمک و سرعت بخشیدن به فرآیند صنعتی شدن کشورهای در حال توسعه و برقراری هماهنگی فعالیتهای توسعه صنعتی تشکیلات سازمان ملل متحد به وجود آمد.

وظایف دیگر یونیدو، ترغیب کشورهای در حال توسعه و کمک به آنها برای پیشرفت و نوسازی و بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی خود، مشاوره و راهنمایی به کشورها و ایجاد همکاری بین آنها برای پیشرفت صنعتی است.

رکن اصلی یونیدو، کنفرانس عمومی است که از گردهمایی نمایندگان همه اعضای آن تشکیل می‌شود و معمولاً هر دو سال یک بار تشکیل جلسه می‌دهد. شورای توسعه صنعتی متشکل از ۵۳ کشور است که از سوی کنفرانس عمومی انتخاب می‌شود. این شورا حداقل سالی یک بار برای بررسی کار یونیدو تشکیل جلسه می‌دهد. کمیته برنامه و بودجه با عضویت ۲۷ کشور که از سوی کنفرانس عمومی انتخاب می‌شوند به شورا در تهیه و تنظیم بودجه و برنامه کار و سایر امور مالی کمک می‌کند. این کمیته نیز حداقل سالی یک بار جلسه عادی تشکیل می‌دهد. مدیرکل یونیدو را کنفرانس عمومی بنابر توصیه شورای آن انتخاب می‌کند.

بودجه یونیدو در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳، ۱۸۱ میلیون دلار بود. منبع اصلی پولی پروژه‌های یونیدو، برنامه عمران ملل متحد بوده است، اما بودجه سازمان را کشورها می‌پردازند. مقر سازمان توسعه صنعتی ملل متحد وین است.

۱۶. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی (IAEA)

در سال ۱۹۵۳، در پی پیشنهاد آیزنهاور، رئیس جمهور وقت آمریکا، تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به مجمع عمومی پیشنهاد شد و سرانجام در سال ۱۹۵۶ تأسیس گشت. این آژانس مطابق اساسنامه خود با سازمانهایی تخصصی ملل متحد و دیگر سازمانهای بین‌الدول ارتباط دارد و گزارش فعالیتهای خود را سالانه به مجمع عمومی ارائه می‌کند.

هدف آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در اساسنامه آن، این گونه بیان شده است:

۱. تشویق و مساعدت به تحقیق و گسترش مطالعات علمی در مورد انرژی اتمی برای استفاده صلح‌آمیز در سراسر جهان، ایجاد تسهیلاتی برای کشورهای عضو، فراهم کردن امکانات و خدمات برای تحقیق یا گسترش توصیه‌های علمی برای استفاده از انرژی اتمی در امور غیرنظامی.

۲. ارائه پیشنهادها و تسهیلات موردنیاز برای تحقیق و توصیه‌های ضروری در کاربرد انرژی اتمی در راه صلح و رفاه بشر در جهان.

۳. فراهم کردن اطلاعات مربوط به تغییرات علمی و فنی مورد استفاده صلح‌آمیز از اتم.

۴. ارتقاء و تربیت کارشناسان مجرب و متخصص برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی.

۵. ایجاد موارد ایمنی برای اطمینان از کاربرد مواد، خدمات، تسهیلات و اطلاعات در مورد انرژی اتمی در مصارف صلح‌جویانه.

۶. فراهم کردن امکانات، مشاوره و ایجاد ارتباط با ارگانهای سازمان ملل و آژانسهای تخصصی مربوط به آن در مورد استانداردهای ایمنی برای حفاظت از سلامت بشر در مقابل عوامل تهدیدکننده حیات و ارائه توصیه‌هایی در این باره و تقاضا از کلیه کشورهای عضو مبنی بر هماهنگ کردن فعالیتهای خود در موارد مذکور با آژانس انرژی اتمی.

۷. فراهم آوردن تسهیلات و امکانات لازم برای استفاده صحیح از اتم در زندگی انسانها، جانوران و گیاهان.

ساختار و تشکیلات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی

۱. «کنفرانس عمومی: کنفرانس عمومی بالاترین رکن سازمان و مرجع تصمیم‌گیری است که سالی یک بار در مقر سازمان در وین تشکیل جلسه می‌دهد، بنابر تقاضای هیأت حکام یا اکثریت اعضا، اجلاس ویژه نیز برگزار می‌کند. کنفرانس متشکل از نمایندگان کلیه دول عضو است. هر عضو در کنفرانس دارای یک رأی است و تصمیمات با اکثریت آرا اتخاذ می‌شود، اما در مورد تصمیمات مالی تغییرات و اصلاح اساسنامه و ترک عضویت آرای دو سوم دول متعاقد ضروری است.

طبق اساسنامه، کنفرانس عمومی دارای اختیارات وسیعی در زمینه اتخاذ خط مشی و

امور مالی و اداری سازمان است. انتخاب اعضای هیأت حکام (گردانندگان) بررسی گزارش سالانه این هیأت، تصویب بودجه، تصمیم‌گیری درباره تغییر یا اصلاح اساسنامه، پذیرش عضو جدید، تأیید و تصویب گزارشهای نحوه فعالیت آژانس برای سازمان ملل متحد، از وظایف کنفرانس عمومی محسوب می‌شود.

۲. هیأت حکام (گردانندگان): اعضای هیأت حکام از دو گروه انتصابی و انتخابی تشکیل شده که در بدو تشکیل آژانس تعداد آنها بالغ بر ۲۵ عضو بوده است. الف) اعضای انتصابی؛ طبق مفاد اساسنامه، هیأت حکام ۱۰ عضو از میان پیشرفته‌ترین دول عضو سازمان، از نظر تکنولوژی هسته‌ای، در هر منطقه انتخاب می‌کند که از اعضای انتصابی شورای حکام محسوب می‌شوند.

ب) اعضای انتخابی؛ کنفرانس عمومی ۱۵ عضو انتخابی را از بین کشورهای عضو آژانس انتخاب می‌کند که به هیأت حکام راه می‌یابند.

هیأت حکام در سال، چندین بار تشکیل جلسه می‌دهد و اموری را که به آن محول می‌شود زیر نظر کنفرانس عمومی انجام می‌دهد. هر یک از کشورهای عضو در هیأت حکام یک رأی دارد. بجز امور مالی که به دو سوم آرای اعضا نیاز دارد، کلیه تصمیمات با اکثریت ساده اتخاذ می‌شود. هیأت حکام برای انجام وظایف خود می‌تواند برحسب ضرورت مبادرت به تشکیل کمیته‌هایی کند.

۳. دبیرخانه: دبیرخانه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از تعدادی کارمند و یک دبیرکل که در رأس آن قرار دارد، تشکیل شده است. دبیرکل بنابر پیشنهاد هیأت حکام و با تأیید کنفرانس برای یک دوره چهارساله انتخاب می‌شود، دبیرکل مسئولیت اداره امور جاری آژانس را زیر نظر هیأت برعهده دارد و وظایفش را طبق مقرراتی که این هیأت تعیین می‌کند، انجام می‌دهد.^{۳۸} بودجه آژانس نیز از محل حق عضویت دول متعاقد و کمکهای داوطلبانه تأمین می‌شود. حق عضویت هر کشور، براساس تعرفه سازمان ملل متحد و با توجه به درآمد سرانه مشخص می‌شود.

خدمات آژانس: خدمات آژانس به کشورهای عضو شامل کمکهای فنی و آموزشی است. کمکها و همکاریهای فنی شامل طرحهای مشترک تحقیقاتی و نیز طرحهای عمده و بلندمدت است. در این زمینه هر یک از کشورهای عضو که دارای طرحهای فنی و تحقیقاتی باشد و برای اجرای آن از آژانس کمک بخواهد، هیأت حکام آژانس، آن را از نظر علمی و فنی و از نظر استانداردهای سلامتی گیاهان و حیوانات بررسی می‌کند و با توجه به تقدمهای خود آن را تصویب می‌کند. همچنین برای اجرای آن کارشناس و ابزار موردنیاز را از طریق برنامه عمران ملل متحد در اختیار کشور مزبور قرار می‌دهد.

خدمات آموزشی آژانس نیز شامل اعطای بورسهای آموزشی، برگزاری دوره‌های

کارآموزی و تشکیل کنفرانس، سمینار و جلسات تحقیقاتی است. در زمینه آموزش، آژانس با توجه به تقاضای کمک کشورها و جویا شدن آمادگی کشورهای صنعتی از طریق ارائه بورس، امکاناتی را برای دانشجویان فراهم می‌آورد.

ارزیابی سازمان ملل

به منظور قضاوت درباره شکستها و موفقیت‌های سازمان ملل باید با بصیرت کافی به ماهیت و سرشت آن نگریست. تردیدی نمی‌توان داشت که سازمان ملل در یک زمینه با شکست مواجه شده و آن نیز حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به علت منافع ابرقدرتهاست. اما این ناکامی ناشی از ذات سازمان ملل نیست، بلکه سازمان ملل انعکاس واقعیات است. سازمان ملل در درجه اول وسیله‌ای است برای تسهیل ارتباط و ایجاد تفاهم بین کشورهایی که هنوز اصل حاکمیت و استقلال صفت مشخصه آنهاست، مشروط بر اینکه بخواهند از این وسیله برای بهبود زندگی جمعی خود استفاده کنند. اما وجود حکومت جهانی یا سازمانی که ارکان آن مجهز به اختیارات فوق دول باشد، نیازمند درجه بیشتری از هماهنگی و همکاری است که دنیای فعلی فاقد آن است. «با این وصف اعضای سازمان ملل با تمام اختلاف و دگرگونی‌هایی که دارند، در یک نکته مشترک هستند و آن اشتراک منافع در حفظ تمدن انسانی از مصیبت جنگی تمام عیار و بهره‌گرفتن از برکات انقلاب صنعتی و علمی عصر حاضر است.

بدون تردید سازمان ملل متحد حاوی دو اصل بسیار اساسی است که رعایت آن صلح و امنیت بین‌المللی را تضمین خواهد کرد. نخست به موجب بند ۳ ماده ۲، کشورهای عضو سازمان موظف‌اند که اختلافات خود را از طریق مسالمت‌آمیز، یعنی از راه مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری و غیره حل و فصل کنند. دوم اینکه به موجب بند ۴ همان ماده، کشورهای عضو سازمان ملل از هرگونه استفاده از زور و یا تهدید منع شده‌اند.»^{۳۹}

سازمان ملل متحد با وجود شکست، در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از جنگ، موقعیتهایی نیز داشته است که از جمله کمک در به ثمر رساندن استقلال کشورهای مستعمره، کمک به کشورهای جهان سوم برای رشد و ترقی و به خصوص وضع قوانین بین‌المللی است. از سوی دیگر، سازمان ملل وسیله‌ای جهت ایجاد هماهنگی و جبهه‌گیری کشورهای ضعیف در مقابل دولتهای بزرگ و قوی است. کشورهای آسیایی و آفریقایی با قدرت رأی خود در مجمع عمومی توانسته‌اند تصمیماتی را اتخاذ کنند که خود آنها از اجرای آن عاجز بوده‌اند ولی برای کشورهای بزرگ که توانایی اجرای تصمیمات مزبور را داشته‌اند، ایجاد تعهد کرده‌اند. از این‌رو کشورهای بزرگ دیگر نمی‌توانند مانند قبل برای اغراض خود به پشتیبانی کشورهای آسیایی و آفریقایی در مجمع عمومی اتکا کنند.

همچنین در مورد سازمانهای بین‌المللی وابسته به سازمان ملل نیز می‌توان گفت که این

سازمانها ثابت کرده‌اند که در بسیاری از موارد ابزارهای مفیدی بوده و قادرند که خدمات شایسته‌ای را به بشریت ارائه دهند. سازمانهای بین‌المللی در نهایت ابزار دولتها باقی می‌مانند، اینکه آنها برای تحقق اهداف بشری موفق‌اند یا نه، بستگی به این دارد که دولتها چگونه و با چه هدف و ابزارهایی از آنها استفاده کنند.

موقعیت سازمان ملل در نظم نوین جهانی

در نظام دوقطبی پس از جنگ جهانی دوم، جهان به بلوکهای متعارضی تقسیم شده بود که از نظر ایدئولوژیکی آشتی‌ناپذیر بودند. سازمان ملل متحد نیز بازتاب این نظام و عرصه اعمال سیاستهای تبلیغاتی و یکی از ابزارهای پیشبرد سیاست خارجی دو ابرقدرتی بود که در مورد مسائل گوناگون با یکدیگر اختلاف داشتند. به نحوی که در طی دوران جنگ سرد به دلیل این اختلافات کمتر حاضر به توافق و همکاری، برای اعمال شیوه‌های هماهنگ در مسائل حاد بین‌المللی که ممکن بود در حوزه نفوذ هر یک از آنها حادث شود، بودند.

حال که بشریت در نقطه عطف دیگری از تاریخ قرار گرفته، ملاحظه می‌کند که حوادثی که طی سالهای اخیر بر جامعه جهانی گذشته، به تنهایی چکیده نیم قرن و حرکت سازنده است. فروپاشی نظام سوسیالیستی در شرق، تلاش امپراتوری شوروی و حوادث ناشی از آن و همچنین جنگ خلیج فارس و ائتلاف نیروهای چند ملیتی به سرمداری آمریکا در این نبرد سرنوشت ساز فصل مهمی بود که ذهن را کد تاریخ را متلاطم کرد. در این میدان تحول، زمان آن رسیده بود که سازمان ملل متحد به عنوان تبلور حیات سیاسی جامعه جهانی، قابلیت و توان خود را در بوته آزمایش سرنوشت ساز بنهد و استعدادهای نهفته‌اش را برای تأثیرگذاری بر حیات سیاسی جهان در شرایط بحرانی متجلی سازد.

در این میان شورای امنیت سازمان ملل به عنوان مسئول اصلی حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در کشاکش رقابتهای جنگ سرد دچار رکود و سکون شده و نتوانسته بود با استفاده از اهرمهای پیش‌بینی شده در منشور، رسالت خویش را به خوبی انجام دهد، برآن شد که پس از چندین دهه کشمکش و فعل و انفعال سکان مدیریت زیست سیاسی جامعه جهانی را به دست گیرد و در پی تحقق این خواست از به نمایش نهادن خشونت‌های نظامی سرکوبگرانه نیز ابا نکرد. بدین ترتیب، شیوه‌های سنتی مداخله قهرآمیز که به مباشرت دولتها صورت می‌پذیرفت، با انجام آن تحت پوشش شورای امنیت طراوت دیگری یافت.

حضور ناظران سازمان ملل متحد بر صحنه انتخابات داخلی کشورهایی چون نامیبیا، هایتی، موزامبیک، کامبوج و ... به منظور اعلام مشروعیت نتایج آنها و خوف استقرار این رویه و اعمال آن در موارد دیگر، اصل حاکمیت ملی را از استحکام تهی کرد و رؤیای حاکمیت بلامنازع دولتها را بر هستی و حیات خود به کابوسی ناخوشایند مبدل کرد.

دخالت‌های سازمان یافته نظامی در سومالی و رواندا تحت پوشش مداخله بشردوستانه و یا خیرخواهانه ضربه دیگری به اصل عدم مداخله دولتها در امور داخلی یکدیگر وارد ساخت و این ایده را مطرح کرد که فلسفه غایبی وجودی دولتها، اجرای حقوق طبیعی انسانهای تحت حاکمیت و حراست از آن است و دولتی که تجاوز به این حقوق را فرا راه خود قرار دهد، دلیل وجودی خود را که به خاطر آن موجودیت یافته، نفی کرده است و بنابراین مشروعیت خود را در صحنه بین‌المللی مردود و بقای خود را مخاطره‌آمیز ساخته است. توجیه حق مداخله بشردوستانه به لحاظ فلسفه حقوق و تلقی آن به عنوان قاعده حقوق بین‌المللی، تنشی دیگر را بر اصل مصونیت دولتها تحمیل کرد.^{۴۰} و پوششی برای تسلط و حفظ منافع قدرتها شد.

به این ترتیب هنجارهای بین‌المللی که در گذشته مورد توجه و احترام بود از سوی گردانندگان اصلی سازمان ملل مورد تردید و حتی اعتراض قرار گرفت. در این بین چهره شورای امنیت در پس هر رویدادی نقش شد و معرفی همه این پدیده‌های نو که در پوشش مباشرت این شورا صورت می‌پذیرفت، به عنوان صلاحیتهای قانونی تزلزلی عظیم در ارکان حاکمیتها، ایجاد کرد. ایجاد مناطق امن در چارچوب مرزهای شناخته شده بین‌المللی عراق و نقض حاکمیت ملی این کشور همراه با تظاهرات نظامی گرایانه و به استناد قطعنامه‌های شورای امنیت اصل رعایت عدالت در روابط اعضای جامعه بین‌المللی را به عنوان ستون نظم بین‌المللی، متزلزل ساخت و در نهایت تمامی این تحرکات را در برابر پرسشی تاریخی قرار داد که: «آیا تمامی این اقدامات در چارچوب صلاحیتهای قانونی شورای امنیت گنجانیده شده است.»^{۴۱} به عبارتی، آیا سازمان ملل برای اولین بار در اندازه‌هایی که منشور برای آن تدوین کرده و در چارچوب اصلی خود ظاهر شده و دوران رکود ناشی از جنگ سرد را پشت سر گذاشته است؟

پطروس گالی در گزارش خود به شورای امنیت در ۱۷ ژوئن ۱۹۹۲ در این خصوص می‌گوید:

«فرصت نائل آمدن به اهداف عالی منشور، یعنی اتحادی از ملل که قادر به تحقق صلح و امنیت بین‌المللی باشد، مهیا شده است و شرایط لازم برای استقرار عدالت و پیشرفت حقوق بشر و آنچه منشور از آن به عنوان پیشرفت اجتماعی و شاخصهای ارزشمند برای زیستن در جهانی آزاد از آن یاد می‌کند، فراهم شده است. بنابراین، نباید فرصت را از دست داد و سازمان ملل نیز نباید همچون گذشته به خاطری توجهی نسبت به لحظاتی که در حال سپری شدن است دچار خسران شود.»^{۴۲}

نکته جالب آنجاست که آقای دبیرکل در حالی که در گزارش مفصل خود در چند مورد به استقرار عدالت در سایه اقدامات شورای امنیت سخن به میان می‌آورد، در جایی دیگر می‌گوید: «شورای امنیت براساس منافع اعضا عمل می‌کند و نه اجرای عدالت و ما باید درک کنیم که شورای امنیت نهادی سیاسی است و بر همین اساس بر اجرای برخی قطعنامه‌ها تأکید داشته و

پارهای از قطعنامه‌هایی که خود شورای امنیت تصویب کرده است به تأخیر افتاده و یا اصولاً اجرا نشده‌اند.»^{۴۳}

نکته‌ای که توجه به آن حائز کمال اهمیت است، آثار و تبعات اختتام جنگ، سود ناشی از تجزیه اتحاد جماهیر شوروی در روند فعالیت سازمان ملل متحد و به خصوص شورای امنیت است. در بیشتر منابع راجع به حقوق و روابط بین‌الملل به این موضوع اشاره شده که جنگ سرد فلج شدن سیستم امنیت بین‌المللی را موجب شده است. به بیان دیگر، شورای امنیت که متولی استقرار صلح و امنیت بوده به علت وجود تنش‌های ناشی از جنگ سرد قادر به تحرک و مانور و ایفای نقش واقعی خود نشده است. حال تحولات اساسی سالهای اخیر می‌تواند شورای امنیت سازمان ملل متحد را در جایگاه واقعی قرار دهد.

هر چند در این امر تردیدی نیست که سازمان ملل ناگزیر است خود را با امواج برخاسته از تحولات بین‌المللی همراه سازد، ولی پرسشی که مطرح می‌شود این است که سازمان ملل چگونه می‌خواهد خود را با شرایط جدید تطبیق دهد؟ آیا ابزار و امکانات لازم را در اختیار دارد؟ آیا با ترکیب فعلی شورای امنیت امکان حصول هدف فراهم است؟ آیا در پی برهم خوردن توازن قدرت و جابه‌جایی بازیگران عمده در صحنه بین‌المللی، نیازی نیست تا متناسب با این تغییر، در ترکیب اعضا و بازیگران عمده در شورای امنیت نیز تغییری صورت گیرد؟ آیا نباید متناسب با افزایش اعضای سازمان ملل، بر تعداد اعضای شورای امنیت به نحوی که منعکس‌کننده قدرت واقعی جامعه جهانی کشورها باشد، افزوده شود؟

قدر مسلم اینکه، تعارض و رقابت دو بلوک شرق و غرب که مانع کارایی شورای امنیت بود، اکنون وجود ندارد و با فروپاشی یکی از دو قطب قدرتمند، اینک هم قدرتهای بزرگ و هم کشورهای کوچک و جهان سوم، تمایلی زیاد به همکاری در صحنه بین‌المللی و به ویژه در چارچوب سازمان ملل از خود نشان می‌دهند. منتهی باید اذعان کرد که ساختار کنونی شورای امنیت که پنجاه سال پیش پایه‌ریزی شده نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کنونی جهان باشد؛ بنابراین، ضرورت تحول ساختاری و عملکردی شورای امنیت به شدت احساس می‌شود.

از این‌روست که به دنبال دگرگونی در ساختار نظام بین‌الملل، شورای امنیت سازمان ملل حضوری فعال‌تر و کارآمدتر در صحنه بین‌المللی پیدا کرده است و تلاشهایی صورت می‌گیرد تا ضمن رفع نقایص و کاستیهای گذشته تعدیلی در توزیع قدرت و افزایش نقش و مشارکت بیشتر اعضا فراهم آید. ضمن اینکه جریان امور به گونه‌ای در حال انجام است که کماکان نفوذ قدرتهای بزرگ به خوبی محسوس خواهد بود و این قدرتها می‌کوشند براساس تفسیر موسع از منشور و گسترش اختیارات شورای امنیت عمل کنند، طبیعی است که در این روند منافع آنان نیز بهتر تأمین می‌شود.

خلاصه مطالب

در این فصل تاریخچه سازمان ملل متحد و چگونگی شکل‌گیری آن، از نظر مراحل تاریخی، بیان شده است. سپس اساسنامه سازمان با توجه به منشور ملل متحد، هدفهای اصلی سازمان (۴ هدف) و مقایسه آنها با میثاق جامعه ملل مورد بررسی قرار گرفت.

در قسمت بعد ترکیب سازمان ملل متحد، یعنی تعداد اعضا، شرایط عضویت و ضوابط و مقررات آن، ارکان و تشکیلات آن، مجمع عمومی و کمیسیونهای ششگانه از ابعاد مختلف (بودجه، وظایف، شرایط پذیرش، ...)، توضیح داده شده است.

در جای دیگر به نقش شورای امنیت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و دیوان بین‌المللی دادگستری لاهه و ویژگیهای دادگاه لاهه اشاره شده است.

ارکان فرعی سازمان ملل متحد و شورای امنیت از نظر عملیات حفظ صلح بیان شد. و سپس به سازمانهای تخصصی وابسته به سازمان ملل متحد تحت عناوین سازمان بین‌المللی کار، یونسکو، بهداشت جهانی، فائو، صندوق بین‌المللی پول، سازمان تجارت جهانی، اتحادیه بین‌المللی مخابرات، سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان هواشناسی جهانی ... از نظر وظایف و ویژگیهای آنها به تفصیل توضیح داده شد. در پایان این فصل به ارزیابی سازمان ملل پرداخته شده و در انتها نقش سازمان ملل متحد از نظر نظم‌نوین جهانی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

خودآزمایی

۱. اساسنامه از نظر لغوی چیست؟ توضیح دهید ارتباط آن را با منشور ملل متحد بیان داشته و تحلیل کنید.
۲. سه هدف از اهداف اصلی سازمان ملل متحد را به ترتیب ذکر کنید.
۳. ارکان اصلی سازمان ملل متحد کدام است. آنها را نام ببرید و هر یک را توضیح دهید.
۴. کمیسیون حقوق بین‌الملل مربوط به کدام یک از ارکان سازمان ملل متحد است؟
الف) شورای امنیت
ب) مجمع عمومی
ج) شورای اقتصادی و اجتماعی
د) هیچ کدام
۵. برنامه جهانی غذا مربوط به کدام یک از ارکان سازمان ملل متحد است؟
الف) مجمع عمومی
ب) شورای امنیت
ج) شورای اقتصادی و اجتماعی
د) هیچ کدام
۶. شورای قیمومیت سازمان ملل متحد چیست؟ و وظایف آن کدام است؟
۷. ارکان فرعی سازمان ملل متحد را نام ببرید و آنها را توضیح دهید.
۸. ارکان فرعی سازمان شورای امنیت ملل متحد را از نظر عملیات حفظ صلح بیان کنید.

۹. فائو (F.A.O) چیست؟ وظایف آن کدام است؟
 ۱۰. ایکائو (I.C.A.O) چیست؟ وظایف آن را توضیح دهید.

یادداشتها

۱. جعفر نیاکی، حقوق سازمانهای بین‌المللی، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴، ص ۱۳۶-۱۳۷.
۲. سیدباقر میرعباسی، سازمانهای بین‌المللی، جزوه درسی، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۱۸۳.
۳. جعفر نیاکی، پیشین، ص ۱۴۹.
۴. رضا موسی‌زاده، حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: نشر باژنگ، ۱۳۷۲، ص ۱۱۱.
۵. جعفر نیاکی، پیشین، ص ۱۵۵.
۶. کلود آلبر کلیبار، سازمانهای بین‌المللی از آغاز تا کنون، ترجمه هدایت‌الله فلسفی، ج دوم، تهران: نشر فاخته، ۱۳۷۱، ص ۱۶۰.
۷. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۹۶.
۸. رضا موسی‌زاده، پیشین، ص ۱۱۷.
۹. همان، ص ۱۶۰.
۱۰. هدایت‌الله فلسفی، «شورای امنیت و صلح جهانی» مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۳۶۹، ص ۳۵-۱۰۴.
۱۱. داود آقایی، نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۷۵، ص ۱۵۲.
۱۲. رضا موسی‌زاده، پیشین، ص ۱۳۵-۱۳۳.
۱۳. همان، ص ۱۳۶.
۱۴. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۱۱۱.
۱۵. هدایت‌الله فلسفی، پیشین، ص ۷۸-۸۲.
۱۶. داود آقایی، پیشین، ص ۴۲۳.
۱۷. محمدرضا ضیایی بیگدلی، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران: نشر رشیدیه، ۱۳۶۳، ص ۲۹۱-۲۹۵.
۱۸. نسرین مصفا، راهنمای سازمان ملل متحد، ج سوم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی، ۱۳۷۴، ص ۳۹۶-۳۹۷.
۱۹. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۱۳۸.
۲۰. رضا موسی‌زاده، پیشین، ص ۲۲۷.
۲۱. سیدباقر میرعباسی، پیشین، ص ۱۴۰.
22. Gerhard von Glahn, *Law among Nations* (Massachusetts. Simon and Shuster, 1996), p. 512.
23. *Ibid*, p. 523.
۲۴. نسرین مصفا، پیشین، ص ۳۹۶-۳۹۷.
۲۵. قواعد آیین کار و هیأت تجاری و توسعه، ترجمه مسعود طارم سری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۰، ص ۶۹-۷۰.
۲۶. نسرین مصفا، پیشین، ص ۴۵۳.
۲۷. شناسنامه سازمانهای بین‌المللی، ج اول، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۲، ص ۵۵.
۲۸. آلبرشت وبر، تاریخچه سازمانهای اقتصادی بین‌المللی، ترجمه طهماسب محتشم دولتشاهی، تهران: نشر چاپار فرزندگان، ۱۳۷۰، ص ۹۱-۹۲.

۲۹. شناسنامه سازمانهای بین‌المللی، پیشین، ص ۶۷.
۳۰. آلبرشت وبر، پیشین، ص ۹۵-۹۶.
۳۱. رضا موسی‌زاده، پیشین، ص ۳۳۸.
۳۲. همان، ص ۳۴۰-۳۴۱.
۳۳. راهنمای سازمان ملل، ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۶، ص ۹۶.
۳۴. همان، ص ۹۸.
۳۵. نسرین مصفا، پیشین، ص ۳۳۶.
۳۶. راهنمای سازمان ملل، پیشین، ص ۱۰۰.
۳۷. همان، ص ۱۰۴.
۳۸. نسرین مصفا، پیشین، ص ۳۵۳.
۳۹. هوشنگ مقتدر، تحولات سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۰، ص ۲۸۶.
۴۰. محمد شریف، بررسی دکترین نامحدود بودن صلاحیت شورای امنیت، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳، ص ۱۲.
۴۱. همان، ص ۱۳.
42. Botrous Botrous Ghali, "An Agenda For Peace: Preventive Diplomacy". Peace Keeping, Report of the Secretary - General Pursuant to the Statement Adopted by the Summit meeting of the Security Council, on the 31 th January 1992 - UN, Doc, A/47/227, 5/24111, 17 June 1992, Paraz.
۴۳. بطروس غالی در مصاحبه با خبرنگاران، اطلاعات، ۱۳۷۳/۲/۱۶.

بخش سوم

سازمانهای بین‌المللی منطقه‌ای

هدفهای کلی بخش سوم

در بخش سوم با ویژگیهای سازمان بین‌المللی منطقه‌ای در سطح جهان، مانند سازمانهای اروپایی و آمریکایی و سازمانهای آسیایی و آفریقایی آشنا می‌شوید.

فصل اول

سازمانهای اروپایی و آمریکایی

هدف کلی

در این بخش با انواع سازمانهای اروپایی و آمریکایی از نظر حقوقی آشنا می‌شوید.

هدفهای آموزشی

از خواننده انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. شرایط تاریخی را بعد از جنگ جهانی اول، که باعث شکل‌گیری قدرت سیاسی و اقتصادی اروپا شد، بیان کند.
۲. جامعه اقتصادی اروپا (بازار مشترک) و عهدنامه‌های مربوط به آن را تحلیل کند.
۳. هدف از تشکیل جامعه اروپایی ذغال سنگ و فولاد را توضیح دهد.
۴. وظایف و اهداف جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای (اوراتوم) را بیان کند.
۵. تغییرات جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپا) را از نظر اعضا و چگونگی شکل‌گیری تحلیل کند.
۶. ارکان مشترک جامعه‌های اروپایی را (مانند مجمع عمومی، شورای وزیران، کمیسیون) با توجه به فعالیتها و اقدامات آن توضیح دهد.
۷. چگونگی شکل‌گیری سازمان دولتهای آمریکایی را با توجه به مراحل تاریخی بیان کند.
۸. مهمترین ارکان سازمان دولتهای آمریکایی را نام ببرد و آنها را توضیح دهد.
۹. سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) را از نظر شکل‌گیری و اعضای آن و اهداف تحلیل کند.
۱۰. ساختار ناتو را با توجه به وظایف آنها توضیح دهد.
۱۱. فعالیتهای ناتو را با توجه به سیاستهای امنیتی و استراتژیهای آن توضیح دهد.

ایجاد کند.

در این بازار مشترک، تولیدات ذغال و فولاد و آهن از هرگونه حقوق گمرکی معاف‌اند، محصولات بدون محدود کردن میزان آن در کشورهای عضو جریان دارند، اقدامات تبعیض آمیز و کمکه‌های دولتی به صنایع ملی ممنوع است و به‌طور کلی رقابت آزاد در شرایط مساوی برقرار شده است.

برای جلوگیری از پیدایش اختلال در صنایع کشورهای عضو یک دوره ۵ ساله را در نظر گرفته بودند تا در این دوره تدریجاً تعرفه‌ها و موانع گمرکی و سیستم حمایت داخلی از میان برداشته شود.

۲. جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای (اوراتوم)

توافق‌نامه جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای را ۶ کشور عضو جامعه اروپایی ذغال و فولاد در ۱۹۵۷، همزمان با تشکیل جامعه اقتصادی اروپا به امضا رساندند.

هدف و وظایف: هدف اساسی اوراتوم تأسیس صنایع هسته‌ای، تسهیل توسعه سریع آن در جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای، تشریک مساعی در بالا بردن سطح زندگی در کشورهای عضو و توسعه روابط با کشورهای دیگر است. وظایفی را که اوراتوم برای نیل به اهداف خود برعهده دارد به شرح زیر است:

الف) تشویق تحقیقات و توزیع اطلاعات فنی.

ب) برقراری موازین یکپارچه حفاظتی به منظور حفظ سلامت کارگران و عامه مردم و اطمینان از اجرای آن.

ج) تسهیل و تضمین سرمایه‌گذاری برای به وجود آوردن تأسیسات اساسی مورد نیاز جهت توسعه انرژی هسته‌ای در اوراتوم، خصوصاً از طریق مقاطعه‌کاران و مهندسان طراحان.

د) تضمین توزیع درست و مرتب مواد اولیه و محصولات هسته‌ای در کشورهای عضو.
ه) کنترل صحیح و مناسب به منظور حصول اطمینان از اینکه میزان هسته‌ای در دسترس مأموران دولتی و پیش‌بینی شده مورد استفاده قرار می‌گیرد.
و) برقراری روابط سازنده بین اعضای دیگر اوراتوم و دیگر کشورهای عضو پیشرو.
ز) آماده استفاده مسلح این انرژی هسته‌ای.

۳. جامعه اقتصادی اروپا (انجاده اروپا)

کشورهای عضو در حال و آینده اتحادیه اقتصادی اروپا، در ۱۹۵۷، توافق‌نامه ایجاد جامعه اقتصادی اروپا را امضا کردند. این توافق‌نامه در ۱۹۵۸، به تصویب پارلمان اروپا رسید.

۱۹۵۵ برای بنیانگذاری «اروپای واحد» از راه گسترش نهادهای مشترک، ادغام تدریجی اقتصادهای ملی، ایجاد یک بازار مشترک و هماهنگ کردن مرحله به مرحله سیاستهای اجتماعی از سرگرفتند. سرانجام این کوششها، امضای قرارداد ۲۵ مارس ۱۹۵۷ ژم است که به تشکیل جامعه اقتصادی اروپا و جامعه اروپایی انرژی اتمی انجامید. جامعه اقتصادی اروپا به منظور ایجاد یک بازار مشترک برای هر ۶ کشور عضو و در حقیقت تعمیم بازار مشترک فولاد و آهن به دیگر صنایع بود. در این بازار تعرفه‌های گمرکی ملی و سیاستهای حمایتی از صنایع داخلی برداشته شده و تولیدکنندگان همه دولتهای عضو بازار مشترک، یک تعرفه گمرکی واحد در برابر سایر دولتها به وجود می‌آوردند و در واقع در شرایط یک کشور واحد با دولتهای دیگر وارد معامله می‌شوند.

برای از میان بردن تعرفه‌های گمرکی داخلی، قرارداد جامعه اقتصادی اروپا مراحل را در نظر گرفته بود که در هر مرحله قسمتی از حقوق گمرکی داخلی از میان برداشته می‌شد. در اجرای این هدف تا اول ژانویه ۱۹۶۸، آزادی کامل داد و ستد در بازار مشترک تأمین شد. به همین ترتیب برای برقراری تعرفه گمرکی واحد در مقابل دولتهای دیگر راه‌حلی تعیین شد و تفاوت نرخهای گمرکی دولتهای عضو جامعه تدریجاً از میان برداشته شد.

در بازار مشترک اروپا گردش خدمات و سرمایه نیز آزاد است یعنی اتباع هر یک از دولتهای عضو می‌توانند بدون کوچکترین مانعی به سرزمین اعضای دیگر رفت و آمد کنند، به کار مشغول شوند و یا سرمایه خود را در هر منطقه از مناطق جامعه اروپایی به کار اندازند، از این گذشته، بازار مشترک سیاست کشاورزی و سیاست حمل و نقل واحدی را در نظر گرفته است. همکاری اقتصادی دولتهای عضو بازار مشترک اروپا باید سرانجام به وحدت اقتصادی این دولتها منتهی شود.

طرح مجدد اروپای واحد

سابقه عملی طرح اروپای واحد در سالهای اخیر که پس از تصویب در مجالس ۱۲ کشور عضو اتحادیه اروپا (آلمان، ایتالیا، انگلیس، بلژیک، هلند، لوکزامبورگ، اسپانیا، پرتغال، دانمارک، یونان، ایرلند و فرانسه)، از اول ژوئیه ۱۹۸۷ به اجرا درآمده است، در سال ۱۹۸۵ به اجلاس سران در کینهاک پیشنهاد شده بود که تجدیدنظر اساسی در عهدنامه سال ۱۹۵۷ ژم صورت پذیرد و متعاقب این پیشنهاد سران دولتهای عضو در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۵ در میلان فکر تجدیدنظر در عهدنامه ژم را مورد تصویب قرار دادند.

لازم به توضیح است که کشورهای اسپانیا و پرتغال تا سال ۱۹۸۶ عضو بازار مشترک نبودند و از اول ژانویه همین سال به عضویت پذیرفته شدند. به هر ترتیب تمامی کشورهای عضو یکی پس از دیگری تا ۱۹۹۲، طرح اروپای واحد را تصویب کردند. به موجب این طرح

تمامی موانع جغرافیایی، فیزیکی، گمرکی، فنی، مالی و اصولاً کلیه موانعی که به نوعی وجود یک بازار مشترک واقعی داخلی و واحد را نفی می‌کند، باید تا پایان سال ۱۹۹۲ حذف شود. به دنبال رسیدن به چنین منظوری در تاریخ مقرر، سران ۱۲ کشور عضو جامعه اروپا به همراه وزاری خارجه، خزانه‌داری و دفاع خود در نیمه دسامبر ۱۹۹۱ در شهر تاریخی ماستریخت هلند اجتماع کردند تا در یک تصمیم‌گیری مهم و تاریخی، آینده غرب اروپا و شاید تمامی اروپا را رقم بزنند. این اجلاس در حالی تشکیل می‌شد که از دو سال قبل کارشناسان و فعالان سیاسی، نظامی، مالی و حقوقی اروپای غربی مذاکرات، هماهنگیها و رایزنیهای فشرده‌ای را آغاز کرده بودند.

هدف از تشکیل اجلاس ماستریخت، پایه‌ریزی چارچوب تازه‌ای بود که اروپای غربی را به سوی یک اتحادیه فدرال متشکل از ۱۲ کشور و در مراحل بعدی تعداد بیشتری از کشورهای اروپایی سوق دهد.

طرح جنجال‌برانگیز مندرج در دستور کار اجلاس ماستریخت شامل به جریان انداختن یک پول واحد اروپایی، یک بانک مرکزی واحد، یک سیاست خارجی واحد و یک ارتش واحد اروپایی، به قیمت از بین رفتن پولهای رایج در هر یک از کشورهای عضو، از بین رفتن سیاستهای مالی، خارجی و دفاعی هر کشور و قرار گرفتن تمام نیروهای نظامی کشورهای عضو تحت یک فرماندهی واحد اروپایی می‌شود.

چنانچه پیش‌بینی شده است، اگر وحدت اروپا در همه ابعاد تحقق یابد، اتحادیه اروپا با بیش از ۳۴۰ میلیون نفر جمعیت در مقایسه با آمریکا ۲۲۶ میلیون و ژاپن ۱۲۰ میلیون نفر جمعیت، بزرگترین قطب اقتصادی - تجاری جهان خواهد بود که بازاری فعال و قدرتمندتر از بازار آمریکا و ژاپن در صحنه جهانی به شمار می‌آید و با ایجاد این بازار واحد، حقوق گمرکی، محدودیتهای کمی و سهمیه‌بندیها در معاملات بین کشورهای عضو حذف خواهد شد و این کشورها به صورت یک قدرت تجاری و طرف معامله واحد، با قوانین مشترک در برابر سایر کشورها عرض اندام خواهند کرد. در اروپای بدون مرز هرگونه محدودیتی در خصوص جابه‌جایی افراد، سرمایه، کالا و خدمات برداشته خواهد شد، در حالی که برخورداری از مزایای سیستم رقابت آزاد اقتصادی، اساس این بازار واحد و بزرگ است.

اهداف اروپای واحد در بعد اقتصادی عبارت‌اند از: رشد و توسعه متناسب و مداوم اروپا، ارتقای سطح زندگی اروپاییان، جابه‌جایی آزاد اتباع اروپا، امکان تأسیس آزاد شرکت توسط اتباع اروپای واحد در هر یک از کشورهای عضو، تعیین قیمت مشترک برای کالاهای صادراتی، دستیابی به تکنولوژی پیشرفته، ایجاد یک سیستم واحد و هماهنگ مالیاتی و ایجاد پول واحد اروپایی که توان مقابله با ارزهای قوی را داشته باشد.

در بعد نظامی و دفاعی نیز با توجه به تمایلات فرانسه، آلمان و ایتالیا و بلژیک،

برنامه‌ریزی در جهت یک نیروی دفاعی - امنیتی مستقل اروپایی که یک سیاست نظامی واحد را برای اروپای متحد به وجود آورد و بتواند راه را برای یک سیاست خارجی مستقل اروپایی هموار سازد، شدیداً از حمایت افکار عمومی اروپاییان برخوردار خواهد بود.

مرکز اتحادیه اروپا شهر بروکسل است. این اتحادیه نیز چون جامعه اروپایی ذغال و فولاد دارای چهار رکن شورای وزیران، کمیسیون، پارلمان اروپایی و دادگاه است که در زیر به توضیح آنها خواهیم پرداخت.

ارکان مشترک جامعه‌های اروپایی

همان گونه که در گذشته گفته شد، «جامعه‌های اروپایی» شامل اتحادیه ذغال و فولاد، جامعه انرژی اتمی اروپا و جامعه اقتصادی اروپا (اتحادیه اروپا) است. این سازمانها در زمان تأسیس، دارای ارکان متفاوت و جداگانه بودند، اما از اول ژوئیه ۱۹۶۵ تصمیم گرفته شد که از شروع سال ۱۹۶۷، ارکان اصلی آنها با یکدیگر ادغام شود. بدین طریق، اگرچه هر یک از سه جامعه اروپایی، به اقتضای خود، دارای تشکیلات و واحدهای تخصصی جداگانه‌ای هستند، ولی ارکان اساسی آنها (مجمع عمومی، شورای وزیران، کمیسیون و دیوان دادگستری) مشترک شد و این ارکان اداره و کنترل هر سه جامعه را عهده‌دار شدند.

۱. مجمع عمومی (پارلمان اروپایی)

پارلمان اروپایی نشانه احساسات و افکار عمومی مردم کشورهای عضو جامعه است. این پارلمان مجلسی مشورتی است که وظیفه نظارت و بازرسی را نیز برعهده دارد و نقش آن دادن مشورت درباره بسیاری از برنامه‌ها و طرحها، ارائه پیشنهادها، سؤال از کمیسیون، نظارت بر فعالیتها و اقدامات کمیسیون و شورای وزیران و انتقاد و ایجاد تفاهم بین نمایندگان کشورهای عضو است.

پارلمان اروپایی یا مجمع عمومی مرکب از نمایندگان مردم کشورهای عضو جامعه‌های سه‌گانه است و اعضای آن را پارلمانهای کشورهای عضو، به ترتیبی که هر یک برای خود تعیین می‌کنند از میان نمایندگان پارلمان ملی برمی‌گزینند و هر گاه مدت نمایندگی آنان در پارلمان کشور خود به پایان برسد، نتیجتاً عضویت آنها در پارلمان اروپایی هم خاتمه یافته تلقی می‌شود، اما در عهدنامه ۱۹۵۷ ژم پیش‌بینی شده است که در صورت اقتضای وجود، نمایندگان پارلمان اروپایی، مستقیماً از طرف مردم کشورهای عضو، تحت شرایط و مقررات واحدی انتخاب خواهند شد.

نمایندگان پارلمان اروپایی به ترتیب زیر از سوی پارلمانهای کشورهای عضو انتخاب

مجموعه‌ای

الف) آلمان، انگلستان، ایتالیا و فرانسه هر یک ۳۶ نماینده.

ب) بلژیک و هلند هر یک ۱۴ نماینده.

ج) ایرلند و دانمارک هر یک ۱۰ نماینده.

د) لوکزامبورگ ۶ نماینده.

سایر کشورهای اروپایی عضو جامعه اروپایی نیز متناسب با وسعت، جمعیت و قدرت اقتصادی، در مجمع عمومی نماینده خواهند داشت.

همچنین مجمع عمومی نظیر پارلمانهای ملی، دارای کمیته‌های تخصصی است که مسائل مربوطه را بررسی می‌کند. این کمیته‌ها شامل امور سیاسی، امور اقتصادی، امور مالی و بودجه، امور اجتماعی، امور حقوقی، امور کشاورزی، انرژی و امور مربوط به تحقیقات اتمی، ترابری، امور وابستگی یونان، امور وابستگی ترکیه و امور کشورهای اقیانوس آرام می‌شوند.

۲. شورای وزیران

این شورا مرکز اصلی و مغز جامعه اروپایی به شمار می‌رود و قدرت تصمیم‌گیری در این جامعه اصولاً به عهده شورا است.

وظایف اصلی شورا شامل

الف) تحقق بخشیدن به هدفهای تعیین شده در عهدنامه‌های پایه.

ب) تعیین خط مشی و سیاستهای جامعه اروپایی.

ج) ایجاد هماهنگی در سیاستهای عمومی اقتصادی کشورهای عضو.

د) تحقق بخشیدن به انتخابات مستقیم پارلمانی و تنظیم مقررات یکسان انتخاباتی.

همچنین شورا از نمایندگان کشورهای عضو که سمت وزارت دارند، تشکیل می‌شود و با وجود شرکت دو یا سه وزیر از هر کشور در شورا، هر کشور دارای یک رأی است. در جلسات تخصصی (شورای کشاورزی، حقوقی و غیره) تنها وزیر مربوطه شرکت می‌کند.

رئیس شورا بالاترین مقام تشریفاتی جامعه اروپایی است و اعتبارنامه نمایندگان سیاسی کشورهای غیر عضو را دریافت می‌کند. ریاست شورا به نوبت تعیین می‌شود و هر شش ماه یک بار به عهده یکی از کشورهای عضو است. همزمان با ریاست هر یک از کشورها، کشوری که در نوبت بعدی قرار گرفته است، مقام معاونت را به عهده خواهد داشت.

«شورا همچنین اختیار وضع مقررات و انعقاد قراردادهای مالی، اتخاذ سیاستهای لازم در زمینه‌های کشاورزی، آزادی نقل و انتقال کالاها و خدمات و سرمایه و نظایر آن را دارد. مذاکرات مقدماتی برای انعقاد قرارداد با سازمانهای بین‌المللی و با کشورهای غیر عضو، همچنین مذاکراتی برای انعقاد قراردادهای همکاری اقتصادی با کشورهای غیر عضو را نیز انجام می‌دهد.»

خواهد داشت.^۱

علاوه بر موارد مذکور، شورا دارای کمیته‌هایی نیز هست. هر کشور عضو در نزد جامعه‌های اروپایی دارای هیأت نمایندگی دائمی است. مجموع این نمایندگان دائمی، کمیته‌ای را تشکیل می‌دهند که به کمیته دائمی موسوم است. وظیفه اصلی کمیته، فراهم آوردن مقدمات تشکیل جلسات شورا و نظارت بر اجرای تصمیمات آن است.

۳. کمیسیون

کمیسیون جامعه‌های اروپایی رکن مستقلی از دولتهای عضو و حافظ منافع کلی جامعه است. این کمیسیون که از ۱۴ نفر تشکیل می‌شود، وظیفه اصلی آن تأمین کارکرد درست و پیشرفت امور جامعه اروپایی است و اختیارات زیر را داراست:

الف) مراقبت در اجرای مقررات جامعه اروپایی.

ب) تنظیم توصیه‌نامه، ارائه پیشنهاد و ابراز نظریه.

ج) اخذ تصمیم در حدود اختیارات و شرکت در تصمیم‌گیری شورا.

د) اجرای اختیاراتی که از سوی شورا به آن تفویض می‌شود.

«همچنین همان طور که اشاره شد، کمیسیون مرکب از ۱۴ نفر است که با توافق مشترک کشورهای عضو، برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنها بلامانع است. اعضای کمیسیون باید از بین اتباع کشورهای عضو انتخاب شوند ولی در زمان واحد نباید بیش از ۲ نفر از اتباع یک کشور در کمیسیون عضویت داشته باشند. اعضای کمیسیون به «کمیسیونر» معروف‌اند.»^۲

ماده ۹ عهدنامه ۱۹۵۱ پاریس برای کمیسیون، شخصیت فوق ملی قائل شد علت آن این است که کمیسیونرها دارای استقلال عقیده هستند و این استقلال سبب می‌شود که به جای الزام در پیروی از دستور دولت خود، برای رعایت منافع آن کشور، در جهت حفظ منافع جامعه‌های اروپایی اقدام کنند.

کمیسیون دارای یک رئیس و پنج نایب رئیس است که با توافق کشورهای عضو، برای مدت دو سال انتخاب می‌شوند و تجدید انتخاب آنها نیز بلامانع است.

۴. دیوان دادگستری اروپایی

دیوان دادگستری اروپایی، قوه قضاییه جامعه‌های سه‌گانه اروپایی محسوب می‌شود و نقش مهمی در پیدایش و توسعه «حقوق جامعه‌های اروپایی» برعهده دارد.

وظایف دیوان شامل:

الف) رسیدگی به دعاوی راجع به غیرقانونی بودن اقدامات شورای وزیران و کمیسیون در

این موارد نه تنها هر یک از ارکان جامعه‌های اروپا و کشورهای عضو حق شکایت به دیوان را دارند، بلکه مؤسسات خصوصی و اشخاص حقیقی یا حقوقی نیز که از تصمیمات شورای وزیران یا کمیسیون متضرر شده‌اند نیز می‌توانند به دیوان شکایت کنند.

ب) رسیدگی به دعاوی کمیسیون یا هر یک از کشورهای عضو علیه کشور عضوی که به تعهدات و وظایف خود عمل نکرده است.

ج) رسیدگی به تخلفات کمیسیونرها.

د) رسیدگی به تقاضای استیناف کارکنان جامعه‌های اروپایی.

ه) تطبیق قراردادهای منعقد شده بین جامعه‌های اروپایی و کشورهای غیرعضو، یا سازمانهای بین‌المللی یا مفاد عهدنامه‌های جامعه.

و) رسیدگی به صحت قراردادهایی که بین جامعه و شرکتها به امضاء می‌رسد.

ز) تفسیر عهدنامه‌های جامعه‌های اروپایی و اسنادی که بر مبنای آنها تنظیم می‌شود، بنابر تقاضای دادگاههای ملی کشورهای عضو و به منظور اجتناب از پیدایش تفسیرهای مختلف در دادگاههای کشورهای عضو.

علاوه بر موارد مذکور، «دیوان دادگستری از ۹ قاضی تشکیل می‌شود. همچنین چهار دادستان دارد که کاملاً مستقل هستند. قضات و دادستانها، از میان اتباع کشورهای که دارای صلاحیت حقوقی هستند، با اتفاق آرای کشورهای عضو، برای یک دوره ۶ ساله انتخاب می‌شوند به ترتیبی که در هر سه سال متناوباً تعدادی از قضات دوره جدید انتخاب می‌شوند. تنظیم دوره خدمت دادستانها نیز طوری است که هر سه سال دو نفر برای دوره جدید انتخاب می‌شوند.»^۳

رئیس دیوان از میان قضات برای مدت سه سال انتخاب می‌شود و تجدید انتخاب او بلامانع است. مرکز دیوان در لوکزامبورگ است.

۵. شورای اروپایی

ارکان اصلی جامعه‌های اروپایی همان است که ذکر شد، ولی دولتها برای اینکه گامهای مؤثرتری در راه تحقق وحدت اروپا بردارند، سعی کردند تا به جنبه سیاسی نیز توجه بیشتری شود؛ از این رو به طور ضمنی تأسیس شورای اروپایی را که عالیت‌ترین رکن سیاسی جامعه به شمار می‌رود، پذیرفتند. شورای اروپایی را می‌توان به ارکان اصلی جامعه اروپایی افزود.

نخستین جلسه شورای اروپایی بعد از چندین اجلاس و کنفرانس، سرانجام در سال ۱۹۷۵، تشکیل شد و رسماً اعلام موجودیت کرد. این شورا مرکب از رؤسای دولتهای عضو است و به دعوت و ریاست کشوری که در هر زمان نوبت ریاست شورای وزیران را برعهده دارد، با شرکت رئیس کمیسیون اروپایی تشکیل می‌شود.

زیر نظر شورای مدیریت کار می‌کرد.

نظام بوگوتا

در نهمین کنفرانس اتحادیه که در سال ۱۹۴۸ در بوگوتا (Bogota) تشکیل یافت، در اساسنامه اتحادیه تغییراتی داده شد که تا با مقررات منشور ملل متحد تطبیق داده شود. در همین کنفرانس بود که نام رسمی اتحادیه نیز به نام «سازمان کشورهای آمریکایی» به «سازمان دولتهای آمریکایی» برگردانده شد. کنفرانس فوق‌العادهٔ سازمان در بوئنوس آیرس، نوامبر ۱۹۶۷ بازمهم تغییرات در منشور سازمان وارد کرد.

مهمترین ارکان سازمان عبارت‌اند از:

۱. کنفرانس دولتهای آمریکایی که بالاترین رکن سازمان است و نمایندگان همه دولتهای عضو در آن شرکت دارند. کنفرانس هر سال یک بار تشکیل می‌شود و برای اجلاسهای فوق‌العاده نیز ممکن است دعوت به عمل آید.
۲. کنفرانس مشورتی و وزرای امور خارجه کشورهای عضو که بدون داشتن تاریخ معین و پیش‌بینی قبلی در مواقع ضروری تشکیل می‌شود.
۳. شورای مدیریت متشکل از نمایندگان اعزامی کشورهاست، که در حد سفیر مقام دارند. این شورا عهده‌دار اجرای تصمیمات کنفرانس مشورتی و وزرای امور خارجه است و در مواقع ضرورت می‌تواند برای رفع اختلاف دولتهای عضو سازمان تصمیم بگیرد. این شورا از زمان کنفرانس بوئنوس آیرس ۱۹۶۷، دائمی شده است. شورای مدیریت خود دارای سه شورای فرعی، شامل شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای حقوقی و شورای فرهنگی است.
۴. دبیرخانه که در سازمان به نام «اتحادیه پان‌آمریکایی» خوانده می‌شود، رکن دائمی و مرکزی سازمان است که در واشینگتن قرار دارد. دبیرکل را که مسئول اداره سازمان است برای مدت یک سال شورای مدیریت انتخاب می‌کند. دبیرکل و شورای دبیران سازمان سازمان گاوچریا

همکاری بین اقتصادی کشورهای آمریکایی

مردمان و صنعتی و مینکایی علمی غم نالاشی که در نوع، مزایای و معنای اقتصادی و رفیع
 و با کلاس، علم در این زمینه کرده، به طور کلی از جهت نبود و عدم این کشورها و پیشرفت
 و توسعه علمی و صنعتی و مینکایی علمی غم نالاشی که در نوع، مزایای و معنای اقتصادی و رفیع

[illegible]

یک بانک آمریکایی توسعه نیز در ۱۹۵۹ تأسیس یافت که گرچه وابسته به سازمان کشورهای آمریکایی نیست، ولی به رهبری آمریکا هدف خود را کمک به توسعه و تحول اقتصادی کشورهای این منطقه تعیین کرده است. در سال ۱۹۶۱، جان اف کندی رئیس جمهور آمریکا برنامه بزرگ اقتصادی خود به نام «اتحاد برای پیشرفت» را که برای بهبود وضع اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین طرحریزی شده بود، به تصویب کنفرانس «پونتادل استه» در اروگوئه رسانید. به موجب منشور اتحادیه، این برنامه کوششی بزرگ در راه تأمین زندگی بهتر برای تمام مردمان قاره خواهد بود. منشور همچنین دموکراسی از طریق انتخابات آزاد را بهترین طریقه تأمین سعادت و رفاه مردم خوانده بود. برای رسیدن به اهداف مندرج در طرح، اعتباری به مبلغ ۲۰ میلیارد دلار از سوی ایالات متحده آمریکا تأمین شد که به کمک آن سایر دولتهای آمریکایی عضو اتحادیه بتوانند رشد اقتصادی خود را با آهنگ ۲٫۵ درصد در سال افزایش دهند. طرح اتحاد برای پیشرفت با یادآوری و اعلام اصول دموکراسی پارلمانی و تأکید بر حیثیت انسانی اهداف امضاکنندگان را به شرح زیر خلاصه کرده است:

سرعت بخشیدن به جریان توسعه اقتصادی و اجتماعی، مبارزه با بی سوادی، اصلاحات ارضی، اصلاحات مالی، توزیع عادلانه درآمدها، ایجاد وضعی عادلانه جهت کار و دستمزد، تشویق بخش خصوصی، تثبیت قیمتها و خصوصاً مبارزه با تغییر متناوب قیمت فراوردههای صادراتی عمده کشورهای آمریکای لاتین.

اقداماتی که در ۱۹۶۱ در این قلمرو به عمل آمد، اقداماتی است قابل اهمیت. با این همه، تحقق اهداف مزبور با ناکامیهای روبهرو بود، زیرا در راه رسیدن به مقصود صرفنظر از مشکلات اقتصادی، به معنای خاص کلمه، مشکلات سیاسی عدیدهای وجود داشت که از جنبشهای آزادیبخش پدید آمده در آمریکای لاتین ناشی می شد، وانگهی در این میان وقایع کوبا و محکومیت سیاست این کشور در ۱۹۶۲ نیز بر حجم این مشکلات می افزود.

در کنفرانس ریو دو ژانیرو در سال ۱۹۶۵، که از رهبران کشورهای آمریکایی تشکیل شد، تصمیم گرفته شد که مدت منشور «اتحاد برای پیشرفت» تا زمانی که لازم باشد تمدید شود و به علاوه وحدت اقتصادی کشورهای در حال رشد در آمریکای لاتین و ایجاد یک بازار مشترک را برای آنها پیش بینی کرد.

در این کنفرانس مقرر شد که کمکهای مالی باید به کشورهایی تخصیص یابد که در قاره آمریکا از همه عقب مانده ترند. ضمن اینکه کنفرانس ریو هدف اصلی سازمان کشورهای آمریکایی را در ادغام اقتصادی و اجتماعی تبیین و اصول کلی آن را ترسیم کرده است؛ معذالک شرایط خاص اجتماعی کشورهای آمریکایی، فاصله زیاد طبقاتی، عدم ثبات سیاسی، استقرار حکومتهای نظامی تا این اواخر و حمایتی که ایالات متحده از این حکومتها می کرد، مانع از پیشرفت اقتصادی و اجتماعی آنها شده است.

سازمان پیمان آتلانتیک شمالی - ناتو

اتحادیه آتلانتیک، بر پایه پیمان آتلانتیک شمالی ۱۹۴۹، به عنوان اتحادیه سیاسی و نظامی دفاعی از گروهی از دولتهای اروپایی و ایالات متحده آمریکا و کانادا تأسیس شد. هدف اتحادیه فراهم آوردن امنیت مشترک برای اعضای خود از راه همکاری و مشاوره در امور سیاسی، نظامی و اقتصادی و نیز دیگر جنبه‌های علمی و غیرنظامی است. اهداف اتحادیه را ناتو به اجرا می‌گذارد.

«پس از فروپاشی حکومت‌های کمونیستی در اروپای مرکزی و شرقی، از ۱۹۸۹ به بعد و انحلال پیمان ورشو (که مهمترین دشمن ناتو به شمار می‌رفت) در ۱۹۹۱، ناتو به تغییر شکل بنیادین ساختارها و سیاست‌های خود دست زده است تا با چالش‌های نوین امنیتی در اروپا برخورد کند.»^۴

اعضای ناتو عبارت‌اند از:

اسپانیا	ایسلند	بلژیک
ترکیه	ایتالیا	کانادا
انگلستان	لوکزامبورگ	دانمارک
ایالات متحده آمریکا	هلند	آلمان
	نروژ	یونان
	پرتغال	فرانسه

شایان ذکر است که یونان و ترکیه در ۱۹۵۲ و آلمان فدرال در ۱۹۵۵ به این پیمان پیوستند. فرانسه در ۱۹۶۶ از ساختار نظامی یکپارچه ناتو کناره‌گیری کرد، هر چند همچنان عضو اتحادیه آتلانتیک باقی ماند. در ۱۹۹۶ فرانسه مشارکت خود را در برخی و نه همه ارگانهای نظامی ناتو از سر گرفت. اسپانیا در ۱۹۸۲ به این پیمان پیوست، اما از ساختار نظامی یکپارچه آن بیرون ماند؛ در ۱۹۹۶ حکومت اسپانیا تصمیم گرفت تا به‌طور کامل در ساختار نظامی اصلاح شده ناتو مشارکت جوید.

درباره چگونگی ایجاد این سازمان نیز باید گفت که در اوایل سال ۱۹۴۸ کشورهای بریتانیا، فرانسه و اعضای بنه‌لوکس (بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) معاهده بروکسل را بستند که پایه و اساس سیستم دفاع جمعی اروپایی را پی‌ریزی می‌کرد. در تابستان ۱۹۴۸ نمایندگان امضاکننده معاهده بروکسل رشته مذاکراتی را با کشورهای آمریکا و کانادا آغاز کردند که منجر به بستن معاهده آتلانتیک شمالی در ۴ آوریل ۱۹۴۹ شد، و از دولتهای ایتالیا، نروژ، پرتغال و دانمارک نیز برای امضا دعوت به عمل آمد. بعدها کشورهای دیگری نیز به آن پیوستند و تعداد اعضای آن را به شمار کنونی (۱۶ عضو) رساندند.

اهداف پیمان

برخلاف اتحادیه اروپای غربی شامل (بریتانیا، فرانسه و اعضای بنه‌لوکس) که در اصل برای مقابله با خطر تازه از سوی آلمان پدیده آمده بوده، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی برای جلوگیری از گسترش نفوذ شوروی و مقابله با قدرت آن بنیاد نهاده شد.

منشور سازمان مزبور برای سازگاری با مقررات سازمان ملل متحد، که ایجاد سازمانهای منطقه‌ای دفاعی را مجاز شناخته است، می‌گوید که سازمان ناتو یک پیمان دفاعی است. ماده پنج منشور هم اعلام می‌کند که در صورت حمله مسلحانه به یکی از اعضای پیمان، هر یک از اعضای دیگر برای تأمین امنیت به‌طور جمعی کمکهای لازم از جمله به کار بردن قوای نظامی را به عضوی که سرزمینش مورد هجوم قرار گرفته، ارائه خواهد کرد.

منشور سازمان پیمان آتلانتیک پیش‌بینیهایی نیز برای همکاریهای اقتصادی دولتهای عضو به عمل آورده است، ولی در هر حال اساس پیمان، سیاسی - نظامی است و به همین جهت نیز این سازمان در هنگام تشکیل، از سوی شوروی پیشین و متحدانش به عنوان ارگانی جنگ، طلب به شدت مورد حمله قرار گرفت.

ساختار ناتو

شورای آتلانتیک شمالی: شورا که بالاترین مرجع اتحادیه است، از نمایندگان ۱۶ دولت عضو تشکیل می‌شود. شورا در سطح نمایندگان دائم، وزرای امور خارجه، یا سران دولتها یا حکومتها تشکیل جلسه می‌دهد. شورا در همه سطوح دارای اختیار سیاسی و تصمیم‌گیری لازم‌الرعایه است. اجلاس وزرا دست‌کم سالی دوبار تشکیل می‌شود و در سطح نمایندگان دائم شورا دست‌کم هفته‌ای یک جلسه دارد.

دبیرکل ناتو رئیس شورا است، و هر سال وزیر خارجه یک دولت عضو، بر پایه فهرست الفبایی کشورها، به عنوان رئیس افتخاری معرفی می‌شود.

تصمیمات با رضایت مشترک گرفته می‌شوند نه با اکثریت آرا. شورا مجمعی برای مشاوره گسترده میان حکومتهای عضو درباره مسائل اساسی، از جمله موضوعات سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره است و آن را کمیته سیاسی، کمیته نظامی و دیگر نهادهای تابع پشتیبانی می‌کند.

کمیته برنامه‌ریزی دفاعی: بیشتر مسائل دفاعی در کمیته برنامه‌ریزی دفاعی بررسی می‌شوند، این کمیته از همه کشورهای عضو بجز فرانسه تشکیل می‌شود. کمیته به مقامات نظامی ناتو رهنمود می‌دهد. و در چارچوب مسئولیتهای خود، همان وظایف و اختیارات شورا را دارد. کمیته همه چیز را تأیید و دستور می‌دهد. مسئولان نظامی می‌توانند در مسائل در سطح زیرین تصمیم‌گیری کنند. شورا و کمیته سیاسی و نظامی در کنار هم به عنوان یک نهاد واحد عمل می‌کنند.

عضو را برعهده می‌گیرند.

دیگر کمیته‌ها: کمیته‌های دیگری نیز برای امور سیاسی، اقتصادی، مسائل هسته‌ای، تسلیحات، بررسی دفاعی، علمی، محیط زیست، زیربنایی، لجستیک، ارتباطات، برنامه‌ریزی غیرنظامی اضطراری وجود دارند، علاوه براین، کمیته‌هایی دیگر موضوعات تخصصی همچون خطوط لوله ناتو، هماهنگ سازی فضای هوایی اروپا، و غیره را بررسی می‌کنند. از ۱۹۹۲، بیشتر این کمیته‌ها به‌طور منظم با نمایندگانی از کشورهای اروپای مرکزی و شرقی مشاوره می‌کنند.

دبیرخانه بین‌المللی: دبیرکل، رئیس شورای آتلانتیک شمالی، کمیته برنامه‌ریزی دفاعی، گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای، و کمیته چالش‌های جامعه نوین است. وی رئیس دبیرخانه بین‌المللی و کارکنانی است که از کشورهای عضو برگزیده شده‌اند.

دبیرکل مسائلی را برای مشاوره ناتو پیشنهاد می‌کند و معمولاً مسئول پیشبرد مشاوره و همکاری مطابق با مفاد پیمان آتلانتیک شمالی است. وی اختیار دارد در موارد مناقشه میان کشورهای عضو، به‌طور غیررسمی کمک خود را برای تسهیل رویه‌هایی برای حل و فصل اختلاف ارائه کند. دبیرخانه ناتو در بروکسل بلژیک و دبیرکل کنونی آن دکتر خاویر سولانا مادریاگا از اسپانیا است.

ساختار نظامی

کمیته نظامی: کمیته نظامی از فرماندهان کل متحد یا نمایندگان همه کشورهای عضو تشکیل می‌شود و بالاترین نهاد نظامی در ناتو در زیر اقتدار شورا است. کمیته دست‌کم سالی دوبار در سطح فرماندهان کل تشکیل جلسه می‌دهد و در نشست دائمی با نمایندگان نظامی دائمی است. کمیته مسئول ارائه توصیه به شورا و کمیته برنامه‌ریزی دفاعی، درباره امور نظامی است و مسئول ارائه رهنمود به فرماندهان عالی متحد و مراجع نظامی تابع درباره مسائل نظامی است.

فعالیت‌های ناتو

سیاست امنیتی مشترک اعضای اتحادیه آتلانتیک شمالی حراست از صلح از راه حفظ همبستگی سیاسی و دفاع مناسب و بسنده در پایبترین سطح نیروهای نظامی لازم برای بازدارندگی از همه اشکال احتمالی تجاوز است. هر سال، کشورهای عضو در یک بازنگری دفاعی شرکت می‌جویند که به قصد ارزیابی کمک آنها به دفاع مشترک در ارتباط با توانمندیها و محدودیت‌های مربوط به هر یک است.

«از ۱۹۸۰ این اتحادیه به‌طور فعالی در هماهنگ سازی سیاست‌های کنترل تسلیحات و

مسائل خلع سلاح شرکت داشته است تا کاهشهای مذاکره شده در نیروهای متعارف، نیروهای هسته‌ای میان برد و کوتاه برد و نیروهای تسلیحاتی استراتژیک پدید بیاورد.^۵

مشاوره‌های سیاسی در چارچوب اتحادیه درباره همه مسائل که منافع امنیتی مشترک اعضا را متأثر می‌سازد و رویدادهایی که در بیرون از حوزه پیمان آتلانتیک شمالی هستند، به طور منظم زیر نظر شورای آتلانتیک شمالی، صورت می‌گیرد.

استراتژی نظامی نوین ناتو پس از جنگ سرد، به دنبال دو توافق مهم در کمیته نظامی در ۱۹۹۰ مدون شد. این استراتژی بر پایه حفظ منافع ناتو از راه ایجاد ثبات پایه‌ریزی شد.

در این توافقها مسأله چند ملیتی بودن نیروها و شراکت بیشتر کشورها مورد اتفاق نظر واقع شد و نیروهای ویژه‌ای به منظور واکنش سریع که در قیاس از لحاظ کمی بسیار اندکتر از نیروهای سنتی ناتو بودند، ولی میزان آمادگی آنها به مراتب بالاتر بود، شکل گرفت.

در طبقه‌بندی نیروهای ناتو، این سازمان برای استراتژی نوین خود سه طبقه نیرو تحت عناوین «نیروهای اصلی دفاعی»، «نیروهای واکنشی»، «نیروهای اضافی» در نظر گرفت و بدین صورت، در طبقه‌بندی تشکیلات نظامی خود، کاهش چشمگیر را از لحاظ شمار پرسنل به وجود آورد تا بدین ترتیب، بار بودجه دفاعی متعاهدان را کاهش دهد.

تأسیس شورای همکاری آتلانتیک شمالی

«شورای همکاری آتلانتیک شمالی در دسامبر ۱۹۹۱ به عنوان بخشی تجزیه‌ناپذیر از مفهوم استراتژیک نوین ناتو تأسیس شد، تا مجمعی برای مشاوره درباره مسائل سیاسی و امنیتی با کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، از جمله جمهوریهای شوروی پیشین فراهم آورد.»^۶ تمرکز اصلی مشاوره در چارچوب این شورا به مسائل سیاسی و امنیتی مربوط می‌شود، و همکاری عملی بیشتر در مسائل اقتصادی، و نشر اطلاعات و موضوعات علمی و زیست محیطی، در آنجا صورت می‌گیرد.

از فعالیتهای تازه دیگر ناتو، عملیات (حفظ صلح) است که اخیراً در مناطقی چون بوسنی و هرزگوین صورت گرفته است. روی هم رفته ناتو به سوی همکاری بیشتر با سازمان ملل متحد پیش می‌رود.

خلاصه مطالب فصل اول بخش سوم

در این فصل شرایط تاریخی را، که بعد از جنگ جهانی اول باعث شکل‌گیری سازمانهای اروپایی و آمریکایی شد، مورد بحث و بررسی قرار داده است. در ابتدا، سازمانهای اروپایی، مانند جامعه اروپایی ذغال سنگ و فولاد و جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای از نظر وظایف و اهداف مورد تحلیل قرار گرفته و سپس ارکان مشترک جامعه اروپایی، یعنی مجمع عمومی، شورای وزیران و

کمیسیونهای مربوط به هر یک از نظر اهداف و وظایف بیان شده است. در قسمت دیگر این فصل به سازمان دولتهای آمریکایی از نظر مراحل تاریخی و چگونگی ایجاد آن پرداخته و ارکان این سازمان را به تفصیل بیان کرده است. بحث دیگر این فصل سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) بود که با توجه به اهداف و وظایف و اعضای آن و تغییراتی که در این سازمان به وجود آمده به خصوص از نظر ساختار سازمانی صورت گرفت. و در پایان به فعالیتهای ناتو از نظر استراتژیها و سیاستهای خاص آن پرداخته شده است.

خودآزمایی فصل اول بخش سوم

۱. چرا سازمانهای اروپایی مانند جامعه اقتصادی اروپا به وجود آمدند؟
۲. وظایف و اهداف جامعه اروپایی انرژی هسته‌ای را توضیح دهید.
۳. ارکان مشترک جامعه‌های اروپایی را نام ببرید.
۴. چگونه سازمان دولتهای آمریکایی شکل گرفت؟ از نظر تاریخی تحلیل کنید.
۵. مهمترین ارکان سازمان دولتهای آمریکایی را نام ببرید و آنها را توضیح دهید.
۶. ناتو چیست؟ چگونه به وجود آمد؟ اهداف آن چیست؟

یادداشتها

۱. جعفر نیاکی، حقوق سازمانهای بین‌المللی، ج اول، انتشارات دانشگاه ملی ایران، تهران: ۱۳۵۴، ص ۴۷۹.
۲. همان، ص ۴۸۱.
۳. همان، ص ۴۸۸.

4. *The Europa Year Book 1997*, Vol. 1, (England: Europa Year Book Ltd, 1997), p. 196.
5. *Ibid*, p. 197.
6. *Ibid*, p. 198.

فصل دوم

سازمانهای آسیایی و آفریقایی

هدف کلی

در این فصل با انواع سازمانهای آسیایی و آفریقایی از نظر حقوقی آشنا می‌شوید.

هدفهای آموزشی

از خواننده انتظار می‌رود پس از مطالعه این فصل بتواند:

۱. تشکیل سازمان کنفرانس اسلامی را با توجه به ویژگیهای آن توضیح دهد.
۲. ساختار سازمان کنفرانس اسلامی را جهت اعضا بیان کند.
۳. اهداف سازمان کنفرانس اسلامی را که در سال ۱۹۷۲ به تصویب رسید نام ببرد و توضیح دهد.
۴. ارکان سازمان کنفرانس اسلامی (سران دولتها، وزرای امور خارجه، دبیرخانه، دیوان بین‌المللی) را توضیح دهد.
۵. کمیته‌های تخصصی سازمان کنفرانس اسلامی (کمیته قدس، همکاری اقتصادی و بازرگانی، اطلاعاتی و فرهنگی، همکاری علمی و تکنولوژیک) را توضیح دهد.
۶. همکاری سازمان کنفرانس اسلامی را با سازمان ملل متحد توضیح دهد و زمینه‌های همکاری که در قطعنامه آمده است نام ببرد.
۷. از نحوه همکاری سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان ملل متحد چه نتیجه‌گیری می‌توان کرد آن را تحلیل کند.
۸. شکل‌گیری اتحادیه دولتهای عربی (اتحادیه عرب) را به عنوان یک سازمان حقوقی توضیح دهد.
۹. ساختار اتحادیه عرب را توضیح داده و انواع کمیته‌های آن را نام ببرد.
۱۰. آژانسهای تخصصی اتحادیه عرب مانند سازمان توسعه اداری، انرژی اتمی، بانک توسعه

اقتصادی را توضیح دهد.

۱۱. سازمان وحدت آفریقا را از نظر فعالیت و اهداف توضیح دهد.
۱۲. اصول استراژی سازمان وحدت آفریقا بر ۵ اصل استوار است آنها را بیان کند.
۱۳. اهداف منشور سازمان وحدت آفریقا را با توجه به ماده دوم آن توضیح دهد.
۱۴. ساختار و ارکان سازمان وحدت آفریقا را ذکر کند و هر کدام را تحلیل کند.
۱۵. کمیسیونهای تخصصی سازمان وحدت آفریقا را نام ببرد.
۱۶. انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه آن) ASEAN را با توجه به اعضا و اهداف آن توضیح دهد.
۱۷. ساختار آسه آن که از سه رکن (نشست سران، اجلاس وزرا، دبیرخانه‌ها) تشکیل شده است هر کدام را توضیح دهد.
۱۸. سازمان همکاری اقتصادی اِکو (ECO) را از نظر فعالیتهای اقتصادی و منطقه‌ای توضیح دهد.
۱۹. ساختار سازمان اِکو را نام ببرد و آنها را مقایسه کند.
۲۰. نتایج اجلاس تهران را با نتایج اجلاس پاکستان با یکدیگر مقایسه و تحلیل کند.
۲۱. نحوه همکاری سازمان اِکو و سازمان کنفرانس اسلامی را تبیین کند.
۲۲. چگونگی شکل‌گیری سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را توضیح دهد.
۲۳. ساختار اوپک را نام ببرد و هر یک را توضیح دهد.
۲۴. شورای همکاری خلیج فارس را از نظر اعضا، اهداف و ساختار سازمانی توضیح دهد.
۲۵. همکاریهای اقتصادی در شورای همکاری خلیج فارس را تحلیل کند.
۲۶. چگونگی شکل‌گیری جنبش عدم تعهد را بیان کند و اصول مهم آن را نام ببرد.
۲۷. ارکان و نهادهای جنبش عدم تعهد را توضیح دهد.
۲۸. عمده‌ترین ضعفهای جنبش عدم تعهد را با توجه به اهداف آن تحلیل کند.
۲۹. سازمان همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک را از نظر تجاری و اقتصادی و اعضای آن توضیح دهد.
۳۰. ساختار سازمان همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک) را مقایسه کند و آنها را توضیح دهد.
۳۱. فعالیتهای مختلف سازمان آپک را از ابتدا تا سال ۱۹۸۹ بیان و مقایسه کند.

سازمان کنفرانس اسلامی

در درون کشورهای عربی - اسلامی که از سواحل آفریقای شمالی در اقیانوس اطلس تا شرق اندونزی امتداد می‌یابد، بیش از یک میلیارد و سیصد میلیون مسلمان زندگی می‌کنند، در میان

این گروه بزرگ و در بین کشورهای اسلامی، همبستگیهای گوناگونی به چشم می خورد؛ مبنای این همبستگیها در میان کشورهای اسلامی، دین و سیاست و عامل محرک آن سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان مکانیسمی فراگیر است.

فکر اولیه تشکیل اجتماعی از سران کشورهای اسلامی به دهه پنجاه باز می گردد، در آن سالها، دو جریان سیاسی در منطقه خاورمیانه موجب پیدایش این فکر شد. این دو جریان یکی مربوط به موقعیت رژیم پهلوی و تلاش در جهت تثبیت این موقعیت می شد و دیگری مربوط به سیاست عربستان سعودی در مقابله با تز «وحدت عربی» جمال عبدالناصر.

سیاستی که رژیم ایران در طی این سالها در پیش گرفت، تحکیم موقعیت خود در منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از حلقه های مطمئن زنجیر کمربند حفاظتی به دور کمونسم بود. عضویت در سازمان پیمان مرکزی (ستو) و استفاده از جو تنش میان کشورهای عربی که به دو گروه طرفداران ناصر و مخالفان او تقسیم می شدند کمک به این تثبیت موقعیت بود. رژیم شاه نخستین گام را برای نشان دادن موقعیت برتر و تثبیت شده خود با میانجی گری میان سوریه و عراق برداشت و پیشنهاد کرد که سران کشورهای اسلامی در خاورمیانه برای رفع مناقشات و تنشها در ایران تشکیل جلسه دهند. هر چند در ابتدا، مقامات سعودی نسبت به این طرح روی خوش نشان دادند و قول مساعد دادند که ایران را در این امر یاری کنند، ولیکن وجود برخی اختلاف نظرها میان آن دو رژیم مانع از تحقق این خواسته شد.

از سوی دیگر، شعار وحدت عربی جمال عبدالناصر جذابیت بسیاری میان مردم عرب پیدا می کرد و مقامات عربستان سعودی با خطر از دست رفتن نفوذشان در میان کشورهای عربی روبه رو می شدند. از این رو در مراسم حج سال ۱۳۳۹ (۱۹۶۰ میلادی)، ملک سعود، پادشاه عربستان، دستور داد تا کنفرانسی با وجود شخصیت های بزرگ اسلامی، برای تبلیغ اسلام و شرح اصول و تفسیر تعالیم آن و مبارزه با عقاید ضداسلامی و جستجوی راه حلی برای مشکلات جهان اسلام تشکیل شود. این کنفرانس در همان سال برگزار شد و شرکت کنندگان خواستار ایجاد یک سازمان اسلامی بین المللی شدند. به همین دلیل و برای تشکیل کنفرانس اسلامی ملک فیصل به کشورهای گوناگونی سفر کرد و از سران آنها برای شرکت در این کنفرانس دعوت به عمل آورد.

آتش سوزی در مسجدالاقصی در ۱۳۴۸ (۱۹۶۹) که در پی اشغال بیت المقدس به دست صهیونیستها و اسرائیل انجام گرفت، «فرصت بسیار مناسبی برای ملک فیصل و همفکرانش فراهم کرد تا هر چه زودتر نسبت به تشکیل کنفرانس سران کشورهای اسلامی اقدام کنند. آنها تبلیغات گسترده ای در کشورهای خود در حمایت از تشکیل این کنفرانس و به نام دفاع از بیت المقدس به راه انداختند و سرانجام در مهر ماه ۱۳۴۸ (۲۲ سپتامبر ۱۹۶۹) سران ۲۶ دولت اسلامی در رباط پایتخت مراکش، این کنفرانس را منعقد ساختند. شایان ذکر است که ملک حسن

دوم به عنوان رئیس دولت میزبان و شاه ایران، به نمایندگی از سوی دولتهای اسلامی جلسه را افتتاح کردند.^۱

سازمان کنفرانس اسلامی، به طور رسمی در می ۱۹۷۱ هنگامی تأسیس شد، که دبیرخانه آن، پس از نشست سران کشورهای اسلامی در رباط، و کنفرانس وزرای خارجه اسلامی در جدّه در مارس ۱۹۷۰، و در کراچی پاکستان در دسامبر ۱۹۷۰، آغاز به کار کرد.

ساختار سازمان کنفرانس اسلامی

هم اکنون سازمان کنفرانس اسلامی ۵۴ عضو دارد که در سه دسته و گروه کشورهای آسیایی، آفریقایی و عربی قرار دارند. آلبانی تنها کشور اروپایی عضو سازمان است. جدا از اعضای سازمان به برخی سازمانها و کشورها نیز موقعیت ناظر اعطاء شده است که عبارت اند از بوسنی و هرزگوین، جمهوری آفریقای مرکزی، گویان، توگو، ازبکستان، جامعه مسلمان «جمهوری ترک شمال قبرس»، جبهه آزادیبخش مورو از جنوب فیلیپین، سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان وحدت آفریقا، سازمان همکاری اقتصادی (اِکو)، اتحادیه کشورهای عرب، اتحادیه مغرب عربی، و شورای همکاری کشورهای عرب خلیج فارس. شایان ذکر است که نیجریه در می ۱۹۹۱ از سازمان کناره گیری کرد، اما سازمان این تصمیم را به رسمیت نشناخته است.

اهداف سازمان

اهداف سازمان، که در منشور ۱۹۷۲ به تصویب رسیده، چنین اعلام شده است:

۱. پیشبرد همبستگی اسلامی میان دولتهای عضو؛
۲. تحکیم همکاری میان دولتهای عضو در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، علمی و دیگر امور حیاتی، و ترتیب مشاوره ها میان دولتهای عضوی که به سازمانهای بین المللی تعلق دارند؛
۳. تلاش برای حذف جداسازی و تبعیض نژادی و رفع استعمار در همه اشکال آن؛
۴. دست زدن به اقدامات لازم جهت پشتیبانی از صلح و امنیت بین المللی بر پایه عدالت؛
۵. هماهنگ سازی همه کوششها برای حراست از اماکن مقدس و پشتیبانی از نبرد مردم فلسطین، و کمک به آنها برای دستیابی به حقوقشان و آزادی سرزمینشان؛
۶. تقویت نبرد همه مردم مسلمان درخصوص حفاظت از منزلت، استقلال و حقوق ملی آنها؛
۷. آفرینش فضایی مناسب برای بهبود همکاری و تفاهم میان دولتهای عضو و دیگر کشورها.

ارکان سازمان

ساختار نهادی این سازمان نسبتاً ساده است و از سه رکن تشکیل می‌شود. عالیت‌ترین نهاد سازمان، کنفرانس سران دولتهاست که هر سه سال یک بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو سازمان برگزار می‌شود.

دوم کنفرانس وزرای امور خارجه که هر سال برای بررسی وسایل اجرای سیاست کلی سازمان تشکیل می‌شود. با این حال ممکن است این نشست‌ها را به‌طور فوق‌العاده نیز تشکیل داد. این کنفرانس با کنفرانس سران همکاری می‌کند.

رکن سوم دبیرخانه است که ارگان اجرایی سازمان است. دبیرکل را کنفرانس وزرای امور خارجه برای یک دوره چهارساله برمی‌گزیند، چهار معاون دبیرکل نیز به همان شیوه انتخاب می‌شوند.

در اجلاس پنجم سران کنفرانس اسلامی (کویت، ۱۹۸۷) طی قطعنامه‌ای ایجاد «دیوان بین‌المللی عدل اسلامی» به‌عنوان رکن چهارم مورد تصویب قرار گرفت و هدف از تشکیل این دیوان قضاوت در مناقشات میان کشورهای اسلامی معین شد، اما هنوز این دیوان موجودیت نیافته است.

کنفرانس سران: نخستین کنفرانس سران در ۱۹۶۹ در رباط مراکش برگزار شد. کنفرانس دوم در فوریه ۱۹۷۴ در لاهور پاکستان، سومین در ژانویه ۱۹۸۱ در طائف عربستان، چهارمین در ژانویه ۱۹۸۴ در کازابلانکای مراکش، پنجمین در ژانویه ۱۹۸۷ در کویت، ششمین در دسامبر ۱۹۹۱ در داکار سنگال، هفتمین در دسامبر ۱۹۹۴ در کازابلانکای مراکش، و هشتمین کنفرانس در دسامبر ۱۹۹۷ (آذر ۱۳۷۶) در تهران برگزار شد.

کنفرانس وزرای امور خارجه: از سال ۱۹۷۰ تاکنون تقریباً هر سال به‌طور منظم تشکیل جلسه داده است. آخرین آن در سال ۱۹۹۷ در تهران برگزار شد.

علاوه بر اینها تاکنون شش بار نیز اجلاس فوق‌العاده برای بررسی برخی موقعیتهای اضطراری تشکیل شده است.

همچنین: «وزرای خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی همه ساله به‌هنگام برگزاری مجمع عمومی سازمان ملل متحد به‌منظور هماهنگ کردن مواضع دول متبوع خود در اتخاذ تصمیم در امور بین‌المللی و موضوعات دستور کار سازمان ملل، اجلاسی را تحت عنوان اجلاس هماهنگی در نیویورک برگزار می‌کنند.»^۲

دبیرخانه: مقر دبیرخانه به‌موجب منشور کنفرانس اسلامی شهر بیت‌المقدس است؛ لیکن تا‌هنگام رفع اشغال صهیونیستها از قدس شریف، جدّه به‌طور موقت، مقر دبیرخانه خواهد بود.

دبیرکل که با رأی اکثریت کشورهای عضو برگزیده می‌شود برای دوره‌ای ۴ ساله، که قابل

تمدید نیز هست، برگزیده می‌شود. دبیرکل کنونی سازمان آقای عزالدین العراقي از کشور مراکش است.

دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی، مسئول اجرای قطعنامه‌های مصوب اجلاس سران و وزرای امور خارجه سازمان است. چندین ارگان فرعی نیز در زمینه‌های گوناگون فعالیت دارند و در اجرای قطعنامه‌ها به دبیرکل یاری می‌رسانند.

دبیرکل سازمان و کارکنان از مصونیتها و مزایای دیپلماتیک برخوردار هستند. انتخاب کارکنان سازمان وابسته به شرایطی است، از جمله اینکه خود و همسرانشان مسلمان و دارای ملیت یکی از کشورهای عضو سازمان باشند؛ و کارکنان سازمان (بجز کارشناسان) هنگام استخدام سوگند بخورند که وظایف خود را با صداقت انجام خواهند داد.

دیوان بین‌المللی عدل اسلامی: «در کنفرانس سران در ژانویه ۱۹۸۱ تصمیم گرفته شد که دیوان بین‌المللی عدل اسلامی برای قضاوت در مورد اختلافات میان کشورهای اسلامی ایجاد شود. در ژانویه ۱۹۸۳ کارشناسان گردهم آمدند تا اساسنامه‌ای را برای دیوان طرح کنند.»^۳ این اساسنامه در پنجمین نشست سران در کویت به تصویب رسید و این دیوان در منشور کنفرانس به‌عنوان رکن چهارم سازمان تعیین شد.

برطبق اساسنامه، مقر دیوان در کویت و متشکل از هفت قاضی خواهد بود که از سوی وزرای خارجه سازمان برای مدت ۴ سال برگزیده خواهند شد. منبع اصلی مورد استناد دادگاه شریعت اسلامی است.

همان‌طور که پیشتر گفته شد این اساسنامه هنوز مورد تصویب دوسوم کشورهای عضو سازمان قرار نگرفته و بدین ترتیب هنوز دیوان موجودیت نیافته است.

کمیته‌های تخصصی

کمیته‌های تخصصی، کمیته‌هایی هستند که برای پیگیری و اجرای مصوبات اجلاس سازمان تشکیل می‌شوند. ریاست هر یک از کمیته‌ها را رئیس یک کشور اسلامی به عهده دارد. گزارش عملکرد کمیته‌ها به نشست سران ارائه می‌شود.

کمیته قدس: این کمیته در ۱۹۷۵ در ششمین جلسه وزرای خارجه سازمان تشکیل شد تا قطعنامه‌های کنفرانس اسلامی را درباره موقعیت قدس به اجرا بگذارد. این کمیته در واکنش به تعرض صهیونیستها به بیت‌المقدس و دیگر اماکن مقدس، از ۹ عضو به اضافه دبیرکل سازمان تشکیل شد. این کمیته در سطح وزرای خارجه تشکیل می‌شود و صندوق قدس را نیز اداره می‌کند. ریاست همیشگی کمیته با ملک حسن دوم، پادشاه مراکش است.

کمیته دائم همکاری اقتصادی و بازرگانی: این کمیته در ۱۹۸۱ در سومین نشست سران کشورهای اسلامی تأسیس شد. وظیفه آن «اجرا و پیگیری قطعنامه‌های کنفرانس اسلامی در

زمینه اقتصاد و تجارت، بررسی امکانات توسعه همکاری میان کشورهای عضو، تهیه برنامه کار و ارائه توصیه‌های لازم جهت اعتلای اقتصادی کشورهای اسلامی است.^۴

ریاست این کمیته در حال حاضر با رئیس جمهور ترکیه، سلیمان دمیرل، و مقر آن در استانبول است.

کمیته دائم امور اطلاعاتی و فرهنگی: این کمیته به کار تعیین استراتژی سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه‌های اطلاعاتی و فرهنگی می‌پردازد. این کمیته در سومین نشست سران کنفرانس در ۱۹۸۱ در سطح وزرا ایجاد شد. وظیفه کمیته نیز پیگیری اجرای قطعنامه‌های مصوب کنفرانس اسلامی و بررسی کلیه وسیله‌های ممکن برای تقویت همکاری بین کشورهای عضو و به کارگیری توانایی‌های آنها در زمینه امور اطلاعاتی و فرهنگی است. مقر این کمیته در شهر داکار سنگال است و رئیس جمهور سنگال عبدو ضیوف ریاست آن را برعهده دارد.

کمیته دائم همکاری علمی و تکنولوژیک: این کمیته در سال ۱۹۸۱ در سومین نشست سران ایجاد شد تا به اجرای قطعنامه‌های مصوب سازمان درباره امور علمی و تکنولوژیک بپردازد. این کمیته در سطح وزراست. مقر کمیته در اسلام‌آباد پاکستان و رئیس آن رئیس جمهور پاکستان است. علاوه بر کمیته‌های دائم، کمیته‌هایی موقت نیز به تناسب نیاز در جهان اسلام، توسط اجلاس وزرای خارجه تشکیل می‌شوند، مانند کمیته اسلامی صلح، کمیته ویژه افغانستان، و غیره.

همچنین کمیته‌ها و نهادهایی نیز با یک وظیفه مشخص تشکیلاتی به وجود آمده است که هر سال تشکیل جلسه می‌دهند، کمیته‌هایی چون کمیسیون اسلامی امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، و کمیته دائم مالی.

فعالیت‌های سازمان

سازمان کنفرانس اسلامی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی، بشردوستانه و سیاسی به فعالیت می‌پردازد.

در زمینه امور اقتصادی موافقتنامه‌ای عمومی برای همکاری اقتصادی، فنی و بازرگانی در ۱۹۸۱ بسته شد، که برقراری پروژه‌های سرمایه‌گذاری مشترک و هماهنگ سازی تجارت را مقرر می‌کند.

در زمینه فرهنگی، سازمان از توسعه امر آموزش و پرورش در جوامع اسلامی در سراسر جهان پشتیبانی می‌کند، ایجاد دانشگاه‌های اسلامی در نیجر و اوگاندا، ترتیب برگزاری همایش‌هایی درباره ابعاد گوناگون اسلام، آشنایی با فرهنگ‌های ملل مسلمان و تشویق گفتگو با دیگر ادیان الهی از جمله برنامه‌های توسعه فرهنگی سازمان کنفرانس اسلامی است.

در زمینه کمک‌های بشردوستانه، به جوامع اسلامی که از جنگ و بلایای طبیعی متأثر

می‌شوند، با همکاری سازمان ملل، کمک‌هایی ارائه می‌دهد.

اما فعالترین بخش تلاش‌های سازمان در امور سیاسی است. «از آغاز، سازمان خواستار تخلیه سرزمینهای اعراب توسط اسرائیل، شناسایی حقوق فلسطینیان و سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) به عنوان تنها نماینده مشروع آنان، و بازگرداندن بیت‌المقدس به حاکمیت اعراب گردد.»^۵

همچنین سازمان در زمینه حل اختلافات میان کشورهای اسلامی و دفاع از حقوق اقلیتهای مسلمان در کشورهای غیر عضو فعالیت کرده است. در زمینه بحران بوسنی و هرزگوین نیز، گروه تماس کنفرانس اسلامی تلاشهای زیادی برای پیشگیری از کشتار مسلمانان انجام داد و کمکهای قابل توجهی به مسلمانان جنگ زده بوسنی و هرزگوین کرد.

سازمان کنفرانس اسلامی و همکاری با سازمان ملل متحد

«پس از آنکه در ۱۹۷۴، منشور سازمان کنفرانس اسلامی، مطابق ماده ۱۰۲ منشور ملل متحد در دبیرخانه سازمان ملل متحد تصویب و به ثبت رسید، در ماه اوت ۱۹۷۵، نمایندگان اعضای سازمان کنفرانس اسلامی طی نامه‌ای تقاضا کردند که در سی‌امین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد موضوع اعطای وضعیت ناظر به سازمان کنفرانس اسلامی طرح و تصویب شود.»^۶ در متن لایحه وابسته به تقاضا، نمایندگان اظهار داشتند که کنفرانسی که در ۱۹۶۹ با هدف تقویت همکاری و اتحاد در میان ملل مسلمان ایجاد شده، خود را پایبند اهداف و اصول منشور ملل متحد می‌داند و منشور آن نیز از دول عضو خواسته که به اصول منشور ملل متحد احترام بگذارند و از آنجایی که کنفرانس بسیاری از مسائل بین‌المللی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بشردوستانه مدنظر قرار داده و آنها با سازمان ملل متحد ارتباط دارند، اعضا خواستار برقراری رابطه نزدیک بین دو سازمان برای تقویت هر دو در تمام زمینه‌های فعالیت هستند. براساس توصیه کمیته عمومی، تقاضا در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت و در اکتبر ۱۹۷۵ براساس قطعنامه مجمع عمومی تصمیم گرفته شد که از سازمان کنفرانس اسلامی برای شرکت در جلسات و فعالیت مجمع به صورت ناظر دعوت به عمل آید. در این قطعنامه از دبیرکل خواستند که اقدام لازم را برای اجرای این تصمیم به عمل آورد.

با توجه به افزایش فعالیت سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۸۰، پاکستان یکی از اعضای فعال سازمان، موضوع همکاری میان سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی را در دستور کار مجمع قرار داد. در تقاضای پاکستان، ضمن توجه به اعطای وضعیت ناظر به سازمان از ۱۹۷۵، فعالیت آن با مؤسسات تخصصی در زمینه‌های مختلف تشریح شد. همچنین پاکستان طرح قطعنامه‌ای را درباره موضوع همکاری بیشتر پیشنهاد و آمادگی برای تجدیدنظر و لحاظ پیشنهادهای دیگر اعضای اعلام کرد.^۷ این قطعنامه، ضمن تأکید بر حمایت

سازمان کنفرانس اسلامی از منشور ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ارتباط دو سازمان را در عالیترین سطح خواستار است و خواهان بهبود همکاری بیشتر میان آنها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امور بشردوستانه است. زمینه‌های همکاری این دو سازمان با توجه به اهداف آنها در موارد زیر در قطعنامه آمده است:

۱. صلح و امنیت بین‌المللی

۲. خلع سلاح

۳. حق خودمختاری

۴. استعمارزدایی

۵. حقوق اساسی بشر

۶. ایجاد نظام نوین اقتصادی جهانی

این قطعنامه، اساس و پایه همکاری میان دو سازمان در سالهای بعد شد. «از سال ۱۹۸۰ تاکنون، می‌توان ارتباط دو سازمان را از لحاظ شکلی در موارد زیر در مجمع عمومی ملل متحد دانست:

۱. تصویب قطعنامه همکاری هر ساله در مجمع عمومی (بدون رأی‌گیری).

۲. گزارش سالیانه دبیرکل به مجمع درباره ارتباط بین سازمان ملل متحد و سازمان کنفرانس اسلامی.

۳. توزیع اسناد سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان اسناد ملل متحد و بالعکس.

۴. شرکت دبیرکل‌های دو سازمان در اجلاسهای مهم مانند اجلاس سران سازمان و مجمع عمومی ملل متحد.»

نتایج رابطه بین دو سازمان

در نگاهی کلی می‌توان گفت که سازمان کنفرانس اسلامی نیز مانند دیگر سازمانهای منطقه‌ای، از جمله سازمان وحدت آفریقا و سازمان کشورهای آمریکایی نتوانسته است به دلایل بسیاری در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ارتباط مناسبی با سازمان ملل متحد داشته باشد. حتی ترتیبات پیش‌بینی شده در منشور هم نتوانسته به آن جامه عمل بپوشاند. سهمی که از آن مربوط به سازمان ملل متحد است و سهمی که به سازمان کنفرانس اسلامی مربوط، متفاوت است. در مورد سازمان ملل متحد ملاحظات کلی درباره عدم توانایی آن سازمان در زمینه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی می‌تواند موردنظر قرار گیرد و در مورد سازمان کنفرانس اسلامی، وجود گرایشهای مختلف درون سازمان، فقدان سازوکار مناسب، عدم ضمانت اجرا برای تصمیمات و قطعنامه از جمله دلایل هستند.

اما تحرک دو سازمان در زمینه همکاریهای اقتصادی - اجتماعی عامل مهمی است که

باید مورد توجه قرار گیرد. هم‌اکنون، دست‌کم زمینه‌های همکاری بین دو سازمان مشخص شده، اما به هر حال مانند هر همکاری دیگر نیاز به برآوردن امکانات آن دارد. با توجه به نیاز کشورهای عضو سازمان به سرمایه مادی برای برآوردن خواسته‌ها و آنکه به‌طور کلی اجرای برنامه‌های توسعه سازمان ملل متحد خود با مشکل مواجه است، مجبوریم بدون آنکه بتوانیم ارزیابی درستی به‌عمل آوریم، به خواسته همکاری دلخوش باشیم و آن را در روابط بین کشورها و سازمانها دستاوردی مثبت تلقی کنیم. آنچه مسلم است، حمایت سازمان کنفرانس اسلامی از اصول سازمان ملل متحد و از طرفی حضور دبیرکل سازمان ملل متحد در اجلاس سران، دلیل مثبتی برای خواسته سازمان در مورد اجرای نقش و همکاری در سطح بین‌المللی است.

اتحادیه دولتهای عربی (اتحادیه عرب)

اتحادیه دولتهای عربی (که بیشتر به نام اتحادیه عرب شناخته می‌شود) انجمنی داوطلبانه از دولتهای مستقل عرب است، که به قصد تقویت پیوندهای نزدیک میان آنها و هماهنگ سازی سیاستها و فعالیتهایشان، و راندن آنها به سوی نفع مشترک کشورهای عربی، ایجاد شد.

اتحادیه عرب نخستین سازمان بین‌المللی است که میان کشورهای عربی اسلامی در سال ۱۹۴۵ و به ابتکار مصر تأسیس شد. طرح پیشنهادی مصر در نخستین کنگره دولتهای عربی از طرف اعضای حاضر یعنی مصر، عربستان سعودی، عراق، سوریه، لبنان، یمن و اردن امضاء و تأیید شد و در مدت کوتاهی به تصویب مقامات داخلی این دولتها رسید.

پیمان اتحادیه عرب، که در مارس ۱۹۴۵ به امضا رسید، سند تشکیل اتحادیه عرب است که سند الحاق دیگر دولتهای عرب را نیز به اتحادیه پیش‌بینی کرده بود. بدین ترتیب دیگر دولتهای عرب که پس از جنگ جهانی دوم به استقلال رسیدند یکی پس از دیگری به اتحادیه پیوستند.

هم‌اکنون اتحادیه عرب، همه کشورهای عرب زبان را دربرمی‌گیرد و ۲۲ عضو دارد. فلسطین نیز به‌عنوان دولتی مستقل به شمار می‌رود و از این‌رو از مزایای عضویت کامل اتحادیه برخوردار است.

ماده ۲ پیمان اتحادیه دولتهای عربی، درباره اهداف این سازمان چنین مقرر می‌کند: «هدف اتحادیه تقویت روابط میان دولتهای عضو، هماهنگ سازی سیاستهای آنها به منظور دستیابی به همکاری میان آنها و حفاظت از استقلال و حاکمیت آنها، و علاقه‌ای عمومی نسبت به امور و منافع کشورهای عربی است. همچنین هدف آن همکاری نزدیک دولتهای عضو، با توجه کافی به این سازمان و شرایط هر دولت، درباره موضوعات زیر است:

الف) امور اقتصادی و مالی، از جمله روابط تجاری، گمرک، پول، و مسائل کشاورزی و

صنعت؛

ب) ارتباطات: این امر شامل راه آهنها، راهها، هواپیمایی، دریانوردی، تلگراف و پست می شود؛

ج) امور فرهنگی؛

د) تابعیت، گذرنامه، روادید، اجرای احکام و استرداد مجرمان؛

ه) امور اجتماعی؛

و) مسائل بهداشتی.»

ساختار اتحادیه عرب

شورا: بالاترین ارگان اتحادیه عرب شورا است که از نمایندگان دولتهای عضو تشکیل می شود. هر یک از آنها یک رأی دارد و نماینده ای نیز از طرف فلسطین در آنجا حضور دارد. تصمیمات به اتفاق آرای شورا بر همه دولتهای عضو جامعه الزام آور است. تصمیماتی که با اکثریت آرا گرفته می شود تنها برای دولتهایی که آن را پذیرفته اند، الزام آور خواهد بود. شورا می تواند، در صورت ضرورت به درخواست دو دولت عضو جلسه فوق العاده تشکیل بدهد. دعوت به همه اجلاسها از طرف دبیرکل صورت می گیرد. ریاست اجلاس عادی را نمایندگان دولتهای عضو به نوبت برعهده می گیرند. چهارده کمیته وابسته به شورا هستند. این کمیته ها عبارت اند از:

- کمیته زنان عرب.

- کمیته همکاری کارشناسان عرب.

- کمیته ارتباطات.

- کنفرانس مأموران ارتباطی، که در ۱۹۵۳ شورای اقتصادی آن را تکمیل کرد، و فعالیتهای

تجاری میان وابسته های بازرگانی سفارتهای گوناگون اعراب در خارج را هماهنگ می سازد.

- کمیته فرهنگی، که مسئول پیگیری فعالیتهای بخش فرهنگی و امور فرهنگی در

چارچوب دبیرخانه است.

- کمیته بهداشت.

- کمیته حقوق بشر، مسائل مربوط به حقوق بشر، به ویژه نقض حقوق بشر از سوی

اسرائیل را بررسی می کند.

- کمیته اطلاعات.

- سازمان رفاه جوانان.

- کمیته حقوقی.

- کمیته دائمی امور اداری و مالی.

- کمیته دائمی هواشناسی.

- کمیته سیاسی، مسائل و گزارشهای سیاسی ارائه شده به اجلاس شورا را بررسی می‌کند. همه دولتهای عضو، عضویت این کمیته را دارند. این شورا معمولاً از وزرای خارجه تشکیل می‌شود.

دبیرخانه عمومی: دبیرخانه ارگان اجرایی و مالی اتحادیه است. دبیرخانه تصمیمات شورا را اجرا می‌کند و به کارکنان اتحادیه خدمات مالی و اداری ارائه می‌دهد. دبیرکل با اکثریت دوسوم دولتهای عضو توسط شورای اتحادیه برای یک دوره پنج ساله قابل تجدید برگزیده می‌شود. دبیرکل با تصویب شورا دستیار دبیرکل و مسئولان بلند پایه را منصوب می‌کند. وی در رده سفرا قرار دارد، و دستیار دبیرکل در رده وزیر مختار است. دبیرکل کنونی ۱۹۹۹ اتحادیه عرب، دکتر احمد عصمت عبدالمجید از کشور مصر است. همچنین مقر دبیرخانه، قاهره، پایتخت مصر است.

همکاری دفاعی و اقتصادی: به موجب «معاهده همکاری دفاعی و اقتصادی مشترک» که در ۱۹۵۰ برای تکمیل منشور اتحادیه بسته شده، گروههایی ایجاد گردیده‌اند: فرماندهی نظامی یکپارچه عرب، که در ۱۹۶۴ برای هماهنگ سازی سیاستهای نظامی جهت آزاد سازی فلسطین تأسیس شد.

شورای اقتصادی، برای سنجش و هماهنگ سازی سیاستهای اقتصادی اعضا بنا گذارده شد، شورا از وزرای امور اقتصادی یا جانشینان آنها تشکیل می‌شود. نخستین جلسه این شورا در ۱۹۵۳ برگزار شد.

شورای دفاع مشترک، بر اجرای آن جنبه‌های معاهده که با دفاع مشترک سروکار دارد نظارت می‌کند و از وزرای امور خارجه و دفاع اعضا تشکیل می‌شود. این شورا برای آگاهی از وضع نظامی کشورهای عضو و صدور توصیه‌های لازم جهت تقویت نیروی دفاعی آنها به وجود آمده است. اما به خاطر اختلاف نظرهای ژرف میان اعضا این شورا عملاً بدون کارایی بوده است.

کمیسیون دائمی نظامی: این کمیسیون در ۱۹۵۰ تأسیس شد و متشکل از نمایندگان برجسته ارتش است. هدف آن طرح برنامه‌های دفاع مشترک برای ارائه به شورای دفاع مشترک است.

نیروی بازدارنده عرب: این نیرو را در ژوئن ۱۹۶۷ شورای اتحادیه برای نظارت بر تلاشهای بعدی جهت توقف درگیریها در لبنان، و پس از آن برای حفظ صلح ایجاد کرد. کنفرانس سران اتحادیه عرب در اکتبر ۱۹۷۶ موافقت کرد که هزینه‌های آن به صورت زیر پرداخت شود: عربستان سعودی و کویت، هر کدام ۲۰٪، امارات متحده عربی ۱۵٪، قطر ۱۰٪ و دیگر دولتهای عربی ۳۵٪.

آژانسهای تخصصی وابسته: همه دولتهای عضو اتحادیه عرب، عضو نهادهای تخصصی

نیز هستند. این آژانسها به منزله بخشی جدایی ناپذیر از اتحادیه عرب اند. تعداد این آژانسها نسبتاً زیاد است و ما در اینجا تنها به ذکر نام یک چند از آنها می پردازیم: سازمان توسعه اداری عرب، آژانس انرژی اتمی عرب، بانک عربی توسعه اقتصادی در آفریقا، و شورای وزرای کشورهای عرب.

عملکرد اتحادیه عرب

اتحادیه عرب به این منظور شکل گرفت که از منافع کشورهای عرب دفاع کند و تاکنون نیز در همین جهت در جریان زیست روزمره سیاسی جهان خود را نشان داده است. پیش از هر چیز باید گفت که اتحادیه عرب برای تحقق این هدف طرح سیاسی خاصی داشته که در مقابله و ستیز خلاصه می شده است. اما این طرح از همان آغاز موفقیتی به دنبال نداشت و نتوانست به اعراب در برابر اسرائیل که در ۱۹۴۸ اعلام وجود کرده بود، کمکی کند. طرح دفاع مشترک اعضا نیز که در ۱۹۵۰ به تصویب رسید، ثمربخش واقع نشد، به گونه ای که در برابر رخدادهای سالهای ۱۹۵۶ (بحران سوئز)، جنگ ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ اعراب و اسرائیل چندان راهگشا نبود و کاری از پیش نبرد. از نظر نظامی، اقدامات اتحادیه بسیار ناامید کننده بوده است. با این حال، اتحادیه توانست درباره مبارزات ضد استعماری کشورهای عربی به دستاوردهایی برسد.

پس از آنکه مصر معاهده کمپ دیوید را امضا کرد، در ۱۹۷۹، کشورهای عرب تصمیم گرفتند مصر را از اتحادیه اخراج و مقر اتحادیه را به تونس منتقل کنند. اما پس از سالها تلاش از سوی مصر برای بهبود روابط مجدد با کشورهای عرب، در اواخر دهه هشتاد مصر به اتحادیه بازگشت و سرانجام در ۳۱ اکتبر ۱۹۹۰ بار دیگر مقر اتحادیه قاهره شد.

سازمان وحدت آفریقا

سازمان وحدت آفریقا در ۲۵ ماه می ۱۹۶۳ با کوشش و تلاش فراوان هایلاسلاسی امپراتور اتیوپی در آدیس آبابا، پایتخت این کشور، تشکیل شد. هدف از ایجاد این سازمان در درجه نخست، کمک به گروههای پرشمار اقوام آفریقایی بود که در آن زمان هنوز در بند استعمار دولتهای اروپایی بودند تا به استقلال سیاسی دست یابند. در مرحله دوم سازمان قصد داشت تمام کشورهای قاره آفریقا را در چارچوب یک واحد سیاسی متحد یا فدراسیون قرار دهد، از این رو دلیل نامگذاری آن به «سازمان وحدت آفریقا» روشن می شود.

وزرای خارجه ۳۲ دولت آفریقایی در می ۱۹۶۳ در آدیس آبابا در جلسه مقدماتی گرد آمدند تا کار ایجاد این سازمان را بررسی کنند. موضوعات اساسی زیر در این جلسه مورد بحث قرار گرفت:

الف) ایجاد سازمان دولتهای آفریقایی،

- ب) همکاری میان دولتهای آفریقایی در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی، آموزش امور فرهنگی و علمی، و امنیت دسته جمعی،
- ج) استعمار زدایی،
- د) مبارزه با آپارتاید و تبعیض نژادی،
- ه) تأثیرات گروه‌بندی اقتصادی بر توسعه اقتصادی آفریقا،
- و) خلع سلاح،
- ز) ایجاد کمیسیون دائمی سازش،
- ح) آفریقا و سازمان ملل متحد.
- کنفرانس سران دولتها که در ۲۳ می گشوده شد، منشور سازمان وحدت آفریقا را طرح کرد؛ این منشور بعداً در ۲۵ می ۱۹۶۳ به امضای سران ۳۰ دولت رسید.
- منشور اساساً کارکردی و بازتاب سازشی میان مفهوم یک انجمن سست پیوند از دولتها و ایده فدرال که مورد پشتیبانی گروهی دیگر از دولتها قرار داشت بود.
- سازمان وحدت آفریقا همه کشورهای قاره آفریقا را دربرمی‌گیرد، آخرین آنها جمهوری آفریقای جنوبی بود که پس از محور رژیم آپارتاید در بهار ۱۳۷۳ (۱۹۹۴) در مقام پنجاه و سومین عضو، به عضویت این سازمان در آمد.
- استراتژی سازمان وحدت آفریقا بر پنج اصل استوار است:
۱. برابری مطلق دولتهای عضو سازمان،
 ۲. عدم دخالت در امور داخلی دیگران،
 ۳. غیر قابل تغییر بودن مرزهای شناخته شده بین‌المللی که کشورهای آفریقایی را دربرمی‌گیرد،
 ۴. حل اختلافات دولتهای آفریقایی با شیوه‌های مسالمت‌آمیز همچون گفتگو، از طریق میانجی‌گری، آشتی و یادآوری،
 ۵. شناسایی ویژگیهای منطقه‌ای برای دولتهای مناطق مختلف قاره و اجازه تأسیس تشکیلات منطقه‌ای برای همکاری و بهره‌گیری از این ویژگیها.

منشور سازمان وحدت آفریقا

- در ماده یک منشور ایجاد سازمان وحدت آفریقا که متشکل از دولتهای آفریقای قاره‌ای، ماداگاسکار و دیگر جزایر اطراف آفریقا است، مطرح شده است.
- در ماده دوم اهداف سازمان آمده است که عبارت‌اند از:
۱. پیشبرد وحدت و همبستگی میان دولتهای آفریقایی.
 ۲. تشدید و هماهنگ سازی تلاشها برای بهبود استانداردهای زندگی در آفریقا.

۳. دفاع از حاکمیت، یکپارچگی سرزمینی و استقلال دولتهای آفریقایی.

۴. محور همه اشکال استعمار از آفریقا.

۵. پیشبرد همکاری بین‌المللی در چارچوب منشور سازمان ملل متحد.

در مواد بعدی منشور بر حق عضویت همه کشورهای مستقل قاره آفریقا و نیز برابری حقوق و تکالیف آنها تأکید می‌شود.

در ماده بیست و سوم درباره بودجه سازمان مقرر می‌شود که سهم هر عضو براساس مقیاس ارزیابی سازمان ملل تعیین شود. همچنین هیچ عضوی نباید بیش از ۲۰٪ کل بودجه سالانه را بپردازد. در ماده بیست و هفت مقرر می‌شود که همه مسائل مربوط به تفسیر منشور با رأی اکثریت دوسوم مجمع سران دولتها و حکومتها حل و فصل خواهد شد. ورود دولتهای تازه استقلال یافته آفریقایی به سازمان، در ماده بیست و هشت به تصمیم اکثریت ساده دولتها منوط شده است.

ساختار و ارکان سازمان

سازمان وحدت آفریقا دارای سه رکن اصلی است.

مجمع سران دولتها: مجمع سران دولتها و حکومتها هر سال برای هماهنگ سازی سیاستهای دولتهای آفریقایی تشکیل جلسه می‌دهد. قطعنامه‌ها با اکثریت دوسوم، و امور آیین‌نامه‌ای با اکثریت ساده به تصویب می‌رسند. در هر نشست یک رئیس از میان اعضا برگزیده می‌شود تا یک سال این منصب را برعهده بگیرد.

مجمع سران، عالیت‌ترین رکن سازمان است. علاوه بر نشست سالانه، مجمع به درخواست یک دولت عضو و پذیرش دوسوم اعضا، جلسه فوق‌العاده تشکیل می‌دهد.

شورای وزیران: از وزرای امور خارجه و دیگر وزیران منصوب تشکیل می‌شود و سالی دوبار تشکیل جلسه می‌دهد، همچنین می‌تواند همانند مجمع سران جلسه فوق‌العاده تشکیل بدهد. هر نشستی رئیس خود را برمی‌گزیند. شورای وزیران مسئول امور کنفرانس سران است و باید هر مسأله‌ای را که مجمع سران به آن ارجاع می‌دهد، بررسی کند.

دبیرخانه عمومی: دبیرخانه مقر دائمی سازمان است. دبیرخانه وظایفی را که در منشور سازمان به آن محول شده، و نیز وظایف ناشی از قراردادها و معاهدات منعقد میان دولتهای عضو را انجام می‌دهد. دبیرخانه «باید بر اجرای تصمیمات اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و مبادلات فرهنگی شورای وزیران کشورهای عضو نظارت داشته باشد. کلیه اسناد و مدارک ملاقاتهای مجمع سران، شورای وزیران، کمیسیونهای تخصصی و دیگر ارگانهای سازمان وحدت آفریقا را باید مراقبت و نگهداری کند»^۸

دبیرکل را مجمع سران دولتها برای یک دوره ۴ ساله برمی‌گزیند. دبیرکل کنونی، ۱۹۹۹،

سازمان سلیم احمد سلیم از کشور تانزانیا است.

مقر دبیرخانه سازمان در شهر آدیس آبابا، پایتخت اتیوپی است.

علاوه بر ارکان اصلی بالا، برخی نهادهای فرعی نیز به سازمان وابسته هستند.

کمیسیون میانجی‌گری، سازش و داوری: این کمیسیون در ۱۹۶۴ در آدیس آبابا بنانهاده شد، کمیسیون از ۲۱ عضو تشکیل می‌شود، که توسط مجمع سران دولتها برای یک دوره پنج ساله برگزیده می‌شوند. هیچ دولتی نمی‌تواند بیش از یک عضو در آنجا داشته باشد. کمیسیون اداره‌ای دارد که از یک رئیس و دو نایب رئیس تشکیل می‌شوند، این افراد نمی‌توانند دوباره انتخاب شوند. وظیفه کمیسیون رسیدگی و حل و فصل اختلافات میان دولتهای عضو با شیوه‌های صلح‌آمیز است.

کمیسیونهای تخصصی: «براساس ماده ۲۰ به مجمع سران اختیار داده شده که کمیسیونهای لازم و از جمله کمیسیونهای زیر را ایجاد کند:

۱. کمیسیون اقتصادی و اجتماعی

۲. کمیسیون آموزشی و فرهنگی

۳. کمیسیون تندرستی، بهداشتی و تغذیه

۴. کمیسیون دفاعی

۵. کمیسیون علمی، فنی و تحقیقاتی

وظایف کمیسیونها نیز براساس مقررات منشور و دیگر مصوبات شورای وزیران مشخص می‌شود.^۹

در ارزیابی عملکرد سازمان وحدت آفرینا باید گفت که وجود اختلافات سرزمینی میان اعضا موجب مشکلات بسیاری برای آن شده، به گونه‌ای که مانع از تحقق اهداف آن و رسیدن به وحدت شده است.

با این حال تاکنون این سازمان در حل اختلافات میان اعضا، کمک به جنبشهای استقلال طلبانه و محکوم کردن تبعیض نژادی، به موفقیتهایی دست یافته است.

انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا (آسه‌آن)

انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا، در آگوست ۱۹۶۷ با امضای اعلامیه آسه‌آن، در بانکوک تایلند تأسیس شد. این اعلامیه، که اعلامیه بانکوک نیز خوانده می‌شد به امضای وزرای خارجه اندونزی، مالزی، فیلیپین، سنگاپور و تایلند رسید. در ژانویه ۱۹۸۴، برونی، اندکی پس از دستیابی به استقلال، به این سازمان پیوست. ویتنام نیز هفتمین عضوی بود که در ژولای ۱۹۹۵ به آسه‌آن پیوست.

اساساً این سازمان برای شتاب بخشی به پیشرفت اقتصادی و افزایش ثبات منطقه جنوب

شرقی آسیا تأسیس شد. «اعلامیه آسه آن اهداف این سازمان را چنین برمی شمارد:

(الف) شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، و توسعه فرهنگی در منطقه، از راه تلاشهای مشترک با حفظ روح برابری و مشارکت به منظور تقویت بنیان یک اجتماع شکوفا و همراه با صلح از کشورهای جنوب شرقی آسیا.

(ب) پیشبرد صلح و ثبات منطقه از راه رعایت احترام به عدالت و حاکمیت قانون در ارتباط میان کشورهای منطقه و وفاداری نسبت به اصول منشور ملل متحد.

(ج) پیشبرد همکاری فعال و کمک متقابل در مسائل مورد علاقه مشترک در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فنی، علمی و اداری.

(د) ارائه کمک به یکدیگر به شکل تسهیلات آموزشی و پژوهشی در زمینه های آموزشی، حرفه ای، فنی و اداری.

(ه) همکاری کارآمدتر برای بهره برداری بیشتر از بخشهای کشاورزی و صنایع خود و گسترش تجارت از جمله بررسی مشکلات مبادله بین المللی کالا، بهبود تسهیلات ترابری و ارتباطی و بالا بردن استانداردهای زندگی مردم خود.

(و) پیشبرد مطالعات جنوب شرقی آسیا.

(ز) حفظ همکاری نزدیک و سودمند با سازمانهای منطقه ای و بین المللی کنونی دارای اهداف و آرمانهای مشترک، و حتی کشف همه راههای ممکن برای همکاری نزدیکتر میان خود آنها».^{۱۰}

ساختار آسه آن

نشست سران: بالاترین مرجع آسه آن است، که سران حکومت های کشورهای عضو را گرد هم می آورد. نخستین نشست در فوریه ۱۹۷۶ در بالی اندونزی برگزار شد.

نشستهای سران هر سه سال باید برگزار شود، پنجمین نشست سران در دسامبر ۱۹۹۵ در بانکوک تایلند برگزار شد. آخرین اجلاس سران آسه آن (تا زمان نگارش این متن) در نوامبر ۱۹۹۷ در کوالالامپور مالزی و به منظور جستجوی راهکارهایی برای مقابله با بحران ارزی و مالی کشورهای عضو برگزار شد.

اجلاس وزرا: وزرای خارج دولتهای عضو هر سال به نوبت در یک کشور عضو تشکیل جلسه می دهند تا رهنمودهای سیاست را تنظیم و فعالیتهای آسه آن را هماهنگ کنند. در پی این نشستها، «کنفرانسهای پس از نشست وزرا» انجام می گیرد؛ در آن کنفرانسها وزرای امور خارجه آسه آن با نمایان خود از کشورهایی که «طرفهای گفتگو» هستند و نیز با نمایانی از دیگر کشورها تشکیل جلسه می دهند. وزرای اموراتصادی نیز سالی یک بار تشکیل جلسه می دهند تا همکاری اقتصادی آسه آن را اداره کنند. دیگر وزرا نیز هنگام ضرورت با یکدیگر ملاقات می کنند.

کمیته‌هایی که بعداً از آنها یاد خواهیم کرد به اجلاس وزرا خدمات می‌دهند. کمیته دائمی: کمیته دائمی معمولاً هر دو ماه تشکیل جلسه می‌دهد. این کمیته از وزیر خارجه کشور میزبان و سفیران دیگر کشورها که به کشور میزبان استوارنامه داده‌اند، تشکیل می‌شود.

دبیرخانه‌ها: یک دبیرخانه همیشگی در ۱۹۷۶، در جاکارتای اندونزی ایجاد شد تا یک نهاد محوری هماهنگی تشکیل شود. دبیرخانه از پنج اداره زیر تشکیل می‌شود: امور عمومی، همکاری اقتصادی، همکاری مالی، واحد همکاری آسه‌آن و روابط گفتگو، و واحد آفتا (AFTA). دبیرکل برای یک دوره پنج ساله این مسئولیت را برعهده می‌گیرد. کارهای روزانه در هر کشور عضو، را دبیرخانه ملی با آسه‌آن هماهنگ می‌کند. دبیرکل کنونی آسه‌آن، آجیت سینگ از کشور مالزی است.

کمیته‌ها و اجلاس مقامات بلند پایه: اجلاس مربوط به وزرا با کمک سه کمیته بعدی انجام می‌گیرد. کمیته فرهنگ و اطلاعات، کمیته علم و تکنولوژی، و کمیته توسعه اجتماعی. برای پشتیبانی از انجام روابط با دیگر کشورها و سازمانهای بین‌المللی، کمیته‌های آسه‌آن (متشکل از سران هیأت‌های دیپلماتیک) در پایتخت ۱۲ کشور خارجی ایجاد شده است. این کشورها عبارت‌اند از: استرالیا، بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، هند، ژاپن، جمهوری کره، نیوزیلند، سوئیس، انگلیس و ایالات متحده.

فعالیت‌های آسه‌آن: نخستین نشست سران آسه‌آن که در بالی اندونزی تشکیل شد دو سند مهم را به امضا رساند: معاهده دوستی و همکاری، که اصول احترام متقابل را برای استقلال و حاکمیت همه کشورها، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، حل و فصل اختلافات به شیوه‌های صلح‌آمیز، و همکاری کارآمد میان کشورهای عضو اعلام می‌کرد. دوم، اعلامیه توافق، که رهنمودهایی برای اقدام در روابط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ارائه می‌کرد، از جمله، درباره حفظ ثبات سیاسی، ایجاد «منطقه صلح، آزادی، و بیطرفی»، پیشبرد عدالت اجتماعی و بهبود استانداردهای زندگی، همکاری متقابل هنگام وقوع بلایای طبیعی، و همکاری در توسعه اقتصادی.

آسه‌آن، پس از جنگ سرد بسیار فعال‌تر شده است و برای اینکه حوزه نفوذ خود را در جنوب شرقی آسیا و سایر مناطق جهان گسترش بدهد، تلاش کرد تا در درجه نخست خود را با کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و در درجه دوم با سازمانها و مجامع اقتصادی همسو کند. از همین رو گام‌هایی برای نزدیکی با سازمان همکاری اقتصادی (اگو) نیز برداشته است.

در زمینه‌های تجاری و امنیتی، آسه‌آن فعالیت‌های بسیاری دارد و یک سلسله ترتیبات خاص تجاری و امنیتی در منطقه ایجاد کرده است. با این حال، مشخصترین و فعالترین بخش اقدامات آسه‌آن در زمینه همکاری‌های منطقه‌ای و روابط خارجی است. برای نیل به این هدف،

آسه‌آن از ابراز تمایل به همکاری با هر کشوری که بخواهد توان آسه‌آن را در زمینه‌های سیاسی و اقتصادی و حتی نظامی بالا ببرد، خودداری نکرده است. از این جنبه است که آمریکا همیشه علاقه‌مند بوده است با این سازمان همکاری نزدیک داشته باشد. به‌طوری که این همکاری بیش از دو دهه است که ادامه دارد و نشانه‌ای از گرمی روابط آمریکا با آسه‌آن است.

بیشترین و مهمترین روابط آسه‌آن با اتحادیه اروپا، جمهوری خلق چین و هندوچین است.

سازمان همکاری اقتصادی - اِکو

سازمان همکاری اقتصادی - اِکو - در واقع جانشینی برای سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (آر - سی - دی) است. آرسی دی در ژوئیه ۱۹۶۴ با عضویت سه کشور ایران، پاکستان و ترکیه تشکیل شد. هدف آن سازمان ایجاد و تقویت همکاری در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی میان سه کشور، و استفاده از امکانات موجود به منظور رشد اقتصادی و اجتماعی منطقه، و بالابردن سطح زندگی مردم سه کشور بود.

با عهدنامه ازمیر در ۱۹۷۶ اساس و شالوده‌ای مستحکم، برای تقویت فعالیت‌های آر - سی - دی پدید آمد. سازمان آر - سی - دی دارای کمیته‌های بسیار و چندین سازمان وابسته بود. مقر دبیرخانه آن نیز در تهران قرار داشت.

فعالیت‌های سازمان همکاری عمران منطقه‌ای از ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۷، یعنی تا سال پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. از آغاز ۱۳۵۷ با اوج‌گیری انقلاب اسلامی، فعالیت‌های آر سی دی روند آهسته‌تری به خود گرفت و گرچه عهدنامه ازمیر (به‌عنوان اساسنامه سازمان) به تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران رسیده و مبادله شده بود، اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به علت عدم اعلام نظر قطعی جمهور اسلامی ایران نسبت به ابقا در سازمان مذکور یا کناره‌گیری از آن، فعالیت آر سی دی به حال تعلیق درآمد، تا جایی که در ۱۳۵۹ به انحلال آن تصمیم گرفته شد. اما بررسی‌ها و پژوهش‌های فراگیری که صورت گرفت و با توجه به همه ابعاد و ضرورت‌ها و مصلحت‌ها لزوم حفظ موجودیت این همکاری در اصل مورد تأیید قرار گرفت. از دلایل مهم حفظ این همکاری سه‌جانبه، وقوع جنگ تحمیلی و محاصره اقتصادی کشورهای غربی علیه ایران بود.

بنابراین، با دوراندیشی مسئولان ذربط و با در نظر گرفتن اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبنی بر گسترش روابط با کشورهای همسایه، مسلمان و جهان سوم، همکاری سه‌جانبه ایران، پاکستان و ترکیه در چارچوب یک نهاد منطقه‌ای با نام تازه سازمان همکاری اقتصادی (اِکو)، از نهم بهمن‌ماه ۱۳۶۳ بار دیگر آغاز شد.

در این هنگام، «روابط کشورها در سازمان در سطح معاونان وزارت خارجه سه کشور صورت می‌گرفت و سازمان مزبور تنها چهار کمیته تخصصی داشت که همه فعالیت‌های اقتصادی، کشاورزی، علمی و ... را شامل می‌شد.»^{۱۱}

برای تقویت و گسترش همکاری‌های سه‌جانبه، وزیران خارجه سه کشور در جلسه ویژه اسلام‌آباد در خرداد ۱۳۶۹، پروتکل اصلاحی عهدنامه ازمیر را امضا کردند. به موجب پروتکل اصلاحی، سطح اِکو از شورای معاونان به شورای وزیران ارتقاء یافت. همچنین تعداد کمیته‌های فنی به هفت کمیته رسید. هم‌اکنون تعداد این کمیته‌ها هشت عدد است.

ساختار اِکو

شورای وزیران: بالاترین رکن سازمان است که سالی یک بار تشکیل جلسه می‌دهد.

شورای قائم مقامها.

شورای برنامه‌ریزان.

کمیته ملی فنی: کمیته‌های فنی سازمان همکاری اقتصادی عبارت‌اند از کمیته‌های اقتصادی - بازرگانی، کمیته صنعتی و فنی، ترابری، ارتباطات، کشاورزی، علمی و آموزشی و فرهنگی، انرژی، زیربنایی در امور عمومی.

دبیرخانه: مقر دبیرخانه اِکو در تهران است. کشورهای عضو دبیرکل اِکو را برای یک دوره چهار ساله انتخاب می‌کنند.

اجلاس اِکو

نخستین نشست سران کشورهای عضو اِکو در ۲۷ و ۲۸ بهمن ۱۳۷۰ (۱۹۹۲) در تهران برگزار شد. این نشست از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا با تحولات شگرفی که در صحنه جهانی با فروپاشی شوروی رخ داده بود، تعدادی از کشورهای تازه استقلال یافته مسلمان از آسیای مرکزی و قفقاز بر آن شدند که تمایل خود را به پیوستن به این سازمان اعلام دارند. این علاقه می‌توانست نقطه عطفی در روند توسعه فعالیت‌های اِکو به شمار آید. طبیعتاً پیوستن جمهوریهای تازه استقلال یافته به اِکو می‌توانست از نظر سیاسی موجب تشکیل بیشتر کشورهای مسلمان و غیرعرب منطقه شود و برای ایجاد یک بلوک منطقه‌ای نیرومند، مؤثر واقع شود. در ضمن، این جمهوریها دارای امکانات بالقوه اقتصادی هستند که با گسترش همکاریهای اقتصادی می‌توان از آن بهره‌برداری مطلوب کرد.

«نتایج اجلاس تهران عبارت بود از:

۱. توافق در جهت تلاش برای تقویت اِکو.
۲. پذیرش عضویت جمهوریهای آذربایجان، ترکمنستان، تاجیکستان، ازبکستان و

قرقیزستان.

۳. توافق مبنی بر مشارکت جامعه ترک قبرس در فعالیت اِکو.
 ۴. توافق مبنی بر حمایت از حقوق انسانی مردم جامو و کشمیر.
 ۵. توافق مبنی بر پشتیبانی برای یافتن یک راه حل سریع سیاسی در افغانستان.
 ۶. توافق بر انجام کوششهای لازم جهت رفع نهایی کلیه موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای و نیز یارانه صادرات.
 ۷. توافق مبنی بر توصیه به شورای وزیران جهت اجرای تصمیمات و توسعه همکاریها در زمینه حمل و نقل، ارتباطات، انرژی، صنعت و کشاورزی.^{۱۲}
- دومین نشست سران اِکو در ۱۵ و ۱۶ تیر ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) در استانبول برگزار شد. در این نشست بر انجام همکاریهای زیست محیطی، ارتباط با سازمانهای بین المللی و استقبال از همکاری بانک توسعه اسلامی در اجرای طرحهای مشترک در بخش ارتباطات تأکید شد. سومین نشست سران اِکو نیز در ۲۳ و ۲۴ اسفندماه ۱۳۷۳ در اسلام آباد پاکستان برگزار شد. نتایج این اجلاس بدین قرار بود:
۱. «تأسیس بانک تجارت و توسعه در ترکیه.
 ۲. تأسیس شرکت بیمه اِکو.
 ۳. امضای موافقت نامه تسهیل صدور روادید میان کشورهای عضو سازمان.
 ۴. امضای موافقت نامه ترانزیت تجاری.
 ۵. احیای فعالیت مؤسسه فرهنگی اِکو که مقر اصلی آن تهران تعیین شد.
 ۶. تأسیس بنیاد علمی اِکو که مقر اصلی آن در اسلام آباد خواهد بود.
 ۷. امضای یادداشت تفاهمی با «برنامه توسعه ملل متحد» (UNDP) و «برنامه ملل متحد برای مبارزه با مواد مخدر» (UNDCP).^{۱۳}

اِکو و سازمان کنفرانس اسلامی

سازمان کنفرانس اسلامی تشکیلاتی بین الدولی است، هنگام پیوستن به سازمان کنفرانس اسلامی، کشورهای عضو تصمیم گرفتند با استفاده از منابع و با هماهنگی تلاشها تا حد امکان، هم صدا برای دفاع از منافع خود صحبت کنند و پیشرفت و رفاه ملت های خویش و سایر ملل مسلمان در سراسر جهان را تضمین کنند.

از زمان تأسیس در ۱۹۶۹، سازمان کنفرانس اسلامی تلاش کرده است برای کشورهای عضو مجمعی مهم و مؤثر برای مشورت های سیاسی و همکاری فراهم کند. سازمان کنفرانس اسلامی برای رساندن صدای اعضای خود صحنه جهانی کسب کرده است و از اهداف عادلانه آنها در مواردی که معیارهای دوگانه اعمال شده، حمایت می کند.

ایجاد همکاری میان سازمان کنفرانس اسلامی و اِکو نه تنها راه را برای همگرایی اقتصادی هموار می‌سازد، بلکه موجب می‌شود شرایط مساعد برای اجرای برنامه‌های ملی کشورها در زمینه‌های مختلف فراهم شود. برای این کار، نمونه‌آروپایی همکاری نباید نادیده گرفته شود، در واقع ستون اولیه‌ی اتحادیه اروپا برای نیل به همکاری اقتصادی بنانهاده شد و این اتحادیه توانسته است به موفقیت‌های عملی دست یابد.

باید در وهله‌ی اول بر هدف مشخصی که همانا همکاری اقتصادی در سطح کلان است، تأکید شود. عصری که در آن زندگی می‌کنیم، تأثیر بسیاری بر زندگی روزمره‌ی ملتها دارد و اساس قضاوت‌های ارزشی سنتی دچار دگرگونی و تحول شده است. قدرت یک کشور دیگر با مساحت ارضی و میزان جمعیت ارزیابی نمی‌شود، بلکه قدرت اقتصادی و رفاه کشور است که اکنون ملاک قدرت آن تلقی می‌شود. روند تحولات که حاصل پیشرفت اقتصادی و اجتماعی است، افق‌های جدیدی را به روی کشورها گشوده است.

از سوی دیگر، جهانی شدن اقتصاد و افزایش اتکای متقابل ملتها، از ویژگی‌های اصلی روابط بین‌المللی در آینده است. در همین چارچوب، همکاری منطقه‌ای از اهمیت بالایی برخوردار شده است.

اعضای سازمان کنفرانس اسلامی، تقریباً نماینده‌ی یک چهارم جمعیت جهان و یک پنجم مساحت آن است، ولی با وجود اینکه همگی از منابع قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، جمع تولید ناخالص ملی آنها کمتر از ۵ درصد تولید جهانی بوده و شاخصهای اقتصادی و اجتماعی آنها پایینتر از سطوح متوسط جهانی است.

بنابراین با توجه به شرایط کنونی، همکاری بین کشورهای عضو کنفرانس اسلامی، هرچه بیشتر احساس می‌شود. از این جهت می‌توان ارتباط این سازمان را با اِکو، مهم تلقی کرد. از سوی دیگر، سازمان همکاریهای اقتصادی (اِکو) نیز، یک تشکیلات منطقه‌ای است که درصدد است همکاریهای چندجانبه در منطقه را گسترش دهد و اساس مستحکمی برای رشد پایدار اجتماعی و اقتصادی کشورهای عضو فراهم آورد. افزایش عضویت این سازمان از سه به ده کشور عضو که همگی آنها از اعضای کنفرانس اسلامی نیز هستند، این سازمان را به صورت یک تشکیلات بزرگ منطقه‌ای و بین‌المللی در آورده است که دارای امکانات بالقوه‌ی عظیمی از لحاظ منابع و نیروی انسانی است. نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر در منطقه‌ی اِکو ساکن هستند که معادل حدود یک چهارم کل جمعیت جهان اسلام است. اِکو، نقش محوری برای توسعه‌ی اقتصادی بین کشورهای عضو و احیای روابط دیرینه‌ی فرهنگی و انسانی بین وارثین این میراث مشترک تاریخی دارد. به همین لحاظ سازمان کنفرانس اسلامی و سازمان همکاریهای اقتصادی (اِکو) دارای منابع و اهداف مشترک‌اند.

از آنجا که اِکو یک سازمان بزرگ منطقه‌ای است، در ۱۹۹۳ در مقام ناظر در سازمان

کنفرانس اسلامی پذیرفته شد، بدین ترتیب توانست نقش مثبتی در فعالیتهای این سازمان ایفا کند. از سوی دیگر، با امضای یادداشت تفاهم بین دو سازمان در نیویورک در ۱۹۹۴ روابط دو سازمان، اِکو و کنفرانس اسلامی، وارد مرحله جدیدی شده است.

در نتیجه این روابط نهادین و سازنده، دو سازمان موافقت کردند که بازدیدهای متقابل داشته باشند و مبادرت به تبادل اطلاعات و اسناد درخصوص موضوعات مورد علاقه کنند و یکدیگر را در مورد فعالیتهای جاری و برنامه‌های آتی مطلع سازند تا زمینه‌های همکاری مفید میان آنها شناسایی شود. و توافق شد که سازمان کنفرانس اسلامی و اِکو یکدیگر را دعوت کنند تا در جلسات مورد علاقه یکدیگر به‌عنوان ناظر به صورت متقابل شرکت کنند و همچنین مبادرت به انجام مطالعات مشترک کنند و در زمینه اجرای برنامه‌های خاص مورد علاقه طرفین براساس مورد همکاری کنند.

«سازمان همکاری اقتصادی (اِکو) همچنین، یادداشت تفاهم با بانک توسعه اسلامی در ۷ ژوئیه ۱۹۹۳ امضا کرد که به موجب آن چارچوبی کلی برای همکاری بین اِکو و بانک توسعه اسلامی فراهم شد تا به امر توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای دارای عضویت مشترک در دو سازمان کمک کند.

از سوی دیگر، اِکو نیز در عمل کمکهای قابل ملاحظه‌ای از بانک توسعه اسلامی در انجام فعالیتهای خود دریافت می‌کند. بانک توسعه اسلامی خدمات سه کارشناس را برای انجام مطالعات امکان سنجی در زمینه حمل و نقل جاده‌ای، راه آهن و مخابرات ارائه کرد. بانک مزبور همچنین برخی از فعالیتهای اِکو مانند برگزاری سمینار خصوصی سازی که در سپتامبر ۱۹۹۵ برگزار شد را حمایت کرد. همچنین در ماه اوت ۱۹۹۶، یک هیأت بانک توسعه اسلامی از دبیرخانه اِکو بازدید کرد و درخصوص شناسایی زمینه‌های مشخص که دو سازمان می‌توانند با هم همکاری کنند، مذاکراتی انجام گرفت. متعاقب آن، بانک توسعه اسلامی ابراز آمادگی کرد که کمک مالی برای شرکت هیأت‌هایی از کشورهای آسیای مرکزی عضو اِکو در نمایشگاههای بازرگانی که از سوی اِکو برگزار می‌شود ارائه کند و همچنین گروهی را از مؤسسه مربوطه برای آموزش مقامات بانک تجارت و توسعه اِکو که در مرحله تأسیس است، اعزام کند. بانک توسعه اسلامی همچنین آمادگی خود را برای ارائه کمک مالی به شرکت کشتیرانی اِکو از طریق تأمین مالی مطالعات امکان سنجی برای پیشنهادهای اِکو و برگزاری کارگاه، سمینار و دوره‌های آموزشی در کشورهای عضو اِکو اعلام کرد.»

امروزه، همکاری متقابل بین سازمان کنفرانس اسلامی و اِکو، در حال گسترش هر چه بیشتر است و با گذشت زمان تقویت می‌شود. این امر عامل مثبتی است برای رسیدن به صلح و ثبات و رفاه جهانی.^{۱۴}

سازمان کشورهای صادرکننده نفت - اوپک

سازمان کشورهای صادرکننده نفت در ۱۹۶۰ تأسیس شد تا کشورهایی را که منبع درآمد صادراتی اصلی آنان نفت است به هم پیوند دهد. هدف اوپک یکپارچه کردن و هماهنگ سازی سیاستهای نفتی اعضا و حراست از منافع آنها به طور کلی است.

«سهم اوپک از تولید جهانی نفت در ۱۹۹۴، ۴۱٫۲٪ درصد بود، در حالی که این سهم در ۱۹۸۰، ۴۴٫۶٪ و در سال ۱۹۷۴، ۵۴٫۷ درصد بود. تخمین زده می شود که اعضای اوپک ۷۵ درصد ذخایر شناخته شده نفت خام جهان را در اختیار دارند؛ از این میزان دو سوم آن در خاورمیانه قرار دارد.

در سال ۱۹۹۴ اعضای اوپک صاحب حدود ۴۰٫۵ درصد ذخایر شناخته شده گاز جهان بودند.»^{۱۵}

در اینجا باید متذکر شد که اوپک اساساً سازمانی منطقه ای به شمار نمی آید و در چند گوشه جهان، دارای اعضایی است.

اعضای خاورمیانه ای اوپک از ایران، عراق، کویت، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی تشکیل می شود، دیگر عضو آسیایی آن اندونزی است. سه کشور الجزایر، لیبی و نيجريه اعضای آفریقایی آن هستند و دیگر عضو اوپک، ونزوئلا، در آمریکای جنوبی قرار دارد.

ساختار اوپک

کنفرانس: کنفرانس بالاترین مرجع اوپک است، که مسئول تنظیم سیاست عمومی آن است. کنفرانس از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل می شود، این نمایندگان گزارشها و توصیه های ارائه شده هیأت مدیران را بررسی می کنند. کنفرانس انتصاب مدیران از هر کشور را تصویب می کند و رئیس هیأت مدیران را برمیگزیند. کنفرانس براساس اتفاق آراء عمل می کند و دست کم سالی دوبار، تشکیل جلسه می دهد. رئیس کنونی آن عمار مخلوفی از الجزایر است.

هیأت مدیران: هیأت مدیریت سازمان را هدایت می کند، قطعنامه های کنفرانس را اجرا می کند و بودجه سالانه را طرح می کند. هیأت مدیران از یک مدیر از هر کشور عضو تشکیل می شود و دست کم سالی دوبار تشکیل جلسه می دهد.

کمیته نظارت وزرا: این کمیته - که در سال ۱۹۸۸ بناگذاشته شد - مسئول نظارت بر افزایش قیمت و تضمین ثبات بازار جهانی نفت است. به همین لحاظ مسئول آماده سازی استراتژیهای بلندمدت، از جمله تخصیص سهمیه هایی که به کنفرانس ارائه می شود، است.

کمیته از نمایندگان همه کشورها تشکیل می شود، و معمولاً چهار بار در سال تشکیل جلسه می دهد.

کمیسیون اقتصادی: نهادی تخصصی است که درون چارچوب دبیرخانه عمل می کند و

به یاری سازمان در پیشبرد ثبات قیمت‌های بین‌المللی نفت در سطوح منصفانه می‌پردازد. کمیسیون از یک هیأت، نمایندگان کشورها و ستاد کمیسیون تشکیل می‌شود و دست‌کم سالی دو بار تشکیل جلسه می‌دهد.

دبیرخانه: مقر دبیرخانه اوپک در وین اتریش است و دبیرکل کنونی آن نیز دکتر ریلوانو لومکن از نیجریه است.

دبیرخانه یک بخش پژوهشی دارد که از چند اداره تشکیل می‌شود:

اداره خدمات اطلاعات: بخش کامپیوتر دارای خدمات اطلاعاتی است که برای پشتیبانی از فعالیتهای پژوهشی دبیرخانه و کشورهای عضو به آنها ارائه می‌دهد. بخش آمار اطلاعات آماری را از منابع اصلی و فرعی گردآوری، ارزیابی و تحلیل می‌کند.

اداره مطالعات انرژی: برنامه‌ای همیشگی برای پژوهش در انرژی و امور مربوط به آن را انجام می‌دهد. تحولات در صنایع انرژی و پتروشیمی را پیش‌بینی و تحلیل می‌کند و هیدروکربنها و محصولات و مصارف غیر انرژی آنها را ارزیابی می‌کند.

اداره اقتصادی و مالی: مسائل اقتصادی و مالی مهم را تحلیل می‌کند، به ویژه آن مسائلی را که به موضوعات مالی و پولی بین‌المللی و صنعت نفت بین‌المللی مربوط می‌شود.

علاوه بر بخشهای بالا، ادارات دیگری نیز در ساختار اوپک وجود دارند. از جمله اداره کارکنان و امور اداری که مسئول ارائه خدمات اداری به همه نشستهای سازمان است.

اداره اوپکناو اطلاعات که در ۱۹۹۰ با ادغام اداره اطلاعات عمومی پیشین و خبرگذاری اوپک (اوپکنا) ایجاد شد و به‌طور روزمره به ارائه اخبار می‌پردازد.

اداره دیگر، دفتر حقوقی است که درباره منافع سازمان و کشورهای عضو به مطالعات حقوقی می‌پردازد.

دفتر دبیرکل اداره دیگری است که در انجام وظایف دبیرکل به وی کمک اجرایی می‌دهد و تماس با حکومتها، سازمانها و هیأت‌های نمایندگی را تسهیل می‌کند.

عملکرد اوپک

نخستین کنفرانس اوپک در سپتامبر ۱۹۶۰ در بغداد برگزار شد که در آن نمایندگانی از ایران، عراق، کویت، عربستان سعودی و ونزوئلا حضور داشتند.

در دومین کنفرانس در ۱۹۶۱ در کاراکاس ونزوئلا، هیأت مدیران تشکیل شد و بر سر اساسنامه سازمان توافق شد.

مهمترین هدف فعالیتهای اوپک، گرفتن تصمیماتی برای کاهش سقف تولید و افزایش بهای نفت است.

نخستین کنفرانس سران اوپک در مارس ۱۹۷۵ در الجزایر برگزار شد. در سال بعد نیز

صندوق ویژه اوپک برای توسعه بین‌المللی ایجاد شد. این صندوق را شورای وزیران و هیأت مدیران اداره می‌کند و وزیر مالیه هر کشور عضو اوپک، نماینده کشورش در آن است.

«منابع صندوق از کمکهای اعضای اوپک و درآمد دریافتی از اقدامات و دیگر اموری که برای صندوق عایدی دارد تأمین می‌شود. هدف صندوق تقویت همکاری مالی میان کشورهای عضو اوپک و دیگر کشورهای در حال توسعه از راه تدارک پشتیبانی مالی به آن کشورهاست تا به توسعه اقتصادی و اجتماعی آنان یاری رساند.»^{۱۶}

شورای همکاری خلیج فارس

نام اصلی این سازمان منطقه‌ای، شورای همکاری دولتهای عربی خلیج فارس است که معمولاً به نام شورای همکاری خلیج فارس شناخته می‌شود. این سازمان را در ۲۵ می ۱۹۸۱ شش دولت عرب خلیج فارس، یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان سعودی و امارات عربی متحده، تشکیل دادند.

اساساً اندیشه تشکیل سازمانی برای همکاری منطقه‌ای، از مدتها پیش وجود داشت. اما به دلیل برخی رقابتها و اختلافات منطقه‌ای، میان آن شش کشور با دو همسایه شمالی آنها، یعنی ایران و عراق، و همچنین اختلافات میان خود آن کشورها، کار تشکیل چنین سازمانی به تأخیر افتاد، اما وقوع انقلاب اسلامی در ایران و همچنین آغاز جنگ ایران - عراق، روند تشکیل شورا را شتاب بخشید.

پس از سلسله جلساتی میان وزرای خارجه دولتهای عرب خلیج فارس بالاخره توافق بر سر جزئیات اساسی منشور سازمان در ۱۰ می ۱۹۸۱ به اوج خود رسید و شورای همکاری خلیج فارس، تشکیل شد. منشور که در ۲۵ می به امضای سران آن شش دولت رسید در توصیف این سازمان، آن را فراهم آورنده وسایلی برای تحقق همکاری، یکپارچگی و هماهنگی در همه امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی معرفی می‌کند. رشته جلسات بعدی میان وزرا کار به اجرا گذاردن آن پیشنهادها را انجام داد.

ساختار شورای همکاری خلیج فارس

۱. شورای عالی: عالیترین مقام شورای همکاری شورای عالی است که چگونگی گزارش اجلاس، وظایف و اختیارات و شیوه رأی‌گیری در مورد مصوبات آن در مواد ۷ و ۹۸ اساسنامه آمده است. ماده ۷ می‌گوید که شورای عالی از سران کشورهای عضو شکل می‌گیرد، بنابراین تشکیل شورای عالی منوط به حضور سران کشورهای عضو است.

ریاست شورا به ترتیب الفبایی نام کشورهای عضو به اعضا واگذار می‌شود. رئیس تا هنگامی که ریاست را در آغاز اجلاس بعدی شورا به جانشین خود واگذارد، به انجام وظیفه

می‌پردازد.

هر کشور باید ۷ روز قبل از افتتاح شورا دبیرکل را از نام اعضای هیأت نمایندگی خود به اجلاس آگاه کند. او بر چگونگی انجام وظایف نهادهای شورا نظارت دارد و می‌تواند عملکرد این نهادها را بر مبنای مواد اساسنامه تصحیح کند. «شورا هر سال یک اجلاس دارد، ولی با پیشنهاد دول عضو می‌تواند اجلاس فوق‌العاده برگزار شود اگرچه مقر شورا ریاض است اما در جاهای دیگر هم شورا می‌تواند تشکیل جلسه دهد. اجلاس با حضور ۲/۳ از سران معتبر خواهد بود و رئیس هر کشور که یک طرف اختلاف است می‌تواند ریاست شورا را به عهده گیرد. در چنین هنگامی یک رئیس موقت تعیین و ریاست جلسه یا اجلاس به او واگذار می‌گردد.»^{۱۷}

اجلاس فوق‌العاده تحت شرایطی برگزار می‌شود: ۱. بنابه تصمیم قبلی و تصویب در اجلاس قبلی، ۲. بنابه دعوت یک عضو که مورد تأیید یک عضو دیگر واقع شده باشد که در آن صورت اجلاس حداکثر ۵ روز پس از تاریخ دعوت برگزار می‌شود.

وظایف در ماده ۱۸ آمده است: ۱. بررسی مسائل موردنظر کشورهای عضو؛ ۲. تعیین سیاست عالی شورا و خطوط اساسی فعالیت آن؛ ۳. بررسی توصیه‌ها و گزارشها و طرحهای مشترک که از شورای وزیران جهت تصویب به آن ارجاع شده است؛ ۴. بررسی گزارشها و مطالعات انجام شده از سوی دبیرکل شورا؛ ۵. تعیین اساسی برای همکاری شورا با دیگر کشورها و سازمانهای جهانی؛ ۶. تصویب آیین‌نامه هیئت حل اختلاف و تعیین اعضای آن؛ ۷. تعیین دبیرکل شورا؛ ۸. اصلاح اساسنامه شورا؛ ۹. تصویب ترازنامه دبیرخانه.

در شورا هر عضو یک رأی دارد، مصوبات با اجماع کشورهای عضو حاضر در رأی‌گیری صادر می‌شود؛ ولی در مسائل اجرایی اکثریت آرا کافی خواهد بود. زیرا میان مسائل ماهوی و اجرایی تفاوت است. تشخیص این مسائل با شورای وزیران است. شورا بر سر مسائل مورد اختلاف با اکثریت آرا تصمیم خواهد گرفت. رأی‌گیری با خواندن اسامی کشورها به ترتیب الفبا و بلند کردن دست انجام می‌شود. در صورت درخواست یک عضو رأی‌گیری به صورت مخفی هم ممکن است انجام گیرد. عضو ممتنع نظر خود را کتباً باید اعلام کند. وقتی رأی صادر شد رد یا قطع آن بستگی به نظامنامه داخلی دارد و وقتی عضوی پیشنهاد اصلاحی داد باید ابتدا رأی‌گیری شود، پس از آن طرح رسیدگی می‌شود.

شورا دارای دو کمیته است. یکی کمیته موقت که از نمایندگان دولتها تشکیل شده و در مورد مسائل مندرج در دستور کار اجلاس مطالعه می‌کند. این کمیته در پایان اجلاس عمرش تمام می‌شود. دیگری کمیته دائم یا فنی است. اعضای آن از شهروندان متخصص دولتهای عضو تعیین می‌شود. این کمیته به دعوت دبیرکل و در مورد برنامه کار خود با دبیرکل مشورت می‌کند. دبیرکل دستور کار هر کمیته را پس از مشورت با رئیس کمیته مربوط معین می‌کند. مصوبات جنبه توصیه‌ای دارد و الزام‌آور نیست؛ البته این امر ناشی از حاکمیت و همکاری است که

کشورها نمی‌خواهند استقلال و حاکمیت آنها محدود شود.^{۱۸} در دسامبر ۱۹۹۷ شورای عالی اجازه ایجاد شورای مشورتی ۳۰ نفره را صادر کرد تا اینکه به صورت نهادی مشورتی عمل کند. این شورا را دولتهای عضو برمی‌گزینند.^{۱۹}

۲. **شورای وزیران:** شورای وزیران رکن اجرایی شورا است که از وزرای دولتهای عضو یا نمایندگان آنان تشکیل می‌شود و ریاست آن با دولتی است که ریاست آخرین اجلاس عادی شورای عالی را به عهده داشته است. این شورا هر سه ماه یک بار اجلاس دارد، اما هنگام ضرورت به خواست یکی از اعضا اجلاس فوق‌العاده برگزار می‌شود. اجلاس شورا با حضور ۲۳ اعضا معتبر است، مواردی که اجلاس فوق‌العاده برگزار می‌شود اینهاست:

۱. اجلاس به دعوت یک عضو و تأیید عضو دیگر باشد یا به دستور خود شورای وزیران باشد. در این صورت شورا دستور کار، محل برگزاری و تاریخ اجلاس را تعیین می‌کند.
۲. دبیرکل دعوت‌نامه مربوط به حضور در اجلاس فوق‌العاده شورا را همراه با یادداشتی متضمن درخواست دولت دعوت‌کننده ارسال می‌کند. محل و تاریخ و دستور کار ضروری است. اجلاس فوق‌العاده در خلال ۵ روز پس از تاریخ ارسال دعوت‌نامه برگزار می‌شود.
۳. هیچ مسئله‌ای غیر از مسئله موردنظر قابل بحث نیست. رئیس شورا یا رئیس اجلاس به عهده عضو است که در آخرین اجلاس عادی رئیس بوده است. دولت طرف نزاع نمی‌تواند ریاست را به عهده بگیرد.

وظایف شورای وزیران عبارت است از:

۱. پیشنهاد و آماده‌سازی توصیه‌ها، بررسی و طرحهایی که به گسترش همکاری و هماهنگی میان دولتهای عضو در زمینه‌های گوناگون خواهد انجامید و نیز اتخاذ تصمیم یا توصیه‌های لازم در آن زمینه‌ها.
۲. تلاش برای تشویق گسترش و هماهنگ کردن فعالیتهای موجود میان دولتهای عضو در تمام زمینه‌ها و احاطه تصمیمات اتخاذ شده در این موارد به شورای وزیران که آنها را برای اتخاذ تصمیم مناسب به شورای عالی توصیه می‌کند.
۳. ارائه توصیه به وزیران مربوط برای تدوین سیاستهایی که باید به موجب آنها تصمیمات شورای همکاری به اجرا در آیند.
۴. تشویق زمینه‌های همکاری و هماهنگی میان فعالیتهای گوناگون بخش خصوصی و گسترش همکاری موجود میان اتاقهای بازرگانی دولتهای عضو و تشویق انتقال نیروی کار از شهروندان دولتهای عضو در میان آنها.
۵. ارجاع هر مورد از موارد همکاری به یک یا چند کمیته فنی یا تخصصی برای مطالعه و ارائه پیشنهادها مناسب.
۶. بررسی پیشنهادها مربوط به تصویب این اساسنامه و تسلیم توصیه‌های مناسب به

شورای عالی.

۷. تصویب آیین‌نامه داخلی شورای وزیران و آیین‌نامه داخلی دبیرخانه.

۸. انتصاب معاونان دبیرکل که از سوی او برای این سمت معرفی شده‌اند، برای مدت سه سال.

۹. تصویب گزارشهای دوره‌ای آیین‌نامه‌ها و لوایح داخلی مربوط به امور شورا و مسائلی که از سوی دبیرخانه معرفی می‌شود. و نیز توصیه به شورای عالی جهت تصویب بودجه دبیرخانه.

۱۰. تدارک اجلاس شورای عالی و تهیه برنامه کار آن.

۱۱. بررسی آنچه از سوی شورای عالی به آن ارجاع می‌شود.

رأی‌گیری در شورا به این صورت است که هر عضو یک رأی دارد. تصمیمات در مسائل ماهوی با اجماع دول و در مسائل اجرایی با اکثریت نسبی قابل اجراست. اگر بین مسائل ماهوی با مسائل اجرایی بین اعضا اختلاف افتاد نظر اکثریت مهم است. هیچ یک از دول عضو نمی‌تواند دولت دیگری را به نمایندگی برگزیند یا به جای آن رأی دهد. و رأی‌گیری هم با خواندن اسامی دولتها به ترتیب الفبا یا با بلند کردن دست خواهد بود. اگر عضوی درخواست کند که رأی‌گیری مخفی انجام گیرد، این کار صورت می‌گیرد. شورا دارای دو کمیته است: یکی کمیته موقت یا کمیته مقدماتی است که از نمایندگان دولتهای عضو تشکیل می‌شود و با پایان اجلاس عمر آن تمام می‌شود.^{۲۰} دوم کمیته فنی یا کمیته کار است که در مورد مسائل فنی از آن استفاده می‌شود. در مارس ۱۹۹۶ شورای وزیران طرحی را به تصویب رساند که در آینده سمت دبیرکل میان دولتهای عضو به صورت گردشی باشد تا نمایندگی برابر اعضا تضمین شود.

۳. دبیرخانه عمومی: دبیرخانه عمومی نقش اساسی را دارد. چون تنها رکن عامل سازمان است که به صورت رسمی کار می‌کند. و به گردآوری اسناد و بیانیه‌ها و تدارک و نظارت بر کار اجلاس و کمیته‌ها و پیگیری مصوبات اجلاس اشتغال دارد. بنابراین باید در محل مشخص مستقر باشد. مقر آن ریاض است. در حالی که دو رکن دیگر مقرشان متغیر است.

دبیرکل بالاترین مقام اداری است و نماینده حضور شورا است. دبیرکل از میان شهروندان دولتهای عضو برای دوره‌ای سه ساله که تنها یک بار قابل تجدید است تعیین می‌شود و مستقیماً مسئول انجام امور دبیرخانه است و بر جریان کار دبیرخانه و نهادهای وابسته نظارت می‌کند. پیگیری قطعنامه و مصوبات شورای عالی و وزیران و نهادهای وابسته و تصمیم‌گزارش از چگونگی به اجرا گذاشته شدن این مصوبات به شورای عالی و وزیران از دیگر وظایف دبیرکل است.

وظایف دیگر دبیرکل عبارت است از پیش‌نویس برنامه کار و قطعنامه شورای وزیران و نظارت بر دبیرخانه فنی و تدارک تشکیل اجلاس آن، تعیین کارمندان دبیرخانه با رعایت ضوابط

در اساسنامه، تهیه پیش‌نویس بودجه و ترازنامه. دبیرکل در اجلاس شوراها شرکت می‌کند و می‌تواند به نمایندگی از سوی خود یکی از نمایندگان را به اجلاس اعزام کند. دول عضو را در اجلاسها دعوت می‌کند. در صورت ضرورت می‌تواند از رئیس شورای وزیران خواستار برگزاری اجلاس فوق‌العاده شود و نیز در حدود صلاحیتی که به وی داده شده نماینده شورا است. معاونان به پیشنهاد شورای وزیران برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند و قابل تجدید است. دبیرکل می‌تواند بعضی از وظایف را به معاونان واگذار و حتی می‌تواند یکی از آنها را به‌عنوان جانشین خود انتخاب کند.^{۲۱}

دبیرکل کنونی شورای همکاری خلیج فارس، شیخ جمیل ابراهیم الحجیلانی از کشور عربستان سعودی است.

همکاریهای اقتصادی در شورای همکاری: در نوامبر ۱۹۸۲، وزرای شورای همکاری موافقت‌نامه اقتصادی یکپارچه‌ای را طرح کردند که مسائلی همچون آزادی حرکت مردم و سرمایه، لغو عوارض گمرکی، همکاری فنی، هماهنگ‌سازی مقررات بانکی و همکاری مالی و پولی را در برمی‌گرفت. در همان زمان، سران دولتهای شورای همکاری، تشکیل شرکت سرمایه‌گذاری خلیج فارس را با سرمایه ۲۱۰۰ میلیون دلار به تصویب رساندند. قرار بر این شد که این شرکت در کویت مستقر شود. در مارس ۱۹۸۳، عوارض گمرکی بر کالاهای داخلی دولتهای خلیج فارس لغو شد، و مقررات تازه‌ای نیز برای نخستین بار مطرح شد که حرکت آزادانه کارگران و وسایل نقلیه را در میان دولتهای عضو مجاز کرد.

در می ۱۹۹۲ وزیران بازرگانی شورا اعلام کردند که هدف ایجاد بازار مشترک شورای همکاری را تا سال ۲۰۰۰ پیگیری خواهند کرد. در سپتامبر، وزیران شورای همکاری بر سر اعمال یک نظام یکپارچه تعرفه‌ها تا مارس ۱۹۹۳ به توافق رسیدند. در آوریل ۱۹۹۴ وزیران دارایی توافق کردند که رهیافتی تدریجی را در قبال یکپارچه ساختن تعرفه‌ها در پیش گیرند، این امر می‌بایست مطابق با یک زمان‌بندی دو تا سه ساله تحقق می‌یافت، اما تا پایان سال ۱۹۹۷، هنوز باید موافقت‌نامه‌ای بر سر اجرای تعرفه گمرکی یکپارچه خارجی منعقد می‌شد.

در فوریه ۱۹۸۷، رؤسای بانکهای مرکزی دولتهای عضو به‌طور اصولی موافقت کردند که نرخهای مبادله ارز خود را هماهنگ سازند، و در نوامبر این کار به تصویب شورای عالی رسید. در دسامبر ۱۹۹۷، سران دولتها اجازه دادند رهنمودهایی برای قادر ساختن بانکهای ملی به انجام عملکردهایی در دیگر دولتهای شورای همکاری تدوین شود.

در زمینه تجارت و صنعت شورای همکاری به یک رشته اقدامات دست زده است، از جمله در ۱۹۸۲ کمیته وزیران تشکیل شد تا به هماهنگ‌سازی سیاستهای تجاری و توسعه در منطقه بپردازد. کمیته‌های فرعی فنی نیز ایجاد شدند تا بر ذخیره غذایی دولتهای عضو نظارت کنند.

در ۱۹۸۵، شورای عالی استراتژی مشترک صنعتی را برای دولتهای عضو به تصویب رساند. این استراتژی مقرراتی را در برمی گرفت که تصریح می کردند اولویت باید به واردات فرآورده های صنعتی شورای همکاری داده شود و به سرمایه گذاران کشورهای شورای همکاری اجازه می داد تا از بانکهای توسعه شورای همکاری وام بگیرند. در مارس ۱۹۸۹ شورای وزیران مقررات سرمایه گذاری خارجی یکپارچه شورای همکاری را به تصویب رساند، که هدف از آن جذب سرمایه گذاری خارجی و هماهنگ سازی سرمایه گذاریها در میان کشورهای شورای همکاری بود. در دسامبر ۱۹۹۲ نیز شورای عالی مقررات ثبت حق اختراع را جهت تسهیل پژوهش علمی و تکنولوژیک برای دولتهای عضو مورد تأیید قرار داد.

در زمینه امور ترابری و ارتباطات نیز، وزیران کشور شورای همکاری در نوامبر ۱۹۹۷، نظام گذرنامه ای ساده ای را برای تسهیل مسافرت میان کشورهای عضو به تصویب رساندند.

امنیت منطقه ای: هر چند در منشور اولیه هیچ سخنی از دفاع یا امنیت به میان نیامده، ولی آن اجلاس سران که منشور را به تصویب رساند بیانیه ای نیز صادر کرد که هرگونه حضور نظامی خارجی در منطقه را رد می کرد. اجلاس شورای عالی در نوامبر ۱۹۸۱ موافقت کرد که همکاری دفاعی نیز در فعالیتهای سازمان گنجانده شود. در نتیجه، وزرای دفاع در ژانویه ۱۹۸۲ گردهم آمدند تا بر سر سیاست امنیتی مشترک، شامل سیستم دفاع هوایی مشترک و استاندارد کردن تسلیحات به بحث بپردازند. در نوامبر ۱۹۸۴ «دولتهای عضو توافق کردند که نیروی پوششی شبه جزیره را برای استقرار سریع در برابر تجاوز خارجی تشکیل بدهند. این نیرو از واحدهایی از نیروهای مسلح همه کشورهای عضو و تحت فرماندهی مرکزی که قرار شد در عربستان باشد تشکیل می شد.»^{۲۲}

در اکتبر ۱۹۸۷ (پس از اصابت موشک از جانب ایران به کویت که از عراق در جنگ علیه ایران پشتیبانی می کرد) وزرای امور خارجه شورا بیانیه ای صادر کردند که اظهار می داشت تجاوز علیه یک دولت عضو تجاوز علیه همه آنها تلقی می شود. در دسامبر همان سال، شورای عالی پیمان مشترکی را در زمینه همکاری منطقه ای در امور امنیتی به تصویب رساند.

در آگوست ۱۹۹۰، شورای وزیران تهاجم عراق به کویت را به عنوان نقض حاکمیت محکوم کرد و خواستار عقب نشینی همه نیروهای عراقی از کویت شد. در طی آن بحران و جنگ بعدی میان عراق و نیروی چند ملیتی که در ژانویه و فوریه ۱۹۹۱ روی داد، شورای همکاری پیوندهای نزدیکی با مصر و سوریه پیدا کرد. این دو کشور به همراه عربستان سعودی فعالترین نقش را در اتحاد ضد عراق در میان کشورهای عربی ایفا می کردند.

در مارس همان سال شش کشور شورای همکاری، به همراه مصر و سوریه «اعلامیه دمشق» را طرح کردند که برنامه هایی را برای برقراری نیروی صلحبان منطقه ای اعلام می داشت. همچنین این اعلامیه خواستار برچیده شدن همه تسلیحات کشتار جمعی در منطقه می شد، و

توصیه می‌کرد که مسئله فلسطین از طریق کنفرانسی بین‌المللی حل و فصل شود. در ژوئن ۱۹۹۱، مصر و سوریه که قرار بود نیروهایشان بزرگترین بخش نیروی صلحبان را تشکیل بدهند، کناره‌گیری خویش را از این طرح اعلام کردند. از قرار معلوم اختلاف نظر با شورای همکاری بر سر ترکیب نیروی پیشنهادی و کارمزد در این کناره‌گیری دخیل بوده است. سرانجام پس از جلسات بسیار این طرح تقریباً به صورت نیمه کاره باقی ماند، هر چند به طور رسمی کناره‌گیری از این طرح از سوی کشورهای شورای همکاری اعلام نشده است.

در دسامبر ۱۹۹۷ شورای عالی طرحهایی را به تصویب رساند که در نوامبر وزیران دفاع آنها را برای پیوند دادن شبکه‌های مخابرات نظامی منطقه و برقراری سیستم هشدار سریع مشترک مجاز دانسته بودند.

در سپتامبر ۱۹۹۲، شورای وزیران از وضع منطقه ممنوع پروازی در جنوب عراق در اواخر آگوست پشتیبانی کرد، هدف از این کار حفاظت از مردم آن بخش کشور از حملات نیروهای مسلح عراق بود. در همان اجلاس، شورا مخالفت خود را با «تداوم اشغال» (تداوم حضور در) جزایر مورد ادعای امارات عربی متحده یعنی ابوموسی، تنب کوچک و بزرگ اظهار داشت. بعداً شورای همکاری خلیج فارس به طور پیاپی پشتیبانی خود را از ادعای حاکمیت امارات تأیید و تلاشهای ایران برای تحکیم حضور خود در آن جزایر را محکوم کرده است. همچنین شورای همکاری از ایران خواسته که برای پایان دادن به این مناقشه از وسایل مسالمت‌آمیز بهره جوید و قضیه را به دیوان بین‌المللی دادگستری ارجاع دهد.

از سال ۱۹۹۲ شکاف و اختلاف در درون شورای همکاری به خاطر اختلاف قطر و عربستان بر سر مرز مشترکشان، اوج گرفت. این اختلاف تا ۱۹۹۶ همچنان به طول انجامید، لیکن کم‌کم فروکش کرد.

در اواخر نوامبر ۱۹۹۴، دولتهای شورای همکاری موافقت‌نامه‌ای امنیتی را جهت رویارویی با جنایت و تروریسم منطقه‌ای منعقد ساختند. البته کویت این پیمان را امضا نکرد، زیرا ادعا می‌کرد که شرط مربوط به استرداد مجرمان برخلاف قانون اساسی آن کشور است.

در اواخر ژوئن ۱۹۹۷ وزیران امور خارجه دولتهای امضاکننده اعلامیه دمشق توافق کردند که یک منطقه تجارت آزاد را در سراسر منطقه ایجاد کنند تا مبنای تشکیل بازار مشترک عرب در آینده شود.

جنبش عدم تعهد

پس از سالهای ۱۹۴۵ و جنگ جهانی دوم، کشورهای جهان به دو قطب اقتصادی، سیاسی و نظامی غرب و شرق تقسیم شدند و تقریباً اکثریت کشورهای جهان نیز به یکی از این دو قطب پیوستند.

در مقابل این بلوکهای شرق و غرب، تعدادی از کشورها اعلام بی‌طرفی کردند و از هرگونه پیوستن به یکی از این دو بلوک خودداری به‌عمل آوردند و بعد از این بود که اندیشهٔ عدم تعهد بین این کشورها شکل گرفت.

تعدادی از رهبران کشورهای جهان سوم که عدم تعهد خود را اعلام کرده بودند، با گردهم آمدن دور هم عدم تعهد و همبستگی کشورهایشان را در مقابل دو بلوک شرق و غرب به نمایش گذاردند. رهبران مؤسس این جنبش، مارشال تیتو (یوگسلاوی سابق)، احمد سوکارنو (اندونزی)، جواهر لعل نهرو (هند) و جمال عبدالناصر (مصر) بودند. هر یک از این چهار رهبر، از سوابق درخشانی در مبارزه با استعمار برخوردار بودند و بعد از پیروزی کشورشان در مقابل امپریالیستها، همچنان به مبارزه با استعمار برای دستیابی به استقلال کامل کشورشان ادامه دادند. اولین جلسهٔ گردهمایی اعضای جنبش عدم تعهد، در کنفرانس باندونگ (اندونزی) در ۱۸ آوریل ۱۹۵۵ صورت پذیرفت. در این کنفرانس، نمایندگان ۲۹ کشور در حال توسعه که بیشتر از آسیا و آفریقا بوده‌اند، برای نخستین بار گردهم جمع شدند و به همین جهت نام آن را کنفرانس آسیایی و آفریقایی نهادند و در این کنفرانس که نطفهٔ جنبش عدم تعهد منعقد شد، دو گروه شکل گرفتند. گروهی از کشورها به سردستگی هند و اندونزی، خواهان مبارزه با استعمار بودند و گروهی دیگر از کشورها نیز به سردستگی پاکستان، خواستار مبارزه با کمونیسم بین‌الملل شدند. ولی به هر حال این دو گروه از کشورها نظریات خود را با یکدیگر نزدیک کردند و در یک گروه فراگیر متحد، علیه استعمار شرق و غرب گردهم آمدند. اصول این جنبش به پیشنهاد جواهر لعل نهرو که بعدها به اصول پنجگانه یا پنجشیرا شهرت یافته است، در اعلامیهٔ نهایی کنفرانس گنجانده شد که این اصول عبارت‌اند از:

۱. احترام متقابل به تمامیت ارضی و حاکمیت کشورها؛

۲. عدم تجاوز به خاک یکدیگر؛

۳. عدم دخالت دولتها در امور داخلی یکدیگر؛

۴. مساوات میان کشورها؛

۵. همزیستی مسالمت‌آمیز.

جنبش عدم تعهد از ارکان و نهادهای زیر تشکیل می‌شود:

۱. کنفرانس سران: کنفرانس سران، عالیت‌ترین رکن سازمان به شمار می‌رود که هر سه سال

یک بار در پایتخت یکی از کشورهای عضو جنبش تشکیل می‌شود.

۲. ریاست گروه: همان دبیرکل در دیگر سازمانهای بین‌المللی است. نحوهٔ انتخاب رئیس

گروه یا دبیرکل جنبش بدین‌گونه است که در هر کشوری که کنفرانس سران برگزار می‌شود، وزیر امور خارجهٔ آن کشور به‌عنوان رئیس گروه غیر متعهدها برای مدت ۳ یا ۴ سال تا تشکیل کنفرانس بعدی، به این سمت انتخاب می‌شود. با تغییر وزیر خارجه، ریاست گروه نیز به وزیر

جانشین وی انتقال می‌یابد.

۳. کنفرانس وزیران: این کنفرانس هر سه سال یک بار با شرکت وزیران خارجه کشورهای عضو تشکیل می‌شود. در مواقع اضطراری نیز این کنفرانس می‌تواند به صورت فوق‌العاده تشکیل شود.

۴. دفتر هماهنگی کشورهای غیر متعهد: اعضای این دفتر، وزیران خارجه یا نمایندگان کشورهای عضو هستند. وظیفه دفتر هماهنگی، بررسی مسائل مورد علاقه دولتهای غیر متعهد در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و غیره و پرداختن به درخواستهای جدید عضویت است.

۵. گروههای هماهنگی بین دولتها: این گروهها، به منظور هماهنگ کردن برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... در جریان کنفرانس سران تشکیل شد. وظیفه این گروهها، بررسی موضوعات مختلف و تهیه گزارشهای مربوط به آن و تسلیم به کنفرانس است. این گروهها درباره مسائل زیر تشکیل می‌شوند: ۱. مواد خام، ۲. تجارت، ۳. همکاریهای پولی و مالی، ۴. ماهیگیری، ۵. حمل و نقل، ۶. ارتباطات راه دور، ۷. مؤسسات عمومی، ۸. بهداشت، ۹. پیشرفتهای علمی و فنی، ۱۰. بهره‌برداری و توسعه منابع انسانی، ۱۱. نقش زن در توسعه و عمران، ۱۲. نظام تحقیقاتی و اطلاعاتی، ۱۳. جهانگردی، ۱۴. مرکز اطلاعات کشورهای غیرمتعهد، ۱۵. کاربرد صلح‌آمیز نیروهای هسته‌ای، ۱۶. ورزش.

۶. جلسات سالیانه وزیران خارجه در نیویورک: با هدف دستیابی به سیاستی مشترک وزیران خارجه کشورهای عضو جنبش در خلال اجلاسهای مجمع عمومی سازمان ملل متحد، گردهم می‌آیند. در این جلسات سالیانه، سعی می‌شود تا با نزدیک کردن مواضع کشورهای عضو، جبهه واحدی در برابر مسائل بین‌المللی تشکیل شود. جنبش عدم تعهد با وجود آنکه با هدف اولیه عدم تعهد به هیچ کدام از بلوکها شکل گرفت، اما در عمل توانست به آن اهداف پیش‌بینی شده خویش دست یابد. عمده‌ترین ضعفهای این جنبش را می‌توان این‌گونه بیان کرد:

۱. اعضای این جنبش، از دولتهای غیر متجانسی تشکیل شده است که هر یک دارای علایق سیاسی، اقتصادی و ... متفاوت از هم بودند و مواضع مختلفی را به سود منافع ملی خویش اتخاذ می‌کنند که ارتباطی با مواضع جنبش ندارد.

۲. در عمل بسیاری از این کشورها، به یکی از دو قطب شرق و غرب وابسته شدند که با شرط اساسی جنبش که همانا عدم وابستگی به یکی از ابرقدرتها بوده است، تناقض دارد.

۳. تصمیمات جنبش اصولاً براساس اتفاق آراست، و در صورت ایجاد کوچکترین اختلاف نظر بین کشورهای عضو، هیچ گونه تصمیمی اتخاذ نمی‌شود.

۴. از نظر سیاسی، نفوذ ابرقدرتها و قدرتهای بزرگ همچون آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه و چین، تفرقه و تشتت اعضای جنبش را سبب شده است.

۵. از نظر حقوقی، تصمیمات جنبش فاقد ضمانت اجرای لازم است و تنها پشتوانه آن، افکار عمومی جهان است.

۶. گروه‌بندیهای سیاسی در داخل جنبش، مانند جناح کشورهای عربی، جناح کشورهای آفریقایی و غیره، اختلاف نظرهای شدیدی را بین اعضا سبب شده و موجب عدم تصمیم‌گیری مناسب شده است.^{۲۳}

همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک)

همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک) در نوامبر ۱۹۸۹، به عنوان مجمع مشورتی غیررسمی شش عضو آسه‌آن و شش شریک گفتگوی آنها در پاسیفیک (آرام) آغاز به کار کرد. هدف آن پیشبرد همکاری اقتصادی چندجانبه درباره مسائل تجاری و سرمایه‌گذاری است.

اعضای کنونی آپک عبارت‌اند از استرالیا، برونئی، کانادا، شیلی، جمهور خلق چین، هنگ‌کنگ، اندونزی، ژاپن، جمهوری کره، مالزی، مکزیک، نیوزیلند، پاپواگینه نو، فیلیپین، سنگاپور، تایوان (که به عنوان چین تایپه پذیرفته شد)، تایلند و ایالات متحده آمریکا.

ساختار آپک

جلسات رهبران اقتصادی: نخستین اجلاس سران حکومت‌های آپک در نوامبر ۱۹۹۳ در سیاتل آمریکا برگزار شد. بعد از آن، هر سال اجلاس وزرای امور خارجه و امور اقتصادی آپک، با گرد آمدن غیررسمی رهبران اقتصادی آپک دنبال شده است. در اجلاس رهبران، اهداف سیاست‌گذاری این گروه‌بندی مورد بحث قرار می‌گیرد و تعیین می‌شود. اجلاس ۱۹۹۷ در ونکوور کانادا و اجلاس ۱۹۹۸ در مالزی برگزار شد.

جلسات وزیران: وزیران امور خارجه و امور اقتصادی آپک هر سال تشکیل جلسه می‌دهند. ریاست آپک که سالانه و به صورت گردشی است، میزبان این جلسات است. با این حال در ۱۹۸۹ توافق شد که جلسات وزیران جایگزین دیگری نیز در یک کشور عضو آسه‌آن برگزار شود. مسئولان بلند پایه‌ای به طور مرتب در میان جلسات وزیران تشکیل جلسه می‌دهند تا به هماهنگ‌سازی و تنظیم بودجه‌ها و برنامه‌های کاری کمیته‌ها و گروه‌های کاری آپک بپردازند.

برای نمونه، در طی سال ۱۹۹۶، جلساتی برگزار شد که وزیران مرتبط با هر موضوع در آن شرکت داشتند. از جمله این جلسات به توسعه منابع انسانی در مانیل، امور مالی در کیوتو ژاپن، توسعه پایدار در مانیل، تجارت در نیوزیلند و جلسه همکاری علمی و تکنولوژیک منطقه‌ای در سئول می‌توان اشاره کرد.

دبیرخانه: در اجلاس وزیران ۱۹۹۲ که در بانکوک برگزار شد توافق به عمل آمد که

دبیرخانه‌ای دائمی برای پشتیبانی از فعالیتهای آپک تأسیس شود. بودجه سالانه مصوب این دبیرخانه ۲ میلیون دلار تعیین شد. فعالیت دبیرخانه از فوریه ۱۹۹۳ آغاز شد. مدیر اجرای دبیرخانه از کشور عضوی که ریاست گروه را برعهده دارد برای یک دوره یک ساله برگزیده می‌شود. مدیر اجرایی کنونی آپک (۱۹۹۹) ذات‌النور عدلان از کشور مالزی است. مقر دبیرخانه دائمی نیز، در سنگاپور است.

کمیته‌ها و گروه‌ها

گروه کارشناسان همکاری کشاورزی، فنی: این گروه در ۱۹۹۵ بنیاد نهاده شد و در اکتبر ۱۹۹۶ به‌عنوان یک گروه‌بندی رسمی آپک مورد شناسایی قرار گرفت. هدف آن پیشبرد همکاری در زمینه‌های زیر است: حفاظت و بهره‌برداری از منابع جانوری و گیاهی ژنتیک، پژوهش، توسعه و گسترش بیوتکنولوژی کشاورزی، بازاریابی، آمایش و توزیع محصولات کشاورزی، قرنطینه گیاهی و جانوری و مدیریت بلایا، توسعه نظام مالی کشاورزی، کشاورزی پایدار، و انتقال و آموزش تکنولوژی کشاورزی.

کمیته بودجه و اداری: این کمیته در ۱۹۹۳ برای مشاوره دادن به مسئولان بلند پایه آپک در زمینه مسائل بودجه‌ای، اداری و مدیریتی بنیاد گذارده شد. این کمیته بودجه‌های عملیاتی کمیته‌ها و گروه‌های آپک را مورد بررسی قرار می‌دهد، کارآمدی آنها را ارزیابی می‌کند و در زمینه پروژه‌های گروهی ارزیابی‌هایی انجام می‌دهد.

کمیته تجارت و سرمایه‌گذاری: این کمیته در ۱۹۹۳ بر پایه اعلامیه‌ای که در سیاتل به امضای وزرای شرکت‌کننده رسید برای تسهیل گسترش تجارت و گسترش یک محیط آزاد برای سرمایه‌گذاری در میان کشورهای عضو، تشکیل شد. این کمیته تدابیری را برای گزیندن تا جریان کالا، خدمات و تکنولوژی را در منطقه بهبود بخشد.

کمیته اقتصادی: این کمیته در ۱۹۹۴ در نتیجه موافقت‌نامه‌ای که در نوامبر صورت گرفت از شکل گروه ویژه موجود در زمینه روندها و مسائل اقتصادی به صورت کمیته‌ای رسمی درآمد. هدف کمیته تقویت توان آپک برای تحلیل روندهای اقتصادی و پژوهش و گزارش درباره مسائلی است که همکاری اقتصادی و فنی را در منطقه تحت تأثیر قرار می‌دهند. علاوه بر این، کمیته در حال بررسی پیامدهای زیست محیطی و توسعه‌ای افزایش جمعیت و رشد اقتصادی است.

گروه ویژه سطح سیاست‌گذاری درباره بنگاههای کوچک و متوسط: این گروه در ۱۹۹۵ برای نظارت بر همه فعالیتهای آپک در ارتباط با بنگاههای کوچک و متوسط تشکیل شد. گروه از ایجاد مرکز آپک برای مبادله و آموزش فنی برای بنگاههای کوچک و متوسط پشتیبانی کرد و این مرکز در سپتامبر ۱۹۹۶ در لوس‌بانوس، در نزدیکی مانیل گشایش یافت.

علاوه بر اینها، گروههای کاری زیر همکاری عملی میان کشورهای عضو در فعالیتهای گوناگون را بهبود می دهند و هماهنگ می سازند: بررسی داده های تجاری و سرمایه گذاری؛ پیشبرد تجارت، علم و تکنولوژی صنعتی؛ توسعه منابع انسانی؛ همکاری انرژی منطقه ای؛ حفاظت از منابع دریایی؛ مخابرات؛ ترابری؛ توریسم؛ و ماهیگیری.

شورای مشورتی

شورای مشورتی بازرگانی آپک: موافقت نامه تأسیس این شورا در اجلاس وزیران که در ژوئن ۱۹۹۶ در مانیل برگزار شد منعقد گردید، همچنین قرار شد دبیرخانه موقت شورا در مانیل ایجاد شود. این شورا حداکثر از سه نماینده بخش خصوصی از هر یک اعضای آپک تشکیل می شود. در اجلاس مانیل آپک تصمیم گرفت که به شتاب بخشیدن به آزادسازی تجارت منطقه ای بپردازد و نیز بر تمرکز فعالیتهایش بر مؤسسات کوچک و متوسط زیربنایی توسعه منابع انسانی، ارتباطات منطقه ای و سرمایه گذاری مالی و فرامرزی توافق کرد.

فعالتهای آپک

آپک در ۱۹۸۹ به صورت مجمعی برای مذاکره و مباحثه غیررسمی در آن منطقه و به ویژه برای پیشبرد آزادسازی تجاری در دور مذاکرات اوروگوئه که براساس موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) صورت می گرفت آغاز به کار کرد.

اعلامیه سئول که از سوی وزیران حاضر در اجلاس نوامبر ۱۹۹۱ در کره جنوبی به تصویب رسید، «اهداف آپک را بدین گونه تعیین می کند:

الف) حفظ رشد و توسعه منطقه به خاطر سود مشترک مردمان آن و بدین ترتیب کمک به رشد و توسعه اقتصاد جهانی؛

ب) تقویت دستاوردهای مثبت ناشی از افزایش به هم وابستگی اقتصادی برای منطقه و اقتصاد جهانی، از جمله با تشویق جریان کالاها، خدمات، سرمایه و تکنولوژی؛

ج) توسعه و تقویت نظام تجاری باز چندجانبه به سود اقتصادهای آسیا - پاسیفیک و دیگر مناطق؛

د) کاهش موانع تجارت و مبادله کالاها و خدمات و سرمایه گذاری میان دست اندرکاران به شیوه سازگار با اصول گات، در جایی که قابل اعمال است، و بدون آسیب رسیدن به اقتصادهای دیگر»^{۲۴}

همچنین این اعلامیه تصریح می کند که قصد آپک تشویق مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای آپک، به منظور بیشینه ساختن مزایای همکاری منطقه ای است. آپک از «منطقه گرایی باز» در جهت تشویق آزادسازی تجارت در سراسر جهان و نیز در میان اعضای خودش پشتیبانی

می‌کند.

در ابتدا کشورهای آسه‌آن نسبت به پشتیبانی از هرگونه ساختار رسمی این مجمع یا پذیرش اعضای تازه تمایل نشان نمی‌دادند، زیرا نگران بودند که این کار اعتبار آسه‌آن را به‌عنوان یک گروه‌بندی منطقه‌ای کاهش دهد و اقتصادهای نیرومند غیرآسه‌آن بر آن مسلط شود. در آگوست ۱۹۹۱ موافقت شد که عضویت مجمع به کشورهای جمهوری خلق چین، هنگ‌کنگ و تایوان گسترش پیدا کند (پذیرش تایوان به شرطهایی منوط شد که از سوی جمهوری خلق چین تحمیل شده بود، از جمله اینکه هیچ مقام تایوانی بالاتر از سطح معاون وزیر نباید در اجلاس سالانه وزیران خارجه حضور پیدا کند).

در سپتامبر ۱۹۹۲، وزیران آپک که در بانکوک تشکیل جلسه داده بودند، بر تأسیس دبیرخانه‌ای دائمی توافق کردند. علاوه بر این، این اجلاس یک گروه غیرحکومتی ۱۱ نفره به نام گروه اشخاص برجسته را ایجاد کرد، قرار بر این شد که گروه الگوهای تجارت را در درون منطقه ارزیابی و تدابیری را برای بهبود همکاری ارائه کند. نخستین گزارش این گروه در اجلاس وزیران در سیاتل آمریکا، در نوامبر ۱۹۹۳ ارائه شد که پیشنهاد می‌کرد اجتماع آسیا - پاسیفیک ایجاد شود. این نهاد یک بلوک مذاکراتی باید باشد که با دیگر گروه‌بندیهای اقتصادی منطقه مشاوره و همکاری می‌کند و با هرگونه تهدیدی بر رشد اقتصادی برخورد کند.

این پیشنهاد مورد پشتیبانی استرالیا و آمریکا قرار گرفت، لیکن اکثریت اعضای آپک آن را گنجانیدن نسخه‌ای بسیار رسمی و تشریفاتی از این گروه‌بندی قلمداد کردند. همچنین وزرا بر چارچوبی برای گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری در میان کشورهای عضو و ایجاد کمیته‌ای دائمی برای پیگیری آن اهداف توافق کردند.

در آگوست ۱۹۹۴، گروه اشخاص برجسته دومین گزارش خود را منتشر ساخت که جدولی زمانی را برای آزادسازی هرگونه تجارتی در سراسر منطقه آسیا - پاسیفیک مطرح می‌کرد: قرار شد مذاکرات برای رفع موانع تجاری در سال ۲۰۰۰ آغاز و در کشورهای توسعه یافته طی ۱۰ سال، در اقتصادهای تازه صنعتی شده طی ۱۵ سال و در کشورهای در حال توسعه تا سال ۲۰۲۰ تکمیل شود.

در نوامبر ۱۹۹۵، اجلاس وزیران تصمیم گرفت گروه اشخاص برجسته را منحل سازد، هر چند گروه مشورتی مشابهی می‌تواند به صورت نامنظم ایجاد و یک شورای مشورتی تجاری آپک متشکل از نمایندگان بخش خصوصی تأسیس شود.

در آوریل ۱۹۹۵ وزیران مالیه آپک، که برای اجلاس سالانه خود در بالی اندونزی تشکیل جلسه داده بودند وسایل جلوگیری از بی‌ثباتی نقدینگی را بررسی کردند و خواستار دخالت صندوق بین‌المللی پول برای بررسی اثر بی‌ثباتیهای ارز خارجی بر تجارت منطقه‌ای شدند. در آگوست ۱۹۹۶ وزیران انرژی آپک برای نخستین بار در سیدنی استرالیا تشکیل جلسه

دادند تا به بحث دربارهٔ چالشهای بزرگ انرژی رودرروی منطقه پردازند، و به گروه کاری مربوط به همکاری انرژی منطقه‌ای پشتیبانی و رهنمود ارائه کنند.

در نوامبر ۱۹۹۶ اجلاس رهبران اقتصادی در سویک‌بی فیلیپین برگزار شد و برنامهٔ اقدام مانیل برای آپک را به تصویب رساند. این برنامه در اجلاس وزیران پیشین در مانیل تنظیم شده بود. این برنامه به تدابیر دسته‌جمعی مربوط به دستیابی به اهداف آزادسازی تجارت و همکاری اشاره داشت.

اجلاس ۱۹۹۷ رهبران اقتصادی که در نوامبر در ونکوور کانادا برگزار شد تحت تسلط نگرانی از بی‌ثباتی مالی که چندین اقتصاد آسیایی را در طی سال ۱۹۹۷ متأثر ساخته بود قرار گرفت. اعلامیهٔ نهایی این نشست، چارچوب تدابیری را که توسط معاونان وزرای مالیه آپک و رؤسای بانکهای مرکزی در اجلاس اضطراری هفته پیش در مانیل مورد توافق قرار گرفته بود به تصویب رساند.

موضوع اصلی دستورکار نشست ونکوور، ابتکار برای تقویت آزادسازی تجاری بود. این گروه‌بندی تأکید داشت نباید آزادسازی تجاری به دلیل بی‌ثباتی مالی در آسیا کاهش پیدا کند. در اجلاس وزیران پیشین، نه بخش اقتصادی برای «آزادسازی داوطلبانهٔ اولیه» مشخص شدند: کالاها و خدمات زیست محیطی؛ ماهی و فرآورده‌های ماهی؛ فرآورده‌های جنگلی؛ تجهیزات و ابزارهای پزشکی؛ اسباب بازیها؛ مواد شیمیایی؛ گوهرها و جواهرات؛ و مخابرات راه دور.

بعداً سران حکومتها از مقامات همهٔ دولتهای عضو خواستند که جزئیات کاهش تعرفه‌ها در این بخشها تا میانه سال ۱۹۹۸ فرمول‌بندی و آن تدابیر را در ۱۹۹۹ به اجرا بگذارند. در ونکوور، رهبران اقتصادی آپک حمایت خود را از موافقت‌نامه‌ای جهت آزادسازی خدمات مالی (که در دسامبر ۱۹۹۷ با موفقیت زیر سرپرستی سازمان تجارت جهانی مورد مذاکره قرار گرفته بود) اعلام داشتند و همچنین از هدف کاهش نشست «گازهای گلخانه‌ای» پشتیبانی کردند. قرار شد این مسأله در کنفرانسی جهانی در ماه آینده بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

همچنین اجلاس سران توافق کرد که پرو، روسیه، و ویتنام باید در ۱۹۹۸ به عضویت آپک پذیرفته شوند، ولیکن وقفه‌ای ۱۰ ساله را بر هرگونه گسترش بیشتر این گروه‌بندی وضع کرد.

خلاصه مطالب فصل دوم بخش سوم

در این فصل ابتدا سازمانهای آسیایی مانند سازمان کنفرانس اسلامی از نظر ویژگیهای ساختار و اهداف و ارکان و کمیته‌های تخصصی را بحث و بررسی کرده و هر کدام را به تفصیل توضیح داده است.

سپس اتحادیهٔ دولتهای عربی (اتحادیهٔ عرب) را به عنوان سازمانی حقوقی از ابعاد

مختلف (ساختار - اهداف، کمیته‌ها) مورد بررسی قرار داده و فعالیتهای آژانسهای تخصصی اتحادیه عرب، مانند سازمان توسعه اداری، انرژی اتمی، بانک توسعه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

در بخش بعدی سازمانهای آفریقایی مانند سازمان وحدت آفریقا از نظر فعالیت و اهداف و استراتژی و چگونگی ساختار و ارکان آن مورد توجه قرار گرفته است سپس سازمان آسه‌آن که انجمن کشورهای جنوبی شرقی آسیاست از نظر فعالیت و اهداف و ساختار سازمانی که عبارت از نشست سران، اجلاس وزرا، دبیرخانه‌هاست مورد بررسی و توجه قرار گرفته است. آنگاه سازمان همکاری اقتصادی اکو با توجه به فعالیتهای اقتصادی در منطقه از نظر همکاری مورد تحلیل قرار گرفته و نحوه همکاری سازمان اکو و سازمان کنفرانس اسلامی توضیح داده شده است.

در بخش بعدی چگونگی شکل‌گیری سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) از ابعاد مختلف مورد بررسی قرار گرفت و همچنین شورای همکاری خلیج فارس از نظر شکل‌گیری، اعضا و اهداف از نظر اصول و ارکان توضیح داده و عمده‌ترین نقاط ضعف این سازمان بیان شده است در پایان به سازمان همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک) پرداخته آن را از نظر تجاری و سرمایه‌گذاری مورد نقد و بررسی قرار داده و فعالیتهای مختلف آن را از سال ۱۹۸۹ بیان کرده است.

خودآزمایی فصل دوم بخش سوم

۱. چرا کنفرانس اسلامی تشکیل شد و اهداف آن چه بود؟
۲. نحوه همکاری سازمان کنفرانس اسلامی را با سازمان ملل متحد توضیح دهید و آن را تحلیل کنید.
۳. آژانسهای تخصصی اتحادیه عرب را نام ببرید و فعالیتهای یکی از آنها را بنویسید.
۴. استراتژی سازمان وحدت آفریقا بر ۵ اصل استوار است آنها را بیان کنید.
۵. منظور از آسه‌آن (ASEAN) چیست و اهداف آن کدام است؟
۶. کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی اکو (ECO) کدامند و ساختار سازمانی آن را توضیح دهید.
۷. چرا سازمان اوپک به وجود آمد و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟
۸. شورای همکاری خلیج فارس چگونه شکل گرفت و اهداف آن کدام است؟
۹. چگونگی شکل‌گیری جنبش عدم تعهد را بیان کنید و اصول مهم آن را بنویسید.
۱۰. ارکان جنبش عدم تعهد چیست و نقاط ضعف این جنبش چه بود؟
۱۱. سازمان همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک) از چه کشورهایی تشکیل شده و هدفهای

مهم آن کدام است؟

۱۲. سه فعالیت مهم سازمان آپک را توضیح دهید.

یادداشتها

۱. سازمان کنفرانس اسلامی / اداره مجامع اسلامی، منطقه‌ای و غیرمتمعه‌ها، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳، ص ۶.
۲. همان، ص ۱۵.
3. *The Europa Year Book* 1997, Vol. 1, (England: Europa Year Book Ltd, 1997), p. 215.
۴. سازمان کنفرانس اسلامی، پیشین، ص ۲۴.
5. *The Europa Year Book* 1997, Op. cit, p.216.
6. *United Nations Year Book* 1975, (New York: Department of Publication 1979), p. 323.
7. *United Nations Year Book* 1980, (New York: DP, 1984), p. 476-498.
۸. محمدرضا احمدی، سازمان وحدت آفرین، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵، ص ۶.
۹. همان، ص ۵۶.
10. *The Europa Year Book* 1997, Op. cit, p. 111.
۱۱. رضا موسی‌زاده، حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: نشر پازنگ، ۱۳۷۵، ص ۳۸۴.
۱۲. همان، ص ۳۸۵.
۱۳. همان، ص ۳۸۵.
۱۴. اندرآزار، «اكو و سازمان كنفرانس اسلامي»، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۳، پاییز ۷۶، ص ۴۸۳.
15. *The Europa Year Book* 1997, Op. cit, p. 218.
16. Ibid, p. 220.
۱۷. همایون الهی، خلیج فارس و مسائل آن. تهران: قومس، ۱۳۶۹، ص ۲۵۰ و ۲۷۳.
18. *The Europa Year Book* 1997, Op. cit, p. 220.
19. Ibid, p. 218.
20. Ibid, p. 208.
۲۱. همایون الهی، پیشین، ۲۷۳.
۲۲. همان.
۲۳. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به: علی‌اکبر عبدالرشیدی، جنبش عدم تعهد از آغاز تا ۱۹۸۵، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۷.
24. *The Europa Year Book* 1997, Op. cit. p. 108.

پیوستها

پیوست ۱. میثاق جامعه ملل*

طرفهای معظم متعاهد

به منظور ترویج همکاری بین‌المللی و تأمین صلح و امنیت بین‌المللی؛
با تعهد به عدم توسل به جنگ؛
با تأکید بر برقراری روابط باز، عادلانه و شرافتمندانه بین ملت‌ها؛
با قبول کامل مفاهیم حقوق بین‌الملل به عنوان مقررات عملی سلوک دولتها با یکدیگر؛
و با تشدید مبانی عدالت و رعایت دقیق کلیه تعهدات ناشی از قراردادهای مردمان سازمان یافته با یکدیگر؛
این میثاق جامعه ملل را می‌پذیرند.

اصل ۱

۱. اعضای اصلی جامعه ملل عبارت از امضاکنندگانی هستند که در سند پیوست این میثاق نام برده شده‌اند و همچنین دولتهای دیگری که نام آنها نیز در سند پیوست ذکر شده است و بی‌قید و شرط به میثاق خواهند پیوست پیوستن به میثاق از طریق اعلامیه‌ای خواهد بود که باید ظرف دو ماه از تاریخ اجرای میثاق به دبیرخانه تسلیم شود. آگهی پیوستن هر یک از این دولتها به اطلاع کلیه اعضای دیگر جامعه ملل خواهد رسید.

۲. هر دولت مستقل، دومیسیون و یا مستعمره که نام آن در سند پیوست ذکر نشده باشد، در صورتی که عضویت آن مورد قبول دو سوم اعضای مجمع عمومی قرار گیرد، می‌تواند به عضویت جامعه ملل درآمد مشروط بر آنکه تضمینات مؤثری ارائه دهد دال بر اینکه تعهدات بین‌المللی خود را با خلوص نیت رعایت می‌کند و هر مقرراتی را که جامعه ملل در مورد قوای نظامی، دریایی و هوایی و نیز تسلیحات تجویز کند، قبول خواهد کرد.

۳. هر عضو جامعه ملل می‌تواند، با دو سال اخطار قبلی، از جامعه ملل کناره‌گیری کند مشروط بر آنکه در زمان کناره‌گیری کلیه تعهدات بین‌المللی خود و تعهدات ناشی از این میثاق را ایفا کرده باشد.

* تاریخ تصویب میثاق ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹، الحاق ایران به میثاق ۹ جدی (دی ماه) ۱۳۰۰ شمسی.

اصل ۲

تصمیمات جامعه ملل در چارچوب این میثاق، از طریق یک مجمع عمومی و یک شورا، با یک دبیرخانه دائمی به موقع اجرا در خواهد آمد.

اصل ۳

۱. مجمع عمومی مرکب خواهد بود از نمایندگان کلیه دولتهای عضو جامعه ملل.
۲. مجمع عمومی در فواصل معین یا در هر زمانی که موقعیت ایجاب کند، در مقر جامعه ملل یا در هر مکان دیگری که تصمیم گرفته شود، تشکیل خواهد شد.
۳. مجمع عمومی می تواند در جلسات خود هر موضوعی را که در قلمرو اختیارات جامعه ملل باشد یا بر صلح جهانی تأثیر داشته باشد مورد رسیدگی قرار دهد.
۴. در جلسات مجمع عمومی، هر عضو جامعه ملل صاحب یک رأی خواهد بود و نمی تواند بیش از سه نماینده داشته باشد.

اصل ۴

۱. شورا مرکب خواهد بود از نمایندگان دولتهای اصلی متفق و قدرتهای وابسته به آنها، به علاوه نمایندگان چهار عضو دیگر جامعه ملل. مجمع عمومی این چهار عضو را در فواصلی که مقتضی بداند انتخاب خواهد کرد. تا تعیین اولین چهار عضو شورا از سوی مجمع، نمایندگان بلژیک، برزیل، اسپانیا و یونان اعضای شورا خواهند بود.
۲. شورا می تواند با تصویب اکثریت مجمع عمومی، اعضای دیگری را علاوه بر اعضای دائمی شورا تعیین کند تا نمایندگان آنها به طور دائم در شورا عضویت داشته باشند؛ شورا، همچنین می تواند با تصویب مجمع عمومی تعداد اعضای جامعه ملل را که از طریق مجمع برای عضویت در شورا انتخاب می شوند، افزایش دهد.
- علاوه بر آن مجمع، با اکثریت دوسوم آرا، مقررات ناظر بر انتخاب اعضای غیردائمی شورا و خصوصاً مقررات مربوط به طول دوره تصدی و شرایط انتخاب مجدد را تعیین خواهد کرد.
۳. شورا در مواقع لازم، و حداقل یک بار در سال، در مقر جامعه ملل یا در هر مکان دیگری که تصمیم گرفته شود، تشکیل جلسه خواهد داد.
۴. شورا در جلسات خود می تواند هر موضوعی را که در قلمرو اختیارات جامعه ملل باشد یا بر صلح جهانی تأثیر داشته باشد، مورد رسیدگی قرار دهد.
۵. از هر عضو جامعه ملل که در شورا عضویت نداشته باشد، هنگام بررسی موضوعاتی که با منافع آن عضو ارتباط خاص دارد، دعوت می شود که نماینده ای جهت شرکت در شورا

معرفی کند.

۶. در جلسات شورا، هر عضو صاحب یک رأی خواهد بود و نمی‌تواند بیش از یک نماینده داشته باشد.

اصل ۵

۱. بجز در مواردی که در این میثاق یا در قرارداد حاضر[#] قاعده‌ای صریحاً قید شده باشد، تصمیمات مجمع عمومی یا شورا مستلزم موافقت کلیه اعضای حاضر در جلسه جامعه ملل خواهد بود.

۲. کلیه مقولات نظامنامه‌ای مربوط به جلسات مجمع یا شورا، از جمله تعیین کمیته‌های تحقیق درباره مسائل خاص، از سوی مجمع یا شورا تنظیم می‌شود و به تصویب اکثریت اعضای حاضر در جلسه می‌رسد.

۳. نخستین جلسه مجمع عمومی و نخستین جلسه شورا بنابه دعوت رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا تشکیل خواهد شد.

اصل ۶

۱. دبیرخانه دائمی در مقر جامعه ملل تأسیس خواهد شد. دبیرخانه شامل یک دبیرکل و تعدادی دبیر و کارمند موردنیاز خواهد بود.

۲. اولین دبیرکل فردی خواهد بود که نام وی در سند پیوست ذکر شده است؛ پس از آن دبیرکل را شورا با تصویب اکثریت مجمع تعیین خواهد کرد.

۳. دبیران و کارمندان دبیرخانه را دبیرکل با تصویب شورا تعیین خواهد کرد.

۴. دبیرکل در کلیه جلسات مجمع و شورا در سمت دبیرکل انجام وظیفه خواهد کرد.

۵. هزینه‌های جامعه ملل، به نسبتی که مجمع تعیین می‌کند، از طریق اعضا تأمین خواهد شد.

اصل ۷

۱. مقر جامعه ملل در ژنو خواهد بود.

۲. شورا در هر زمان می‌تواند تصمیم بگیرد که مقر جامعه ملل در محلی دیگر مستقر باشد.

۳. کلیه مشاغل مربوط به جامعه ملل، از جمله دبیرخانه باید با شرایط مساوی به روی مردان و زنان باز باشد.

[#] منظور، قرارداد ورسای است.

۴. نمایندگان اعضای جامعه ملل و کارمندان رسمی جامعه ملل درحین انجام وظیفه از مزایا و مصونیت‌های دیپلماتیک برخوردار خواهند بود.
۵. ساختمانها و دیگر اموال مورد تصرف جامعه ملل یا کارمندان رسمی آن یا نمایندگان که در جلسات آن شرکت می‌جویند، مصونیت دارند.

اصل ۸

۱. اعضای جامعه ملل تصدیق می‌کنند که حفظ صلح مستلزم آن است که تجهیزات نظامی ملی به پایتترین سطحی که با امنیت ملی و ایفای تعهدات مشترک بین‌المللی سازگاری دارد، کاهش یابد.
۲. شورا، با توجه به وضع جغرافیایی و اوضاع و احوال هر دولت، طرحهایی برای کاهش تسلیحات جهت بررسی و اقدام دولتها تنظیم خواهد کرد.
۳. این طرحها حداقل هر ده سال یک بار باید مورد بررسی و تجدیدنظر قرار گیرند.
۴. پس از پذیرش طرحهای کاهش تسلیحات از سوی دولتها، بدون رضایت شورا نمی‌توان از محدودیت‌های تسلیحاتی تعیین شده در آنها تجاوز کرد.
۵. اعضای جامعه ملل توافق دارند که تهیه مهمات و ادوات جنگی از سوی کارخانجات خصوصی محل ایراد اساسی است. شورا با در نظر گرفتن نیازمندیهای آن دسته از دولتهای عضو که خود قادر به تهیه مهمات و ادوات جنگی برای حفظ امنیت خود نیستند، برای جلوگیری از تهیه مهمات و ادوات جنگی زائد توصیه‌های لازم را ارائه خواهد کرد.
۶. اعضای جامعه ملل متعهد می‌شوند که اطلاعات مربوط به میزان تسلیحات و برنامه‌های نظامی، دریایی، و هوایی و نیز وضع آن دسته از صنایع خود را که ممکن است برای مقاصد جنگی مورد استفاده واقع شوند، به نحوی کامل و صادقانه با یکدیگر مبادله کنند.

اصل ۹

- یک کمیسیون دائمی تشکیل خواهد شد تا در مورد اجرای مفاد اصول ۱ و ۸ و مسائل نظامی، دریایی، و هوایی توصیه‌های لازم را به شورا ارائه کند.

اصل ۱۰

- اعضای جامعه ملل متعهد می‌شوند که تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کنونی کلیه اعضای جامعه ملل را محترم شمارند و از آنها علیه تجاوز خارجی مراقبت کنند. در صورت وقوع چنین تجاوزی یا تهدید به آن یا خطر وقوع آن، شورا در مورد چگونگی ایفای این تعهد اعضا،

توصیه‌های لازم را ارائه خواهد داد.

اصل ۱۱

۱. اعلام می‌شود که هر جنگ یا تهدید به جنگ، اعم از آنکه اثر فوری یا غیرفوری بر اعضای جامعه ملل داشته باشد، مسئله‌ای است که همه اعضا در آن ذینفع‌اند و جامعه ملل به منظور حمایت از صلح بین ملت‌ها به هر اقدامی که عاقلانه یا مؤثر تشخیص دهد توسل خواهد جست. در صورت بروز چنین وضع فوق‌العاده‌ای، دبیرکل، حسب تقاضای هر عضو جامعه ملل، فوراً جلسه شورا را تشکیل خواهد داد.

۲. همچنین، اعلام می‌شود که هر عضو حق دارد توجه مجمع یا شورا را نسبت به هر وضعیتی که مخل روابط بین‌المللی است و صلح بین‌المللی یا تفاهات حسنه بین ملل را که بنای صلح محسوب می‌شود به مخاطره اندازد، جلب کند.

اصل ۱۲

۱. اعضای جامعه ملل توافق دارند که در صورت بروز اختلاف بین آنها، که احتمال قطع رابطه‌شان به علت آن ممکن باشد، آن اختلاف را به داوری یا به حل و فصل قضایی یا به تحقیق از سوی شورا محول دارند و موافقت می‌نمایند که در هیچ موردی متوسل به جنگ نگردند مگر سه ماه پس از صدور حکم داوران یا ارائه تصمیم مرجع قضایی یا وصول گزارش شورا.

۲. در هر حال، حکم داوران یا تصمیم مرجع قضایی باید در مدت زمانی معقول صادر شود و گزارش شورا نیز باید ظرف شش ماه پس از ارجاع اختلاف تنظیم گردد.

اصل ۱۳

۱. اعضای جامعه ملل توافق دارند که هرگاه بین آنان اختلافی بروز کند که تشخیص داده شود احاطه آن به داوری یا مرجع قضایی مناسب است و امکان حل رضایت بخش آن از طریق دیپلماسی متصور نیست، موضوع را کلاً به داوری یا مرجع قضایی احاله خواهند کرد.

۲. اختلافات مربوط به تفسیر قراردادها، هر مسئله مربوط به حقوق بین‌الملل، هر امری که، در صورت ثبوت، نقض تعهدات بین‌المللی به شمار آید، و حدود ماهیت خسارتی که برای این گونه نقض تعهدات باید پرداخت شود، در زمره موارد مناسب برای ارجاع به داوری و مراجع قضایی هستند.

۳. رسیدگی به چنین اختلافاتی به دادگاه بین‌المللی، که طبق اصل ۱۴ این میثاق تأسیس می‌شود احاله خواهد شد یا به هر دادگاهی که طرفین اختلاف نسبت به آن موافقت داشته باشند و یا به دادگاههایی که در معاهدات موجود فیما بین آنها تصریح شده باشد.

۴. اعضای جامعه ملل موافقت می‌کنند که حکم یا تصمیم اتخاذ شده را در کمال حسن نیت اجرا کنند و علیه عضوی که به این احکام و تصمیمات تمکین کرده است، متوسل به جنگ نشوند. در صورت عدم اجرای حکم یا تصمیم اتخاذ شده، شورا اقدامات لازم را در جهت اجرای آنها پیشنهاد خواهد کرد.

اصل ۱۴

شورا موظف است طرحهای لازم را به منظور تأسیس یک دادگاه دائمی بین‌المللی دادگستری تنظیم کند و به اعضای جامعه ارائه نماید. این دادگاه باید صلاحیت رسیدگی به هر اختلافی را که ماهیت بین‌المللی داشته و طرفین اختلاف به دادگاه احاله نمایند، دارا باشد. دادگاه همچنین می‌تواند درباره هر اختلاف یا مسئله‌ای که از طرف شورا یا مجمع به آن ارجاع شود نظر مشورتی دهد.

اصل ۱۵

۱. هرگاه بین اعضای جامعه ملل اختلافی رخ دهد که به واسطه آن احتمال قطع رابطه بین آنها ممکن باشد و این اختلاف طبق ماده ۱۳ به داوری یا مراجع قضایی احاله نشده باشد، اعضای جامعه ملل موافقت می‌کنند که مورد اختلاف را به شورا ارجاع کنند. هر یک از طرفین می‌تواند وجود اختلاف را به دبیرکل اطلاع دهد و دبیرکل پس از آن برای گرفتن تحقیقات کامل و رسیدگی به اختلاف ترتیبات لازم را خواهد داد.

۲. به این منظور، طرفین دعوا شرح اختلاف را همراه با دلایل و اسناد مربوط به آن، در حداقل زمان ممکن برای دبیرکل ارسال خواهند داشت. شورا می‌تواند حکم به انتشار این اسناد دهد.

۳. در این گونه موارد، شورا تلاش خواهد کرد تا اختلاف را فیصله دهد، و اگر تلاشش قرین موفقیت بود، گزارشی منتشر خواهد کرد شامل کیفیات و توضیحات مربوط به اختلاف و شروط حل اختلاف به ترتیب موردنظر شورا.

۴. اگر اختلاف به این طریق فیصله نیافت، شورا به اتفاق یا اکثریت آرا گزارشی متضمن شرح کیفی اختلاف و توصیه‌هایی که به نظر عادلانه و مناسب بیاید، تنظیم و منتشر خواهد کرد. ۵. هر عضو شورا می‌تواند شرحی متضمن کیفیات اختلاف و نتیجه‌گیریهای خود منتشر کند.

۶. اگر گزارش شورا به اتفاق آرا، صرف‌نظر از رأی نمایندگان یک طرف یا طرفین اختلاف، مورد تصویب قرار گیرد، اعضای شورا موافقت می‌کنند که با طرفی که توصیه‌های شورا را بپذیرد وارد جنگ نشوند.

۷. هرگاه شورا موفق نشود که گزارش را به اتفاق آرا، صرف نظر از رأی نمایندگان یک طرف یا طرفین اختلاف به تصویب رساند، اعضای جامعه ملل این حق را برای خود محفوظ می دارند که به منظور حفظ حق و عدالت هر اقدامی را که لازم بدانند معمول دارند.

۸. هرگاه یکی از طرفین اختلاف ادعا کند که اختلاف فیما بین ناشی از موضوعی است که طبق موازین حقوق بین المللی در صلاحیت انحصاری او قرار دارد و شورا با این ادعا موافق باشد، شورا همین مطالب را گزارش خواهد کرد بدون آنکه توصیه ای در باب حل اختلاف ارائه کند.

۹. شورا در هر حال می تواند، طبق این اصل، رسیدگی به اختلاف را به مجمع عمومی ارجاع کند. اختلاف، طبق تقاضای یکی از طرفین نیز می تواند به مجمع ارجاع شود مشروط بر آنکه چنین تقاضایی ظرف چهارده روز پس از طرح اختلاف در شورا به عمل آید.

۱۰. در همه مواردی که به مجمع عمومی ارجاع می شود، اقدامات و اختیارات مجمع همان خواهد بود که در این اصل و اصل ۱۲ به عنوان اقدامات و اختیارات شورا مشخص شده است. گزارش مجمع در صورتی که مورد موافقت نمایندگان عضو شورا و اکثریت اعضای دیگر جامعه ملل، صرف نظر از نمایندگان طرفین اختلاف، قرار گیرد، از لحاظ اعتبار در حکم گزارش شورا خواهد بود که از سوی کلیه اعضای شورا، صرف نظر از نمایندگان یک یا دو طرف اختلاف، به تصویب رسیده باشد.

اصل ۱۶

۱. هرگاه عضوی از اعضای جامعه ملل برخلاف تعهداتی که طبق اصول ۱۲، ۱۳، یا ۱۵ این میثاق برعهده گرفته است، علیه عضوی دیگر به جنگ متوسل شود، به مثابه آن خواهد بود که علیه سایر اعضای جامعه ملل وارد مخاصمه شده است و در این صورت، اعضای جامعه موظف اند بی درنگ کلیه مناسبات تجاری و مالی خود را با آن دولت قطع کنند؛ روابط اتباع خود با اتباع عضو نقض کننده میثاق را منع نمایند؛ و مانع برقراری روابط مالی، تجاری، یا شخصی بین اتباع دولت ناقض میثاق با اتباع دولتهای دیگر شوند اعم از آنکه آن دولتها عضو جامعه ملل باشند یا نه.

۲. در چنین مواردی وظیفه شورا خواهد بود که به دولتهای مختلف علاقه مند توصیه کند که هر یک چه نوع کمک مؤثر نظامی، دریایی، یا هوایی را باید در اختیار قوایی که به منظور حمایت از این میثاق تشکیل می شود، قرار دهد.

۳. همچنین، اعضای جامعه ملل موافقت می کنند که یکدیگر را در اقدامات مالی و اقتصادی که طبق این اصل انجام می گیرد، حمایت نمایند تا زیانها و ناراحتیهای ناشی از اقدامات مزبور به حداقل کاهش یابد؛ یکدیگر را در مقابله با اقدامات احتمالی هر دولت ناقض

میثاق علیه یکی از اعضای جامعه ملل، حمایت کنند و نیز اقدامات لازم را معمول دارند تا در موارد دفاع از این میثاق، عبور قوای هر یک از اعضای جامعه ملل از خاک کشور آنها تسهیل شود.

۴. هر عضوی را که مرتکب نقض یکی از مصوبات جامعه ملل شود، می توان از طریق رأی شورا، که مورد قبول کلیه اعضا قرار گیرد، از عضویت جامعه ملل اخراج کرد.

اصل ۱۷

۱. در صورت بروز اختلاف بین یک عضو جامعه ملل و یک دولت غیر عضو، یا بروز اختلاف بین دول غیر عضو، از دولت یا دول غیر عضو دعوت می شود که تعهدات اعضای جامعه ملل را درباره حل اختلاف، تحت شرایطی که شورا عادلانه می داند، بپذیرند. اگر چنین دعوتی مورد قبول قرار گرفت، مدلول اصلهای ۱۲ تا ۱۶، با جرح و تعدیلاتی که شورا ضروری تشخیص دهد، اعمال خواهد شد.

۲. به مجرد ارسال هر دعوتنامه، شورا بی درنگ تحقیق درباب نحوه بروز و اوضاع و احوال اختلاف مورد نظر از آغاز و اقدامی را که در آن شرایط ارجاع و مؤثر بداند توصیه خواهد کرد.

۳. اگر دولتی که دعوت شده است از قبول تعهدات عضویت در جامعه ملل به منظور حل اختلاف، سرباز زند و علیه عضوی از جامعه ملل مبادرت به جنگ کند، مدلول اصل ۱۶ درباره آن دولت اجرا خواهد شد.

۴. اگر دو طرف اختلاف دعوت را نپذیرند و از قبول تعهدات عضویت در جامعه ملل جهت حل اختلاف سرباز زنند، شورا می تواند دست به تدابیری زند یا توصیه هایی ارائه کند که از مخاصمات جلوگیری و منجر به فیصله اختلاف شود.

اصل ۱۸

هر قرارداد یا تعهد بین المللی که از این پس از سوی هر عضو جامعه ملل منعقد یا پذیرفته شود، باید بلافاصله در دبیرخانه جامعه ملل به ثبت رسد و هرچه زودتر از طرف دبیرخانه منتشر گردد. هیچ کدام از قراردادها و معاهدات بین المللی، تا زمانی که به ثبت نرسیده است، لازم الاتباع نخواهد بود.

اصل ۱۹

مجمع می تواند هرچند گاه یک بار به دول عضو جامعه ملل توصیه کند که قراردادهایی را که غیر قابل اجرا شده است مورد تجدیدنظر قرار دهند و شرایطی را که استمرار آنها ممکن است

صلح جهانی را به مخاطره اندازد بررسی نمایند.

اصل ۲۰

۱. اعضای جامعه ملل مؤکداً موافقت می‌کنند که این میثاق ناسخ کلیه تعهدات یا تفاهماتی است که با هم داشته‌اند و با مفاد این میثاق مغایرت دارد، و رسماً ملزم می‌شوند که از این پس هیچ تعهدی را که با مفاد میثاق مغایرت داشته باشد، تقبل نکنند.

۲. هرگاه یکی از اعضای جامعه ملل قبل از عضویت تعهداتی را تقبل کرده باشد که با مفاد این میثاق مغایر باشد، موظف است اقداماتی فوری جهت بری کردن ذمه خود از آن تعهدات به عمل آورد.

اصل ۲۱

مفاد این میثاق به هیچ وجه به اعتبار تعهدات بین‌المللی، از قبیل قراردادهای حکمیت و داوری یا توافقات منطقه‌ای مثل دکترین مونروئه که موجب حفظ صلح هستند، لطمه وارد نمی‌کند.

اصل ۲۲

۱. در مورد مستعمرات و سرزمینهایی که در نتیجه جنگ اخیر از تسلط دولتهایی که قبلاً بر آنها حکومت می‌کردند، خارج شده‌اند و مردم آنها هنوز نمی‌توانند در شرایط دشوار دنیای نوین خود را اداره کنند، این اصل باید رعایت شود که رفاه و پیشرفت این مردمان رسالت مقدس مدنیت محسوب است؛ و تضمینهای لازم برای اجرای این رسالت در این میثاق پیش‌بینی می‌شود.

۲. بهترین راه اجرای این اصل، سپردن قیمومیت این مردمان به ملل پیشرفته‌ای است که به اعتبار ثروت، تجربه، یا موقعیت جغرافیایی خود بهتر از دیگران می‌توانند و مایل هم هستند، عهده‌دار این مسئولیت شوند و این امر باید به‌عنوان سرپرستی یا قیمومیت (مانداتوری) به نیابت از طرف جامعه ملل، از جانب این ملتها تقبل شود.

۳. کیفیت سرپرستی با توجه به مرحله پیشرفت مردمانی که تحت قیمومیت قرار می‌گیرند، موقعیت جغرافیایی و اوضاع اقتصادی و سایر شرایط سرزمین مربوط، متفاوت خواهد بود.

۴. برخی از جوامعی که قبلاً متعلق به امپراتوری عثمانی بودند، اکنون، به آن حد از پیشرفت نایل شده‌اند که بتوان موجودیت آنها را موقتاً به‌عنوان ملل مستقل قبول کرد مشروط بر آنکه یک دولت به‌عنوان قیم، راهنمایی و کمک به آنها را تا زمانی که رأساً قادر به اداره امور خود شوند، متقبل شود. تمایل مردم این جوامع، ضابطه اصلی در انتخاب کشور قیم است.

۵. مردمان دیگر، خصوصاً ساکنان آفریقای مرکزی، در مرحله‌ای قرار دارند که کشور قیم خود باید مسئولیت ادارهٔ سرزمین آنها را، به صورتی که آزادی وجدان و مذهب تضمین شود و چیزی جز مقتضیات ناشی از اخلاقیات و نظم عمومی آنها را محدود نکند، برعهده گیرد. منع عادات مذموم مانند برده فروشی و خرید و فروش اسلحه و مشروبات الکلی؛ جلوگیری از استقرار قلاع یا پایگاههای نظامی و دریایی، آموزش نظامی افراد بومی به منظورهای جز مقاصد انتظامی و دفاع از سرزمین، و نیز، تأمین فرصتهای برابر برای داد و ستد با سایر اعضای جامعه ملل، از جمله مسئولیتهای کشور قیم خواهد بود.

۶. بهترین راه ادارهٔ سرزمینهایی مانند آفریقای جنوب غربی و بعضی از جزایر واقع در اقیانوس آرام جنوبی، به دلیل قلت جمعیت، کمی وسعت، دوری از مراکز تمدن، نزدیکی به سرزمین کشور قیم و وجود شرایط دیگر، این خواهد بود که طبق قوانین کشور قیم و به عنوان جزئی از خاک آن کشور اداره شوند مشروط بر آنکه کلیهٔ تضمینهای تصریح شده در بند قبل میثاق، جهت حفظ منافع ساکنان بومی آن سرزمینها رعایت شود.

۷. در همهٔ موارد، کشور قیم باید همه ساله دربارهٔ سرزمین تحت مسئولیت خود گزارشی به شورا تسلیم کند.

۸. حدود اختیارات کشور قیم، چنانچه قبلاً از طرف اعضای جامعه ملل مورد توافق قرار نگرفته باشد، در هر مورد باید صراحتاً از طرف شورا معین شود.

۹. کمیسیون دائمی تشکیل خواهد شد تا گزارشهای سالانهٔ کشورهای قیم را دریافت و بررسی کند و در همهٔ مواردی که به اجرای قیومیتها مربوط می شود، توصیه های لازم را ارائه کند.

اصل ۲۳

با رعایت مفاد معاهدات بین المللی موجود یا معاهداتی که از این پس منعقد می شود، اعضای جامعه ملل:

(الف) تلاش خواهند کرد تا برای کار مردان، زنان و اطفال در کشورهای خود و در کلیهٔ کشورهایایی که با آنها روابط تجاری و صنعتی دارند، شرایطی منصفانه و انسانی برقرار شود و پایدار بماند و برای تحقق این منظور، سازمانهای بین المللی ضروری را تأسیس و حفظ خواهند کرد؛

(ب) ملزم می شوند که با ساکنان بومی سرزمینهای تحت کنترل خود رفتاری عادلانه در پیش گیرند؛

(ج) نظارت کلی در باب اجرای موافقت نامه های مربوط به منع خرید و فروش زنان و اطفال و تریاک و سایر مواد مخدر خطرناک را به جامعه ملل تفویض می کنند؛

د) نظارت کلی درباره تجارت اسلحه و مهمات را در کشورهایی که کنترل این تجارت در آنها از جهت حفظ منافع عمومی ضرورت دارد، به جامعه ملل تفویض می‌کنند؛

ه) مقررات لازم را به منظور برقراری و حفظ آزادی ارتباطات، عبور و مرور و رفتار منصفانه بازرگانی در قلمرو کلیه اعضای جامعه ملل وضع خواهند کرد. در این مورد، شرایط و الزامات خاص مناطقی که در خلال جنگ ۱۹۱۸-۱۹۱۴ ویران شده‌اند، در نظر گرفته خواهد شد.

و) برای پیشگیری و کنترل بیماریهای عمومی در سطح جهان، اقدامات لازم را معمول خواهند داشت.

اصل ۲۴

۱. کلیه نهادهای بین‌المللی موجود که تاکنون به واسطه قراردادهای عمومی تأسیس شده‌اند، در صورت رضایت طرفهای متعاقد، تحت اداره جامعه ملل قرار خواهند گرفت. کلیه نهادهای بین‌المللی از این دست و نیز کلیه کمیسیونهایی که از این پس برای تنظیم امور مبتلا به بین‌المللی تشکیل شوند، تحت اداره جامعه ملل قرار خواهند گرفت.

۲. در صورت رضایت شورا و طرفهای متعاقد، جمع‌آوری و توزیع اطلاعات موضوعات مبتلا به جامعه بین‌المللی که مقررات مربوط به آنها در پیمانهای عمومی مقرر شده است، اما تحت کنترل نهادهای بین‌المللی قرار ندارند، توسط جامعه ملل صورت خواهد گرفت. همچنین، جامعه ملل کمکهای دیگری را که از این لحاظ ممکن است لازم یا مورد تقاضا باشد ارائه خواهد کرد.

۳. شورا می‌تواند مخارج نهادهای یا کمیسیونهایی را که تحت اداره جامعه ملل قرار می‌گیرند در بودجه دبیرخانه جامعه منظور کند.

اصل ۲۵

اعضای جامعه ملل می‌پذیرند که تأسیس سازمانهای ملی داوطلبانه صلیب سرخ را که واجد شرایط قانونی باشند و با هدف بهبود بهداشت، پیشگیری از بیماریها، و تسکین آلام در سراسر جهان فعالیت کنند، تشویق و ترویج نمایند.

اصل ۲۶

۱. اصلاحیه‌های مربوط به این میثاق هنگامی قوت قانونی پیدا می‌کند که از طرف اعضای جامعه ملل که در شورا عضویت دارند، و اکثریت اعضای جامعه ملل که در مجمع عضویت دارند، به تصویب برسد.

۲. هیچ یک از اصلاحیه‌ها برای عضوی که مخالفت خود را ابراز کند لازم‌الاتباع نخواهد بود اما، در چنین حالتی، عضویت آن دولت در جامعه ملل پایان خواهد پذیرفت.

پیوست ۲. منشور سازمان ملل متحد

ما مردم ملل متحد با تصمیم به محفوظ داشتن نسلهای آینده از بلای جنگ که دوبار در مدت یک عمر انسانی افراد بشر را دچار مصائب غیرقابل بیان نموده و به اعلام مجدد ایمان خود به حقوق اساسی بشر و به حیثیت و ارزش شخصیت انسانی و به تساوی حقوق بین مرد و زن و همچنین بین ملتها اعم از کوچک و بزرگ و به ایجاد شرایط لازم برای حفظ عدالت و احترام الزامات ناشی از عهدنامه‌ها و سایر منابع حقوق بین‌المللی و کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر با آزادی بیشتر و برای نیل به این هدفها:

به رفق و مدارا کردن و زیستن در حال صلح با یکدیگر با روحیه حسن همجواری و به متحد ساختن قوای خود برای نگاهداری صلح و امنیت بین‌المللی و به قبول اصول و ایجاد روشهایی که عدم استعمال نیروی سلاحها را جز در راه منافع مشترک تضمین نماید و به توسل به وسایل و مجاری بین‌المللی برای پیشبرد ترقی اقتصادی و اجتماعی تمام ملل، مصمم شده‌ایم که برای تحقق این مقاصد تشریک مساعی نماییم. و بالتیجه دولتهای متبوع ما توسط نمایندگان خود که در شهر سانفرانسیسکو گرد آمده‌اند و اختیارات تامه آنان ابراز شده و صحت و اعتبار آن محرز شده است نسبت به این منشور ملل متحد موافقت حاصل نموده‌اند و بدین وسیله یک سازمان بین‌المللی که موسوم به ملل متحد خواهد بود تأسیس می‌نمایند.

فصل اول. مقاصد و اصول

ماده ۱. مقاصد ملل متحد به قرار زیر است:

۱. حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و تصفیه اختلافات بین‌المللی یا وضعیتهایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با وسایل مسالمت‌آمیز و برطبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل.

۲. توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی.

۳. حصول همکاری بین‌المللی در حل مسائل بین‌المللی که دارای جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی یا بشردوستی است و در پیشبرد و تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همگان بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب و

۴. بودن مرکزی برای هماهنگ کردن اقداماتی که ملل جهت حصول این هدفهای مشترک معمول می‌دارند.

ماده ۲. سازمان و اعضای آن در تعقیب مقاصد مذکور در ماده اول برطبق اصول زیر عمل خواهند کرد:

۱. سازمان بر مبنای اصل تساوی حاکمیت کلیه اعضای آن قرار دارد.
۲. کلیه اعضا به منظور تضمین حقوق و مزایای ناشی از عضویت، تعهداتی را که به موجب این منشور برعهده گرفته‌اند با حسن نیت انجام خواهند داد.
۳. کلیه اعضا اختلافات بین‌المللی خود را به وسایل مسالمت‌آمیز به طریقی که صلح و امنیت بین‌المللی و عدالت به خطر نیفتد، تصفیه خواهند کرد.
۴. کلیه اعضا در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استعمال آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری، یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مبادینت داشته باشد، خودداری خواهند نمود.
۵. کلیه اعضا در هر اقدامی که سازمان برطبق این منشور به عمل آورد به سازمان همه‌گونه مساعدت خواهند کرد و از کمک به هر کشوری که سازمان ملل متحد علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل می‌آورد، خودداری خواهند نمود.
۶. سازمان مراقبت خواهد کرد کشورهایی که عضو ملل متحد نیستند تا آنجا که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است برطبق این اصول عمل نمایند.
۷. هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور ملل متحد را مجاز نمی‌دارند در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضا را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

فصل دوم. عضویت

ماده ۳. اعضای اصلی ملل متحد کشورهایی هستند که در کنفرانس ملل متحد راجع به سازمان بین‌المللی در سانفرانسیسکو شرکت یا قبلاً اعلامیه ملل متحد مورخ اول ژانویه ۱۹۴۲ را امضا کرده باشند و این منشور را امضا، و برطبق ماده ۱۱۰ تصویب کنند.

ماده ۴. ۱. سایر کشورهای شیفته صلح که تعهدات مندرج در این منشور را بپذیرند و به نظر و تشخیص سازمان قادر و مایل به اجرای آن باشند، می‌توانند به عضویت ملل متحد درآیند.

۲. قبول هر کشوری که واجد شرایط مذکور باشد، به عضویت ملل متحد منوط به تصمیمی است که مجمع عمومی بنا بر توصیه شورای امنیت اتخاذ می‌کنند.

ماده ۵. هر عضو ملل متحد که از طرف شورای امنیت علیه آن اقدام احتیاطی یا قهری به عمل

آمده است ممکن است به وسیله مجمع عمومی و بنابر توصیه شورای امنیت از اعمال حقوق و مزایای عضویت معلق گردد. اعمال حقوق و مزایای مزبور ممکن است به وسیله شورای امنیت مجدداً برقرار شود.

ماده ۶. هر عضو ملل متحد که در تخطی از اصول مندرج در این منشور اصرار ورزد ممکن است به وسیله مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت از سازمان اخراج گردد.

فصل سوم. ارکان

ماده ۷. ۱. ارکان اصلی ملل متحد عبارت است از: مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، و دبیرخانه.
۲. ارکان فرعی که ضروری تشخیص داده شود ممکن است برطبق این منشور تأسیس گردد.

ماده ۸. سازمان ملل متحد برای تصدی هر شغلی به هر عنوان تحت شرایط مساوی در ارکان اصلی و فرعی خود هیچ‌گونه محدودیتی در استخدام مردان و زنان برقرار نخواهد کرد.

فصل چهارم. مجمع عمومی ترکیب

ماده ۹. ۱. مجمع عمومی مرکب از کلیه اعضای ملل متحد خواهد بود.
۲. هر عضو بیش از پنج نماینده در مجمع عمومی نخواهد داشت.

وظایف و اختیارات

ماده ۱۰. مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله یا امری را که در حدود این منشور و یا مربوط به اختیارات و وظایف هر یک از ارکان مقرر در این منشور باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مذکور در ماده ۱۲ ممکن است به اعضای سازمان ملل متحد یا به شورای امنیت و یا به هر دو درباره هر یک از این مسائل و امور توصیه‌هایی بنماید.

ماده ۱۱. ۱. مجمع عمومی می‌تواند اصول کلی همکاری برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از جمله اصول حاکم بر خلع سلاح و تنظیم تسلیحات را مورد رسیدگی قرار دهد و ممکن است در مورد اصول مذکور به اعضا و یا به شورای امنیت و یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید.

۲. مجمع عمومی می‌تواند هر مسئله مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را که توسط هر یک از اعضا یا شورای امنیت و یا برطبق بند دوم از ماده ۳۵ توسط کشوری که عضو ملل متحد نیست بدان رجوع شده باشد، مورد بحث قرار دهد و جز در مورد مقرر در ماده ۱۲ می‌تواند در مورد چنین مسائلی به کشور یا کشورهای مربوط یا به شورای امنیت یا به هر دو توصیه‌هایی بنماید.

هر مسئله‌ای از این قبیل که اقدام در مورد آن ضروری باشد توسط مجمع عمومی قبل یا بعد از بحث به شورای امنیت ارجاع خواهد گردید.

۳. مجمع عمومی می‌تواند توجه شورای امنیت را به وضعیتهایی که محتمل است صلح و امنیت بین‌المللی را به مخاطره اندازد، جلب کند.

۴. اختیارات مجمع عمومی که در این ماده ذکر شده است حد کلی شمول ماده ۱۰ را محدود نخواهد کرد.

ماده ۱۲. ۱. تا زمانی که شورای امنیت در مورد هر اختلاف یا وضعیت، در حال انجام وظایفی است که در این منشور بدان محول شده است مجمع عمومی در مورد آن اختلاف یا وضعیت هیچ‌گونه توصیه‌ای نخواهد کرد مگر اینکه شورای امنیت چنین تقاضایی بکند.

۲. دبیرکل ملل متحد با موافقت شورای امنیت مجمع عمومی را در هر دوره اجلاسیه از امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که در شورای امنیت مطرح است، مطلع خواهد ساخت و به همین نحو بلافاصله پس از ختم رسیدگی شورای امنیت نسبت به امور مربوطه، مراتب را به مجمع عمومی و در صورتی که مجمع عمومی در حال اجلاس نباشد، به اعضا اطلاع خواهد داد.

ماده ۱۳. ۱. مجمع عمومی نسبت به امور زیر موجبات انجام مطالعات و صدور توصیه‌هایی را فراهم می‌کند:

الف) ترویج همکاری بین‌المللی در امور سیاسی و تشویق توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل و تدوین آن.

ب) ترویج همکاری بین‌المللی در رشته‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، و بهداشتی و کمک به تحقق حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس، زبان و مذهب.

۲. سایر مسئولیتها، وظایف و اختیارات مجمع عمومی در مورد امور مذکور در شق «ب» بند یک این ماده، در فصول نهم و دهم بیان شده است.

ماده ۱۴. مجمع عمومی با رعایت مقررات ماده ۱۲ می‌تواند برای تصفیه مسالمت‌آمیز هر وضعیتی که به نظر می‌رسد احتمالاً به رفاه عمومی یا به روابط دوستانه بین ملل لطمه زند و منشأ آن هرچه باشد، از جمله وضعیتهایی که ناشی از نقض مقاصد و اصول ملل متحد به شرح مذکور در این منشور است اقداماتی را توصیه نماید.

ماده ۱۵. ۱. مجمع عمومی گزارشهای سالانه و گزارشهای مخصوص شورای امنیت را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد. گزارشهای مذکور شامل مشروح اقدامات و تصمیماتی خواهد بود که شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به عمل آورده یا اتخاذ کرده است.

۲. مجمع عمومی گزارشهای سایر ارکان ملل متحد را دریافت می‌کند و مورد بررسی قرار می‌دهد.
- ماده ۱۶. مجمع عمومی وظایفی را که تحت فصول ۱۲ و ۱۳ منشور بدان محول شده، از جمله تصویب قراردادهای قیمومیت مناطقی را که سوق الجیشی قلمداد نشده است با توجه به نظام قیمومیت بین‌المللی انجام خواهد داد.
- ماده ۱۷. ۱. مجمع عمومی بودجه سازمان را بررسی و تصویب خواهد کرد.
۲. مخارج سازمان برحسب تسهیم مقرر از طرف مجمع عمومی برعهده اعضا خواهد بود.
۳. مجمع عمومی هرگونه ترتیبات مالی و بودجه‌ای را که با مؤسسات تخصصی منظور در ماده ۵۷ داده شود، مورد بررسی و تصویب قرار خواهد داد و بودجه اداری مؤسسات مذکور را به منظور صدور توصیه به آنها بررسی خواهد نمود.

رأی

- ماده ۱۸. ۱. هر عضو مجمع عمومی دارای یک رأی خواهد بود.
۲. تصمیمات مجمع عمومی در مورد مسائل مهم با اکثریت دوسوم از اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد. موارد زیر از مسائل مهم محسوب می‌شود: توصیه‌های مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، انتخاب اعضای غیردائم شورای امنیت، انتخاب اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی، انتخاب اعضای شورای قیمومیت برطبق شق «ج» از بند یک ماده ۸۶، قبول اعضای جدید در سازمان ملل متحد، تعلیق حقوق و مزایای عضویت و اخراج اعضا، مسائل راجع به اجرای نظام قیمومیت و مسائل مربوط به بودجه.
۳. تصمیمات راجع به سایر مسائل از جمله تعیین انواع مسائل دیگری که اکثریت دوسوم باید در آنها رعایت شود، به اکثریت اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد گردید.
- ماده ۱۹. هر عضو ملل متحد که پرداخت سهمیه مالی آن به سازمان به تأخیر افتاده باشد، در صورتی که سهمیه عقب‌افتاده عضو مزبور معادل و یا بیشتر از مبلغ سهمیه مربوط برای دو سال قبل به‌طور کامل باشد، در مجمع عمومی حق رأی نخواهد داشت. مع‌ذالک اگر مجمع عمومی تشخیص دهد که قصور در پرداخت ناشی از شرایطی است که از حیطة اختیار عضو مزبور خارج است، می‌تواند به چنین عضوی اجازه دهد که در رأی شرکت کند.

آیین کار

- ماده ۲۰. مجمع عمومی منظمأ دوره‌های اجلاسیه سالانه و در صورت اقتضا اجلاسیه‌های فوق‌العاده خواهد داشت. اجلاسیه‌های فوق‌العاده به دعوت دبیرکل بنا به درخواست شورای

امنیت یا اکثریت اعضای ملل خواهد بود.

ماده ۲۱. مجمع عمومی آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌کند. مجمع مزبور برای هر دوره اجلاسیه رئیس خود را انتخاب می‌کند.

ماده ۲۲. مجمع عمومی برای اجرای وظایف خود می‌تواند آن‌گونه ارکان فرعی را که ضروری تشخیص می‌دهد، تأسیس نماید.

فصل پنجم. شورای امنیت

ترکیب

ماده ۲۳. ۱. شورای امنیت مرکب است از پانزده عضو سازمان ملل متحد. جمهوری چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بریتانیای کبیر، و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا اعضای دائم شورای امنیت هستند. مجمع عمومی ده عضو دیگر سازمان را بالاخص با توجه به شرکت اعضای سازمان ملل متحد در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و سایر هدفهای سازمان در درجه اول و همچنین با توجه به تقسیم عادلانه جغرافیایی به عنوان اعضای غیردائم شورای امنیت انتخاب می‌کند.

۲. اعضای غیردائم شورای امنیت برای یک دوره دو ساله انتخاب می‌شوند. مع‌ذالک در نخستین انتخاب اعضای غیردائم پس از افزایش عده اعضای شورای امنیت از یازده به پانزده، دو عضو از چهار عضو اضافه شده برای یک دوره یک ساله انتخاب می‌شوند.

عضوی که خارج می‌گردد بلافاصله قابل تجدید انتخاب نخواهد بود.

۳. هر عضو شورای امنیت یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

وظایف و اختیارات

ماده ۲۴. ۱. به منظور تأمین اقدام سریع و مؤثر از طرف ملل متحد، اعضای آن مسئولیت اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به شورای امنیت واگذار می‌نمایند و موافقت می‌کنند که شورای امنیت در اجرای وظایفی که به موجب این مسئولیت برعهده دارد، از طرف آنها اقدام کند.

۲. شورای امنیت در اجرای این وظایف برطبق مقاصد و اصول ملل متحد عمل می‌کند. اختیارات مخصوصی که برای انجام وظایف مذکور به شورای امنیت واگذار شده، در فصول ۶، ۷، ۸، و ۱۲ بیان شده است.

۳. شورای امنیت گزارشهای سالانه و در صورت اقتضا گزارشهای مخصوص برای بررسی به مجمع عمومی تقدیم می‌دارد.

ماده ۲۵. اعضای ملل متحد موافقت می‌نمایند که تصمیمات شورای امنیت را برطبق این

منشور قبول و اجرا کنند.

ماده ۲۶. به منظور کمک به استقرار و حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به وسیله به کار بردن تدابیری جهت صرف حداقل منابع انسانی و اقتصادی جهان برای تسلیحات، شورای امنیت مکلف است با کمک کمیته ستاد نظامی مذکور در ماده ۴۷ طرحهایی برای وضع اصول تنظیم تسلیحات تهیه و به اعضای ملل متحد تقدیم کند.

رأی

ماده ۲۷. ۱. هر عضو شورای امنیت دارای یک رأی است.

۲. تصمیمات شورای امنیت راجع به مسائل مربوط به آیین کار با رأی نه (۹) عضو اتخاذ می‌شود.

۳. تصمیمات شورای امنیت راجع به سایر مسائل با رأی مثبت نه (۹) عضو که شامل آرای تمام اعضای دائم باشد اتخاذ می‌گردد به این شرط که در مورد تصمیماتی که به موجب مندرجات فصل ششم و بند سوم از ماده ۵۲ اتخاذ می‌شود، طرف دعوی از دادن رأی خودداری نماید.

آیین کار

ماده ۲۸. ۱. شورای امنیت به نحوی تشکیل خواهد شد که بتواند دائماً قادر به انجام وظایف خود باشد و بدین منظور هر یک از اعضای شورای امنیت در کلیه اوقات نماینده‌ای در مقر سازمان خواهد داشت.

۲. شورای امنیت جلساتی به فواصل معین خواهد داشت و هر یک از اعضای شورا در صورتی که مایل باشد می‌تواند توسط یکی از اعضای دولت خود یا نماینده‌ای که مخصوصاً بدین منظور تعیین گردیده است، در آن جلسات شرکت جوید.

۳. شورای امنیت می‌تواند جلسات خود را در جاهایی غیر از مقر سازمان که برای تسهیل انجام وظایف خود مناسب بداند، تشکیل دهد.

ماده ۲۹. شورای امنیت می‌تواند آن‌گونه ارکان فرعی را که برای انجام وظایف خود لازم بداند تأسیس نماید.

ماده ۳۰. شورای امنیت آیین‌نامه داخلی خود را که از جمله مشتمل بر ترتیب انتخاب شورا باشد، تنظیم می‌کند.

ماده ۳۱. هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست می‌تواند بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به هر مسئله‌ای که در شورای امنیت مطرح است در هر مورد که شورای امنیت مسائل مزبور را در منافع آن عضو مخصوصاً مؤثر بداند شرکت کند.

ماده ۳۲. هر عضو ملل متحد که عضو شورای امنیت نیست یا هر کشوری که در ملل متحد عضویت ندارد، هرگاه طرف اختلافی باشد که در شورای امنیت تحت رسیدگی است دعوت خواهد شد که بدون حق رأی در مذاکرات مربوط به اختلاف مزبور شرکت کند. شورای امنیت شرایطی را که برای شرکت کشوری که عضو ملل متحد نیست عادلانه می‌داند، وضع خواهد کرد.

فصل ششم. تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات

ماده ۳۳. ۱. طرفین هر اختلاف که ادامه آن محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید قبل از هر چیز از طریق مذاکره، میانجی‌گری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به مؤسسات یا ترتیبات منطقه‌ای یا سایر وسایل مسالمت‌آمیز بنابه انتخاب خود راه‌حل آن را جستجو نمایند.

۲. شورای امنیت در صورت اقتضا از طرفین اختلاف خواهد خواست که اختلافات خود را به وسایل مزبور تصفیه کنند.

ماده ۳۴. شورای امنیت می‌تواند هر اختلاف یا وضعیتی را که ممکن است منجر به یک اصطکاک بین‌المللی شود یا اختلافی ایجاد کند مورد رسیدگی قرار دهد. بدین منظور که تعیین کند آیا محتمل است ادامه اختلاف یا وضعیت مزبور حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر بیندازد؟

ماده ۳۵. ۱. هر عضو ملل متحد می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به هر اختلاف یا وضعیتی از آن‌گونه که در ماده ۳۴ بدان اشاره شده است جلب کند.

۲. هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند توجه شورای امنیت یا مجمع عمومی را به اختلافی که خود در آن طرف می‌باشد، جلب نماید مشروط بر اینکه در مورد اختلاف مزبور قبلاً تعهدات مربوط به تصفیه مسالمت‌آمیز مقرر در این منشور را قبول نماید.

۳. اقدامات مجمع عمومی در خصوص اموری که به موجب این ماده توجه مجمع بدان معطوف می‌شود، تابع مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ است.

ماده ۳۶. ۱. شورای امنیت می‌تواند در هر مرحله از اختلافی از آن‌گونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است یا در هر وضعیت شبیه به آن، روش‌ها یا ترتیبات تصفیه مناسب توصیه نماید.

۲. شورای امنیت ملزم است روشهایی را که طرفین دعوی خود قبلاً برای تصفیه اختلاف قبول کرده‌اند مورد توجه قرار دهد.

۳. شورای امنیت در توصیه‌هایی که به موجب این ماده می‌کند باید همچنین در نظر داشته باشد که اختلافات قضایی باید به‌طور کلی توسط طرفین دعوی بر طبق مقررات اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری به دیوان مزبور رجوع شود.

ماده ۳۷. ۱. در صورتی که طرفهای اختلافی، از آن‌گونه که در ماده ۳۳ بدان اشاره شده است،

نتوانند آن را به وسایل مذکور در ماده مزبور تصفیه کنند باید آن را به شورای امنیت ارجاع نمایند.

۲. هرگاه شورای امنیت تشخیص دهد که دوام یک اختلاف در واقع محتمل است حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر اندازد باید تصمیم بگیرد که برطبق ماده ۳۶ عمل کند یا شرایطی را که برای تصفیه مناسب تشخیص می‌دهد، توصیه نماید.

ماده ۳۸. در صورتی که کلیه طرفهای هر اختلاف درخواست نمایند شورای امنیت می‌تواند به منظور حل مسالمت‌آمیز اختلاف مزبور به طرفهای اختلاف توصیه‌هایی بنماید، بدون اینکه به این ترتیب به مقررات مواد ۳۳ الی ۳۷ لطمه‌ای وارد آید.

فصل هفتم. اقدام در موارد تهدید علیه صلح - نقض صلح و اعمال تجاوز

ماده ۳۹. شورای امنیت وجود هرگونه تهدید علیه صلح، نقض صلح، یا عمل تجاوز را مورد توجه قرار می‌دهد و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی برطبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود.

ماده ۴۰. به منظور جلوگیری از وخامت وضعیت، شورای امنیت می‌تواند قبل از آنکه برطبق ماده ۳۹ توصیه‌هایی کند یا درباره اقداماتی که باید معمول شود تصمیم بگیرد، از طرفهای ذینفع بخواهد اقدامات موقتی را که شورای امنیت ضروری یا مطلوب تشخیص می‌دهد انجام دهند. اقدامات موقتی مذکور به حقوق یا ادعاها یا موقعیت طرفهای ذینفع لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. شورای امنیت تخلف در اجرای اقدامات موقتی را چنانکه باید و شاید در نظر خواهد گرفت.

ماده ۴۱. شورای امنیت می‌تواند تصمیم بگیرد که برای اجرای تصمیمات آن شورا مبادرت به چه اقداماتی که متضمن استعمال نیروی مسلح نباشد لازم است و می‌تواند از اعضای ملل متحد بخواهد که به این قبیل اقدامات مبادرت ورزند. این اقدامات ممکن است شامل متوقف ساختن تمام یا قسمتی از روابط اقتصادی و ارتباطات راه‌آهن، دریایی، هوایی، پستی، تلگرافی، رادیویی و سایر وسایل ارتباطی و قطع روابط سیاسی باشد.

ماده ۴۲. در صورتی که شورای امنیت تشخیص دهد که اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ کافی نخواهد بود یا ثابت شده باشد که کافی نیست می‌تواند به وسیله نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی به اقدامی که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی ضروری است مبادرت ورزد. این اقدام ممکن است مشتمل بر تظاهرات و محاصره و سایر عملیات نیروهای هوایی، دریایی یا زمینی اعضای ملل متحد باشد.

ماده ۴۳. ۱. کلیه اعضای ملل متحد به منظور شرکت در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی متعهد می‌شوند که نیروهای مسلح، کمک و تسهیلات من جمله حق عبور لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را بنا به درخواست شورای امنیت و برطبق موافقت‌نامه یا موافقت‌های خاص در

اختیار آن شورا قرار دهد.

۲. موافقت‌نامه یا موافقت‌های فوق تعداد و نوع نیروها، درجه آمادگی و قرارگاه عمومی آنها و نحوه تسهیلات و کمک‌هایی را که باید به عمل آید معین می‌نماید.

۳. مذاکرات مربوط به موافقت‌نامه یا موافقت‌های مزبور به ابتکار شورای امنیت هرچه زودتر صورت خواهد گرفت. این موافقت‌نامه‌ها بین شورای امنیت و اعضای شورای امنیت و گروه‌هایی از اعضا منعقد خواهد گردید و دولتهای امضاکننده باید آن را برطبق مقررات قوانین اساسی خود تصویب نمایند.

ماده ۴۴. هرگاه شورای امنیت تصمیم به استفاده از زور بگیرد قبل از آنکه از عضوی که در شورا نماینده ندارد درخواست تدارک نیروهای مسلح برای انجام تعهدات متقبله به موجب ماده ۴۳ بنماید، باید عضو مزبور را در صورت تمایل خود آن عضو به شرکت در تصمیمات شورای امنیت مربوط به استفاده از قسمتهایی از نیروهای مسلح آن عضو دعوت نماید.

ماده ۴۵. برای این که سازمان ملل متحد قادر به انجام اقدامات فوری نظامی باشد اعضاء باید قسمتهایی از نیروهای هوایی خود را به طوری که قابل استفاده فوری برای عملیات اجرایی دسته‌جمعی بین‌المللی باشد آماده نگاهدارند. مقدار و درجه آمادگی این قسمت‌ها و طرحهای عملیات دسته‌جمعی آنان در حدود مقرر در موافقت‌نامه یا موافقت‌نامه‌های ویژه اشاره شده در ماده ۴۳ توسط شورای امنیت و یا کمک کمیته ستاد نظامی تعیین خواهد شد.

ماده ۴۶. طرحهای استفاده از نیروی مسلح را شورای امنیت با کمک کمیته ستاد نظامی تنظیم می‌کند.

ماده ۴۷. ۱. برای راهنمایی و کمک به شورای امنیت درباره کلیه مسائل مربوط به نیازمندیهای نظامی شورای امنیت برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و همچنین برای به کارگرفتن فرماندهی نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده و نیز تنظیم تسلیحات و خلع سلاح احتمالی، یک کمیته ستاد نظامی تأسیس می‌شود.

۲. کمیته ستاد نظامی مرکب خواهد بود از رؤسای ستاد اعضای دائم شورای امنیت یا نمایندگان آنها. هرگاه حسن اجرای وظایف کمیته ستاد نظامی، شرکت عضوی از اعضای ملل متحد را که در کمیته نماینده دائم ندارد ایجاب نماید، آن عضو از طرف کمیته ستاد نظامی برای شرکت در کارها دعوت خواهد شد.

۳. کمیته ستاد نظامی تحت نظر شورای امنیت مسئول هدایت سوق‌الجیشی هر یک از نیروهای مسلحی که در اختیار شورا قرار داده شده خواهد بود. موضوعات مربوط به فرماندهی این‌گونه نیروها بعداً ترتیب داده خواهد شد.

۴. کمیته ستاد نظامی می‌تواند با اجازه شورای امنیت و پس از مشورت با سازمانهای منطقه‌ای مناسب کمیته‌های فرعی منطقه‌ای تأسیس نماید.

ماده ۴۸. ۱. برای اجرای تصمیمات شورای امنیت جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، همه یا بعضی از اعضای ملل متحد به تشخیص شورای امنیت اقدام لازم معمول خواهند داشت.

۲. اعضای ملل متحد مستقیماً و به وسیله اقدامات خود در سازمانهای بین‌المللی مربوط که عضو آن هستند تصمیمات مذکور را اجرا خواهند کرد.

ماده ۴۹. اعضای ملل متحد در دادن کمک متقابل به یکدیگر برای اجرای تصمیمات متخذه از طرف شورای امنیت تشریک مساعی خواهند کرد.

ماده ۵۰. هرگاه شورای امنیت اقدامات احتیاطی یا قهری علیه کشوری معمول دارد هر کشور دیگر که خود را مواجه با مشکلات اقتصادی خاص ناشی از اجرای آن اقدامات بیابد اعم از اینکه عضو ملل متحد باشد یا نه، حق خواهد داشت در مورد حل آن مشکلات با شورای امنیت مشورت نماید.

ماده ۵۱. در صورت وقوع حمله مسلحانه علیه یک عضو ملل متحد تا زمانی که شورای امنیت اقدامات لازم برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را به عمل آورد، هیچ یک از مقررات این منشور به حق ذاتی دفاع از خود، خواه به طور فردی و خواه دسته جمعی لطمه‌ای وارد نخواهد کرد. اعضا باید اقداماتی را که در اعمال این حق دفاع از خود به عمل می‌آورند فوراً به شورای امنیت گزارش دهند. این اقدامات به هیچ وجه در اختیار و مسئولیتی که شورای امنیت برطبق این منشور دارد و به موجب آن بر حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی در هر موقع که ضروری تشخیص دهد اقدام لازم به عمل خواهد آورد، تأثیری نخواهد داشت.

فصل هشتم. قراردادهای منطقه‌ای

ماده ۵۲. ۱. هیچ یک از مقررات این منشور مانع وجود موافقت‌نامه‌ها یا نهادهای منطقه‌ای برای انجام امور مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی که متناسب برای اقدامات منطقه‌ای باشد نیست مشروط بر اینکه این گونه قراردادهای یا نهادهای و فعالیتهای آنها با اهداف و اصول ملل متحد سازگار باشد.

۲. اعضای ملل متحد که چنین قراردادهایی را منعقد می‌نمایند یا چنین نهادهایی را تأسیس می‌کنند هرگونه کوششی را برای تصفیة مسالمت‌آمیز اختلافات محلی از طریق این قراردادها یا نهادهای منطقه‌ای قبل از مراجعه به شورای امنیت به کار خواهند برد.

۳. شورای امنیت توسعه حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات محلی را از طریق چنین قراردادهای یا نهادهای منطقه‌ای چه به ابتکار کشورهای ذینفع و چه با ارجاع از طرف شورای امنیت تشویق می‌نماید.

۴. این ماده به هیچ وجه لطمه‌ای به اجرای مواد ۳۴ و ۳۵ نخواهد زد.

ماده ۵۳. ۱. شورای امنیت در موارد مقتضی از چنین قراردادهای یا مؤسسات منطقه‌ای برای

عملیات اجرایی تحت اختیار خود استفاده خواهد کرد. ولی هیچ‌گونه عملیات اجرایی به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا توسط مؤسسات منطقه‌ای بدون اجازه شورای امنیت صورت نخواهد گرفت. اقداماتی که در اجرای ماده ۱۰۷ یا به موجب قراردادهای منطقه‌ای علیه هر کشور دشمن به شرحی که در بند دوم این ماده تعریف شده است - یا علیه تجدید سیاست تجاوزکارانه از طرف چنین کشوری انجام می‌شود، تا زمانی که سازمان ملل متحد بنابر درخواست کشورهای ذینفع مسئولیت جلوگیری از تجاوزات بیشتر چنین کشوری را برعهده گیرد، از این قاعده مستثنی است.

۲. عبارت «کشور دشمن» که در بند اول این ماده استعمال شده است شامل هر کشوری می‌شود که در طی جنگ جهانی دوم دشمن هر یک از امضاکنندگان این منشور بوده است. ماده ۵۴. فعالیت‌هایی که به موجب قراردادهای منطقه‌ای یا به وسیله مؤسسات منطقه‌ای برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی انجام می‌گیرد یا موردنظر است باید در همه مواقع به طور کامل به اطلاع شورای امنیت برسد.

فصل نهم. همکاری اقتصادی و اجتماعی بین‌المللی

ماده ۵۵. با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد:

الف) بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای همه و حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی.

ب) حل مسائل بین‌المللی اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزشی.

ج) احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنس و زبان یا مذهب.

ماده ۵۶. کلیه اعضا متعهد می‌شوند که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ در همکاری با سازمان ملل متحد اقدامات فردی یا دسته‌جمعی معمول دارند.

ماده ۵۷. ۱. مؤسسات تخصصی مختلف که به موجب موافقت‌نامه بین کشورها تأسیس و برطبق اساسنامه‌های خود در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر رشته‌های مرتبط دارای مسئولیتهای وسیع بین‌المللی می‌باشند، برطبق مقررات ماده ۶۳ وابسته به سازمان ملل متحد خواهند شد.

۲. مؤسساتی که این‌گونه وابسته به ملل متحد می‌شوند از این پس به عنوان مؤسسات تخصصی ذکر خواهند شد.

ماده ۵۸. سازمان برای هماهنگ کردن برنامه‌ها و فعالیتهای مؤسسات تخصصی توصیه‌هایی خواهد کرد.

ماده ۵۹. سازمان در صورت اقتضا موجبات مذاکرات بین کشورهای ذینفع را برای ایجاد هرگونه مؤسسات تخصصی جدیدی که برای نیل به مقاصد مذکور در ماده ۵۵ ضروری باشد، فراهم می‌کند.

ماده ۶۰. مسئولیت اجرای وظایف سازمان که در این فصل مقرر است برعهده مجمع عمومی و تحت نظر مجمع عمومی به عهده شورای اقتصادی و اجتماعی است که بدین منظور دارای اختیارات مذکور در فصل ۱۰ می‌باشد.

فصل دهم. شورای اقتصادی و اجتماعی

ماده ۶۱. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی مرکب از پنجاه و چهار عضو ملل متحد خواهد بود که توسط مجمع عمومی انتخاب می‌شوند.

۲. با رعایت مقررات بند سوم همه ساله هیجده (۱۸) عضو شورای اقتصادی و اجتماعی برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند. عضوی که خارج می‌گردد قابل انتخاب مجدد می‌باشد.

۳. در نخستین انتخاب پس از افزایش عده اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی از ۲۷ به ۵۴ علاوه بر اعضای که به جای نه (۹) عضوی که دوره خدمتشان پایان یافته انتخاب می‌شوند، ۲۷ عضو جدید انتخاب خواهند شد. دوره خدمت (۹) عضو از این ۲۷ عضو اضافی پس از یک سال و (۹) عضو دیگر در پایان سال دوم به نحوی که از طرف مجمع عمومی مقرر می‌شود خاتمه می‌یابد.

۴. هر عضو شورای اقتصادی و اجتماعی یک نماینده در آن شورا خواهد داشت.

وظایف و اختیارات

ماده ۶۲. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند مطالعات و گزارشهایی درباره مسائل بین‌المللی مربوط به امور اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، بهداشتی و سایر امور مربوطه انجام دهد یا تهیه نماید یا موجبات انجام یا تهیه آن را فراهم آورد و در مورد این‌گونه امور به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی مربوط توصیه‌هایی بکند.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند به منظور تشویق احترام واقعی به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه توصیه‌هایی کند.

۳. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند درخصوص اموری که در صلاحیت آن قرار دارد طرح مقاله‌نامه‌هایی برای تقدیم به مجمع عمومی تهیه کند.

۴. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند درخصوص مسائلی که در صلاحیت آن قرار

دارد کنفرانسهای بین‌المللی برطبق قواعد مقرر از طرف ملل متحد برگزار کند.

ماده ۶۳. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با هر یک از مؤسسات تخصصی مذکور در ماده ۵۷ قراردادهایی منعقد کند و شرایطی را که به موجب آن مؤسسه مربوطه وابسته به ملل متحد خواهد گردید، معین نماید. این‌گونه قراردادها باید به تصویب مجمع عمومی برسد.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند از طریق مشاوره با نهادهای تخصصی و توصیه به آنها و توصیه به مجمع عمومی و اعضای ملل متحد فعالیتهای مؤسسات تخصصی را هماهنگ سازد.

ماده ۶۴. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای به دست آوردن گزارشهای مرتب مؤسسات تخصصی اقدامات مقتضی به عمل آورد.

شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای به دست آوردن گزارشهایی درخصوص اقداماتی که برای اجرای توصیه‌های خود و توصیه‌هایی که توسط مجمع عمومی راجع به امور داخل در صلاحیت شورا به عمل آمده است با اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی ترتیباتی بدهد.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند ملاحظات خود را درباره این گزارشها به مجمع عمومی بفرستد.

ماده ۶۵. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند اطلاعاتی در اختیار شورای امنیت قرار دهد و به درخواست شورای امنیت به آن شورا کمک می‌کند.

ماده ۶۶. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی در اجرای توصیه‌های مجمع عمومی وظایفی را که داخل صلاحیت آن شورا است انجام می‌دهد.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند با تصویب مجمع عمومی خدماتی را که اعضای ملل متحد و مؤسسات تخصصی از آن شورا بخواهند انجام دهد.

۳. شورای اقتصادی و اجتماعی وظایف دیگری را که در قسمتهای دیگر این منشور به عهده آن واگذار شده است یا ممکن است توسط مجمع عمومی بدان محول شود انجام می‌دهد.

رأی

ماده ۶۷. ۱. هر عضو شورای اقتصادی و اجتماعی دارای یک رأی خواهد بود.

۲. تصمیمات شورای اقتصادی و اجتماعی با اکثریت آرای اعضای حاضر و رأی‌دهنده گرفته می‌شود.

آیین کار

ماده ۶۸. شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونهایی برای مسائل اقتصادی و اجتماعی و ترویج

حقوق بشر و همچنین هرگونه کمیسیونهای دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تأسیس می‌کند.

ماده ۶۹. شورای اقتصادی و اجتماعی از هر یک از اعضای ملل متحد برای شرکت در مذاکرات مربوط به هر موضوعی که آن عضو به نحو خاصی در آن ذینفع است دعوت خواهد کرد، بدون آنکه عضو مزبور حق رأی داشته باشد.

ماده ۷۰. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند ترتیباتی بدهد که نمایندگان مؤسسات تخصصی بدون حق رأی در مذاکرات شورا و کمیسیونهایی که توسط آن تأسیس می‌گردد و همچنین نمایندگان خود شورا در مذاکرات مؤسسات تخصصی شرکت جویند.

ماده ۷۱. شورای اقتصادی و اجتماعی می‌تواند برای مشاوره با سازمانهای غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند هرگونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید. این تدابیر ممکن است درباره سازمانهای بین‌المللی و لدی‌الاقتضا درباره سازمانهای ملی پس از مشورت با عضو ذینفع ملل متحد اعمال شود.

ماده ۷۲. ۱. شورای اقتصادی و اجتماعی آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید و در آن طرز انتخاب رئیس شورا را معین می‌کند.

۲. شورای اقتصادی و اجتماعی در مواقع لازم برطبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین‌نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

فصل یازدهم. اعلامیه راجع به سرزمینهای غیر خودمختار

ماده ۷۳. اعضای ملل متحد که مسئولیت اداره سرزمینهایی را که مردم آن هنوز به درجه کامل حکومت خودمختاری نایل نشده‌اند برعهده دارند یا به‌عهده می‌گیرند، اصل اولویت منافع سکنة این سرزمینها را به رسمیت می‌شناسند و تعهد پیشبرد رفاه سکنة این سرزمینها را به منتهی درجه و در حدود اصول مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی به شرح مقرر در این منشور به عنوان یک مأموریت مقدس قبول می‌کند و برای این منظور متقبل می‌شوند:

(الف) با توجه به فرهنگ سکنة مربوطه پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی آنان را تأمین نمایند. رفتارشان با سکنة مزبور عادلانه باشد و از آنان در مقابل اجحافات حمایت کنند.

(ب) حکومت خودمختاری را توسعه دهند و آمال سیاسی سکنة را رعایت کنند و برطبق اوضاع و احوال خاص هر سرزمین و مردم آن و بنابر مدارج مختلف پیشرفتشان آنان را در توسعه تدریجی مؤسسات سیاسی آزاد یاری کنند.

(پ) در تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی بکوشند.

ت) اقدامات سازنده توسعه‌ای را ترویج نمایند و به‌منظور آنکه عملاً به مقاصد اجتماعی، اقتصادی و علمی مذکور در این ماده نایل شوند پژوهشهای علمی را تشویق کنند و با یکدیگر در مواقع و موارد مقتضی با سازمانهای بین‌المللی تخصصی همکاری کنند.

ث) جز در مواردی که مقتضیات امنیت و ملاحظات ناشی از قوانین اساسی ایجاب کند آمار و سایر اطلاعاتی را که دارای جنبه فنی و مربوط به شرایط اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سرزمینهایی است که هر یک مسئول آن هستند، غیر از سرزمینهای مشمول مقررات فصول ۱۲ و ۱۳، جهت اطلاع مرتباً برای دبیرکل ملل متحد بفرستند.

ماده ۷۴. اعضای سازمان ملل متحد همچنین موافقت می‌کنند که خط مشی آنها چه در سرزمینهای مشمول مقررات این فصل و چه در قلمرو خاک اصلی خود آنها در امور اجتماعی، اقتصادی و تجارتی رعایت ملاحظات لازم از حیث منافع و رفاه سایر نقاط جهان براساس اصل کلی حسن همجواری استوار باشد.

فصل دوازدهم. نظام قیمومیت بین‌المللی

ماده ۷۵. سازمان ملل متحد تحت‌نظر خود یک نظام بین‌المللی قیمومیت برای اداره و سرپرستی سرزمینهایی که ممکن است به‌موجب موافقت‌نامه‌های خاص بعداً تحت اداره آن قرار گیرد برقرار می‌نماید. این سرزمینها از این پس به نام سرزمینهای تحت قیمومیت خوانده خواهد شد.

ماده ۷۶. هدفهای اساسی نظام قیمومیت برطبق مقاصد ملل متحد به شرح مندرج در ماده یک این منشور عبارت است از:

الف) تحکیم صلح و امنیت بین‌المللی

ب) کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنه سرزمینهای تحت قیمومیت و پیشرفت تدریجی آنان به سوی حکومت خودمختاری یا استقلال برحسب اقتضا با توجه به اوضاع و احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات مردم مزبور که به‌نحو آزادانه ابراز شده باشد و برطبق مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومیت پیش‌بینی شده باشد.

پ) تشویق احترام به حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و تشویق شناسایی این معنی که ملل جهان به یکدیگر نیازمند می‌باشند.

ت) تأمین رفتار یکسان در امور اجتماعی، اقتصادی و تجاری برای تمام اعضای ملل متحد و اتباع آنها و همچنین رفتار یکسان در اجرای عدالت برای اتباع مزبور بدون آنکه به حصول هدفهای مذکور خللی وارد شود و با رعایت مقررات ماده ۸۰.

ماده ۷۷. ۱. نظام قیمومیت شامل سرزمینهایی می‌شود که در ردیفهای ذیل قرار دارند و ممکن است به‌موجب قراردادهای قیمومیت تحت این نظام درآیند:

الف) سرزمینهایی که اکنون تحت وصایت هستند.

ب) سرزمینهایی که ممکن است در نتیجه جنگ جهانی دوم از کشورهای دشمن مجزا گردد.

۲. سرزمینهایی که به میل و اراده کشورهای مسئول اداره آنها تحت این نظام قرار داده شده شود.

۳. به موجب یک موافقت نامه بعدی تعیین خواهد شد که چه سرزمینهایی از ردیفهای سابق الذکر با چه شرایطی تحت نظام قیمومیت در خواهند آمد.

ماده ۷۸. نظام قیمومیت شامل سرزمینهایی نیست که به عضویت سازمان ملل متحد در آمده اند و روابط بین آنها براساس احترام به اصل تساوی حاکمیت می باشد.

ماده ۷۹. شرایط قیمومیت برای هر سرزمینی که تحت نظام قیمومیت قرار می گیرد و همچنین تغییر و اصلاح شرایط مذکور موضوع موافقت نامه های منعقد بین کشورهای که مستقیماً ذینفع هستند، از جمله کشورهای وصی در مورد سرزمینهای تحت وصایت یکی از اعضای ملل متحد خواهد بود و به ترتیب مقرر در مواد ۸۲ و ۸۵ به تصویب خواهد رسید.

ماده ۸۰. ۱. به استثنای آنچه در هر یک از قراردادهای خاص قیمومیت که برطبق مواد ۷۷ و ۷۹ و ۸۱ منعقد می شود و سرزمینی را تحت نظام قیمومیت در می آورد ممکن است مورد موافقت قرار گیرد و تا زمان انعقاد چنین قراردادهایی هیچ یک از مقررات این فصل نباید طوری تعبیر شود که مستقیماً یا به طور غیرمستقیم به نحوی در حقوق هیچ کشوری یا مردمی یا در مقررات اسناد موجود بین المللی که اعضای ملل متحد ممکن است طرف آن باشند تغییری بدهد.

۲. بند اول این ماده نباید طوری تفسیر گردد که موجبات تأخیر و تعویق مذاکره و عقد قراردادهای ناظر به تحت نظام قیمومیت قراردادن سرزمینهای تحت وصایت و سایر سرزمینها را به شرح مقرر در ماده ۷۷ فراهم کند.

ماده ۸۱. قرارداد قیمومیت در هر مورد شامل شرایطی خواهد بود که برطبق آن سرزمین تحت قیمومیت اداره خواهد شد و مقامی را که اداره سرزمین تحت قیمومیت به عهده خواهد داشت تعیین می نماید. این مقام که از این پس مقام اداره کننده نامیده می شود ممکن است یک یا چند دولت یا خود سازمان باشد.

ماده ۸۲. در هر قرارداد قیمومیت ممکن است یک یا چند منطقه سوق الجیشی تعیین شود که شامل تمام یا قسمتی از سرزمین تحت قیمومیت موضوع آن قرارداد باشد بدون اینکه به قرارداد یا قراردادهای خاص منعقد در اجرای ماده ۴۳ لطمه ای وارد شود.

ماده ۸۳. ۱. کلیه وظایف ملل متحد مربوط به مناطق سوق الجیشی از جمله تصویب شرایط قرارداد قیمومیت و تغییر و اصلاح احتمالی آن توسط شورای امنیت انجام می شود.

۲. هدفهای اساسی مذکور در ماده ۷۶ درباره مردم هر منطقه سوق الجیشی لازم الراعیه

خواهد بود.

۳. شورای امنیت با رعایت قراردادهای قیمومیت و بدون اینکه به مقتضیات امنیت لطمه‌ای وارد آید در اجرای وظایفی که ملل متحد برطبق نظام قیمومیت در امور سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مناطق سوق‌الجیشی عهده‌دار است از کمکهای شورای قیمومیت استفاده خواهد کرد.

ماده ۸۴. مقام اداره‌کننده مکلف است مراقبت نماید که سرزمین تحت قیمومیت سهم خود را در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ایفا نماید. به این منظور مقام اداره‌کننده ممکن است در اجرای تعهداتی که در مقابل شورای امنیت برعهده گرفته است و همچنین برای دفاع محلی و حفظ نظم و قانون در داخل سرزمین تحت قیمومیت استفاده نماید.

ماده ۸۵. ۱. وظایف ملل متحد در مورد قراردادهای قیمومیت کلیه مناطقی که سوق‌الجیشی قلمداد نشده‌اند من جمله تصویب شرایط قرارداد قیمومیت و تغییر و اصلاح آن توسط مجمع عمومی انجام می‌شود.

۲. شورای قیمومیت که تحت نظر مجمع عمومی عمل می‌نماید در اجرای این وظایف به مجمع عمومی کمک خواهد کرد.

فصل سیزدهم. شورای قیمومیت

ترکیب

ماده ۸۶. ۱. شورای قیمومیت مرکب از اعضای ملل متحد به شرح مذکور در ذیل خواهد بود.

الف) اعضای اداره‌کننده سرزمینهای تحت قیمومیت؛

ب) آن عده از اعضای که نامشان در ماده ۲۳ ذکر شده و اداره سرزمین تحت قیمومیتی را عهده‌دار نیستند؛

پ) اعضای دیگری که به تعداد لازم از طرف مجمع عمومی برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شوند، به تعدادی که لازم است، برای اینکه مجموع عده اعضای شورای قیمومیت به طور تساوی بین اعضای اداره‌کننده سرزمینهای تحت قیمومیت و سایر اعضا تقسیم گردد.

۲. هر یک از اعضای شورای قیمومیت شخص واجد صلاحیت خاصی را به سمت نماینده خود در شورای قیمومیت تعیین می‌نماید.

وظایف و اختیارات

ماده ۸۷. مجمع عمومی و تحت نظر آن، شورای قیمومیت در انجام وظایف خود می‌توانند:

الف) گزارشهایی را که مقام اداره‌کننده تسلیم می‌دارد مورد بررسی قرار دهند.

ب) شکایات را قبول و آنها را با مشورت مقام اداره‌کننده رسیدگی نمایند.

پ) ترتیبی دهند که از سرزمینهای تحت قیمومیت در اوقاتی که مورد موافقت مقام اداره‌کننده مربوط است متناوباً بازدید به عمل آید.

ت) این اقدامات و اقدامات دیگر را برطبق شرایط قرارداد قیمومیت انجام دهند.

ماده ۸۸. شورای قیمومیت پرسشنامه‌ای درباره پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی سکنة هر سرزمین تحت قیمومیت تهیه خواهد کرد و مقام اداره‌کننده هر سرزمین تحت قیمومیت داخل در صلاحیت مجمع عمومی براساس پرسشنامه‌ای از نوع مذکور گزارش سالانه به مجمع عمومی تقدیم خواهد کرد.

رأی

ماده ۸۹. ۱. هر عضو شورای قیمومیت دارای یک رأی خواهد بود.

۲. تصمیمات شورای قیمومیت با رأی اکثریت اعضای حاضر و رأی‌دهنده اتخاذ خواهد شد.

آیین کار

ماده ۹۰. ۱. شورای قیمومیت آیین‌نامه داخلی خود را تنظیم می‌نماید که ضمن آن ترتیب انتخاب رئیس شورا تعیین می‌شود.

۲. شورای قیمومیت برحسب ضرورت برطبق آیین‌نامه داخلی خود تشکیل جلسه می‌دهد. آیین‌نامه مزبور شامل مقررات مربوط به تشکیل جلسات به درخواست اکثریت اعضای شورا خواهد بود.

ماده ۹۱. شورای قیمومیت در صورت اقتضاء از کمک شورای اقتصادی و اجتماعی و مؤسسات تخصصی در مورد اموری که مربوط به هر یک از آنهاست استفاده خواهد کرد.

فصل چهاردهم. دیوان بین‌المللی دادگستری

ماده ۹۲. دیوان بین‌المللی دادگستری رکن قضایی اصلی ملل متحد خواهد بود. دیوان مزبور برطبق اساسنامه پیوست که بر مبنای اساسنامه دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تنظیم شده و جزء لاینفک این منشور است انجام وظیفه می‌کند.

ماده ۹۳. ۱. تمام اعضای ملل متحد به خودی خود قبول‌کنندگان اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری هستند.

۲. هر کشوری که عضو ملل متحد نیست می‌تواند با قبول شرایطی که در هر مورد برحسب توصیه شورای امنیت توسط مجمع عمومی معین می‌شود اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری را قبول کند.

ماده ۹۴. ۱. هر عضو ملل متحد متعهد است در هر دعوایی که او طرف آن است از تصمیم دیوان تبعیت کند.

۲. هرگاه طرف دعوایی از انجام تعهداتی که برحسب رأی دیوان برعهده او گذارده شده است تخلف کند طرف دیگر می تواند به شورای امنیت رجوع نماید و شورای مزبور ممکن است در صورتی که ضروری تشخیص دهد توصیه هایی بکند یا برای اجرای رأی دیوان تصمیم به اقداماتی بگیرد.

ماده ۹۵. هیچ یک از مقررات این منشور مانع اعضای ملل متحد نخواهد شد که حل اختلافات خود را به موجب قراردادهای موجود یا قراردادهایی که در آینده منعقد خواهد گردید به سایر دادگاهها واگذار نمایند.

ماده ۹۶. ۱. مجمع عمومی یا شورای امنیت می توانند درباره هر مسأله حقوقی از دیوان بین المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی کنند.

۲. سایر ارکان ملل متحد و مؤسسات تخصصی که ممکن است احياناً چنین اجازه ای از مجمع عمومی تحصیل کرده باشند نیز می توانند نظر مشورتی دادگاه را در مورد مسائل حقوقی مطروحه در حدود فعالیتهایشان بخواهند.

فصل پانزدهم. دبیرخانه

ماده ۹۷. دبیرخانه مرکب خواهد بود از یک دبیرکل و کارمندان مورد احتیاج سازمان. دبیرکل توسط مجمع عمومی بنابر توصیه شورای امنیت تعیین می شود. دبیرکل عالترین مقام اداری سازمان است.

ماده ۹۸. دبیرکل در این سمت در تمام جلسات مجمع عمومی، شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومیت انجام وظیفه خواهد کرد و کلیه وظایف دیگری را که ارکان مذکور به او محول نمایند انجام خواهد داد. دبیرکل گزارش سالانه ای درباره کار سازمان به مجمع عمومی خواهد داد.

ماده ۹۹. دبیرکل می تواند نظر شورای امنیت را به هر موضوعی که به عقیده او ممکن است حفظ صلح و امنیت بین المللی را تهدید نماید جلب کند.

ماده ۱۰۰. ۱. دبیرکل و کارمندان ملل متحد در انجام وظایف خود از هیچ دولت یا مقام خارج از سازمان کسب دستور نخواهند کرد و دستوراتی نخواهند پذیرفت. آنان فقط مسئول سازمان هستند و از هر عملی که منافی موقعیتشان به عنوان مأمورین رسمی بین المللی باشد خودداری خواهند کرد.

۲. هر عضو ملل متحد متعهد می شود که جنبه منحصرأ بین المللی مسئولیتهای دبیرکل و کارمندان سازمان را محترم شمارد و درصدد برنیاید که آنان را در اجرای وظایفشان تحت نفوذ

قرار دهد.

ماده ۱۰۱. ۱. کارمندان سازمان به وسیله دبیرکل بر طبق مقرراتی که توسط مجمع عمومی وضع می گردد انتخاب می شوند.

۲. کارمندان مناسبی به طور دائم به شورای اقتصادی و اجتماعی، شورای قیمومیت و در صورت لزوم به سایر ارکان ملل متحد تخصیص داده خواهند شد. این کارمندان قسمتی از دبیرخانه را تشکیل خواهند داد.

۳. در استخدام کارمندان و تعیین شرایط خدمت آنان منظوری که بیش از هر چیز ملحوظ خواهد شد تأمین عالترین درجه کارایی و صلاحیت و درستی می باشد. به اهمیت استخدام کارمندان براساس تقسیمات جغرافیایی هرچه وسیعتر توجه لازم مبذول خواهد گردید.

فصل شانزدهم. مقررات مختلفه

ماده ۱۰۲. هر عهدنامه و هر موافقت نامه بین المللی که پس از لازم الاجرا شدن این منشور توسط هر یک از اعضای ملل متحد منعقد شود باید هرچه زودتر در دبیرخانه ثبت و توسط آن منتشر گردد.

۲. هیچ یک از طرفهای هر عهدنامه یا موافقت نامه بین المللی که بر طبق مقررات بند اول این ماده به ثبت نرسیده باشد نمی توانند در مقابل ارکان ملل متحد به آن عهدنامه یا موافقت نامه استناد جویند.

ماده ۱۰۳. در صورت تعارض بین تعهدات اعضای ملل متحد به موجب این منشور و تعهدات آنها بر طبق هر موافقت نامه بین المللی دیگر تعهدات آنها به موجب این منشور مقدم خواهد بود. ماده ۱۰۴. سازمان در خاک هر یک از اعضا از اهلیت حقوقی که برای انجام وظایف و رسیدن به مقاصد آن ضروری است متمتع می گردد.

ماده ۱۰۵. ۱. سازمان در خاک هر یک از اعضای خود از امتیازات و مصونیهایی که برای رسیدن به مقاصد آن ضروری است برخوردار خواهد بود.

۲. نمایندگان اعضای ملل متحد و مأمورین سازمان نیز به همین نحو از امتیازات و مصونیهایی لازم برای اینکه بتوانند وظایفشان را که مربوط به سازمان است مستقلاً انجام دهند برخوردار خواهند بود.

۳. مجمع عمومی می تواند برای تعیین جزئیات اجرای بندهای اول و دوم این ماده توصیه هایی بنماید یا مقاوله نامه هایی بدین منظور به اعضا پیشنهاد کند.

فصل هفدهم. ترتیبات موقتی راجع به امنیت

ماده ۱۰۶. تا زمان لازم الاجرا شدن قراردادهای خاص مذکور در ماده ۴۳ که شورای امنیت به

تشخیص خود قادر باشد شروع به عهده‌دار شدن مسئولیتهای مذکور در ماده ۴۲ بنماید؛ امضاکنندگان «اعلامیه چهار ملت»، که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۳ در مسکو به امضا رسید، و فرانسه برطبق مقررات بند پنجم اعلامیه مذکور به منظور اقدام مشترک به نام ملل متحد به هر عملی که برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی ضروری باشد با یکدیگر و در صورت لزوم با سایر اعضای ملل متحد مشورت و توافق خواهند کرد.

ماده ۱۰۷. هیچ یک از مقررات این منشور به هر اقدامی که دربارهٔ کشوری که طی جنگ جهانی دوم دشمن یکی از امضاکنندگان این منشور بوده، توسط حکومت‌های مسئول آن اقدام بر اثر این جنگ اتخاذ یا تجویز شده خللی وارد نمی‌کند یا مانع انجام آن نمی‌شود.

فصل هیجدهم. اصلاحات

ماده ۱۰۸. اصلاحاتی که در این منشور به عمل می‌آید زمانی برای تمام اعضای ملل متحد لازم‌الاجرا خواهد شد که به موجب رأی دوسوم اعضای مجمع عمومی مورد قبول قرار گیرد و توسط دوسوم ملل متحد که شامل کلیهٔ اعضای دائم شورای امنیت باشد برطبق قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

ماده ۱۰۹. ۱. به منظور تجدیدنظر در این منشور ممکن است در تاریخ و محلی که با آرای دوسوم از اعضای مجمع عمومی و آرای نه عضو شورای امنیت معین خواهد شد، یک کنفرانس عمومی از اعضای ملل متحد تشکیل گردد. در کنفرانس مزبور هر عضو ملل متحد یک رأی خواهد داشت.

۲. هر تغییری در این منشور که به موجب آرای دوسوم از اعضای کنفرانس توصیه شده باشد زمانی لازم‌الاجرا خواهد گردید که توسط دوسوم از اعضای ملل متحد که شامل تمام اعضای دائم شورای امنیت باشد برطبق مقررات قوانین اساسی آنها به تصویب رسیده باشد.

۳. هرگاه یک چنین کنفرانسی قبل از دهمین دورهٔ اجلاس سالانهٔ مجمع عمومی پس از لازم‌الاجرا شدن این منشور تشکیل نشده باشد، پیشنهاد دعوت این کنفرانس باید در دستور جلسه دورهٔ اجلاس مذکور مجمع عمومی قرار گیرد و در صورتی که مجمع عمومی با اکثریت آرا و شورای امنیت با هفت رأی موافق تصمیم به تشکیل آن بگیرد، کنفرانس مزبور تشکیل خواهد شد.

فصل نوزدهم. تصویب و امضاء

ماده ۱۱۰. ۱. این منشور به وسیلهٔ کشورهای امضاکننده برطبق قواعد قانون اساسی هر یک از آنها به تصویب خواهد رسید.

۲. اسناد تصویب باید به دولت ایالات متحدهٔ آمریکا تسلیم گردد و دولت مذکور کلیهٔ

کشورهای امضاکننده و دبیرکل را وقتی که انتخاب شد از وصول هر سند تصویبی مطلع خواهد ساخت.

۳. این منشور پس از آن که اسناد تصویب آن را جمهوری چین، فرانسه، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، دولت بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی و ایالات متحده آمریکا و اکثریت سایر کشورهای امضاکننده تسلیم کردند، لازم‌الاجرا خواهد شد. صورت مجلسی از اسناد تصویب که تسلیم شده است توسط دولت ایالات متحده آمریکا تنظیم و نسخ آن برای کلیه کشورهای امضاکننده فرستاده خواهد شد.

۴. کشورهای امضاکننده این منشور که آن را پس از لازم‌الاجرا شدن تصویب نمایند از تاریخ تسلیم سند تصویب خود از اعضای اصلی ملل متحد خواهند شد.

ماده ۱۱۱. این منشور که متنهای چینی، فرانسوی، روسی، انگلیسی و اسپانیایی آن دارای اعتبار مساوی است در بایگانی دولت ایالات متحده آمریکا تودیع شده و رونوشت مصدق آن به موقع توسط دولت مزبور برای دولتهای سایر کشورهای امضاکننده فرستاده خواهد شد.

بنابه مراتب مذکور نمایندگان دولتهای ملل متحد این منشور را امضا نمودند، در شهر سانفرانسیسکو در روز بیست و ششم ژوئن یکهزار و نهصد و چهل و پنج به امضا رسید.

پاسخ خودآزماییها

بخش اول

- | | |
|-------------------------|-----------------|
| ۱. صفحه ۳ پاراگراف آخر | ۲. صفحه ۳ |
| ۳. ب | ۴. ب |
| ۵. صفحه ۴ و ۵ | ۶. صفحه ۶ و ۷ |
| ۷. صفحه ۸ پاراگراف آخر | ۸. صفحه ۹ تا ۱۴ |
| ۹. صفحه ۱۴ پاراگراف آخر | ۱۰. ب |

پاسخ خودآزماییهای فصل اول بخش دوم

فصل اول بخش دوم

- | | |
|----------------------|------------------|
| ۱. صفحه ۲۵ | ۲. صفحه ۲۷ تا ۳۳ |
| ۳. صفحه ۳۰ | ۴. گزینه ب |
| ۵. صفحه ۳۵ | ۶. گزینه ب |
| ۷. صفحه ۳۷ و صفحه ۳۸ | ۸. گزینه الف |

پاسخ خودآزماییهای بخش دوم

فصل دوم بخش دوم

- | | |
|------------------------|-------------------------|
| ۱. صفحه ۵۶ پاراگراف ۳ | ۲. صفحه ۵۷ پاراگراف آخر |
| ۳. صفحه ۶۲ تا ۹۶ | ۴. گزینه ب |
| ۵. گزینه الف | ۶. صفحه ۹۳ و ۹۴ |
| ۷. صفحه ۹۷ و صفحه ۹۸ | ۸. صفحه ۹۹ |
| ۹. صفحه ۱۰۳ پاراگراف ۳ | ۱۰. صفحه ۱۱۰ پاراگراف ۵ |

پاسخ خودآزماییهای فصل اول بخش سوم

فصل اول بخش سوم

- | | |
|-------------------------------------|-------------------|
| ۱. صفحه ۱۲۹ پاراگراف آخر و صفحه ۱۳۰ | ۲. صفحه ۱۲۹ |
| ۳. صفحه ۱۳۲ | ۴. صفحه ۱۳۶ |
| ۵. صفحه ۱۳۷ پاراگراف ۲ | ۶. صفحه ۱۳۹ و ۱۰۴ |

پاسخ خودآزماییهای فصل دوم بخش سوم

فصل دوم بخش سوم

- | | |
|--------------------|-------------------|
| ۱. صفحه ۱۴۶ تا ۱۴۸ | ۲. صفحه ۱۵۲ و ۱۵۳ |
|--------------------|-------------------|

- | | |
|-------------------------------------|-----------------------------------|
| ۳. صفحه ۱۵۷ پاراگراف ۱ | ۴. صفحه ۱۵۸ پاراگراف ۵ |
| ۵. صفحه ۱۶۰ پاراگراف آخر و صفحه ۱۶۱ | ۶. صفحه ۱۶۳ و صفحه ۱۶۴ پاراگراف ۳ |
| ۷. صفحه ۱۶۸ و ۱۶۹ | ۸. صفحه ۱۷۰ و ۱۷۱ |
| ۹. صفحه ۱۷۶ و ۱۷۷ | ۱۰. صفحه ۱۷۷ و ۱۷۸ |
| ۱۱. صفحه ۱۷۹ و تا ۱۸۳ | ۱۲. صفحه ۱۸۱ |

کتابنامه

الف) منابع فارسی

۱. آقایی، سید داود. نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی، تهران: پیک فرهنگ، ۱۳۷۵.
۲. احمدی، محمدرضا. سازمان وحدت آفرین، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
۳. اسخومرز هنری ج. «سازمانهای بین المللی»، ترجمه علی قاسمی، فصلنامه دیدگاههای حقوقی، سال اول، شماره دوم و سوم.
۴. الهی، همایون. خلیج فارس و مسائل آن، تهران: قومس، ۱۳۶۹.
۵. اندرازار، «اکو و سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه سیاست خارجی، سال یازدهم، ش ۳، پاییز ۷۶.
۶. باوت، دی. و. حقوق نهادهای بین المللی، ترجمه هومن اعرابی، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۳.
۷. بیگدلی، محمدرضا. حقوق بین الملل عمومی، تهران: نشر رشیدیه، ۱۳۶۳.
۸. راهنمای سازمان ملل. ترجمه علی میرسعید قاضی، تهران: مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۶.
۹. سازمان کنفرانس اسلامی / اداره مجامع اسلامی، منطقه ای و غیر متعهدها. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.
۱۰. شناسنامه سازمانهای بین المللی. جلد اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۶۲.
۱۱. فلسفی، هدایتا.... «شورای امنیت و صلح جهانی» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۸، ۱۳۶۹.
۱۲. قواعد آیین کار و هیأت تجاری و توسعه، ترجمه مسعود طارم سری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۰.
۱۳. عبدالرشیدی، علی اکبر. جنبش عدم تعهد از آغاز تا ۱۹۸۵. تهران: سروش، ۱۳۶۷.
۱۴. مصفا، نسرين. راهنمای سازمان ملل متحد، ج سوم، تهران: نشر دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، ۱۳۷۴.
۱۵. مقتدر، هوشنگ. تحولات سازمان ملل متحد، تهران: انتشارات دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۰.
۱۶. موسی زاده، رضا. حقوق سازمانهای بین المللی، تهران: نشر پاژنگ، ۱۳۷۵.
۱۷. میرعباسی، سیدباقر. سازمانهای بین المللی، جزوه درسی. دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
۱۸. نیاکی، جعفر. حقوق سازمانهای بین المللی، ج اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴.
۱۹. ویر، آلبرشت. تاریخچه سازمانهای اقتصادی بین المللی، ترجمه طهماسب محتشم دولتشاهی، تهران: نشر چاپار فرزندگان، ۱۳۷۰.

ب) منابع انگلیسی

- Dookingaer, Michael. *The Role of the UN in the New World Order*, (New York: Unitar Publications, 1991).
- The Europa Year Book 1997*. Vol. 1 (England: Europar Year Book Ltd, 1997).
- Ghali Boutros, Boutros. *An Agenda for Peace*, Report of Secretary - general to the Security council (17 June 1992).
- Glahn Gerhard Von. *Law among Nations*, (Massachusetts: Simon and Schuster, 1996).

- Goodrich M., *The UN in a changing World*, (New York: Butter Wothes, 1975).
- Goodspeed Stephans. *The Nature and Function of International Organization* (New York: Oxford University Press, 1963).
- Kirgis Fredrich L. *International Organizations in Their Legal Settings*, (st.paul, Minn: West Publishing , 1991).
- Rosenau N.James. *The United Nations in a Turbulent World* (London: Lynner \ Enner, 1992).
- Stanley Richard H. *The Role and Compositior of the Security Council* (New York: Stanley Foundation, 1993).
- United Nations Year Book 1975. (N.Y.: Department of Publications, 1979).
- United Nations Year Book 1980. (N.Y.: Department of Publications, 1984).
- Zimmern Alfred. *The League of Nations and the Rule of Law* (London: Macmillan and Co., 1938).

واژه‌نامه

International Atomic Energy Agency (IAEA)	آژانس بین‌المللی انرژی اتمی
United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)	آنکتاد
Uniting for Peace Resolution	اتحاد برای صلح
International Tele communication Union (ITU)	اتحادیه بین‌المللی مخابرات از راه دور
Universal Postal Union (UPU)	اتحادیه پستی جهانی
League Arab States	اتحادیه دولتهای عربی (اتحادیه عرب)
Arab League (AL)	اتحادیه عرب
Association of South East Asian Nations (ASEAN)	انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا
International Bank for Reconstruction and Development (IBRD)	بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه
World Bank (WB)	بانک جهانی
World Food Programme (WFP)	برنامه جهانی غذا
United Nations Development Programme (UNDP)	برنامه عمران ملل متحد
United Nations Environment Programme (UNEP)	برنامه محیط زیست ملل متحد
aggression	تجاوز
threat of peace	تهدید صلح
League of Nations	جامعه ملل
the right of veto	حق و تو
Opec New Agency (OPENA)	خبرگزاری اوپک (اوپکنا)
legitimate defence	دفاع مشروع
International Court of Justice (ICJ)	دیوان بین‌المللی دادگستری
Permanent Court of International Justice	دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی
World Health Organization (WHO)	سازمان بهداشت جهانی
Inter Governmental Organizations	سازمانهای بین‌الدولی
International Maritime Organization (IMO)	سازمان بین‌المللی دریانوردی

International Labour Organization (ILO)	سازمان بین‌المللی کار (ایلو)
	سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری (ایکائو)
International Civil Aviation Organization (ICAO)	
North Atlantic Treaty Organization (NATO)	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
International trade Organization (ITO)	سازمان تجارت بین‌المللی
	سازمان تربیتی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)
United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)	
	سازمان توسعه صنعتی ملل متحد
United Nations Industrial Development Organization (UNIDO)	
World Intellectual Property Organization (WIPO)	سازمان جهانی مالکیت معنوی
Food and Agricultural Organization (FAO)	سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو)
Organization of American States	سازمان دولتهای آمریکایی
	سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)
Organization of the Petroleum Exporting Countries (OPEC)	
Organization of the Islamic Conference (OIC)	سازمان کنفرانس اسلامی
Organization of African Unity (OAU)	سازمان وحدت آفریقا
Non-Governmental Organization	سازمانهای غیردولتی
Economic Cooperation Organization (ECO)	سازمان همکاری اقتصادی (اكو)
World Meteorological Organization (WMO)	سازمان هواشناسی جهانی
Economic and Social Council (ECOSOC)	شورای اقتصادی و اجتماعی (ملل متحد)
Security Council	شورای امنیت
Permanent Mandate Council	شورای دائمی قیمومیت
North Atlantic Co-operation Council (NACC)	شورای همکاری آتلانتیک شمالی
Gulf Co-operation Council (GCC)	شورای همکاری خلیج فارس
	شورای همکاری دولتهای عربی خلیج فارس
Co-operation Council for the Arab States of the Gulf	
explicit competence	صلاحیت تصریح شده (نظریه)
implicit competence	صلاحیت ضمنی (نظریه)
International Monetary Fund (IMF)	صندوق بین‌المللی پول
International Fund for Agricultural Development (IFAD)	صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی
United Nations Population Fund	صندوق جمعیت ملل متحد
United Nations Children's Emergency Fund (UNICEF)	صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف)
structural weakness	ضعف ساختاری
political weakness	ضعف سیاسی

constitution weakness	ضعف قانونی
idealistic	فکر آرمان جویی
Compromise	قرارداد خاص
کمیساری عالی ملل متحد برای پناهندگان	
United Nations High Commissioner Refugees (UNHCR)	
Economic Commission for Europe	کمیسیون اقتصادی اروپا
کمیسیون اقتصادی آسیا - اقیانوس آرام (اسکاپ)	
Economic and Social Commission for Asia and the Pacific (ESCAP)	
International Law Commission (ILC)	کمیسیون حقوق بین‌الملل
کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد)	
United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD)	
General Assembly	مجمع عمومی
personal invidubility	مصونیت از تعرض
covenant	میثاق
breach of the peace	نقض صلح
Asia-Pacific Economic Co-operation (APEC)	همکاری اقتصادی آسیا - پاسیفیک (آپک)



دانشگاه پیام نور ۸۵۶
گروه حقوق (۷/آ)